

دو فصلنامه پژوهش های

اقتصاد مقاومتی

سال اول / شماره اول
بهار و تابستان ۱۳۹۵

صاحب امتیاز: انجمن اقتصاد اسلامی حوزه علمیه

مدیرمسئول: سیدحسین میرمعزی سردبیر: سعید فراهانی فرد

دبیر تحریریه و مدیر اجرایی: مجتبی غفاری مترجم انگلیسی: محسن رنجبر

ویراستار: حیدر فروزان صفحه‌پردازی: حسن مومن‌آبادی

آدرس: قم، بلوار جمهوری اسلامی، کوچه ۲،

ساختمان انجمن‌های علمی حوزه علمیه، انجمن اقتصاد اسلامی حوزه

تلفن: (۰۲۵)۳۲۹۲۳۲۸۸

نمابر: (۰۲۵)۳۲۹۱۶۴۰۲

کد پستی: ۳۷۱۶۶۸۵۷۴۶

www.Islamicce.ir

Email: m.e.moghavemati@chmail.ir

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب الفبا):

دکتر حسن آقا نظری (استاد پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)

دکتر محمدجمال خلیلیان اشکذری (دانشیار موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره))

دکتر عسکر دیرباز (دانشیار دانشگاه قم)

دکتر سیدمحمدکاظم رجایی (دانشیار موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره))

دکتر سعید فراهانی فرد (دانشیار دانشگاه قم)

دکتر غلامعلی معصومی نیا (استادیار دانشگاه خوارزمی)

دکتر سیدحسین میرمعزی (دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)

دکتر محمدنقی نظریور (دانشیار دانشگاه مفید)

دکتر علی اصغر هادوی نیا (دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)

دکتر احمدعلی یوسفی (دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)

راهنمای تنظیم و ارسال مقالات

لطفاً به هنگام تنظیم و ارسال مقالات به موارد زیر توجه فرمایید:

۱. نام، نام خانوادگی، میزان تحصیلات، رتبه علمی، نشانی، کدپستی و شماره تماس مؤلف ذکر شود.
 ۲. مقالات، حروفچینی شده به پست الکترونیک نشریه ارسال شود.
 ۳. حجم هر مقاله بیش از ۲۵ صفحه ۳۵۰ کلمه‌ای نباشد. مقالات پر حجم در دفتر مجله تلخیص خواهد شد.
 ۴. چکیده فارسی مقاله، حداکثر در ۱۵۰ کلمه و حتی‌الامکان به همراه ترجمه انگلیسی آن به همین مقدار ضمیمه شود.
 ۵. واژگان کلیدی فارسی و معادل انگلیسی آنها، در آغاز مقاله ذکر شود.
 ۶. مقاله ارسالی نباید در هیچ نشریه داخلی چاپ شده باشد.
 ۷. مقاله ارسالی نباید هم‌زمان به سایر مجلات یا مجموعه‌ها برای چاپ فرستاده شده باشد.
 ۸. معادل لاتین اسامی و اصطلاحات مهجور، بلافاصله پس از آنها باید داخل هلالین درج شود.
 ۹. منابع مورد استفاده، در مقاله به این شکل نوشته شود: نام خانوادگی نویسنده، تاریخ انتشار و شماره جلد (در صورتی که اثر دارای بیش از یک جلد باشد) و شماره صفحه (مظفر، ۱۳۵۷، ج ۲، ص ۱۹۴). در صورت تکرار منبع، به نام خانوادگی و کلمه «همان» و ذکر شماره جلد و صفحه اکتفا شود (مظفر، همان، ج ۱، ص ۱۹) و در صورت تعدد آثار منتشره در سال واحد از یک مؤلف، جهت نمایانندن ترتیب انتشار از حروف الف، ب، ج و... استفاده شود. فهرست منابع با رعایت ترتیب الفبایی نام خانوادگی نویسندگان، به شکل ذیل در آخر مقاله درج شود.
- أ) برای کتاب:** نام خانوادگی، نام نویسنده؛ **نام کتاب؛** نام مترجم؛ شماره جلد، نوبت چاپ، محل انتشار؛ ناشر، سال انتشار.
- ب) برای مقاله:** نام خانوادگی، نام نویسنده؛ «عنوان مقاله»؛ **عنوان مجموعه** (مجله)، شماره مجله، سال انتشار.
- مقالات و مطالب منتشره، لزوماً بیان‌کننده دیدگاه‌های فصلنامه نیست؛
 - فصلنامه در تلخیص و ویرایش مقالات و مطالب آزاد است؛
 - اصل مقالات ارسالی بازگردانده نمی‌شود؛
 - نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

مستند علمی

۱

دو فصلنامه پژوهش های

اقتصاد مقاومتی

- ۷ سخن سردبیر / سعید فراهانی فرد
- ۱۵ اقتصاد مقاومتی به عنوان یک اندیشه اسلامی / محمدجواد توکلی / امید ایزانلو
- ۵۵ اصول و معیارهای اقتصاد مقاومتی در عرصه تولید، توزیع و مصرف با نگاهی به آموزه‌های قرآنی (با تأکید بر سوره توبه) / آزاده منظوری / محمدنقی نظریور / مجید رضایی
- ۹۱ الگوی رفتار تولیدکننده در اقتصاد مقاومتی / سیدحسین میرمعزی
- ۱۲۷ نقش مردم در اقتصاد مقاومتی (با تأکید بر بیانات رهبر معظم انقلاب) / احمدعلی یوسفی / مجتبی غفاری
- ۱۵۷ اقتصاد مقاومتی؛ تضمین کننده امنیت اقتصادی کشور / محمدجمال خلیلیان اشکذری
- ۱۸۳ شاخص عدالت در سهم‌بری عوامل تولید با نگرش اسلامی / سیدمحمدکاظم رجایی / سعید مهدوی وفا
- 1-10. چکیده انگلیسی / محسن رنجبر

سخن سردبیر

سعید فراهانی فرد

بسم الله الرحمن الرحيم

«إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (أحقاف: ۱۳)

کسانی که گفتند: «پروردگار ما الله است»، سپس استقامت کردند، نه ترسی برای آنان است و نه اندوهگین می‌شوند.

«اقتصاد مقاومتی» را اولین بار رهبر معظم انقلاب در سال ۸۹ در دیدار با کارآفرینان مطرح کردند. بعد از آن نیز در بیانات مختلف، بر ضرورت و اولویت آن تأکید نمودند و به تشریح و تبیین ابعاد مختلف آن پرداختند. از مجموع بیانات ایشان چنین استفاده می‌شود که اقتصاد مقاومتی عبارت است از:

«اقتصادی علمی و بومی، برآمده از فرهنگ انقلابی، اسلامی و الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام است که ضمن مقاوم‌سازی اقتصاد در برابر تهدیدهای نظام سلطه از توان تقویت اقتصاد و تحقق پیشرفت جهشی اقتصادی نیز برخوردار است. این نوع اقتصاد، عدالت‌بنیان، مردم‌بنیاد، دانش‌بنیان، پیشرو، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، برون‌گرا، انعطاف‌پذیر و با رویکرد جهادی است.»

بعد از طرح نظریه اقتصاد مقاومتی، افرادی تلاش کردند تا با شبیه‌سازی این مفهوم با مفاهیم رایج در ادبیات اقتصادی مانند مفهوم تاب‌آوری، مقاوم‌سازی اقتصادی، اقتصاد تحریم، اقتصاد حمایتی و ریاضت اقتصادی این ایده را تقویت کنند که سخن مقام معظم رهبری، سخن جدیدی نیست و در دنیا دارای پیشینه

نظری و عملیاتی است. برخی نیز در مقام تفسیر بیانات ایشان، قرائت‌های مختلفی بیان کردند.

مقام معظم رهبری با هوشیاری و احیاناً برای جلوگیری از مصادره این مفهوم و یا تفسیر غلط از آن در سخنرانی‌های متعدد به تشریح ابعاد آن پرداختند و از جمله در مقدمه ابلاغیه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، همچنان که در تعریف بالا نیز بیان شد، تصریح فرمودند که اقتصاد مقاومتی برآمده از فرهنگ انقلابی، اسلامی و الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام است. البته ایشان نه تنها در اقتصاد مقاومتی، بلکه به صورت کلی در علوم انسانی و تئوری‌های اقتصادی هم رجوع به اسلام و آموزه‌های اسلامی را لازم می‌دانند:

اینها نشان می‌دهد که تئوری‌پردازی‌های غربی در زمینه سیاست، در زمینه اقتصاد، تئوری‌های ناقص و عقیم و بی‌خاصیتی است. ما را بیشتر تشویق می‌کند که برویم به درون خودمان مراجعه کنیم و فکر اسلامی و اندیشه اسلامی را پیدا کنیم (بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها، ۹۰/۶/۲).

ما در زمینه علوم انسانی احتیاج به تحقیق و نوآوری داریم. مواد و مفاهیم اساسی‌ای هم که بر اساس آن می‌توان حقوق، اقتصاد، سیاست و سایر بخش‌های اساسی علوم انسانی را شکل داد و تولید و فراوری کرد به معنای حقیقی کلمه در فرهنگ عریق و عمیق اسلامی ما وجود دارد که باید از آن استفاده کنیم. البته در این قسمت حوزه و استادان مؤمن و معتقد به اسلام می‌توانند با جستجو و تفحص نقش ایفا کنند. اینجا از آنجایی است که ما باید به تولید علم برسیم (بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌های سراسر کشور، ۸۲/۸/۸).

بنابراین اقتصاد مقاومتی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب باید در ظرف اقتصاد اسلامی تفسیر و تبیین شود. بر این اساس نمی‌توان اقتصاد مقاومتی را به گونه‌ای تفسیر کرد که ارتباطی با اقتصاد اسلامی نداشته و نسخه بازسازی شده اقتصاد حمایتی یا اقتصاد تحریم و تاب‌آوری اقتصادی و مانند آن، که در ادبیات

اقتصادی متعارف وجود دارد، باشد. ویژگی‌های مهم اقتصاد مقاومتی از نگاه مقام معظم رهبری افزون بر اسلامی بودن عبارتند از:

۱. اقتصاد مقاومتی، اقتصادی مردمی و درصدد استفاده از ظرفیت‌های مردم در عرصه‌های مختلف اقتصاد است؛

۲. رویکرد اقتصاد مقاومتی، جهادی است؛ به گونه‌ای که اگر این روح از سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصاد مقاومتی گرفته شود، تبدیل به سیاست‌ها و برنامه‌های معمولی و بی‌رُمق خواهد شد که سنخیتی با اقتصاد مقاومتی ندارد؛

۳. اقتصادی دانش‌بنیان، فرصت‌ساز و مولد، پویا و پیشرو است؛

۴. اقتصادی درون‌زا، برون‌گرا است؛ یعنی در عین اینکه با تأکید بر استفاده از ظرفیت‌های درونی و تکیه بر کار و سرمایه ایرانی و تقویت تولید ملی می‌تواند نیازهای اساسی خود را فراهم کند؛ اما با دنیای بیرونی نیز ارتباط وثیق دارد و ضمن استفاده از دانش و تجربه کشورهای دیگر تلاش می‌کند محصولات خود را قابل رقابت در عرصه بین‌المللی کند.

۵. اقتصادی انعطاف‌پذیر است؛ یعنی با تکیه بر ظرفیت‌های داخلی، قطع وابستگی به درآمدهای نفتی و تقلیل وابستگی اقتصادی به کشورهای دیگر می‌تواند با شرایط مختلف اقتصادی به خصوص شرایط تحریم سازگار شود؛

۶. اقتصادی عدالت‌محور است و تمامی سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقدامات در آن باید به افزایش عدالت در جامعه منجر شود؛

اقتصاد مقاومتی با داشتن چنین ویژگی‌هایی ضمن مقاوم‌سازی اقتصاد در برابر تهدیدهای نظام سلطه از توان تقویت اقتصاد و تحقق پیشرفت جهشی جامعه اسلامی نیز برخوردار است. اکنون جای این پرسش است که الگوی حاضر چگونه از آموزه‌های اسلامی، انقلابی و نظام اقتصادی اسلام بدست می‌آید؟ به عبارت دیگر در چارچوب نظام اقتصادی اسلام این الگو چگونه باید طراحی و اجرا شود؟

برای پاسخ به این پرسش لازم است اقتصاد مقاومتی از جنبه‌های مختلف

مبانی، اهداف، اصول، ویژگی‌ها، راهبردها، راهکارها و شاخص‌های سنجش بر اساس آموزه‌های اسلامی تفسیر، تبیین و در نهایت اجرا شود.

انجمن اقتصاد اسلامی حوزه علمیه با تشخیص این ضرورت و در پاسخ به ندای رهبر معظم انقلاب تصمیم گرفت با همکاری مرکز راهبری مطالعات اسلامی اقتصاد مقاومتی حوزه علمیه دوفصلنامه «پژوهش‌های اقتصاد مقاومتی» را با هدف تعمیق و ترویج ادبیات تخصصی اسلامی منتشر کند. اعضای این انجمن افراد صاحب‌نظر حوزوی متخصص در دانش اقتصاد هستند که در مراکز آموزشی و پژوهشی حوزوی و دانشگاهی به تدریس، تحقیق و تألیف اشتغال دارند.

با توجه به رویکرد دوفصلنامه، از تمامی اندیشمندان و صاحب‌نظران دعوت می‌شود تا با ارسال مقالات خود، مجله را در تحقق اهداف یاد شده یاری رسانند و امید است که مقالات وزین و ارزشمند ایشان زمینه کسب رتبه علمی پژوهشی مجله را نیز فراهم آورد.

در پایان نظام موضوعات اقتصاد مقاومتی به عنوان نقشه راه تهیه مقالات تقدیم می‌شود. این موضوعات در دو ظرف اقتصاد اسلامی و اقتصاد ایران تهیه شده و گفتنی است که این موضوعات لزوماً عناوین پژوهشی نیستند؛ بلکه عناوین پژوهشی را می‌توان از ترکیب طولی یا عرضی موضوعات یاد شده نیز اصطیاد کرد. این عناوین در سه محور کلی به شرح ذیل ارائه می‌شود:

۱. موضوعاتی که با نگاهی فرانگر، کلان و درجه دو ناظر به پرسش‌هایی درباره اقتصاد مقاومتی هستند. این موضوعات تحت عنوان فلسفه اقتصاد مقاومتی یا مباحث پیشینی مطرح می‌شوند؛

۲. موضوعاتی که با نگاهی درجه یک و درونی ناظر به پرسش‌هایی از اجزاء و عناصر اقتصاد مقاومتی به عنوان الگویی مطلوب است که از تطبیق نظام اقتصادی اسلام بر شرایط ایران اسلامی (ایران پس از انقلاب) بدست می‌آید؛

۳. موضوعاتی که ناظر به مرحله پیاده‌سازی و اجرای اقتصاد مقاومتی است.

الف. فلسفه اقتصاد مقاومتی یا مباحث پیشینی

- مفهوم اقتصاد مقاومتی و مفاهیمی نظیر اقتصاد ریاضتی، اقتصاد جنگ، اقتصاد حمایتی، مقاومت اقتصادی و...؛
- ضرورت اقتصاد مقاومتی؛
- اقتصاد مقاومتی و اقتصاد اسلامی؛
- اهداف اقتصاد مقاومتی؛
- مبانی بینشی اقتصاد مقاومتی؛
- سنت‌های الهی و اقتصاد مقاومتی؛
- مبانی مذهبی یا مکتبی اقتصاد مقاومتی: نقش دولت، مصالح حاکم بر اقتصاد، آزادی اقتصادی، مالکیت، اصل مشارکت مردم، اصل محوریت استقلال و قدرت اقتصادی؛
- اخلاق اسلامی و اقتصاد مقاومتی؛
- فقه اسلامی و اقتصاد مقاومتی؛
- ساختار کلان اقتصاد مقاومتی؛
- ویژگی‌های کلی اقتصاد مقاومتی (مردم‌بنیاد، عدالت‌بنیان، انعطاف‌پذیر، درون‌زا، برون‌گرا و...)

ب. اجزاء و عناصر اقتصاد مقاومتی

در این محور ساختار، الگوها، بازارها، بخش‌ها، فرآیندها و شاخص‌های اقتصاد مقاومتی به عنوان الگوی تطبیق یافته نظام اقتصادی اسلام بر شرایط ایران اسلامی مطرح می‌شود:

۱. ساختار کلان اقتصاد مقاومتی

- بخش تعاونی؛
- بخش خصوصی؛

- بخش خیرخواهانه؛
 - بخش دولتی؛
 - بخش خارجی؛
 - ...
۲. الگوهای رفتاری فرد و جامعه در اقتصاد مقاومتی
- الگوی مصرف؛
 - الگوی تولید؛
 - الگوی سرمایه‌گذاری؛
 - الگوی کار؛
 - الگوی تجارت؛
 - ...
۳. بازارها در اقتصاد مقاومتی (الگوهای روابط)
- بازار کالا و خدمات؛
 - بازار عوامل؛
 - بازارهای مالی؛
 - بازار بورس؛
 - ...
۴. مؤسسات در اقتصاد مقاومتی
- نظام بانکی؛
 - بیمه؛
 - سازمان بورس؛
 - ...
۵. بخش‌های اقتصاد مقاومتی به حسب فعالیت‌ها
- بخش صنعت؛

- بخش خدمات؛
- بخش کشاورزی؛
- بخش اطلاعات و فن آوری؛
- بخش منابع (نفت و گاز، آب، خاک، برق و...)
- ...

۶. فرایندها در اقتصاد مقاومتی

- در بخش پولی (فرآیند گردش پول)؛
- در بخش مالی؛
- در بخش واقعی؛

۷. شاخص‌های اقتصاد مقاومتی

- شاخص‌های قدرت، امنیت و استقلال اقتصادی؛
- شاخص‌های عدالت اقتصادی؛
- شاخص‌های رفاه اقتصادی؛
- شاخص‌های بهره‌وری و کارایی؛
- ...

ج. پیاده‌سازی و اجرای اقتصاد مقاومتی در ایران اسلامی

۱. آسیب‌شناسی اقتصاد ایران با رویکرد اقتصاد مقاومتی؛

- آسیب‌شناسی ساختار کلان؛
- آسیب‌شناسی الگوهای رفتاری؛
- آسیب‌شناسی بازارها؛
- آسیب‌شناسی مؤسسات؛
- آسیب‌شناسی در بخش‌ها؛
- آسیب‌شناسی فرایندها (گردش پول و کالا).

۲. آینده‌پژوهی اقتصادی؛

۳. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و اقتصاد مقاومتی؛

۴. سند چشم‌انداز و اقتصاد مقاومتی؛

۵. سیاست‌های کلان تحقق اقتصاد مقاومتی؛

- سیاست‌های ناظر به اصلاح ساختار کلان؛
- سیاست‌های ناظر به اصلاح الگوهای رفتاری؛
- سیاست‌های ناظر به اصلاح بازارها؛
- سیاست‌های ناظر به اصلاح مؤسسات؛
- سیاست‌های ناظر به اصلاح بخش‌ها؛
- سیاست‌های ناظر به اصلاح فرآیندها؛

۶. برنامه‌های پنج‌ساله و سالانه با رویکرد اقتصاد مقاومتی؛

امید است این تلاش‌ها مرضی حضرت ولی عصر حجت بن الحسن عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گرفته و گامی در جهت تحقق اقتصاد مقاومتی باشد.

وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا (جن: ۱۶)

و اگر [مردم] در راه درست، پایداری ورزند، قطعاً آب گوارایی به ایشان نوشانیم.

اقتصاد مقاومتی

به عنوان یک اندیشه اسلامی

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۴

تاریخ تأیید: ۹۵/۴/۱۸

محمدجواد توکلی* / امید ایزدیانلو*

چکیده

تفسیرهای متفاوتی از ماهیت اقتصاد مقاومتی در پیشینه رو به رشد آن شده است. یکی از نقاط ضعف این تفسیرها، عدم تمرکز بر مفهوم محوری در اقتصاد مقاومتی و همچنین عدم تبیین وجه اسلامیت آن است. در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی، ماهیت اقتصاد مقاومتی در رویکرد اسلامی بررسی می‌شود. فرضیه تحقیق آن است که اقتصاد مقاومتی در بررسی چگونگی ایجاد ثبات و امنیت اقتصادی در کنار رشد اقتصادی و عدالت، از رهیافت‌های اسلامی در تعیین آسیب‌پذیری‌های اقتصادی، رتبه‌بندی آنها و همچنین راهبردهای ایمن‌ساز بهره می‌برد. نتایج نشان می‌دهد که تحلیل اقتصاد مقاومتی از آسیب‌های اقتصادی درونی/بیرونی، رفتاری/ساختاری و کلان/بخشی متفاوت از آسیب‌شناسی ارائه شده در پیشینه اقتصاد تاب‌آوری است. راهبردهای اقتصاد مقاومتی جهت مقابله با این آسیب‌ها نیز متمایز از راهبردهای تاب‌آوری اقتصادی است. توجه به آسیب‌های نظام مالی

* استادیار گروه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) (tavakoli@iki.ac.ir)

* دانشجوی دکتری اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) (omidezanlo@gmail.com)

ربوی، فرهنگ مصرف‌گرایی و نظام تأمین اجتماعی متمرکز از جمله مختصات اقتصاد مقاومتی است. تأمین مالی مشارکتی، فرهنگ مصرف اعتدالی و نظام تأمین اجتماعی غیر متمرکز نیز از جمله راهبردهای ایمن‌ساز برخاسته از اندیشه‌های اسلامی است.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، اقتصاد تاب‌آوری، آسیب‌پذیری اقتصادی، اقتصاد اسلامی و اندیشه اسلامی.

طبقه‌بندی JEL: Z12 Z19

۱. مقدمه

نظام‌های اقتصادی کم و بیش سه هدف رشد، عدالت و امنیت اقتصادی را دنبال می‌کنند. در نظام سرمایه‌داری رشد اقتصادی هدف اصلی و دو هدف دیگر در حاشیه قرار می‌گیرند. در نظام‌های سوسیالیستی، هدف محوری عدالت و سایر اهداف شکلی تبعی دارند. نظام‌های مختلط به صورت هم‌زمان به دو هدف رشد و عدالت توجه می‌کنند (روسر و روسر^۱، ۲۰۰۴؛ هورویچ^۲، ۲۰۰۶، ص ۱۱). در این میان پژوهشگران نظام‌های اقتصادی به اهمیت ثبات اقتصادی توجه چندانی نشان نداده‌اند.

توجه به امنیت و ثبات اقتصادی در پیشینه اقتصادی با مطالعات مرتبط با بحران‌های اقتصادی پیوند می‌خورد. هنگامی که در اقتصاد کلان از ادوار تجاری^۳ سخن به میان می‌آید، به این نکته توجه می‌شود که وجود نوسان‌های اقتصادی در تولید کیک اقتصاد مخرب است. اینکه اقتصاد گاهی در اوج است و گاهی سقوط می‌کند، نه تنها باعث ایجاد هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی می‌شود؛ بلکه روند رو به رشد اقتصاد کشورها را مختل می‌نماید.

1. Rosser and Rosser.
2. Horwich.
3. Business cycles.

شکل‌گیری پیشینه اقتصاد تاب‌آوری^۱ در اقتصاد متعارف را می‌توان ناشی از توجه اقتصاددانان به اهمیت امنیت و ثبات اقتصادی در کنار رشد و عدالت اقتصادی دانست. توجه به امنیت اقتصادی تنها محدود به مباحث متعارف ثبات اقتصادی^۲ در اقتصاد کلان نیست؛ بلکه حاوی نگاه‌های جدید به آسیب‌پذیری نظام‌های اقتصادی و اهمیت پایداری نظام‌های اقتصادی در مقابل شوک‌های اقتصادی پیش رو است.^۳

نکته مهم در تحلیل امنیت و ثبات اقتصادی، چگونگی تعریف آسیب‌پذیری‌های نظام اقتصادی و همچنین راه‌حل‌های پیشنهادی ایمن‌ساز است. هنگامی که آسیب‌پذیری و مقاوم‌سازی از دیدگاه اقتصاد متعارف صورت می‌گیرد، ادبیات «اقتصاد تاب‌آوری» به وجود می‌آید. در مقابل، زمانی که آسیب‌پذیری از نقطه‌نظر اقتصاد اسلامی صورت می‌گیرد و راه‌حل‌های برگرفته از مکتب اقتصادی اسلام ارائه می‌شود، ادبیات «اقتصاد مقاومتی»^۴ شکل می‌گیرد. حال باید دید که از دیدگاه اقتصاد مقاومتی، چه عواملی باعث آسیب‌پذیری نظام اقتصادی می‌شوند و چگونه می‌توان از این آسیب‌پذیری کاست.

در این مقاله تلاش می‌شود تا با استفاده از روش تحلیلی، مفهوم اقتصاد مقاومتی به عنوان مفهومی برخاسته از اندیشه اقتصاد اسلامی تبیین شود. برای این منظور، ابتدا پس از بررسی پیشینه، ضرورت و اهمیت اقتصاد مقاومتی بررسی می‌شود. در ادامه برداشت‌های متفاوت از اقتصاد مقاومتی نقد و ارزیابی

1. Resilience Economics.

2. Economic Stability.

۳. در مباحث ثبات اقتصادی در اقتصاد کلان به طور متعارف به مسئله ثبات در نرخ رشد و عدم نوسان در نرخ‌های بیکاری و تورم توجه می‌شود. در پیشینه اقتصاد تاب‌آوری افزون بر این امور چگونگی آسیب‌پذیری اقتصاد کشورها از شوک‌ها و بحران‌های اقتصادی تحلیل می‌شود.

4. Moqavemah Economics.

می‌گردد و مفهوم مورد پذیرش از اقتصاد مقاومتی معرفی می‌شود و در پایان رابطه اقتصاد مقاومتی با مفاهیم مشابه در اقتصاد اسلامی بررسی می‌گردد.

۲. پیشینه موضوع

پس از ارائه اندیشه اقتصاد مقاومتی توسط مقام معظم رهبری تلاش‌هایی جهت تبیین این اندیشه صورت گرفته است که در ادامه به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود: سیف (۱۳۹۱) با استفاده از اصطلاح فنریت اقتصادی، مفهوم اقتصاد مقاومتی را تبیین و به ارائه الگویی برای اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران با مؤلفه‌های رشد، عدالت، ثبات و فنریت اقتصادی و راهبردهای چهارگانه مقابله، خنثی‌سازی، جذب و ترمیم و پخش و تضعیف منطبق بر مسئله تحریم اقتصادی غرب پرداخته است.

میرمعزی (۱۳۹۱) درصدد ارائه تفسیری روشن از دیدگاه مقام معظم رهبری در زمینه اقتصاد مقاومتی است. به نظر ایشان، اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری، شکل خاصی از نظام اقتصادی اسلام است که به هنگام مواجهه با تهدید اقتصادی دشمن دو تغییر عمده می‌یابد: الف. در منظومه هدف‌های نظام اقتصادی، استقلال اقتصادی که در ضمن هدف امنیت اقتصادی قرار دارد، در اولویت اول قرار می‌گیرد و به تبع آن اولویت‌بندی اصول راهبردی نظام تغییر می‌کند و سیاست‌های کلی متناسب با تغییرهای جدید، تنظیم می‌شود؛ ب. جهاد اقتصادی بر مردم و مسئولان به عنوان امر واجب فرض می‌شود و از این راه بستر مناسب برای نتیجه‌بخشی سیاست‌های کلی استقلال اقتصادی و تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها فراهم می‌آید. به اعتقاد ایشان عنصر اصلی و ممتاز اقتصاد مقاومتی جهاد اقتصادی است؛ به‌گونه‌ای که اگر این عنصر تحقق نیابد دیگر سیاست‌ها به صورت مطلوب تحقق نیافته یا نتیجه‌بخش نخواهد شد.

تراب‌زاده جهرمی و همکاران (۱۳۹۲)، با روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، در

تلاش برای تدوین نقشه مهندسی اقتصاد مقاومتی از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی هستند. بر اساس نتایج، اقتصاد مقاومتی طراحی و مدل سازی ویژه‌ای از شرایط و سازوکارهای اقتصادی است که فضای اقتصادی کشور با فرض وجود حداکثر تحریم‌ها و فشارها، به صورت فعال و نه منفعل، طراحی می‌شود.

«اقتصاد مقاومتی» بنیانی نظری برای مدل سازی گونه ویژه‌ای از اقتصاد است که فعالانه خود را برای مواجهه با تحریم‌ها بیش از پیش آماده کرده است. مکانیسم‌های اقتصادی، فضای کسب‌وکار، تجارت خارجی، نهادهای مالی و واسطه‌ای در اقتصاد مقاومتی مبتنی بر این پیش فرض طراحی می‌شوند که کشور در تعارض ایدئولوژیک دائمی با نظام سلطه است و هر ضربه اقتصادی از غرب ممکن است در هر لحظه به کشور وارد شود. در چنین فضایی، تحریم‌های اقتصادی نه تهدید، بلکه فرصت ویژه‌ای هستند که زیر فشار آنها می‌توان راهبردهای اقتصاد مقاومتی را با قدرت و اجماع ملی همراه و پیاده‌سازی آنها را تسریع کرد.

حسین‌زاده بحرینی (۱۳۹۲) پس از طرح چند مقدمه، مفهوم اقتصاد مقاومتی را تبیین می‌کند. وی می‌نویسد: اگر بخواهم تعریفی دانشگاهی از واژه اقتصاد مقاومتی داشته باشم، بدون اینکه بخواهم آن را به رهبری منتسب کنم، عرض می‌کنم که اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که مدیریت آن، مدیریتی راهبردی و همه‌جانبه‌نگر است. در دیدگاه وی مفهوم اقتصاد مقاومتی با مقاومت اقتصادی متفاوت است و خاستگاه اقتصاد مقاومتی تحریم‌های اقتصادی دشمن نیست؛ بلکه سند چشم‌انداز بیست ساله کشور و بلندپروازی‌های واقع‌بینانه مندرج در آن است.

سیفلو (۱۳۹۳ الف) در تلاش است که با استفاده از توسعه مفهومی جنگ و دفاع، مفهوم جنگ و دفاع اقتصادی را تشریح کند و بر مبنای یک تحقیق کیفی و تحلیل منطقی این مفاهیم، چارچوبی تحلیلی و نظری جهت عملیاتی شدن اقتصاد مقاومتی فراهم نماید. در نهایت، در پی پاسخ به سؤال اصلی در خصوص مفهوم اقتصاد مقاومتی، به دنبال اثبات این فرضیه است که اقتصاد

مقاومتی در یک پارادایم نظامی در واقع راهبرد دفاع غیرعامل اقتصادی است. افزون بر اثبات این فرضیه، نتایج این تحقیق الگویی عملیاتی است که مبتنی بر جنگ اقتصادی و دفاع غیرعامل اقتصادی جهت عملیاتی شدن اقتصاد مقاومتی طراحی و ارائه شده است. در این مقاله تلاش شده تا با بهره‌گیری از نتایج پژوهش‌های قبلی، تحلیل عمیق‌تری از مفهوم اقتصاد مقاومتی در چارچوب گفتمان مقام معظم رهبری ارائه شود.

سیفلو (۱۳۹۳ب) اقتصاد مقاومتی را به عنوان یک راهبرد اقتصادی معرفی می‌کند که نخست، به معنای مقاومت اقتصادی، اقتصاد بسته و درون‌گرا و اقتصاد ریاضتی نیست؛ دوم، یک راهبرد مقطعی و کوتاه‌مدت نیست؛ بلکه راهبردی کلان و بلندمدت می‌باشد که قرار است اقتصاد کشور بر آن تکیه کند؛ سوم، این راهبرد مقاوم‌سازی به معنای انفعالی و کوتاه‌مدت اقتصاد نیز نیست. این راهبرد زمانی مترادف مقاوم‌سازی اقتصادی است که مقاوم‌سازی اقتصادی از مفهوم انفعالی خود فراتر رود و ابعاد دیگری شامل اصلاحات اقتصادی، جذب شوک‌های خارجی، استفاده از ظرفیت و توان داخلی کشور و تعاملات بین‌المللی و سایر مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی ابلاغی مقام معظم رهبری را نیز در برگیرد.

اسدی (۱۳۹۳) اقتصاد مقاومتی را محصول اقتصاد اسلامی می‌داند. وی مقاومت را عمل یا عکس‌العمل مناسب برای مقابله در شرایط بروز ناملایمات، حوادث، بحران‌ها یا تحمل سختی‌ها و استقامت در مسیر رسیدن به اهداف تعریف می‌کند؛ لذا اقتصاد مقاومتی، آن است که در شرایط بروز ناملایمات، حوادث، بحران‌ها یا در مسیر اهداف، پویا و پایدار تخصیص بهینه منابع بدهد. در دیدگاه وی اقتصاد اسلامی لزوماً مقاومتی هم هست؛ زیرا اقتصاد در یک نظام اسلامی ظرفیت‌ها و قابلیت‌های علم اقتصاد و مکتب اقتصادی را هم‌زمان دارد.

نعیم‌آبادی (۱۳۹۳) در چهار فصل به بررسی شکر به عنوان شناخت سرمایه‌ها و بهره‌وری اولین گام در اقتصاد مقاومتی، احسان به عنوان کلید

مقاوم‌سازی اقتصاد و قناعت برای زندگی گوارا و همچنین آسیب‌شناسی اقتصاد مقاومتی پرداخته است.

پیغامی (۱۳۹۴) موضوعاتی مانند مفهوم اقتصاد مقاومتی از منظر مقام معظم رهبری، رابطه اقتصاد مقاومتی و استقلال اقتصادی، تبیین دانشگاهی ابعاد اقتصاد مقاومتی، راهکار عملیاتی شدن اقتصاد مقاومتی، الزامات نظریه‌پردازی در اقتصاد مقاومتی، تبیین حماسه اقتصادی، مردمی کردن اقتصاد، راهکارهای تحقق اقتصاد مقاومتی، نقش اقتصاد تعاونی و بخش خصوصی در اقتصاد مقاومتی، جایگاه مبارزه سیستمی علیه فساد و رانت در حمایت از تولید ملی، مدیریت ارز در اقتصاد مقاومتی، اثر اجرای اقتصاد مقاومتی در عبور از تحریم، عملیات روانی و رسانه‌ای، بهترین ابزار در اقتصاد، طرح هدفمندی یارانه‌ها در اقتصاد ایران و اقتصاد مستضعفان و پابرهنگان را بررسی و تبیین کرده است.

پیغامی و همکاران (۱۳۹۴) موضوع مقاوم‌سازی اقتصادی در ادبیات متعارف را بررسی کرده‌اند. آنها در تلاش برای تبیین مفاهیم دارای قرابت با اقتصاد مقاومتی در ادبیات اقتصاد متعارف هستند. این کتاب شامل تألیف، ترجمه، تحشیه و تلخیص نه گزارش، مقاله و بخش‌هایی منتخب از برخی کتب با موضوع تاب‌آوری و آسیب‌پذیری است.

در این آثار هرچند برخی از ابعاد اقتصاد مقاومتی بررسی شده ولی تصور روشنی از ماهیت اسلامی آن ارائه نشده است. البته در این میان مقاله میرمعزی (۱۳۹۱) از جهت توجه به تغییر اولویت‌بندی اهداف نظام اقتصادی و همچنین ترسیم راهبرد و جوب جهاد اقتصادی به فهم ماهیت اقتصاد مقاومتی به عنوان رویکرد اسلامی کمک می‌کند.

در این نوشتار با استفاده از دستاوردهای مقاله یادشده و سایر آثار، این ایده جدید مطرح می‌شود که تبیین ماهیت اسلامی اقتصاد مقاومتی مستلزم تبیین رویکرد اسلامی در تعیین آسیب‌پذیری‌های نظام اقتصادی و همچنین راهبردهای ایمن‌ساز در رویکرد اسلامی است.

۳. ضرورت و اهمیت اقتصاد مقاومتی

از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایران، نظام سلطه برای وادار کردن جمهوری اسلامی ایران به تسلیم در برابر استکبار جهانی، تحریم‌های اقتصادی فراوانی را بر کشور تحمیل کرده است. اندکی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به دنبال تسخیر لانه جاسوسی ایالات متحده، آمریکا قانون تحریم نظام جمهوری اسلامی ایران را به اجرا گذاشت و در طول سی سال گذشته نیز مرتباً بر حجم این تحریم‌ها افزود. این تحریم‌ها در طول سالیان اخیر به بهانه مقابله با برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای تشدید شد. در این راستا، افزون بر تحریم صادرات نفت، بسیاری از اشخاص، شرکت‌ها، بانک‌ها، حتی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران هدف شدیدترین تحریم‌ها قرار گرفتند. هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه آمریکا در کابینه اول باراک اوباما در خاطراتش می‌نویسد:

هدف ما این بود که آنقدر فشار مالی به رهبران ایران، از جمله علی‌ه سوداگری‌های تجاری و رو به رشد ارتش این کشور، وارد کنیم تا هیچ راهی نداشته باشند، جز اینکه با یک پیشنهاد جدی به میز مذاکره برگردند. ما صنعت نفت، بانک‌ها و برنامه‌های تسلیحاتی ایران را هدف گرفتیم. همچنین شرکت‌های بیمه، خطوط حمل و نقل، معامله‌گران انرژی، مؤسسات مالی و بسیاری از بازیگران دیگر را [در لیست تحریم‌ها] نام‌نویسی کردیم تا [سهم] ایران را از تجارت جهانی قطع کنیم. من بیشتر از هر کار دیگری، خودم را موظف کرده بودم که مصرف‌کنندگان اصلی نفت ایران را متقاعد کنم تا منابع خود را متنوع کنند و نفت کمتری از تهران بخرند. با هر کشور جدیدی که [با پیشنهاد من] موافقت می‌کرد، خزانه ایران ضربه بزرگی می‌خورد. رگ حیاتی ایران، نفت آن بود. این کشور سومین صادرکننده بزرگ نفت خام در جهان بود، صادراتی که ارز به شدت مورد نیاز ایران را تأمین می‌کرد. بنابراین ما هر چه می‌توانستیم کردیم تا تجارت را، به خصوص در زمینه نفت، برای ایران دشوار کنیم.

اروپایی ها در این مسیر، شرکای ضروری ما بودند و زمانی که همه ۲۷ عضو اتحادیه اروپا توافق کردند نفت ایران را تحریم کامل کنند، یک ضربه بزرگ [به درآمدهای دولت ایران وارد] شد.

رابرت آینهورن [مشاور وزارت خارجه و] کارشناسی که به ایجاد طرح اکتبر ۲۰۰۹ برای مبادله [میله‌های سوختی] راکتور تحقیقاتی تهران کمک کرده بود، با دیوید کوهن معاون وزیر خزانه داری برای پیدا کردن خلاقانه ترین و مؤثرترین راه‌های اجرای تحریم‌های جدید همکاری می‌کردند. مسدود کردن دارایی بانک‌های ایرانی خرید بیمه در بازار بین‌المللی را برای تانکرهای ایرانی غیرممکن و دسترسی آنها به شبکه‌های مالی جهانی را قطع می‌کرد. یک حمله همه‌جانبه بود (کلینتون^۱، ۲۰۰۴، ص ۴۱۶).

رابرت پلینترو - معاون وزیر خارجه آمریکا - اعلام می‌کند: آمریکا مصمم است از تمامی امکانات و ابزارهایی که در اختیار دارد برای تضعیف توانایی‌های مالی و اقتصاد ایران استفاده کند ... ما از استمهال بدهی‌ها ممانعت کردیم و با اعطای وام به ایران توسط بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول نیز مخالفت خواهیم کرد (واعظی، ۱۳۷۹، ص ۱۲۵).

با توجه به فشارهای گسترده اقتصادی کشورهای غربی به کشور، مقام معظم رهبری، اقتصاد مقاومتی را به عنوان «الگوی اقتصادی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی» معرفی کردند. بر اساس سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، پیروی از این الگو نه تنها باعث فائق آمدن بر مشکلات اقتصادی و شکست دشمن در جنگ اقتصادی تحمیلی می‌شود؛ بلکه باعث دستیابی جمهوری اسلامی ایران به اهداف سند چشم‌انداز بیست ساله کشور نیز می‌شود. تبعیت از این الگو تنها منحصر به مقابله با

تحریم نیست؛ بلکه ناشی از آن است که اقتصاد جهانی همواره با مخاطرات و نااطمینانی‌های ناشی از تحولات خارج از اختیار، مانند بحران‌های مالی، اقتصادی و سیاسی روبرو است (سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی).

خوشبختانه ایران اسلامی به واسطه بهره‌مندی از استعدادهای سرشار معنوی و مادی، ذخایر و منابع غنی و متنوع، زیرساخت‌های گسترده و مهم‌تر از همه، برخورداری از نیروی انسانی متعهد، کارآمد و دارای عزم راسخ برای پیشرفت، توانایی عملیاتی کردن اقتصاد مقاومتی را دارد. تدوین و اجرای الگوی اقتصادی موجب حفظ دستاوردهای کشور در زمینه‌های مختلف و تداوم پیشرفت، تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی و سند چشم‌انداز بیست ساله می‌شود. الگوی اقتصاد مقاومتی به عنوان الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام، پایه‌گذار اقتصادی متکی به دانش و فناوری، عدالت‌بنیان، درون‌زا و برون‌گرا، پویا و پیشرو می‌باشد (همان).

در بیانی کلی، اهمیت و ضرورت اقتصاد مقاومتی را می‌توان از طرفی به وجود تهدیدهای اقتصادی پیش روی کشور از جمله تحریم‌های اقتصادی و همچنین شوک‌های اقتصادی ناشی از بحران‌های اقتصادی در جهان و از طرف دیگر به توانایی‌ها و ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه کشور به منظور ایمن‌سازی کشور دانست.

هرچند در سال‌های اخیر تلاش‌هایی جهت تبیین مفهوم اقتصاد مقاومتی و تدوین سیاست‌های کلی آن انجام شده، اما تدوین الگوی اقتصاد مقاومتی نیازمند پژوهش‌های گسترده نظری و کاربردی است. از جهت نظری، هنوز ابهاماتی در مورد مفهوم اقتصاد مقاومتی و چارچوب نظری آن وجود دارد. عدم تدوین الگوی عملیاتی اقتصاد مقاومتی نیز اجرای عملی آن را با مشکلاتی مواجه کرده است. نکته مهم در این راستا، معرفی اقتصاد مقاومتی به عنوان الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصاد اسلامی است که با شرایط و اقتضائات فعلی اقتصاد کشور سازگار است.

۴. برداشت‌های متفاوت از اقتصاد مقاومتی

پس از معرفی اندیشه اقتصاد مقاومتی از سوی مقام معظم رهبری، برداشت‌های متفاوتی از این مفهوم ارائه شده است. در ادامه برخی از مهم‌ترین برداشت‌های مطرح شده از اقتصاد مقاومتی نقد و بررسی می‌شود.

شکل ۱: برداشت‌های متفاوت از اقتصاد مقاومتی



الف. اقتصاد مقاومتی به مثابه مدل اختصاصی نظام اقتصادی اسلام در شرایط خاص: میرمعزی (۱۳۹۱)، اقتصاد مقاومتی را به عنوان شکلی خاص از نظام اقتصادی اسلام قلمداد می‌کند که «در وضعیت تهدید و فشار اقتصادی دشمن پدید می‌آید». به نظر ایشان، اگر منظور مقام معظم رهبری از اقتصاد مقاومتی کلیت نظام اقتصادی اسلام بود، «وجهی نداشت که به جای تأکید بر تحقق نظام اقتصادی اسلام و بیان ویژگی‌های آن از اصطلاح اقتصاد مقاومتی استفاده و بر تحقق آن تأکید کند» (همان، ص ۵۳).

این برداشت از اقتصاد مقاومتی از طرفی تداعی‌گر این نکته است که چنین گرایشی به اقتصاد اسلامی اختصاص دارد و از طرف دیگر، آن را به وضعیت خاص تهدید و فشار اقتصادی دشمن محدود می‌کند. این در حالی است که مقام معظم رهبری به صراحت می‌فرماید: «گرایش به اقتصاد مقاومتی مخصوص ما هم نیست؛ امروز در بسیاری از کشورها - به خصوص در این سال‌های اخیر - با تکانه‌های شدید اقتصادی که در دنیا به وجود آمد، کشورهای متعددی به دنبال مقاوم‌سازی اقتصاد خودشان برآمدند؛ البته هر کشوری شرایط خاص خودش را دارد. این اقتصاد سرمایه‌داری با مشکلاتی که ناشی از این اقتصاد بود، از غرب و از آمریکا سرریز شد به بسیاری از کشورها و اقتصاد جهانی در مجموع، یک کل مرتبط به یکدیگر است، طبعاً کشورها از این مشکلات کم و بیش متأثر شدند. بعضی بیشتر، بعضی کمتر. بنابراین خیلی از کشورها درصدد برآمدند که اقتصاد خودشان را مقاوم‌سازی کنند؛ به تعبیری همین اقتصاد مقاومتی را به شکل متناسب با کشورهایشان برنامه‌ریزی کنند، تحقق ببخشند (بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی؛ ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

این برداشت از اقتصاد مقاومتی را می‌توان این‌گونه تصحیح کرد که واژه اقتصاد مقاومتی در بستر اندیشه اقتصاد اسلامی معرفی شده و نباید آن را در

مورد رویکردهای مقاوم‌سازی غیر اسلامی که با عناوینی همچون تاب‌آوری معرفی شده، به کار برد. با این وجود تأکید بر اختصاص اقتصاد مقاومتی به شرایط خاص باعث تضعیف رویکرد بلندمدت و به خصوص پیش‌گیرانه بودن اقتصاد مقاومتی می‌شود.

ب. اقتصاد مقاومتی به مثابه اقتصاد تحریم: برخی اندیشمندان اقتصاد مقاومتی را معادل اقتصاد تحریم دانسته‌اند. به نظر آنها، اقتصاد مقاومتی «گونه ویژه‌ای از اقتصاد است که فعالانه خود را برای مواجهه با تحریم‌ها بیش از پیش آماده ساخته است». بر اساس این برداشت، در اقتصاد مقاومتی سازوکارهای اقتصادی، فضای کسب و کار، تجارت خارجی و نهادهای مالی و واسطه‌ای بر اساس این «پیش‌فرض طراحی می‌شوند که کشور در تعارض ایدئولوژیک دائمی با نظام سلطه است و هر ضربه اقتصادی از غرب ممکن است در هر لحظه به کشور وارد شود» (تراب‌زاده جهرمی و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۴۴).

مقام معظم رهبری در تبیین اقتصاد مقاومتی بر این نکته تأکید فرموده‌اند که این شیوه اقتصادی به وضعیت کنونی اقتصاد ایران و شرایط تحریمی اختصاص ندارد. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «سؤال این است که آیا مطرح کردن اقتصاد مقاومتی در شرایط کنونی، به معنای این است که ما یک حرکت مقطعی می‌خواهیم انجام بدهیم؟ چون حالا کشور دچار تحریم و دچار فشار و دچار جنگ اقتصادی است، همچنان که مثلاً هیئت‌های فکر و عمل برای مقابله با جنگ اقتصادی تشکیل می‌شود، این سیاست‌ها را برای این ابلاغ کرده‌ایم؟ جواب این است که نه، به‌هیچ‌وجه این‌جوری نیست؛ این سیاست‌ها، سیاست‌های بلندمدت است، برای امروز هم مفید است، برای دورانی که هیچ تحریمی هم ما نداشته باشیم مفید است؛ یعنی سیاست‌های بلندمدتی است که بنای اقتصاد کشور بر این‌ها گذاشته می‌شود (همان).

ج. اقتصاد مقاومتی به مفهوم ریاضت اقتصادی: اقتصاد مقاومتی می‌تواند به

مفهوم ریاضت اقتصادی باشد. اقتصاد ریاضتی نوعی سیاست‌گذاری راهبردی جهت کاهش هزینه‌های دولت، به خصوص هزینه‌های عمومی و رفاهی دولت است که توسط برخی کشورها مانند یونان اتخاذ شده است. اتخاذ این راهبرد در اقتصاد کشورهای اروپایی اعتراض‌های مردمی را در پی داشت؛ چرا که فشار اصلی کاهش هزینه‌ها از طریق کاستن از هزینه‌های تأمین اجتماعی و همچنین کاهش دستمزدها بر دوش مردم قرار می‌گیرد (سیفلو، ۱۳۹۳، ص ۱۶۲).

مقام معظم رهبری این برداشت از اقتصاد مقاومتی را به شدت رد می‌کند و می‌فرماید: «ما به مردم نمی‌گوییم که ریاضت بکشند، این جور گاهی بعضی القا می‌کنند. بعد از آنکه سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ابلاغ شد، هنوز مرکب آن خشک نشده، یک عده‌ای شروع کردند که اینها دارند مردم را به ریاضت دعوت می‌کنند، نه، به هیچ وجه این جور نیست؛ بلکه به عکس است، ما معتقدیم که اگر این سیاست‌ها اعمال بشود، وضع مردم بهتر خواهد شد، طبقات ضعیف گشایش پیدا خواهند کرد. در کشوری که تورم در حد مطلوب باشد، اشتغال در حد مطلوب باشد، آنجا عموم مردم در راحتی و آسایش و رفاه زندگی خواهند کرد» (همان).

د. اقتصاد مقاومتی به مفهوم مقاومت اقتصادی: اقتصاد مقاومتی تفاوتی اساسی با مفهوم مقاومت اقتصادی دارد. در شاخص‌های مطرح شده از مقاومت و آسیب‌پذیری اقتصادی به طور عمده به ریسک‌های موقت و ناگهانی بیرونی توجه می‌شود. فرض ضمنی در اقتصاد مقاومتی این است که شوک‌ها و تکانه‌های اقتصادی پیش روی نظام اسلامی دائمی و مستمر است؛ زیرا نظام اسلامی بنا به ماهیت خود در معرض فشار مستمر نظام استکبار جهانی قرار دارد. از این رو، اقتصاد مقاومتی نه یک نسخه کوتاه‌مدت، بلکه راهبردی بلندمدت برای مواجهه با شوک‌های اقتصادی به شمار می‌رود.

نوع سیاست‌های مقاومت اقتصادی تا حد زیادی ناشی از نوع تکانه‌هایی

است که برای یک اقتصاد متصور است و فرض شاخص‌های رایج آن است که تنها تکانه‌های صرفاً غیر تعمدی می‌تواند منشأ آسیب شود. این در حالی است که شوک‌های ناشی از سیاست خصمانه اقتصادی مورد توجه قرار نگرفته است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۳، ص ۲۷).

به نظر می‌رسد که اقتصاد مقاومتی فراتر از مقاومت اقتصادی و پدافند کوتاه‌مدت است. برخلاف تعاریفی که اقتصاد مقاومتی را پدافندی یا کوتاه‌مدت می‌دانند، این رویکرد چشم‌انداز کلان به اقتصاد جمهوری اسلامی ایران دارد و یک اقدام بلندمدت را شامل می‌شود. این تعریف رویکردی ایجابی و دوراندیشانه دارد. در این رویکرد، ما در پی اقتصاد ایده‌آل هستیم که هم اسلامی باشد و هم ما را به جایگاه اقتصاد اول منطقه برساند. بدین معنا در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، یکی از مؤلفه‌های مهم الگو باید متضمن مقاومت و تحقق آن باشد. در این مقوله است که اقتصاد مقاومتی مشتمل بر اقتصاد کارآفرینی و ریسک‌پذیری و نوآوری می‌شود (پیغامی، ۱۳۹۱).

هـ اقتصاد مقاومتی به مفهوم فنریت (تاب‌آوری) اقتصادی: سیف اقتصاد مقاومتی را معادل «فنریت اقتصادی»^۱ قلمداد کرده است. فنریت یا تاب‌آوری اقتصادی به معنای توانایی مقاومت اقتصاد در مقابل شوک‌های اقتصادی و جذب آنها می‌باشد که با استفاده از راهبردهایی همچون مدیریت بهبود و اقدامات تسکینی تقویت می‌شود. فنریت اقتصادی با استفاده از شاخص‌هایی چون ثبات اقتصاد کلان، کارایی بازارهای خرد، حکمرانی خوب و توسعه اجتماعی سنجیده می‌شود. وی در ادامه الگویی برای اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی بر پایه مؤلفه‌های رشد اقتصادی، عدالت اقتصادی، ثبات اقتصادی و فنریت اقتصادی پیشنهاد می‌کند. وی

همچنین راهبردهای چهارگانه مقابله، خنثی‌سازی، جذب و ترمیم و پخش و تضعیف را در مواجهه با تحریم اقتصادی غرب پیشنهاد می‌کند (سیف، ۱۳۹۱).

سیفلو (۱۳۹۳) برداشت مشابهی از مفهوم اقتصاد مقاومتی دارد. وی اقتصاد مقاومتی را مفهومی بسیار نزدیک به اقتصاد تاب‌آوری^۱ و یا آنچه سیف (۱۳۹۱) فنریت اقتصادی نامیده، می‌داند که حجم قابل توجهی از ادبیات اقتصادی بین‌المللی در خصوص توسعه پایدار را به خود اختصاص داده است. به نظر او، آسیب‌پذیری اقتصادی^۲ مفهوم مقابل تاب‌آوری اقتصادی است. سیفلو (۱۳۹۳) معتقد است که این برداشت از اقتصاد مقاومتی از مفهوم انفعالی مقاوم‌سازی اقتصادی فراتر می‌رود و ابعاد فعالانه‌تری به خود می‌گیرد. بر این اساس، اقتصاد مقاومتی فقط به معنای «هجمه‌شناسی»، «آندشناسی»، «پدافندشناسی» و «مقاومت» نیست و می‌تواند ابعادی چون اصلاحات اقتصادی، جذب شوک‌های خارجی، استفاده از ظرفیت و توان داخلی کشور و تعاملات بین‌المللی و سایر مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی ابلاغی مقام معظم رهبری را نیز شامل شود.

اقتصاد مقاومتی هر چند در بعضی از راهبردها و سیاست‌ها مشابه با مفهوم انعطاف‌پذیری و فنریت اقتصادی است؛ اما برخلاف فنریت اقتصادی، اقتصاد مقاومتی در بستر اندیشه اقتصاد اسلامی معرفی شده و نباید آن را در مورد رویکردهای مقاوم‌سازی غیر اسلامی که با عناوینی همچون تاب‌آوری و انعطاف‌پذیری معرفی شده، به کار برد.

۵. اقتصاد مقاومتی به عنوان یک اندیشه اسلامی

در تعابیر متفاوت از اقتصاد مقاومتی، توجه چندانی به ابعاد اسلامی آن نشده

1. Resilient Economy.

2. Economic vulnerability.

است؛ البته همان‌طور که گفته شد مقاله میر معزی (۱۳۹۱) به دنبال بررسی این موضوع است؛ ولی ایشان عنصر اصلی در تعریف اقتصاد مقاومتی از دیدگاه اسلامی را جهاد اقتصادی می‌داند؛ حال آنکه در دیدگاه ما عنصر اصلی اقتصاد مقاومتی در اندیشه اسلامی ایمن‌سازی اقتصاد در برابر آسیب‌های بیرونی و درونی است که جهاد اقتصادی به عنوان یکی از مؤلفه‌های ایمن‌ساز است. ارائه تحلیلی اسلامی از منابع آسیب‌پذیری و راهبردهای اسلامی جهت برطرف کردن این آسیب‌پذیری‌ها را می‌توان با توجه به اهمیت امنیت اقتصادی در میان اهداف نظام اقتصادی اسلام ارائه داد.

در نظام اقتصادی اسلام در کنار توجه به رشد اقتصادی و عدالت، به هدف محوری امنیت و ثبات اقتصادی نیز توجه شده است. در باب اهمیت امنیت همین بس که قرآن مجید به عظمت «شهر امن» سوگند یاد می‌کند (تین: ۳)^۱ و امنیت را یکی از اهداف استقرار حاکمیت الله و استخلاف صالحان و طرح امامت می‌شمارد (نور: ۵۵).^۲

خداوند متعال در آیه «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ» (نحل: ۱۱۲) با ذکر سه ویژگی امنیت، اطمینان و فراوانی نعمت‌ها، فراهم شدن رزق و روزی فراوان که متناظر با رشد اقتصادی است، اطمینان را مترتب بر امنیت می‌داند. همین مفهوم در تشبیه زیبای قرآن مجید میان کلام طیب و درخت طیب، با توجه دادن به ثبات درخت طوبی (أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ) و همچنین پر محصولی آن (تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ) و در طرف مقابل بی‌ثباتی درخت خبیث (مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ) بیان شده است (ابراهیم: ۲۴-۲۶).^۳

۱. وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ.

۲. وَلَيَبْدَلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا.

۳. أَلَمْ تَرَى كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ؛ تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ؛ وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ.

حضرت ابراهیم(ع) نیز در دعای خود در مورد شهر مکه امنیت را مقدم بر رزق که ناظر به رشد و فراوانی تولید است، می‌داند (بقره: ۱۲۶).^۱ حضرت یوسف (ع) نیز با درک اهمیت مسئله امنیت، به پدر و مادر و برادران خود گفت: وارد مصر شوید که انشاءالله در امنیت خواهید بود (یوسف: ۹۹).^۲

هرچند از جهت ارزشی عدالت بر امنیت و حتی رشد مقدم است، شاید بتوان عنوان داشت که امنیت از جهت رتبی و نه ارزشی بر دو هدف دیگر تقدم دارد؛ زیرا بدون وجود امنیت امکان تحقق رشد و عدالت نیز وجود ندارد. از این رو، تقدم امنیت بر عدالت و رشد تقدم رتبی است نه تقدم ارزشی؛ یعنی بدون آن نه امکان رشد وجود دارد و نه امکان اجرای عدالت. بدون شک دستیابی به رونق اقتصادی و رفاه نسبی و فراوانی نعمت زمانی ممکن است که فضایی امن جهت فعالیت‌های اقتصادی فراهم شود. به همین خاطر حضرت ابراهیم با دلسوزی خاص و از باب مهرورزی به مردم مؤمن منطقه ابتدا از خداوند متعال طلب امنیت می‌کند و سپس درخواست رزق فراوان و انواع میوه و محصولات را برای ساکنان مکه می‌نماید (بقره: ۱۲۶ و ابراهیم: ۳۵).^۳

در روایتی از امام صادق(ع)، سه هدف امنیت، عدالت و رشد بدین‌گونه بیان شده است: قال الصادق (ع): «ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ يَخْتَنِجُ النَّاسُ طُرّاً إِلَيْهَا الْأَمْنُ وَالْعَدْلُ وَالْخِصْبُ؛ سه چیز است که مردم همگی بدان نیازمندند: امنیت، عدالت و فراوانی» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۵، ص ۲۳۴).

در روایت بالا، خصب به معنای فراوانی کالاها و خدمات است که متناظر

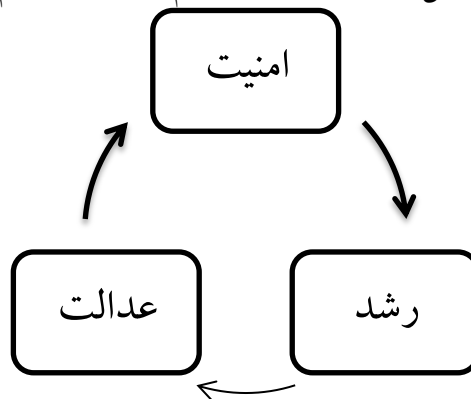
۱. وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ.

۲. وَقَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ إِن شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ.

۳. وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ؛ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا.

مفهوم اقتصادی رشد و توسعه اقتصادی است.^۱ همچنین در این روایت امنیت بر دو هدف دیگر مقدم شده و این امر نیز می‌تواند مشعر به تقدم رتبی (و نه ارزشی) آن داشته باشد. تقدم رتبی بدان معناست که امنیت به طور عام و امنیت اقتصادی به صورت خاص اولین نیاز عمومی است و پس از آن عدالت و رشد قرار دارد؛ یعنی نظام اقتصادی مطلوب باعث ایجاد امنیت و پایداری در تولید کالاها و خدمات و توزیع عادلانه محصولات تولیدی می‌شود.

شکل ۲: اهداف سه‌گانه نظام اقتصادی اسلام



این اهداف سه‌گانه با یکدیگر ساختار نظام اقتصادی را مشخص می‌کنند. در این میان اندیشه مقاوم‌سازی اقتصاد، بعد امنیت اقتصادی را از جهت نظری برجسته می‌کند و استحکام نظام را مورد توجه قرار می‌دهد. همان‌گونه که در ارزیابی یک سازه مسکونی ممکن است آن را از جهات متعددی همچون استحکام

۱. در برخی روایات، زمان خصب در مقابل زمان شدت و بلا معرفی شده است. بر اساس این روایات، مدت احتکار در زمان فراوانی (خصب) ۴۰ روز و در زمان کمبود (شدت و بلا) سه روز است: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْخُبْرَةُ فِي الْخَصْبِ أَرْبَعُونَ يَوْمًا وَ فِي الشَّدَّةِ وَ الْبَلَاءِ ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ فَمَا زَادَ عَلَى الْأَرْبَعِينَ يَوْمًا فِي الْخَصْبِ فَصَاحِبُهُ مُلْعُونٌ وَ مَا زَادَ عَلَى ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْعُسْرَةِ فَصَاحِبُهُ مُلْعُونٌ» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵، ص ۱۶۵).

بنا، معماری، راحتی و مانند آن ارزیابی کنیم؛ نظام اقتصادی را نیز می‌توان از جهات مختلف از جمله توانایی در تولید کالاها و خدمات (رشد)، میزان موفقیت در توزیع عادلانه محصولات تولیدی (عدالت) و همچنین استحکام نظام در تولید مستمر کالاها و خدمات (مقاومت) مورد ارزیابی قرار داد.

امنیت اقتصادی زمانی ایجاد می‌شود که از یک‌سو فضایی امن برای کسب‌وکار شکل گیرد و دارایی و ثروت مردم از دست‌اندازی دیگران در امان باشد. از سوی دیگر، تحقق امنیت اقتصادی در سطح کلان به معنای ایجاد ثبات اقتصادی است (سبحانی، ۱۳۹۱، ص ۱۰-۱۱). امنیت اقتصادی در مفهوم اول (ایجاد فضای امن)، به معنای محافظت از حقوق مالکیت و در مفهوم دوم (ثبات اقتصادی) به معنای تثبیت شرایط اقتصادی است.

ایجاد فضای امن و ثبات اقتصادی در اقتصاد مقاومتی مبتنی بر تحلیل ارائه شده از زمینه‌های ایجاد بی‌ثباتی در اقتصاد و همچنین راه‌حل‌های پیشنهادی جهت برطرف کردن آن است. در ادبیات متعارف اقتصادی به طور عمده به مشکلاتی چون درجه بالای باز بودن اقتصادی و درجه بالای تمرکز صادراتی و وارداتی به عنوان آسیب‌های اقتصادی اشاره شده است (بریگولیو^۱، ۲۰۰۶).

۶. تعریف اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی به عنوان یک اندیشه اسلامی، ناظر به تجزیه و تحلیل آسیب‌پذیری‌های اقتصاد و ترفندهای ایمن‌ساز در رویکرد اسلامی است. اقتصاد مقاومتی، به بیان دیگر، متضمن آسیب‌شناسی اقتصادی در چارچوب اندیشه اقتصاد اسلامی با توجه به شرایط کشور و ارائه راه‌حل مبتنی بر آن است. از

1. Briguglio.

این رو، اقتصاد مقاومتی بر پایه دو مؤلفه تشخیص آسیب‌پذیری‌های نظام اقتصادی و ارائه راهبردهای ایمن‌ساز در چارچوب اندیشه اسلامی استوار است. در این میان تشخیص نقاط آسیب‌پذیر در نظام اقتصادی از جهت رتبی مقدم بر درمان مشکل است.

تبیین ارائه شده از اقتصاد مقاومتی با تأکیدات مقام معظم رهبری (مدظله) بر اسلامی بودن آن سازگار است. ایشان اقتصاد مقاومتی را الگویی بومی و علمی می‌دانند که از فرهنگ انقلابی و اسلامی کشور برآمده است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲). ایشان همچنین بر این نکته تأکید می‌کنند که اقتصاد مقاومتی، در مقابل آسیب‌پذیری‌ها ایمن است:

«اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسیب‌پذیری‌اش کاهش پیدا کند. یعنی وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی جوری باشد که در مقابل ترفندهای دشمنان که همیشگی و به شکل‌های مختلف خواهد بود، کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند. یکی از شرایطش، استفاده از همه ظرفیت‌های دولتی و مردمی است، هم از فکرها و اندیشه‌ها و راهکارهایی که صاحب‌نظران می‌دهند، استفاده کنید، هم از سرمایه‌ها استفاده شود» (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت، ۱۳۹۱/۶/۲).

با توجه به تأکیدات مقام معظم رهبری بر لزوم آسیب‌پذیری نظام اقتصادی و همچنین اینکه اقتصاد مقاومتی الگویی اسلامی است، طرح این نکته که در اقتصاد مقاومتی آسیب‌پذیری و مقاوم‌سازی از نقطه‌نظر اسلامی ارائه می‌شود، به معنای ارائه تعریف جدید از اقتصاد مقاومتی نیست. این بیان رویکرد تبیین اقتصاد مقاومتی و لزوم مراجعه به منابع دینی را روشن‌تر می‌کند.

تشخیص نقاط آسیب‌پذیر در نظام اقتصادی وابستگی زیادی به ارزیابی ما از کارکرد نظام اقتصادی در راستای دستیابی به اهداف مورد نظر دارد. این امر

موجب تمایز رویکردهای قابل ارائه در آسیب‌شناسی نظام اقتصادی می‌شود. اقتصاد سرمایه‌داری و اسلامی، به طور نمونه، نگاه متفاوتی به کارکرد ربا و بهره در نظام اقتصادی دارند. در رویکرد اقتصاد سرمایه‌داری، نرخ بهره به عنوان متغیری اساسی باعث بهبود کارکرد نظام مالی و تخصیص بهینه منابع مالی کمیاب می‌شود. در مقابل، اقتصاد اسلامی، ظهور ربا در اقتصاد را موجب آسیب‌پذیری نظام اقتصادی می‌داند. این دو نوع تحلیل موجب ارائه ساختارهای نهادی متفاوت جهت سازماندهی نظام مالی در اقتصاد سرمایه‌داری و اسلامی می‌شود.

۷. سنخ‌شناسی آسیب‌پذیری‌های اقتصادی

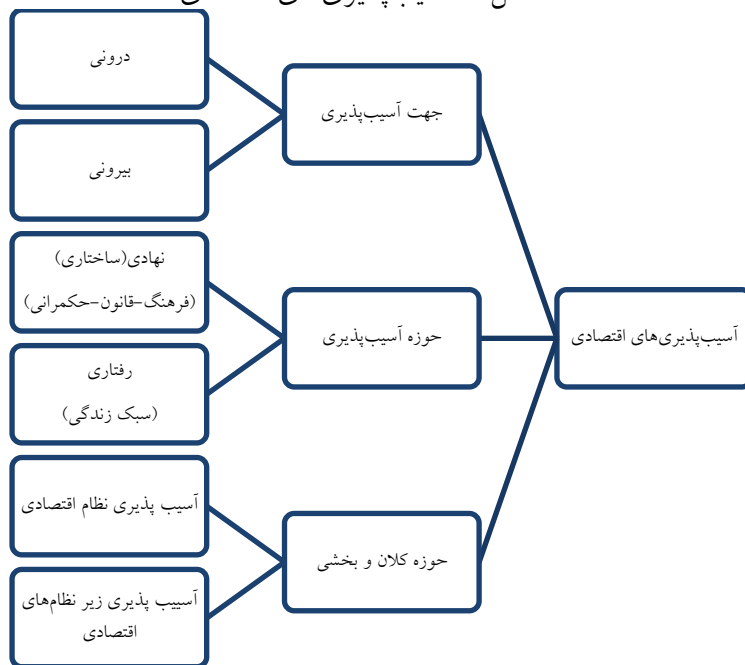
آسیب‌های نظام اقتصادی از جهات مختلف قابل تمایز هستند. این آسیب‌ها از یک طرف به درونی و بیرونی تقسیم می‌شوند. این تقسیم ناظر به منشأ آسیب‌پذیری است. آسیب‌های بیرونی، به طور عمده منشأ خارجی دارند. برای نمونه، تحریم‌های اقتصادی از خارج به مردم یک کشور تحمیل می‌شوند. بحران‌های مالی بین‌المللی نیز امور خارجی هستند که می‌توانند اقتصاد یک کشور را دچار آسیب کنند. در مقابل، آسیب‌پذیری‌های درونی اقتصاد ماهیتی داخلی دارند و ناظر به ضعف‌های درونی نظام اقتصادی یک کشور هستند. برای نمونه، رواج فرهنگ دنیاطلبی نوعی آسیب اقتصادی درونی است.

آسیب‌پذیری‌های اقتصادی، از زاویه دیگر در دو حوزه آسیب‌پذیری‌های نهادی و رفتاری جای می‌گیرند. آسیب‌پذیری رفتاری به مشکلات موجود در سبک زندگی اقتصادی اشاره دارد که امکان بروز مشکلات اقتصادی را تقویت می‌کند. در مقابل، آسیب‌پذیری‌های نهادی به آسیب‌های ناشی از وجود ساختار نهادی نامناسب از جمله فرهنگ اقتصادی، قوانین اقتصادی و همچنین ساختار حکمرانی نامناسب اشاره دارد.

برای نمونه، رواج سبک زندگی اقتصادی توأم با اسراف و اتراف نوعی آسیب در رفتار اقتصادی است. در مقابل، شکل‌گیری فرهنگ تفاخر، قوانین ترویج‌کننده ورود کالاهای لوکس و همچنین ضعف سازمان‌های اجرایی در مواجهه با قاچاق کالا بستر نهادی سبک زندگی مترفانه و مسرفانه را فراهم می‌کند.

در نگاهی دیگر آسیب‌پذیری‌های اقتصادی به دو دسته آسیب‌پذیری‌های نظام اقتصادی کلان و آسیب‌پذیری‌های زیر نظام‌های آن یا بخش‌های اقتصادی تقسیم می‌شود. در آسیب‌پذیری‌های نظام اقتصادی کلان به آسیب‌های پیش روی کلیت نظام اقتصادی صرف نظر از بخش‌های آن توجه می‌شود. در مقابل، بخش‌های اقتصادی از جمله بخش مالی، عمومی و مانند آن نیز با آسیب‌های خاص خود مواجه هستند. برای نمونه، مشکل هماهنگی منافع فردی و جمعی یکی از مسائل کلان نظام اقتصاد سرمایه‌داری است. در مقابل بروز بحران‌های مالی به آسیب‌پذیری بخش پولی و بانکی اشاره دارد.

شکل ۳: آسیب‌پذیری‌های اقتصادی



تفکیک بین آسیب‌های درونی یا بیرونی؛ رفتاری و نهادی و کلان یا بخشی به مفهوم نفی ارتباط بین آنها نیست. آسیب‌پذیری‌های رفتاری یا نهادی ممکن است ناشی از نقاط آسیب درونی یا بیرونی باشند. برای نمونه، عمده آسیب‌های فرهنگ اقتصادی ناشی از مشکلات درونی در اقتصاد یک کشور و عدم مقابله با رواج فرهنگ‌های اقتصادی نامطلوب است. با وجود این، مشکلات فرهنگ اقتصادی می‌تواند منشأ بیرونی نیز داشته باشد. برای نمونه، تبلیغات بازرگانی در شبکه‌های ماهواره‌ای می‌تواند فرهنگ مصرف کالای داخلی و همچنین فرهنگ قناعت در مصرف را نشانه بگیرد.

۸. آسیب‌شناسی اقتصادی در رویکرد اسلامی

در دهه‌های اخیر، اقتصاددانان با توجه به آسیب‌پذیری نظام‌های اقتصادی نسبت به شوک‌های اقتصادی ادبیاتی مشابه اقتصاد مقاومتی شکل داده‌اند که از آن با عنوان اقتصاد تاب‌آوری^۱ یاد شده است. در این بررسی‌ها، آسیب‌پذیری کشورها نسبت به شوک‌های برون‌زا به طور عمده به دو عامل مهم درجه بالای باز بودن اقتصادی و تمرکز صادراتی بالا نسبت داده شده است (بریگولیو، ۲۰۰۶). درجه بالای باز بودن اقتصاد به معنای بالا بودن سهم مجموع صادرات و واردات از کل تولید ناخالص داخلی است. هرچند باز بودن درهای اقتصاد یک کشور بر روی تجارت خارجی نشانه قدرت اقتصادی یک کشور است، این سیاست باعث افزایش آسیب‌پذیری آن می‌شود. زیرا کشورهای با اقتصاد باز، در معرض سطح بالایی از شوک‌ها قرار دارند، شوک‌هایی که تقریباً هیچ کنترلی بر روی آن ندارند (بریگولیو و همکاران، ۲۰۰۸، ص ۴).

1. resilience.

درجه بالای تمرکز صادراتی نیز از عوامل مهم ایجاد آسیب‌پذیری اقتصادی است. وابستگی یک کشور به صادرات طیف محدودی از کالاها و خدمات برای یک کشور خطرناک است. این موضوع به ساختار تولیدی و توانمندی‌های اقتصادی هر کشور وابسته است (همان).

نتایج برخی مطالعات نشان می‌دهد که شوک‌های اقتصادی باعث نوسان بالای تولید ناخالص داخلی و درآمدهای صادراتی کشورهای کوچک می‌شود. در کشورهای کوچک ریسک‌های فزاینده ناشی از شوک‌ها اثری منفی بر رشد اقتصادی برجای می‌گذارد. در این میان، شوک‌های منفی نسبت به شوک‌های مثبت، اثر بزرگتری بر اقتصاد کشورهای کوچک برجای می‌گذارند (کوردینا^۱، ۲۰۰۴، ص ۲۳).

تحلیل آسیب‌پذیری‌های اقتصادی در اقتصاد مقاومتی، همان‌گونه که گفته شد، مستلزم بهره‌گیری از تفکر اسلامی هم در مرحله آسیب‌شناسی و هم در مرحله درمان است. رهیافت اقتصاد اسلامی نسبت به برخی از آسیب‌های اقتصادی از جمله گسترش دنیاگرایی، مصرف‌گرایی، نظام پولی ربوی و همچنین نظام تأمین اجتماعی متمرکز هشدار داده می‌شود.

هرچند در بینش اقتصاد سرمایه‌داری پیگیری نفع شخصی به عنوان موتور محرک رشد اقتصادی در نظر گرفته می‌شود، در بینش اسلامی، نیازدگی به عنوان یکی از نقاط آسیب‌پذیری اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تلقی می‌شود. در این چارچوب، اگر تمایلات خودخواهانه به واسطه گرایش‌های اخلاقی و همچنین نظارت همگانی و دولتی کنترل نشود، موجب بروز مشکلات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بسیاری می‌شود.

در نظام سرمایه‌داری مصرف ترویج می‌شود تا تولید انبوه پابرجا باشد. در این چارچوب حداکثرسازی مطلوبیت ناشی از مصرف عقلایی تلقی می‌شود. در این نظام، کالاهایی برای تولید انتخاب می‌شوند که بالاترین آراء را به دست آورند؛ یعنی بالاترین مقدار پولی را که مردم برای کالاها خرج می‌کنند، می‌گیرد (لیپسی، ۱۳۷۸، ص ۵۹). در این ساختار ثروتمندان آرای بیشتر و فقیران رأی کمتری دارند. گذشته از آنکه صاحبان صنایع بزرگ با استفاده از صنعت تبلیغات باعث ایجاد ذائقه‌های مصرفی جدید در مردم می‌شوند و بدین‌وسیله در عمل مصرف در خدمت تولید قرار می‌گیرد. نتیجه این روند، گسترش فرهنگ مصرف‌گرایی، تخریب محیط زیست و افزایش شکاف طبقاتی میان ثروتمندان و فقیران است (چپرا، ۱۳۸۵، ص ۸۰ - ۸۱).

در مقابل، در اندیشه اسلامی، گسترش مصرف‌گرایی به عنوان یک آسیب اقتصادی معرفی می‌شود. اسلام در مقابل فرهنگ مصرف‌گرایی، فرهنگ قناعت (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴، ص ۱۸۳؛ کبیر مدنی، ۱۴۰۹ق، ص ۶۰۵؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۵۷۹)^۱ و عدم اسراف (فرقان: ۶۷)^۲ را معرفی می‌کند. بر اساس اندیشه اسلامی، قناعت به عنوان سرمایه‌ای پایدار هم باعث حفظ منابع از اسراف و تبذیر می‌شود و هم مانع از ورود افراد به مسابقه تکاثر می‌شود.

همچنین در اندیشه اسلامی، شکل‌گیری نظام مالی مبتنی بر ربا و قمار نه تنها موجب آسیب‌پذیری نظام مالی می‌شود؛ بلکه کل نظام اقتصادی را نیز آسیب‌پذیر می‌نماید؛ زیرا در نظام تأمین مالی ربوی تمامی ریسک‌های اقتصادی به گیرنده تسهیلات منتقل می‌شود. در این حالت در صورت بروز یک بحران ناخواسته

۱. قال رسول الله (ص): الْفَنَاعَةُ رَاحَةٌ؛ قال علی (ع): الفناعه مال لا ینفذ؛ عن الامام علی علیه السلام:

من قنع لم یغتم.

۲. الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا.

تمامی بار مشکل بر وی تحمیل و باعث ایجاد ورشکستگی و تعمیق بحران می‌شود (توکلی، ۱۳۹۱).

تأمل در ساختار غیرمتمرکز تأمین اجتماعی در اسلام نیز نشان می‌دهد که اسلام تمامی بار فقرزدایی را بر عهده دولت نمی‌گذارد؛ بلکه سعی می‌کند مردم را نیز به شکلی داوطلبانه درگیر تأمین اجتماعی کند (برانت، ۱۳۸۳، ص ۹۰). مهم‌ترین چالش سیستم‌های تأمین اجتماعی که امروزه تقریباً به یک معضل غیر قابل حل برای بیشتر دولت‌های رفاه تبدیل شده است، کسری بودجه و بحران مالی آنها می‌باشد. بر اساس گزارش خزانه‌داری کل آمریکا، سازمان تأمین خدمات درمانی سالخوردگان این کشور با رقم نجومی ۳۷۶۰۰ میلیارد دلار کسری بودجه انباشته مواجه شده بود که این رقم به طور مداوم در حال افزایش است (نمازی، ۱۳۸۷، ص ۱۷).

باید توجه داشت که آسیب‌شناسی اقتصادی مبتنی بر رویکرد اسلامی در اقتصاد مقاومتی به معنای نفی دستاوردهای اقتصاد تاب‌آوری نیست. ادبیات اقتصاد تاب‌آوری از این جهت با مباحث اقتصاد مقاومتی در ارتباط است که به تحلیل برخی از جنبه‌های مهم در آسیب‌پذیری اقتصاد کشورها در عصر جهانی شدن از جمله درجه باز بودن تجارت خارجی، میزان تمرکز صادراتی و آسیب‌های نهادی می‌پردازد. مقام معظم رهبری با توجه به وجود مشابهت بین ایده اقتصاد مقاومتی و مباحث مشابه در اقتصاد متعارف می‌فرمایند:

«اقتصاد مقاومتی یک الگوی علمی متناسب با نیازهای کشور ما است؛ اما منحصر به کشور ما هم نیست؛ یعنی بسیاری از کشورها، امروز با توجه به این تکانه‌های اجتماعی و زیر و رو شدن‌های اقتصادی‌ای که در این بیست سی سال گذشته اتفاق افتاده است، متناسب با شرایط خودشان به فکر یک چنین کاری افتاده‌اند. پس مطلب اول اینکه این حرکتی که ما داریم انجام می‌دهیم، دغدغه دیگر کشورها هم هست؛ مخصوص ما نیست» (بیانات در حرم رضوی، ۱۳۹۳/۱/۱).

در طراحی الگوی اقتصاد مقاومتی ضمن توجه به دستاوردهای علمی حاصل از مباحث تاب‌آوری اقتصادی، از رویکرد اسلامی در تحلیل نقاط آسیب‌زا و ترندهای ایمن‌ساز استفاده می‌شود. در این رویکرد اگر بخواهیم آسیب‌ها را از حیث درجه اهمیت رتبه‌بندی کنیم، آسیب‌های درونی درجه اهمیت بالایی دارند. در این دیدگاه برخلاف اقتصاد تاب‌آوری که تأکید بر دو عامل درجه بالای باز بودن تجاری و تمرکز صادراتی است، تأکید عمده برای تحقق اقتصاد مقاومتی بر رفع آسیب‌پذیری‌های درونی است. مقام معظم رهبری یک دهه قبل از ارائه اندیشه اقتصاد مقاومتی به تبیین این واقعیت پرداختند:

«عوامل درونی یعنی مواردی که در درون خود ما انقلابیون و ما مؤمنین است اینها کم نیست، زیاد است. من می‌خواهم عرض کنم که اگر ما این آسیب‌های درونی را علاج نکنیم، آن آسیب‌های بیرونی مشکلی برای ما به وجود نخواهد آورد» (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش آسیب‌شناسی انقلاب، ۱۳۷۷/۱۲/۱۵).

مقام معظم رهبری با ترسیم جنگ احد و تحلیل شکست مسلمانان در آن نبرد، جامعه اسلامی را به عبرت‌آموزی فرا می‌خواند و در کنار توطئه دشمنان بیرونی به اهمیت وضعیت درونی پرداخته و به تعبیری علت کارآمد شدن تلاش دشمنان را ضعف درونی بر می‌شمارند:

«اگرچه جنگ احد در مقیاس مسائل تاریخی و جهانی و مسائل جامعه یک حادثه کوتاه‌مدت و کوچک است؛ اما درسی که قرآن در باب جنگ احد به ما داد، درس بزرگی است و متعلق به همیشه است ... خدا نعمت را بر نمی‌گرداند. ما هستیم که با رفتار خودمان، با عقب‌گرد خودمان، با سوء تدبیر خودمان درباره امور خویش نعمت را بر می‌گردانیم ... در جنگ احد قضیه برگشت، - من بعد ما اریکم ما تجبون- بعد از آنکه خداوند طلیعه پیروزی را نشان داده بود، اشتباه کردند ... الان همه ما در همان وضعیتییم. جامعه ما، نه امروز، بلکه بعد از پیروزی انقلاب در همان وضعیت است. پیروزی مرحله‌ای انجام گرفته است.

ما مأموریم بر اینکه ثغره و شکاف و کمینگاه را حراست و محافظت بکنیم. اگر غفلت کردیم، دشمن ما را دور خواهد زد و ضایعه خواهد آفرید. از اول انقلاب تا حالا نگاه کنید، هر جا دور خوردیم، بر اثر چنین غفلتی بوده است. اگر بگردیم، غفلت را پیدا می‌کنیم همه‌اش دنبال مسائل تحلیل سیاسی نرویم. البته من منکر فعل و انفعالات بیرونی و واقعی و سیاسی نیستم؛ اما اساس قضیه در درون خود ماست» (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۰/۵/۲۳).

در دیدگاه ایشان آسیب‌های درونی در سه دسته طبقه‌بندی می‌شوند: «یکی از آنها بی‌ایمانی - ضعف ایمان - است، این آسیب درون است؛ یکی سوء عملکرد در همه زمینه‌هاست، از جمله در تبلیغ. یکی از آنها دنیاطلبی است؛ یعنی مزه دنیا را با حرص و ولع، در دهان مززه کردن و چرب و شیرین دنیا را قدر دانستن. به نظر من این سه چیز عوامل اصلی است و همه چیز به این سه چیز بر می‌گردد. هر دستگاه یا هر فردی که موجب این سه چیز بشود به انقلاب ضربه می‌زند. هرکس موجب گردد که مردم به بی‌ایمانی سوق داده بشوند و ایمان مردم ضعیف بشود، کمک به آسیب‌های انقلاب می‌کند» (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش آسیب‌شناسی انقلاب، ۱۳۷۷/۱۲/۱۵).

بنابراین از دیدگاه مقام معظم رهبری، انقلاب اسلامی ایران با دو تهدید و آسیب بیرونی و درونی مواجه است. اما آنچه اهمیت مضاعف دارد و ریشه پدید آمدن مشکلات، انحرافات و کجی‌ها می‌شود، آسیب درونی است و اگر دشمن موفق می‌شود ضربه و یا هجومی را سامان بدهد و اجرا کند، ریشه در ضعف درونی خودمان دارد؛ لذا جامعه‌ای که بتواند آسیب‌های درونی خود را علاج کند، هیچ ترفندی از دشمن در او کارگر نخواهد افتاد.

۹. راهبردهای ایمن‌ساز در اقتصاد اسلامی

ادبیات اقتصاد مقاومتی ضمن گسترش مباحث مرتبط با آسیب‌شناسی نظام‌های اقتصادی با توجه به رهیافت‌های برآمده از مکتب اقتصادی اسلام، به ارائه

راهبردهای نوینی جهت ایمن‌سازی و کاهش میزان آسیب‌پذیری‌های اقتصادی می‌پردازد. برای نمونه، در اقتصاد اسلامی برای مواجهه با آسیب‌هایی چون مصرف‌گرایی، تأمین مالی ربوی و تأمین اجتماعی متمرکز، راهبردهایی چون سبک زندگی تعادلی اسلامی، الگوی بانکداری اسلامی و نظام تأمین اجتماعی غیرمتمرکز پیشنهاد شده است.

بانکداری اسلامی به عنوان با سابقه‌ترین نماد تأمین مالی اسلامی، روش مشارکت در سود و زیان را به جای نظام ربوی، اساس کار خود قرار داده است. در روش مشارکت در سود و زیان، ریسک مبادلات بین تأمین مالی کننده و تأمین مالی شونده تسهیم می‌شود. در مقابل، تأمین مالی کننده نیز در سود حاصل از فعالیت اقتصادی تأمین مالی شونده، سهیم می‌شود (موسویان، ۱۳۷۸، ص ۲۷۶).

همچنین این روش سبب جذب شوک‌های اقتصادی و در نتیجه کاهش آسیب‌پذیری‌های اقتصادی می‌شود. می‌توان رمز موفقیت بانکداری اسلامی در جذب شوک‌های اقتصادی را در حذف دوگانگی فعالیت‌های اقتصادی واقعی و مالی دانست. در تأمین مالی اسلامی هرگز در ازای پول آتی (نسیه)، پول حال (نقد) ارائه نمی‌شود. تمام روش‌های تأمین مالی اسلامی شامل پول، در یک سمت و کالاها و خدمات در سمت دیگر است. جریان پولی در تأمین مالی اسلامی باید به صورت مستقیم به جریان کالاها و خدمات متصل باشد. ویژگی ارتباط جریان وجوه با اقتصاد و بازارهای واقعی در بانکداری اسلامی، سبب می‌شود تأمین مالی اسلامی در جذب شوک‌های اقتصادی واقعی بهتر عمل کند. بانکداری اسلامی تعامل بیشتری با بازار واقعی کالاها و خدمات دارد. از این‌رو، نظام بانکی تعامل بیشتری با نیروهای بازاری و سازوکار قیمت و عرضه و تقاضا دارد و بنابراین، بهتر می‌تواند نوسان‌ها و شوک‌های اقتصادی واقعی را جذب کند (شعبانی و سیفلو، ۱۳۹۰، ص ۱۰۲).

همچنین در سبک زندگی اقتصادی اسلامی بر الگوی تعادلی مصرف در حد

کفاف، پرکاری در تولید و انفاق مازاد درآمد تأکید می‌شود. در این الگوی تعادلی انسان مسلمان از یک طرف، تولید را عبادت می‌شمارد و از حاصل آن برای رفاه خود و هم‌نوعانش استفاده می‌کند. او خود را خلیفه خداوند و امانتدار او می‌داند، هدفش از تولید، تنها حداکثرکردن سود و درآمد نیست. سودی را دنبال می‌کند که رضایت خداوند را به همراه داشته باشد. برای تولیدکننده مسلمان، مباحثی از قبیل از میدان به درکردن رقیب و انحصارطلبی، احتکار و گران‌فروشی و کم‌فروشی، جایی ندارد (فراهانی فرد، ۱۳۸۹).

از سوی دیگر در حوزه مصرف و توزیع، انسان مسلمان با مصرف در حد کفاف و پرهیز از اسراف و تبذیر، به انفاق مازاد درآمد خود می‌پردازد. لذا در سطح خرد به افزایش مطلوبیت فقرا و در سطح کلان به کاهش نابرابری‌های درآمدی، افزایش تولید کل و رفتن جامعه به سمت ثبات و تعادل منجر می‌شود. در سطح خرد تأکید اسلام بر پرکاری (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۱۶۹؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۷۸)^۱، مصرف در حد کفاف (طریحی، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۱۱۳) و انفاق مازاد درآمد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۳۹۸)^۲ سبب می‌شود تا مصارف تجملاتی از جامعه حذف و با انتقال مازاد درآمد به گروه‌های کم درآمد مطلوبیت دنیوی فقرا حداکثر شود. از طرف دیگر در سطح کلان نیز با کاهش مصرف فرد مسلمان به حد کفاف

۱. قَالَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ (ع) إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَيُبْعِضُ الْعَبْدَ النَّوَامَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَيُبْعِضُ الْعَبْدَ الْفَارِعَ؛ سَأَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنْ رَجُلٍ وَ أَنَا عِنْدَهُ فَقِيلَ لَهُ أَصَابَتْهُ الْحَاجَةُ قَالَ فَمَا يَصْنَعُ الْيَوْمَ قِيلَ فِي الْبَيْتِ يَعْبُدُ رَبَّهُ قَالَ فَمِنْ أَيْنَ قُوَّتُهُ قِيلَ مِنْ عِنْدِ بَعْضِ إِخْوَانِهِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع وَ اللَّهُ لَلَّذِي يَفُوتُهُ أَشَدُّ عِبَادَةً مِنْهُ.

۲. إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَرَضَ لِلْفُقَرَاءِ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ فَرِيضَةً لَا يُحْمَدُونَ إِلَّا بِأَدَائِهَا وَ هِيَ الزَّكَاةُ بِهَا حَقَّنُوا دِمَاءَهُمْ وَ بِهَا سُمُوا مُسْلِمِينَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ حَقُّوفاً غَيْرَ الزَّكَاةِ فَقَالَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ «۲» فَالْحَقُّ الْمَعْلُومُ مِنْ غَيْرِ الزَّكَاةِ وَ هُوَ شَيْءٌ يَفْرُضُهُ الرَّجُلُ عَلَى نَفْسِهِ فِي مَالِهِ يَجِبُ عَلَيْهِ أَنْ يَفْرُضَهُ عَلَى قَدْرِ طَاقَتِهِ وَ سَعَةِ مَالِهِ فَيُؤَدِّي الَّذِي فَرَضَ عَلَى نَفْسِهِ إِنْ شَاءَ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ إِنْ شَاءَ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ وَ إِنْ شَاءَ فِي كُلِّ شَهْرٍ.

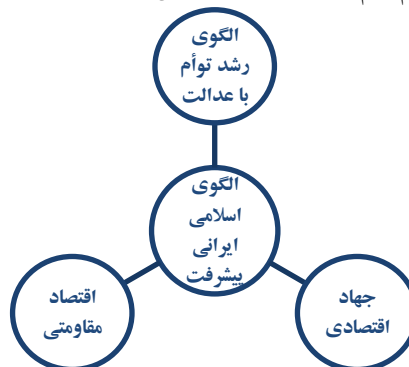
و انفاق مازاد درآمد، اشتغال در جامعه بیشتر، تولید کل افزایش و مصرف کل در حد کفاف کاهش می‌یابد (میرمعزی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۵). در نتیجه جامعه از قدرت بالایی در برخورد با آسیب‌های اقتصادی برخوردار می‌باشد.

در الگوی تأمین اجتماعی اسلام نیز تأکید بر تقدم توانمندسازی و خوداتکایی افراد بر وابستگی به کمک‌ها، فدا نشدن تأمین اجتماعی به پای اهداف رشد اقتصادی، برخورداری تأمین اجتماعی از کارکرد عدالت بین نسلی، فراگیری تأمین اجتماعی نسبت به اقلیت‌های مذهبی، توانایی تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها و سبک بار بودن و عدم سنگینی نظام تأمین اجتماعی بر دوش دولت سبب افزایش ثبات اقتصادی در جامعه می‌شود (حسینی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۲۷). عدم تمرکز در نظام تأمین اجتماعی اسلام باعث می‌شود که از بروز آسیب‌پذیری‌های تأمین اجتماعی در اقتصادهای رفاه از جمله مشکلات مالی کاسته شود.

۱۰. رابطه اقتصاد مقاومتی با مفاهیم مشابه در اقتصاد اسلامی

رهبر معظم انقلاب اسلامی در سال‌های اخیر افزون بر طرح اندیشه اقتصاد مقاومتی، مفاهیم مشابهی از جمله الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، عدالت و پشرفت توأمان و جهاد اقتصادی را نیز مطرح کردند. این مفاهیم بخشی از یک منظومه منسجم فکری در چارچوب اقتصاد اسلامی را تشکیل می‌دهند.

شکل ۴: مفاهیم هم‌تراز اقتصاد مقاومتی در ادبیات اقتصاد اسلامی



الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت الگویی است که دستیابی به اهداف سه‌گانه نظام اقتصادی اسلام یعنی رشد، عدالت و امنیت اقتصادی را با توجه به اقتضانات بومی جمهوری اسلامی ایران دنبال می‌کند. با توجه به تحلیلی که در مورد رابطه بین اهداف رشد، عدالت و امنیت ارائه شد، تحقق رشد و عدالت اقتصادی بدون در نظر گرفتن امنیت اقتصادی امکان‌پذیر نیست. همان‌گونه که تقویت امنیت اقتصادی باعث تسریع رشد و تقویت عدالت می‌شود، رشد مداوم اقتصادی و عدالت اقتصادی نیز باعث تقویت امنیت و ثبات اقتصادی می‌شود. در این چارچوب، اقتصاد مقاومتی به تحلیل چگونگی تحقق امنیت اقتصادی به عنوان یکی از اهداف سه‌گانه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت می‌پردازد. البته باید توجه داشت که الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت افزون بر هدف‌گذاری پیشرفت اقتصادی، پیشرفت در سایر ابعاد از جمله پیشرفت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد.

مقام معظم رهبری با معرفی دهه عدالت و پیشرفت بر این نکته تأکید کردند که در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت افزون بر توجه به هدف رشد اقتصادی، عدالت اقتصادی نیز اهمیت دارد. یعنی در رویکرد اسلامی، افزایش نرخ رشد اقتصادی به تنهایی نشانه پیشرفت اقتصادی نیست؛ بلکه پیشرفت اقتصادی زمانی حاصل می‌شود که عواید اقتصادی به صورتی عادلانه بین افراد توزیع شود. با در نظر گرفتن ترکیب دو هدف عدالت و رشد اقتصادی، مفهوم پیشرفت و عدالت توأمان نیز با مفهوم اقتصاد مقاومتی ارتباط می‌یابد؛ زیرا تحقق امنیت اقتصادی با دو هدف رشد و عدالت اقتصادی مرتبط است.

اقتصاد مقاومتی با مفهوم جهاد اقتصادی نیز مرتبط است. جهاد اقتصادی الگوی اقتصادی برخاسته از فرهنگ اسلامی است که مجاهدت و تلاش پیگیر جهت رشد و پیشرفت توأم با عدالت را تسهیل می‌کند. در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، تحقق روحیه جهادی به عنوان یکی از مؤلفه‌های تحقق اقتصاد مقاومتی قلمداد شده است.

با در نظر گرفتن ارتباط بین اهداف رشد، عدالت و امنیت، اقتصاد اسلامی ارائه‌کننده الگویی است که از جهت تحقق امنیت با عنوان اقتصاد مقاومتی معرفی می‌شود. تحقق اهداف رشد، عدالت و امنیت اقتصادی در ایران اسلامی را نیز می‌توان با توجه به الگوی اسلامی پیشرفت بازشناخت. تأمین توأم هدف رشد و عدالت نیز در قالب الگوی رشد توأم با عدالت و یا رشد عدالت‌محور معرفی می‌شود.

باید توجه داشت که تمرکز بر یک هدف به معنای در نظر نگرفتن سایر اهداف نیست؛ بلکه این امر به منظور تمرکز بر هدف یاد شده صورت می‌گیرد. بر این اساس، الگوی اقتصادی برخاسته از مکتب اقتصادی اسلام الگویی است که افزون بر تحقق امنیت، به صورت هم‌زمان اهداف رشد و عدالت را نیز تأمین کند. باید توجه داشت که در مقام عمل بین اهداف سه‌گانه رشد، عدالت و امنیت نوعی بده‌بستان وجود دارد (لوپوس^۱، ۲۰۱۳، ص ۱۵). هنگامی که برای حفظ امنیت، از میزان ریسک‌های اقتصادی کاسته شود، در عمل مجبور به هدف‌گذاری نرخ‌های رشد پایین‌تری هستیم. به علت وجود بده‌بستان بین اهداف، ضرورت انتخاب ترکیب بهینه اهداف ضروری است. به همین جهت تحقق دو معیار درون‌زایی و برون‌گرایی در اقتصاد مقاومتی، ناظر به توجه هم‌زمان به هر دو هدف رشد و امنیت اقتصادی است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

اقتصاد مقاومتی الگویی عملیاتی از اقتصاد اسلامی است که در آن هدف ثبات و امنیت اقتصادی به عنوان هدف محوری مورد توجه قرار گرفته است.

1. Lopus.

این الگو به منظور مقابله با آسیب‌پذیری‌های درونی و بیرونی اقتصادی و تقویت انعطاف‌پذیری و مقاومت نظام اقتصادی ارائه می‌شود. هرچند ارائه چنین الگویی در شرایط تحریم اقتصادی به شدت احساس می‌شود، اقتصاد مقاومتی طرحی بلندمدت جهت کاهش آسیب‌پذیری‌های اقتصادی حتی در صورت عدم وجود تحریم و یا شوک‌های اقتصادی برون‌زا می‌باشد.

ارائه الگوی اقتصاد مقاومتی به معنای نفی دستاوردهای ادبیات اقتصادی گسترش‌یافته در زمینه اقتصاد تحریم، اقتصاد آسیب‌پذیری و یا اقتصاد تاب‌آوری نیست. در طراحی الگوی اقتصاد مقاومتی ضمن توجه به دستاوردهای علمی در زمینه اقتصاد ثبات و امنیت، از رویکرد اسلامی در تحلیل نقاط آسیب‌زا و ترندهای ایمن‌ساز استفاده می‌شود.

بدون شک ارائه الگوی عملیاتی اقتصاد مقاومتی افزون بر توجه به اقتضائات اسلامی نیازمند در نظر گرفتن اقتضائات بومی کشورهای اسلامی است. از این‌رو، الگوی اقتصاد مقاومتی رابطه تنگاتنگی با الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و همچنین الگوی پیشرفت توأم با عدالت و یا رشد عدالت‌محور دارد که در آن دو هدف محوری دیگر نظام اقتصادی اسلام یعنی پیشرفت و عدالت مورد توجه قرار گرفته است.

منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۱۴ق)، *من لایحضره الفقیه*، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲. ایروانی، جواد و علی جلائیان اکبرنیا (۱۳۹۲)، «سبک زندگی اقتصادی در جامعه قرآنی و جامعه غربی»، *پژوهش‌های اجتماعی اسلام*، ش ۲.
۳. اسدی، علی (۱۳۹۳)، «نظام اقتصاد اسلامی الگویی کامل برای اقتصاد مقاومتی»، *سیاست‌های راهبردی و کلان*، ش ۵.
۴. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار هیئت دولت، ۱۳۹۱/۶/۲.
۵. بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰.
۶. بیانات مقام معظم رهبری در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۳/۱/۱.
۷. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار برگزارکنندگان همایش آسیب‌شناسی یک انقلاب، ۱۳۷۷/۱۲/۱۵.
۸. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۰/۵/۲۳.
۹. برانت، کریستینا (۱۳۸۳)، *دولت رفاه و حمایت‌های اجتماعی؛ راهبردهای فقرزدایی*، ترجمه هرمز همایون‌پور، تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
۱۰. پیغامی، عادل (۱۳۹۴)، *درس گفتارهای اقتصاد مقاومتی*، مؤسسه فرهنگی سدید، انتشارات بسیج دانشگاه امام صادق (ع).
۱۱. _____ (۱۳۹۱)، *مقاومت اقتصادی یا اقتصاد مقاومتی*، <http://farsi.khamenei.ir/others-note?id=20551>
۱۲. پیغامی، عادل؛ مصطفی سمیعی نسب و یاسر سلیمانی (۱۳۹۴)، *جستارهایی در اقتصاد مقاومتی (مقاوم‌سازی اقتصادی در ادبیات متعارف؛ مبادی علمی و نظری*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

۱۳. توکلی، محمدجواد (۱۳۹۱)، «تحلیلی بر طرح اقتصادی شورای پاپی عدالت و صلح در اصلاحات کلان اقتصادی در جهان»، معرفت/ادیان، س ۳، ش ۳.
۱۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ ق)، غرر الحکم و درر الکلم (مجموعه من کلمات و حکم الإمام علی علیه السلام)، چ ۲، قم: دارالکتاب اسلامی.
۱۵. ترابزاده جهرمی، محمدصادق و همکاران (۱۳۹۲)، «بررسی ابعاد و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای»، مطالعات انقلاب اسلامی، س ۱۰، ش ۳۲.
۱۶. جی. لیپسی، ریچارد (۱۳۷۸)، اصول علم اقتصاد (اقتصاد خرد)، ترجمه منوچهر فکری رشاد، مشهد: مشهد: مهشید.
۱۷. چپرا، محمد عمر (۱۳۸۵)، اسلام و چالش سرمایه‌داری، چ ۲، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۸. حسین‌زاده بحرینی، محمدحسین (۱۳۹۲)، «اقتصاد مقاومتی؛ راهکاری برای توسعه»، مشکوه، ش ۱۱۸، ص ۱۳۸-۱۵۹.
۱۹. حسینی، سیدرضا؛ الیاس نادران و حسن آقا نظری (۱۳۹۱)، «الگوی تأمین اجتماعی صدر اسلام و دلالت‌های آن برای الگوهای نوین»، معرفت اقتصاد اسلامی، س ۳، ش ۶.
۲۰. سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، بهمن ماه ۱۳۹۲.
۲۱. سیف، اله‌مراد (۱۳۹۱)، «الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران (مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری)»، آفاق امنیت، ش ۱۶.
۲۲. سیفلو، سجاد (۱۳۹۳ الف)، «اقتصاد مقاومتی راهبرد دفاع غیر عامل اقتصادی»، سیاست دفاعی، ش ۸۷.
۲۳. _____ (۱۳۹۳ ب)، «مفهوم‌شناسی اقتصاد مقاومتی»، معرفت اقتصاد اسلامی، س ۵، ش ۱۰.
۲۴. سبحانی، حسن (۱۳۹۱)، اقتصاد مقاومتی و اقتصاد سیاسی، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، کد موضوعی ۲۲۰.

۲۵. شعبانی، احمد و سجاد سیفلو (۱۳۹۰)، «مقایسه تطبیقی بانکداری وکالتی و مشارکتی و ارائه راهکاری جدید»، معرفت اقتصاد اسلامی، ش ۵.
۲۶. طریحی، فخرالدین (۱۳۶۲)، مجمع البحرين، مکتبه المرتضویه.
۲۷. فراهانی فرد، سعید (۱۳۸۹)، «کارکرد اقتصادی دین اسلام، مطالعه موردی تولید»، قیاسات، ش ۷۰.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۴۰۷ق)، الکافی (ط - الإسلامیة)؛ ۸ جلد، چ ۴، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۲۹. کبیر مدنی، سید علیخان بن احمد (۱۴۰۹ق)، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۰. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات اقتصادی (۱۳۹۳)، ارزیابی شاخص‌های جهانی برای سنجش درجه مقاومت اقتصادی، کد موضوعی: ۲۲۰.
۳۱. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ۱۱ جلد، چ ۲، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۲. میرمعزی، حسین (۱۳۸۷)، اقتصاد کلان با رویکرد اسلامی، چ ۲، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۳. _____ (۱۳۹۱)، «اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن»، اقتصاد اسلامی، س ۱۲، ش ۴۷.
۳۴. موسویان، سیدعباس (۱۳۷۸)، بانکداری اسلامی، تهران: مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی.
۳۵. نمازی، حسین (۱۳۸۷)، بحران کنونی اقتصاد غرب، تهران: فرهنگستان علوم.
۳۶. نعیم‌آبادی، غلامعلی (۱۳۹۳)، مبانی دینی اقتصاد مقاومتی، سروش نعیم.
۳۷. واعظی، حسن (۱۳۷۹)، ایران و آمریکا (بررسی سیاست‌های آمریکا در ایران)؛ تهران: سروش.

38. Briguglio, L. and Cordina, G., et al., (2006), **Conceptualizing and measuring economic resilience Building the economic resilience of small states**, Economics Department, University of Malta.

39. Briguglio, Lino and Cordina, Gordon, Farrugia, Nadia and Vella, Stephanie (2008), **Economic Vulnerability and Resilience Concepts and Measurements**, Economics Department, UNU-WIDER, Research Paper No. 55, p4.

40. Cordina, Gordon, (2004), "**Economic Vulnerability and Economic Growth: Some Results from a Neo-Classical Growth Modelling Approach**", *Journal of Economic Development*, Vol. 29, PP.21-39.

41. Clinton, Hillary Rodham, (2014), **Hard Choices (disambiguation)**, New York: Simon & Schuster, part five: upheaval, Iran: sanctions and secrets.

42. Horwich, George et al., (2006), **Focus Economic Systems**, National Council on Economic Education.

43. Lopus, Jane s, (2013), **Students Handbook to Economics: Macroeconomics**, New York: Facts on File Inc.

44. Rosser, J. Barkley and M. V. Rosser, (2004), **Comparative Economics in Transforming World Economy**, 2ed ed., Cambridge, Massachusetts, London: MIT Press.

اصول و معیارهای اقتصاد مقاومتی در عرصه تولید، توزیع و مصرف با نگاهی به آموزه‌های قرآنی (با تأکید بر سوره توبه)

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۱۲ تاریخ تأیید: ۹۵/۵/۱۶

_____ آزاده منظوری* / محمدتی نظریپور* / مجید رضایی*

چکیده

با توجه به جایگاه راهبردی و سیاسی ایران در منطقه، کشورمان همواره در معرض انواع تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی از سوی دیگر کشورها بوده است. لذا تقویت بنیان‌های اقتصادی کشور در مواجهه با این نوسانات و چالش‌های گوناگون، به عنوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر مطرح می‌شود. در این راستا، در سال ۱۳۸۹ مقام معظم رهبری، اصطلاح «اقتصاد مقاومتی» را به عنوان یک الگوی اسلامی مطرح کردند. این الگو، ضمن تعیین کیفیت تعامل و ارتباط اقتصادی با کشورهای خارجی، زمینه واکنش به فشارها و تحریم‌های اقتصادی علیه کشورمان را نیز بیان می‌کند و از آنجا که آموزه‌های اسلامی تبیین‌کننده آرمان‌های الهی هستند و همه حوزه‌های اقتصاد را در بر می‌گیرد، توجه به آیات قرآن، امری ضروری است.

* کارشناس ارشد اقتصاد اسلامی دانشگاه مفید؛ (manzoori_azadeh@yahoo.com).

* دانشیار دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه مفید؛ (nazarpur@mofidu.ac.ir).

* عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه مفید؛ (rezai@mofidu.ac.ir).

این مقاله با روش تحلیلی - توصیفی، به دنبال اثبات این فرضیه است که اصول اقتصاد مقاومتی از آیات قرآن مجید قابل استخراج است. بنابراین ضمن استخراج و تبیین اصول اقتصاد مقاومتی برگرفته از سوره توبه، به دلیل برداشتن آیات جهاد در عرصه تولید، توزیع و مصرف، به بررسی و دسته بندی این اصول پرداخته و سپس این اصول استخراجی با اصول اقتصاد مقاومتی استخراج شده از سیاست های ابلاغی اقتصاد مقاومتی در این سه عرصه، مطابقت داده شده است.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، تولید، توزیع، مصرف و قرآن.

طبقه بندی JEL: D12, D13, Z12

۱. مقدمه

با توجه به مضمون سند چشم انداز کشور، جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۴۰۴ رتبه اول منطقه به لحاظ اقتصادی، علمی و فناوری خواهد بود؛ لذا جهت پیشبرد کشور به سوی این اهداف بلندمدت در سند چشم انداز، اقتصاد مقاومتی به عنوان راهبردی مورد توجه است که هم به روند رو به رشد کشور توجه دارد و هم به دنبال کاهش میزان آسیب پذیری اقتصاد از تهدیدهای خارجی (تحریم ها) می باشد.

مقام معظم رهبری نیز در سال ۱۳۸۹، دو دلیل اساسی تحت عنوان «آمادگی کشور برای جهش» و «فشار اقتصادی دشمنان» را دلایلی ارزیابی کردند که بیش از هر زمان دیگری، لزوم طرح و برنامه ریزی جدید نظام را در حوزه اقتصادی، ثابت و ضروری می کند. همچنین الگوی تبیین شده در قرآن، الگویی برای همه جوامع است؛ چرا که این الگوی اسلامی توانست نمونه برتر از جامعه سالم ایمانی با اقتصاد مقاومتی، باقوام و استوار را در مدینه النبی شکل بخشد.

در جهان معاصر نیز اگر بخواهیم جامعه اسلامی پیشرفته، شکوفا و توسعه یافته در همه عرصه ها داشته باشیم، می بایست همان الگوهای اسلامی را سرمشق عمل قرار دهیم. البته با توجه به مقتضیات زمان و مکان، لازم است تا

در برخی از جزئیات تغییراتی داده شود؛ اما اصول اقتصاد مقاومتی همچنان یکسان است.

این مقاله با روش توصیفی و تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی، به دنبال اثبات این فرضیه است که اصول اقتصاد مقاومتی از آیات قرآن مجید قابل استخراج است؛ محتوای کلی سوره توبه، در رابطه با اعلان بیزاری از مشرکان، تشویق برای جهاد، کار اقتصادی، زکات و ... می‌باشد که در اینجا به استخراج اصول اقتصاد مقاومتی آیات پرداخته می‌شود. از این‌رو بعد از بیان پیشینه تحقیق، ضمن استخراج و تبیین اصول اقتصاد مقاومتی برگرفته از سوره توبه به دلیل در برداشتن آیات جهاد در عرصه تولید، توزیع و مصرف به بررسی و دسته‌بندی این اصول پرداخته و سپس این اصول استخراجی را با اصول اقتصاد مقاومتی استخراج شده از سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی در این سه عرصه، مطابقت داده‌ایم.

۲. مفهوم شناسی

اقتصاد مقاومتی: «اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسیب‌پذیری‌اش کاهش پیدا کند. یعنی وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی جوری باشد که در مقابل ترفندهای دشمنان که همیشگی و به شکل‌های مختلف خواهد بود، کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند» (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت، ۱۳۹۱/۶/۲). به عبارت دیگر، اقتصاد مقاومتی یک الگوی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی است که ضمن داشتن روند رو به رشد، در مقابل ترفندهای دشمنان از کمترین آسیب‌پذیری برخوردار است (قلیچ و خوانساری، ۱۳۹۴، ص ۳).

شوکه‌های اقتصادی تخریب‌کننده خارجی و ایستادگی در برابر آثار این شوک‌ها گفته می‌شود. این اصطلاح را اولین بار بریگاگلیو^۱ در سال ۲۰۰۶ برای اشاره به توان سیاست ساخته یک اقتصاد برای بهبود (یا انطباق با) آثار شوک‌های برونزای مخالف استفاده کرده است که نزدیک‌ترین مفهوم به اقتصاد مقاومتی در ادبیات رایج کشور ما است (سیف، ۱۳۹۱، ص ۷).

تاب‌آوری اقتصادی: تاب‌آوری اقتصادی، قدرت سیاست‌گذاری و اجرای آن در یک اقتصاد برای مقاومت و بازگشت از آثار منفی یا تعدیل اثرات منفی شوک‌های برونزای نامساعد و بهره‌برداری و استفاده از شوک‌های مثبت است. به عبارت دیگر تاب‌آوری شامل نخست، مقاومت و استحکام (و یا تعدیل) در مقابل شوک‌ها و دوم، بازگشت و بازیابی از آن شوک‌هاست (سیفلو، ۱۳۹۳، ص ۱۶۸).

۳. پیشینه تحقیق

با توجه به مطرح شدن بحث اقتصاد مقاومتی در چند سال اخیر توسط مقام معظم رهبری و تأکید ایشان در این زمینه، مطالعات زیادی در این راستا صورت گرفته است، ولی به طور مشخص، پژوهشی در رابطه با اصول اقتصاد مقاومتی استخراج شده از آیات قرآنی انجام نشده است. در زیر، برخی از منابع قابل دسترس و مرتبط با موضوع بیان می‌شود:

میرمعزی (۱۳۹۱) به روش تحلیلی - توصیفی درصدد ارائه تفسیری روشن از اقتصاد مقاومتی است که نخست، مستند به بیانات مقام معظم رهبری باشد و دوم، مطالبی که وی از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۱ درباره اقتصاد بیان کرده‌اند را در قالب نظریه‌ای منسجم توضیح دهد. در پایان به این نتیجه می‌رسد که از دیدگاه مقام معظم رهبری، اقتصاد مقاومتی شکل خاصی از نظام اقتصادی اسلام است

1. Briguglio

که در وضعیت تهدید اقتصادی نظام برانداز دشمن با تغییر در اولویت هدف‌های نظام اقتصادی و تغییرهای متناسب با آن در اصول راهبردی و سیاست‌های کلی در این نظام پدید می‌آید.

سیف (۱۳۹۱) به روش تحلیلی - توصیفی بیان می‌کند که در مورد اقتصاد مقاومتی تعبیرهای مختلفی رایج شده است. تعبیری که معنای اصطلاحی آن را به تعریف مقام معظم رهبری نزدیک می‌کند «فنزیت اقتصادی» است که اشاره به توان سیاست ساخته یک اقتصاد برای بهبود (یا انطباق با) آثار شوک‌های برون‌زای مخالف دارد. بنابراین در این مفهوم دو موضوع توانایی برای بهبود سریع شوک‌های تخریب‌کننده و توانایی ایستادگی در برابر آثار مخرب مورد بحث قرار می‌گیرد. در این مقاله الگوی اقتصاد مقاومتی با توجه به بیانات مقام معظم رهبری با چهار مؤلفه اساسی رشد اقتصادی، عدالت اقتصادی، ثبات اقتصادی و فنزیت اقتصادی پیشنهاد شده است.

تاری و کاویانی (۱۳۹۲) به روش تحلیلی - توصیفی به بررسی موضوع اقتصاد مقاومتی، مؤلفه‌های آن و مواردی که در مطالعات اقتصاد مقاومتی باید لحاظ شود می‌پردازند. در بخش اول این مطالعه رابطه بین اقتصاد اسلامی و اقتصاد مقاومتی بیان می‌شود. در بخش دوم شاخص‌هایی که نشان‌دهنده اقتصاد مقاومتی در بلندمدت است تبیین می‌شود و در قسمت نهایی بخش‌های مختلفی که در مطالعه اقتصاد مقاومتی باید به آن پرداخته شود و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی مشخص می‌شود.

نتایج بررسی‌های این مطالعه نشان می‌دهد که اقتصاد مقاومتی در کوتاه‌مدت و بلندمدت، تا حدود زیادی با یکدیگر دارای وجه مشترک هستند و ناقص یکدیگر نیستند. اقتصاد مقاومتی در بلندمدت، تا حدود زیادی به یک اقتصاد توسعه‌یافته و سالم شباهت دارد، با این تفاوت که تهدیدهایی که از سوی جامعه جهانی وجود دارد را نیز همواره در نظر می‌گیرد. اقتصاد مقاومتی در کوتاه‌مدت

نیز بر بسیاری از شاخص‌های یک اقتصاد توسعه‌یافته مانند کاهش وابستگی به نفت، تنوع در کالاهای صادراتی، کاهش بیکاری و... تأکید دارد. در عین حال به منظور عبور از شرایط بحران، در اقتصاد مقاومتی کوتاه‌مدت ممکن است سیاست‌هایی اتخاذ شود که در بلندمدت توصیه نمی‌شود که در این خصوص می‌توان به سیاست‌هایی مانند تنظیم بازار و توزیع کالا از سوی دولت اشاره کرد. کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و نظام اداری (۱۳۹۲)، در گزارشی که بر اساس نظریه‌های اقتصادی و علمی حاکم بر اقتصاد مقاومتی، بیانات مقام معظم رهبری و ایده‌های اولیه ارسالی از دفتر مقام معظم رهبری تدوین کرده با در نظر گرفتن اقداماتی که برای دستیابی به عملکرد موفق یک اقتصاد مقاومتی در وضعیت اقتصاد ایران لازم شمرده شده، بندهای مختلف پیش‌نویس سیاست کلی اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی را ارائه کرده است.

سیفلو (۱۳۹۳)، به روش تحلیل محتوا به دنبال اثبات این فرضیه است که اقتصاد مقاومتی یک راهبرد اقتصادی متناظر با مفهوم «تاب‌آوری اقتصادی» در ادبیات متعارف است که به «مقاوم‌سازی» فعالانه اقتصاد توجه دارد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بر اساس بیانات مقام معظم رهبری، اقتصاد مقاومتی بهترین تفسیر را در قالب یک راهبرد اقتصادی به خود می‌گیرد؛ راهبردی که مقطعی و منفعلانه نیست. به عبارت دیگر اقتصاد مقاومتی یک راهبرد اقتصادی است که نخست به معنای مقاومت اقتصادی، اقتصاد بسته و درون‌گرا و اقتصاد ریاضتی نیست و دوم، یک راهبرد مقطعی و کوتاه‌مدت نیست؛ بلکه راهبردی کلان و بلندمدت است که قرار است اقتصاد کشور به آن تکیه کند؛ سوم، این راهبرد مقاوم‌سازی به معنای انفعالی و کوتاه‌مدت اقتصاد نیز نیست. این راهبرد زمانی مترادف مقاوم‌سازی اقتصادی است که مقاوم‌سازی اقتصادی از مفهوم انفعالی خود فراتر رود و ابعاد دیگری شامل اصلاحات اقتصادی، جذب

شوک‌های خارجی، استفاده از ظرفیت و توان داخلی کشور و تعاملات بین‌المللی و سایر مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی ابلاغی مقام معظم رهبری را نیز در برگیرد. فشاری و پورغفار(۱۳۹۳)، به روش تحلیلی - توصیفی ضمن تعریف و بیان مفهومی اقتصاد مقاومتی و همچنین شاخص‌ها و مؤلفه‌های آن به ارائه راهکارهای مناسب برای ترویج فرهنگ اقتصاد مقاومتی و راه‌حل مقابله با تحریم‌ها و همچنین تقویت توان و ظرفیت تولید داخلی می‌پردازند. طبق نتیجه، در اقتصاد مقاومتی رویکرد کشور و جامعه به سمت ایجاد نهضت استعدادیابی و ظرفیت‌یابی درونی و استفاده از فرصت‌های موجود ملی است. در وهله نخست همه نگاه‌ها به سوی بهره‌وری و به‌کارگیری ظرفیت‌های درونی است. نگاه و نگرش به اعتلای کشور و مقاوم‌سازی اقتصاد در برابر هجوم دشمنان و یا شرایط اضطراری با رویکرد فعال‌سازی استعدادهای ملی است. نگاه توأم با تلاش و همت مضاعف و جهادگونه با تکیه بر کار و سرمایه ایرانی و حمایت از تولید ملی است.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود به طور مشخص، پژوهشی در رابطه با اصول اقتصاد مقاومتی استخراج شده از سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی در سه عرصه تولید، توزیع و مصرف و مقایسه با آیات قرآنی صورت نگرفته است. نکته دارای اهمیت در این پژوهش استخراج اصول اقتصادی از آیات قرآنی است.

۴. اصول اقتصاد مقاومتی در عرصه تولید، توزیع و مصرف

در تدوین سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، چارچوب نظری اقتصاد مقاومتی محور قرار گرفته است. بنابراین لازم است چارچوب نگرش به اقتصاد مقاومتی مشخص شود تا سیاست‌هایی که برای آن تعریف می‌شود، معنادار و سازمان یافته باشد. با این رویکرد، در ادامه محورهای حاکم بر اقتصاد مقاومتی که ضوابط و اصول حاکم بر این اقتصاد را نشان می‌دهد (کمسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و نظام

اداری، ۱۳۹۲، ص ۱۴۴-۱۵۱)، در سه عرصه تولید، توزیع و مصرف بیان می‌شود. این اصول برگرفته از سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری در سال ۹۲ می‌باشند.

الف. اصلاح بستر فعالیت فعالان اقتصادی: با توجه به اینکه جلب مشارکت تمام مردم برای مشارکت در اصلاح ساخت اقتصادی و تلاش برای تولید ضرورت دارد، لازم است دولت طوری برنامه ریزی کند که زیرساخت‌های لازم برای این نوع فعالیت فراهم شود.

ب. حمایت از تولید و محصولات ساخت داخل (مصرف تولیدات داخلی): تقاضای ملی باید با بیشترین تأکید از محل محصولات ساخت داخل تأمین شود. به عبارت دیگر، تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان داخلی به این نتیجه برسند که محصولات داخلی باید در جایگاهی والا قرار بگیرند و جریان تولید تا مصرف این محصولات با عنایت به این احترام شکل بگیرد.

ج. پیدایش اقتصاد دانش بنیان^۱: اقتصاد دانش بنیان اقتصادی است که در آن تولید، توزیع و کاربرد دانش، عامل و محرک رشد اقتصادی، تولید ثروت و اشتغال در تمام صنایع است (معمارنژاد، ۱۳۸۴، ص ۸۶). به عبارت دیگر اقتصاد دانش بنیان به شکل مستقیم بر اساس تولید، توزیع و مصرف دانش و اطلاعات قرار دارد (OECD، ۲۰۰۱) و در تحقق و پایداریتر کردن اقتصاد مقاومتی نقشی اساسی دارد؛ زیرا نوآوری و خلاقیت، با دانایی محور کردن اقتصاد تشویق می‌شوند (دری نوگورانی و صالح‌اصفهانی، ۱۳۹۲، ص ۱۵۹).

عنصر دانش به‌ویژه در شرایطی که تحریم‌ها و ناملایمات خارجی و داخلی بیش از پیش در شکل‌گیری مشکلات اقتصادی تأثیرگذار شده، برای ایجاد فضای رقابتی بین بنگاه‌ها و افزایش بهره‌وری و کارایی و در نتیجه افزایش تولید

امری مهم و ضروری محسوب می‌شود و در این میان نقش شرکت‌های دانش‌بنیان برجسته‌تر خواهد بود.

این موارد به خودی خود سبب افزایش توان مقاومت اقتصاد ملی و سرعت بخشیدن به رشد آن خواهد شد و این بدان معناست که الزامات گسترش اقتصاد دانش‌بنیان باید رعایت شود و در اولویت قرار بگیرد (Carl & Chen, 2004, ص ۵-۹). از این رو، اصلاح ساختار اقتصاد به سمت اقتصاد دانش‌بنیان با ویژگی‌های این اقتصاد و پیگیری فعالیت‌های تحقیقاتی و تلاش برای اجرایی کردن دستاوردهای حاصل از این تحقیقات لازم می‌باشد.

د. سلامت اقتصادی و مدیریت بهینه مصرف: اصلاح الگوی مصرف و مدیریت آن یکی از موارد مهم در جهت پیشبرد اهداف اقتصادی جوامع و یکی از اصول با اهمیت تحقق اقتصاد مقاومتی محسوب می‌شود که به معنای نهادینه کردن روش صحیح استفاده از منابع کشور است و سبب ارتقای شاخص‌های زندگی و کاهش هزینه‌ها شده و زمینه را برای گسترش عدالت فراهم می‌کند.

هـ. جلب مشارکت عموم مردم در اقتصاد و تقویت روحیه خودباوری و خودتکایی: تمام فعالان اقتصادی و مصرف‌کنندگان باید به محصولات داخلی و توانایی بومی در تأمین نیازهای کشور معتقد باشند. لذا این امر باعث می‌شود که از تمام استعدادها و ظرفیت‌های مردم در جهت تولید ثروت و دستیابی به قدرت، استقلال و امنیت اقتصادی استفاده شود (میرمعزی، ۱۳۹۱، ص ۵۹). در جهت تقویت این اصل، ثبات و اصلاح قوانین در جهت رفع تبعیض بین بخش خصوصی و بخش‌های دولتی و شبه‌دولتی در وضعیت مشابه، گسترش فرهنگ استقامت و خودباوری و ... می‌تواند تأثیرگذار باشد.

و. تقویت توانمندی و بازدهی نیروی کار: یک اصل برای اقتصاد مقاومتی این است که نیروی کار در تمام سطوح به صورت جدی و با دستیابی به بالاترین سطح بازدهی، فعال شود. چرا که هر مقدار نیروی کار، فعالیت بیشتر و مفیدتری داشته

باشد، اقتصاد، قدرت مقاومت بیشتری خواهد داشت. هاربیسون^۱ (۱۹۷۸) معتقد است «منابع انسانی پایه و اساس ثروت ملل است، نه سرمایه، درآمد یا منابع فیزیکی. سرمایه و منابع طبیعی عوامل منفعل تولید هستند و نیروی انسانی به طور فعال سرمایه را انباشت می‌کند و منابع طبیعی را به کار می‌گیرد. افزون بر آن، نیروی انسانی نهادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را بنا و توسعه را پایه‌گذاری می‌کند. روشن است که اگر کشوری نتواند به توسعه و استفاده بهینه از نیروی انسانی خود بپردازد، قادر به توسعه هیچ چیز دیگر نخواهد بود» (۱۹۷۸، ص ۳). از این رو وجود حمایت‌های فعال برای تقویت توانمندی نیروی کار الزامی است.

ز. استفاده حداکثری از تمام ظرفیت‌ها و امکانات تولیدی: بی‌مصرف ماندن ظرفیت‌های تولیدی، عاملی برای اسراف و ضایع کردن تولید ملی است. با عنایت به محور مقاومت در مقابل تحریم، در اقتصاد مقاومتی باید حداکثر بهره‌برداری از ظرفیت‌ها و امکانات تولیدی انجام شود.

ح. توجه به زندگی مردم جامعه: لازم است دولت به نوعی، حداقل کالاهای اساسی و ضروری مردم جامعه را تأمین کند؛ چرا که تأمین کالاهای اساسی و ضروری و برقراری امنیت غذایی و دارویی جامعه با هدف مقابله با کمبودهای نگران‌کننده در اقتصاد کشور از طریق مدیریت و برنامه ریزی برای تأمین به موقع کالاهای اساسی و ضروری و داشتن ذخایر راهبردی برای پوشش دادن به ضربه‌های احتمالی بیرونی و مدیریت مصرف با هدف تأمین حداقل مصرف مورد نیاز تمام آحاد مردم و گسترش پوشش تأمین اجتماعی برای حمایت از گروه‌های محروم جامعه و مبارزه با فقر و ناعدالتی از جمله اقدامات برای تحقق این اصل می‌باشد.

ط. مبارزه با فساد اقتصادی و گسترش عدالت: فساد^۲ اقتصادی، نقض

1. Harbison.

2. Corruption.

قوانین موجود برای تأمین منافع و سود شخصی است. در ضمن فساد مالی می‌تواند فعالیت‌های سرمایه‌گذاری و اقتصادی را از شکل مولد آن به سوی رانت‌ها و فعالیت‌های زیرزمینی سوق دهد (محمودی، ۱۳۷۹، ص ۵) و می‌تواند با کاهش درآمد دولت (درآمدی که برای تأمین مخارج تولید لازم است)، موجب کاهش رشد اقتصادی شود (تانزی و داودی^۱، ۱۹۹۸، ص ۱۶). سطح بالای فساد مالی موجب ناکارآمدی سیاست‌های دولتی شده و کاهش بازدهی سرمایه‌گذاری و در نتیجه کاهش رشد اقتصادی را در پی خواهد داشت. در جدول زیر، اصول اقتصاد مقاومتی در سه عرصه تولید، توزیع و مصرف دسته‌بندی می‌شود:

جدول ۱: اصول اقتصاد مقاومتی در عرصه تولید، توزیع و مصرف

اصول	مصرف	توزیع	تولید
۱- اصلاح بستر فعالیت فعالان اقتصادی	-	*	*
۲- حمایت از تولید و محصولات ساخت داخل	*	-	*
۳- پیدایش اقتصاد دانش‌بنیان	*	*	*
۴- سلامت اقتصادی و مدیریت بهینه مصرف	*	-	*
۵- جلب مشارکت عموم مردم در اقتصاد و تقویت روحیه خودباوری و خوداتکایی	-	-	*
۶- تقویت توانمندی و بازدهی نیروی کار	-	-	*
۷- استفاده حداکثری از تمام ظرفیت‌ها و امکانات تولیدی	-	*	*
۸- توجه به زندگی مردم جامعه	*	*	-
۹- مبارزه با فساد اقتصادی و گسترش عدالت	-	*	*

منبع: نتایج تحقیق

۵. اصول اقتصاد مقاومتی برگرفته از سوره مبارکه توبه در عرصه تولید، توزیع و مصرف

سوره توبه به عنوان نهمین سوره قرآن کریم ۱۲۹ آیه دارد و در سال نهم هجری نازل شده است. قسمت‌هایی از آن قبل از جنگ تبوک، بخشی در حال جنگ و قسمت دیگر، بعد از آن نازل شده است. مشهورترین نام‌های این سوره در روایات، «توبه» و «برائت» است. «توبه»، از آن جهت که در این سوره، بارها از توبه انسان و بازگشت لطف الهی سخن به میان آمده است و «برائت»، بدان جهت که این سوره با اعلام برائت از مشرکان آغاز شده است. این سوره، مستقل است و نداشتن «بسم‌الله» به خاطر لحن قهرآمیز آن نسبت به مشرکان است؛ زیرا کلمه «بسم‌الله»، نشان رحمت و امان است و این سوره با اعلام تنفر از مشرکان پیمان‌شکن آغاز شده است. حال با تفحص در آیات این سوره، اصول اقتصاد مقاومتی در زمینه تولید، توزیع و مصرف استخراج می‌شود:

الف. دانش بنیانی عنصر اصلی توانایی: وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ (۶) الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَنِفَاقًا وَأَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۹۷) وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ (۱۲۲)^۲

۱. در این قسمت سعی بر آن است که اصول اقتصادی منطبق با اصول اقتصاد مقاومتی استخراج شود؛ لذا اصول اقتصادی که در این راستا می‌باشد، بیان می‌شوند و از کتاب‌های تفسیر المیزان، نمونه و نور استفاده می‌شود.

۲. و اگر یکی از مشرکان از تو امان و پناه خواست، پس به او پناه بده تا کلام خدا را بشنود، سپس او را به مکان امنش برسان؛ چرا که آنان گروهی ناآگاهند (و با شنیدن آیات الهی، شاید هدایت شوند) (۶) بادیه‌نشینان عرب (به خاطر دوری از تعلیم و تربیت و سخنان پیامبر)، در کفر و نفاق شدیدترند و به اینکه حدود آنچه را خدا بر پیامبرش نازل کرده ندانند سزاوارتر و



طبق آیه ۶، اگر مشرکان پناه خواستند باید به آنها پناه داد؛ یعنی باید در نهایت آرامش با آنها رفتار کرد و فرصت اندیشه و تفکر به آنها داد تا آزادانه به بررسی محتوای دعوت بپردازند. همچنین طبق آیه ۹۷، محیط اجتماعی و فرهنگی انسان، در بینش و موضع‌گیری او در مورد حقایق و معارف مؤثر است (بادیه‌نشینان عرب به خاطر دوری از تعلیم و تربیت و سخنان پیامبر، در کفر و نفاق شدیدترند). بنابراین باید علم و دانش شهر را به روستا برد و برای تقویت اصول تعلیم و تربیت و آگاهی آنان کوشش و تلاش کرد و با ایجاد مرکزیت برای روستاها و ایجاد امکانات، آنچنان تلاش کرد که علم و آگاهی کافی در آنجا رونق گیرد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۷، ج ۷، ص ۴۹۱). از این‌رو، اشاعه علم و دانش در همه مناطق موجب باز شدن سطح فکر و توسعه فرهنگ افراد می‌شود.

آیه بعد دلیل روشنی است بر اینکه همواره گروهی از مسلمانان باید به تحصیل علم و دانش در زمینه تمام مسائل اسلامی بپردازند، (سزاوار نیست که همه مؤمنان (به جهاد) رهسپار شوند، پس چرا از هر گروهی از ایشان دسته‌ای کوچ نمی‌کنند تا در دین فقیه شوند) و پس از فراغت از تحصیل برای تبلیغ احکام اسلام به مناطق مختلف، به خصوص به قوم و جمعیت خود بازگردند و آنها را با مسائل اسلامی آشنا کنند (همان، ج ۸، ص ۲۴۱).

به‌طور کلی هرگونه دانشی که مورد نیاز جامعه است باید مورد توجه قرار گیرد تا با رواج دانش و افزایش دانش بومی، بتوان از تولیدات و محصولات ساخت داخل حمایت و نیازمندی‌ها را رفع کرد.

←

خداوند دانا و حکیم است (۹۷) سزاوار نیست که همه مؤمنان (به جهاد) رهسپار شوند، پس چرا از هر گروهی از ایشان دسته‌ای کوچ نمی‌کنند تا در دین فقیه شوند و هنگامی که به سوی قوم خویش بازگشتند، آنان را بیم دهند تا شاید آنان (از گناه و طغیان) حذر کنند (۱۲۲).

با دانش بنیان کردن اقتصاد، خلاقیت و نوآوری افزایش می‌یابد و لذا توان تولیدی زیاد خواهد شد. ایده‌های نو برای توزیع بهتر منابع شکل خواهد گرفت. منابع هم به صورت بهینه و علمی مصرف می‌شوند.

بنابراین از آنجا که اسلام دین علم و دانش، روشنفکری و آگاهی‌بخشی است؛ لذا قرار دادن همه کارها و فعالیت‌ها بر اساس علم به عنوان زیربنایی‌ترین رکن در تحقق اصول اقتصاد مقاومتی باید در دستور کار قرار بگیرد. یعنی همه چیز باید بر بنیان دانش استوار باشد؛ زیرا مهم‌ترین عامل ضعف، نادانستن و بی‌اطلاع ماندن از علم روز دنیاست و برای تحقق اهداف اقتصادی کشور، باید در عرصه علم‌آموزی تلاش فراوان صورت گیرد.

ب. توجه به اصل شایسته‌سالاری و جلوگیری از سوءاستفاده از موقعیت‌ها: مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِم بِالْكَفْرِ أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ (۱۷) إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مِنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ (۱۸) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيُصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۳۴)^۱

۱. مشرکان حق ندارند مساجد خدا را با آنکه به صراحت بر کفر خویش گواهی می‌دهند، تعمیر کنند. آنان کارهایشان (به خاطر بی‌ایمانی) تباه شده است و در آتش، جاودان خواهند بود (۱۷) مساجد خدا را تنها کسانی باید آباد کنند که به خدا و روز قیامت ایمان دارند و نماز را به پا داشته و زکات می‌پردازند و جز از خدا نمی‌ترسند. امید است که آنان از ره‌یافتگان باشند (۱۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بسیاری از دانشمندان و راهبان، (با سوءاستفاده از موقعیت خود)، اموال مردم را به ناحق می‌خورند و آنان را از راه خدا باز می‌دارند و کسانی که طلا و نقره می‌اندوزند و آن را در راه خدا انفاق نمی‌کنند، پس آنان را به عذابی دردناک، بشارت بده! (۳۴)

طبق آیات ۱۷ و ۱۸، متولیان و پاسداران مساجد باید از میان پاک‌ترین افراد انتخاب شوند، نه اینکه افراد ناپاک و آلوده به خاطر مال و ثروت و یا به خاطر مقام یا نفوذ اجتماعی‌شان بر این مراکز عبادت و اجتماعات اسلامی گمارده شوند. مسجد باید کانونی باشد برای هر گونه حرکت و جنبش سازنده اسلامی در زمینه آگاهی و بیداری مردم و پاکسازی محیط و آماده ساختن مسلمانان برای دفاع از میراث‌های اسلام (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۷، ج ۷، ص ۳۷۸-۳۸۰). همچنین آیه ۳۴ (بسیاری از دانشمندان و راهبان، - با سوءاستفاده از موقعیت خود-، اموال مردم را به ناحق می‌خورند و آنان را از راه خدا باز می‌دارند) بیان می‌کند که علمای یهود به خاطر منافع مادی خود، حق را کتمان کردند و به حقانیت دین اسلام اعتراف نکردند یا رشوه گرفتند و گناه بخشودند و یا تفتیش عقاید کردند و به دیگران تهمت زدند. از این‌رو، سوءاستفاده از موقعیت‌ها و بهره‌گیری از مال مردم و بهره نرساندن به آنان که موجب بی‌رغبتی مردم به دین می‌شود حرام است و بزرگ‌ترین خطر برای علمای دین، فساد مالی است (قرآنی، ۱۳۹۰، ص ۴۱۲).

کاردانی، شایستگی، تعهد و به‌صورت کلی، شایسته‌سالاری یکی از عوامل مهم و اساسی در مدیریت است. از این‌رو، یکی از برنامه‌ها برای جلوگیری از گسترش فساد و اجرای عدالت، به‌کارگیری نیروهای شایسته، کارآمد و صالح در مصادر امور حکومت است. از طرفی شایستگی افراد در یک سازمان باعث بروز شایستگی سازمانی می‌شود؛ لذا ارتباط شایستگی بین فرد و سازمان یک ارتباط دو سویه است. در شایسته‌سالاری معمولاً استعدادهاى نهفته افراد شناسایی و پس از آن از طریق بسترسازی، استعدادها پرورش می‌یابد و در اختیار اهداف سازمان قرار می‌گیرد. شایسته‌سالاری با تولید شایستگی در کارکنان و مدیران شروع می‌شود، سپس در بستر فرصت‌سازی تکامل می‌یابد. در شایسته‌سالاری

معیارهایی نظیر تعهد، تخصص، مهارت، توانایی، تجربه و دلسوزی ملاک انتخاب و ارتقای افراد در سازمان است (عطافر و آذربایجانی، ۱۳۸۰، ص ۱۷). همچنین بعد از انتخاب افراد شایسته نیاز است که همواره و به صورت مستمر بر کارهای آنها نظارت صورت گیرد تا از انحرافات احتمالی و سوءاستفاده از موقعیت جلوگیری شود. بنابراین نظارت مستمر و دقیق و بدون تعصب و جانب‌داری بر رفتار و عملکرد مسئولان و خارج کردن افراد ناسالم، موجب کاهش فساد و امیدواری بیشتر مردم به اجرای عدالت می‌شود. اخلاق و تعهد کاری در کنار علم و تخصص، سبب کاهش فساد و اجرای عدالت شده، از طرفی افزایش انگیزه و توان تولیدی را به همراه خواهد داشت.

ج. تحمل سختی در برابر تنگناها و فشارهای اقتصادی و تقویت روحیه امید: *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ*^۱ (۲۸)
در آیه ۲۸ بیان شده است که مشرکان نباید به مسجدالحرام نزدیک شوند؛ سپس در پاسخ افرادی که می‌گفتند که اگر پای مشرکان از مسجدالحرام قطع شود، کسب‌وکار و تجارت ما از رونق می‌افتد و فقیر خواهیم شد، می‌فرماید: «و اگر از فقر و تنگدستی می‌ترسید، پس به زودی خداوند اگر بخواهد از فضل خویش شما را بی‌نیاز خواهد کرد» (همان، ص ۴۱۳). این وعده حسنی که خدای تعالی برای دلخوش کردن ساکنان مکه و آن کسانی که در موسم حج در مکه تجارت داشتند داده، اختصاص به مردم آن روز ندارد؛ بلکه مسلمانان عصر

۱. ای کسانی که ایمان آورده‌اید! قطعاً مشرکان، پلید و ناپاکند، پس بعد از این سال نباید به مسجدالحرام نزدیک شوند و اگر (به خاطر راندن کفار و قطع دادوستد) از فقر و تنگدستی می‌ترسید، پس به زودی خداوند اگر بخواهد از فضل خویش شما را بی‌نیاز خواهد کرد، قطعاً خداوند آگاه و حکیم است (۲۸).

حاضر را نیز شامل می‌شود. ایشان را نیز بشارت می‌دهد به اینکه در برابر انجام دستورات دین، از هر چه بترسند خداوند از آن خطر ایمنشان می‌فرماید و مطمئناً بدانند که کلمه اسلام اگر عمل شود، همیشه تفوق دارد و آوازه‌اش در هر جا رو به انتشار است، همچنانکه شرک رو به انقراض است (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹).

نظام آفرینش به گونه‌ای است که عوامل طبیعی با تأثیرگذاری و اثرپذیری نسبت به یکدیگر، حلقه‌های تکامل را تنظیم می‌کنند. موجودات در شرایط سختی، قوت می‌یابند و در شرایط راحتی و رفاه، گرفتار ضعف و سستی می‌شوند. در نظام آفرینش، کسب کمالات در گرو سختی‌ها قرار دارد و انسان طوری آفریده شده که در مراحل تکاملی خود، ناچار با سختی‌ها مواجه می‌شود و در این میان پیروزی از آن کسانی است که مقاومت می‌کنند (اختری، ۱۳۹۲، ص ۳۳۰-۳۳۱).

هر جامعه در هر منطقه جغرافیایی که شکل می‌گیرد، دارای منابعی است که می‌تواند به آن بسنده کند و به شکوفایی برسد. در حقیقت خداوند زمین را به گونه‌ای قرار داده که انسان بتواند به سادگی نیازهای اقتصادی خود را برآورده کند. خودکفایی اقتصادی با خوداتکایی شکل می‌گیرد؛ به گونه‌ای که وقتی اقتصاد به خودکفایی برسد آن زمان دیگر تحت تأثیر فشارهای اقتصادی شکست نمی‌خورد و می‌تواند دوام بیابد و حتی در فرآیندی به نیازهای خود پاسخی درخور دهد و اقتصاد خود را بازسازی کند و به شکلی بهبود بخشد. از این‌رو، تنگناهای اقتصادی و فشارهای مالی، نباید ما را نسبت به دین بی‌تعهد سازد؛ به گونه‌ای که هر کجا احساس نگرانی اجتماعی شد، باید روحیه امید و توکل را در مردم زنده کرد.

بنابراین خداوند در این آیه نه تنها نیازمندی اقتصادی جامعه اسلامی را عامل وابستگی جامعه و ذلت و خواری آن می‌داند؛ بلکه قطع وابستگی اقتصادی به

بیگانگان را تشویق می‌کند و نسبت به کسانی که نگران اختلال نظام اقتصادی خود پس از قطع رابطه با شرکان و دشمنان هستند، یادآور می‌شود که چنین امری نه تنها اختلالی به وجود نمی‌آورد؛ بلکه باعث رونق اقتصادی و شکوفایی آن می‌شود و رشد و پیشرفت اقتصاد ملی را سبب خواهد شد. از این رو به دنبال تحریم‌های مختلف اقتصادی، مالی و ... که بر کشور وضع شده و باعث اختلال در نظام اقتصادی کشور و وارد شدن فشار اقتصادی بر جامعه شده است، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغ شد. بنابراین در راستای تحقق اصول آن باید با تحمل فشارهای اقتصادی و تنگناهای مالی و استفاده حداکثری از تمامی امکانات در اختیار و جلب مشارکت عموم مردم در این راستا و نیز تقویت روحیه امید و توکل به خدا، در جهت تحقق اصول و اهداف اقتصاد مقاومتی به صورت همه‌جانبه تلاش کرد.

د. کار اقتصادی و مصرف بهینه امکانات در جهت ایجاد ارزش افزوده: از آیه ۲۸، اصل ۴ نیز قابل استنباط است. همان‌گونه که می‌دانیم ثروت به تنهایی نمی‌تواند تولید ثروت کند؛ مگر آنکه عمل اقتصادی در کنار آن باشد. یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌ها و تکالیفی که انسان برعهده دارد، کارکردن است. چرا که کار در تولید ثروت و کسب نعمت و افزایش قدرت اقتصادی بشر نقش کلیدی دارد و این، نیروی انسانی است که باید با تقویت توانمندی‌ها و کار و فعالیت اقتصادی، آن منابع را برای بهره‌گیری بهتر و آسان‌تر تغییر دهد.

بنابراین، آنچه در اقتصاد مقاومتی به عنوان یک اصل باید مورد توجه قرار گیرد، کار و عمل اقتصادی است تا آن ثروت و منابع خدادادی به یک کالا تبدیل شود که ارزش افزوده آن بیشتر از پیش باشد. بنابراین، خام‌فروشی نفت یا معادن و کانی‌های دیگر، نمی‌تواند یک عمل اقتصادی در چارچوب اقتصاد مقاومتی باشد؛ بلکه باید با تغییراتی که بشر در آن انجام می‌دهد و با کار و عمل اقتصادی، آن را تبدیل به کالایی بهتر و گران‌تر کند و این‌گونه بر ثروت جامعه

بیفزاید. با استفاده حداکثری از منابع خدادادی و کار و عمل اقتصادی، باید آن ثروت و منبع خدادادی را به یک کالا تبدیل کرد که ارزش افزوده آن بیش از پیش باشد.

بر پایه این اصل باید به اصل مصرف بهینه نیز توجه کرد. یکی از اصول مصرف درست در نظام اقتصادی اسلام، اصل قناعت است. قناعت به معنای راضی بودن و قانع بودن به حاصل سعی و تلاش و پرهیز از حسادت و رقابت و چشم و هم‌چشمی نسبت به مال و دارایی دیگران است (تاج‌بخش و یوسفوند، ۱۳۹۳، ص ۵۱۲). بنابراین یک اقدام لازم و ضروری در اقتصاد مقاومتی ممانعت و جلوگیری از اسراف و تبذیر است؛ چرا که عامل ایجاد مشکلات اقتصادی و اجتماعی، از نظر معنوی و مادی می‌باشد. به خصوص در شرایطی که جمعیتی به‌گونه‌ای در مضیقه و کمبود قرار گرفته باشند؛ مثلاً در شرایط تحریم، در شرایط جنگ و مبارزه، در شرایط خشکسالی و قحطی (اختری، ۱۳۹۲، ص ۳۱۳).

از این‌رو اصلاح الگوی مصرف و مدیریت آن یکی از موارد مهم در جهت پیشبرد اهداف اقتصادی جوامع و یکی از اصول با اهمیت در جهت تحقق اصول و سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی است و برای آنکه اقتصاد مقاومتی بتواند به خوبی عمل کند، لازم است سلامت در تمام سطوح به اقتصاد باز گردد و از اسراف‌های بی‌رویه در تمام سطوح فعالیت‌های اقتصادی جلوگیری شود.

از این‌رو عدم اسراف موجب می‌شود که تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در تصمیم‌گیری‌های خویش منافع و هزینه‌های اجتماعی و نه شخصی را ملاک قرار دهند. بدین ترتیب مصلحت جامعه مدنظر قرار می‌گیرد و ملاک تصمیم‌گیری واقع می‌شود، نه منافع شخصی (صدر، ۱۳۷۴). از سوی دیگر، افزون بر تحریم اسراف و تبذیر، مصرف به‌انگیزه تفاخر و ابزار امتیاز و خودنمایی مورد نکوهش اسلام قرار گرفته است. بنابراین، اجتناب از مصرف بی‌رویه و تمرکز بر

پس انداز بیشتر و انجام کار و فعالیت اقتصادی با ارزش افزوده، که تولید را جهت می‌دهد، جهت سرمایه‌گذاری را مشخص می‌کند.

هـ گردش آزاد ثروت و ممنوعیت راکدگذاری سرمایه: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۳۴)^۱

این آیه به صراحت ثروت‌اندوزی و گنجینه‌سازی اموال را تحریم کرده است، لذا عموم احتکارکنندگان را به عذاب شدیدی تهدید می‌کند (و کسانی که طلا و نقره می‌اندوزند و آن را در راه خدا انفاق نمی‌کنند، پس آنان را به عذابی دردناک، بشارت بده!) که این عذاب تنها کیفر شدید روز رستاخیز نیست؛ بلکه مجازات‌های سخت این دنیا را که بر اثر به هم خوردن موازنه اقتصادی و پیدایش اختلافات طبقاتی دامن فقیر و غنی را می‌گیرد نیز شامل می‌شود (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۴۶۴). در اسلام محدودیتی برای سرمایه نیست، اما راه تحصیل آن شروطی دارد و زراندوزی و بدمصرف کردن ثروت حرام است.

یکی از عوامل منفی در اقتصاد، انباشت ثروت و کنز آن، ذخیره‌سازی و خارج کردن از گردش است. «یکنزون» از ماده کنز و به معنای گنج است که به جمع آوری، نگهداری و پنهان کردن اموال و یا اشیای گران‌قیمت اطلاق می‌شود. آیات قرآن یکی از مهم‌ترین عوامل در بحران اقتصادی را کنزاندوزی مطرح می‌کند و آن را امری نادرست برمی‌شمارد. فلسفه اصلی پول، همان گردش کامل‌تر و سریع‌تر چرخ‌های مبادلات اقتصادی است و آنها که پول را به صورت گنجینه پنهان می‌کنند، نه تنها موجب رکود اقتصادی می‌شوند، بلکه به زیان

۱. ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بسیاری از دانشمندان و راهبان، (با سوء استفاده از موقعیت خود)، اموال مردم را به ناحق می‌خورند و آنان را از راه خدا باز می‌دارند و کسانی که طلا و نقره می‌اندوزند و آن را در راه خدا انفاق نمی‌کنند، پس آنان را به عذابی دردناک، بشارت بده! (۳۴)

منافع جامعه عمل می‌کنند. باید با مصرف بهینه اموال، از حبس آن جلوگیری کرد تا هم توزیع ثروت به درستی صورت گیرد، هم پول وارد چرخه اقتصادی شده و تولید افزایش یابد.

مهم‌ترین چیزی که جامعه انسانی را بر اساس خود پایدار می‌کند، اقتصادیات جامعه است که خدا آن را مایه قوام اجتماعی قرار داده و ما اگر انواع گناهان، جرائم، جنایات، تعدیات و مظالم را دقیقاً آمارگیری کنیم و به جستجوی علت آن پردازیم خواهیم دید که علت بروز تمامی آنها یکی از دو چیز است: یا فقر مفرطی است که انسان را به اختلاس اموال مردم از راه سرقت، راهزنی، آدم‌کشی، گران‌فروشی، کم‌فروشی، غصب و سایر تعدیات وادار می‌کند و یا ثروت بی‌حساب است که انسان را به اسراف و ولخرجی در خوردن، نوشیدن، پوشیدن، تهیه سکنی و همسر و بی‌بندوباری در شهوات، هتک حرمت‌ها و تجاوز در جان، مال و ناموس دیگران وامی‌دارد و همه این مفاصد که از این دو ناحیه ناشی می‌شود، هر یک به اندازه خود تأثیر مستقیمی در اختلال نظام بشری دارد و پر واضح است که وقتی کار به اینجا بکشد شیوع فساد و انحطاط‌های اخلاقی چه بلایی بر سر اجتماع بشری می‌آورد و شاید همین جهت باعث شده که در آیه مورد بحث از میان همه گناهان تنها مسئله اکل مال به باطل آن هم از ناحیه احبار و رهبان که خود را مربی امت و مصلح اجتماع قلمداد می‌کنند ذکر شود (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۳۳۱).

از دیدگاه اسلام، مال وسیله تأمین نیازمندی‌ها و عامل قوام جامعه است و گنجینه کردن و راکد گذاردن آن ممنوع است. بنابراین هر کس مال را کنز کند و به خود اختصاص دهد، به خدا و پیامبرانش، در امانتی که به او سپرده شده، خیانت کرده و اگر ثروت خود را در چرخه سرمایه‌گذاری‌های تولیدی و تجاری قرار دهد و به دیگران خدمت کند، هیچ‌گونه منعی ندارد. بنابراین، مال و ثروت باید به نفع مصالح عمومی جامعه اسلامی، در چرخه تولید و تجارت قرار گیرد

و راکد گذاردن آن، به زیان اقتصاد فرد و جامعه است (عنان‌پور خیرآبادی، ۱۳۹۳، ص ۲۲۶-۲۲۷). انحصار ثروت در دست گروه و یا جناح یا افرادی، خلاف اقتصاد مقاومتی است؛ زیرا انحصار نه تنها خلاف اصل عدالت است، بلکه موجب می‌شود تا مشارکت مردمی در اقتصاد کاهش یابد و منابع اقتصادی در دست گروهی قرار گیرد که فرصت کار و عمل را از دیگران می‌گیرند و فساد و تباهی اقتصادی چون کذب، اتراف و مانند آنها را موجب می‌شود.

و. نقش دولت در تأمین رفاه عمومی و مبارزه با فقر از طریق زکات: إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۶۰) وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤَدُّونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أَذُنٌ قُلُّ أَذُنٌ خَيْرٌ لَّكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِّلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ يُؤَدُّونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۶۱)^۱

یکی از اصول عدالت اجتماعی اسلام، بیمه و تأمین زندگی محرومان است. در نظام اسلامی باید بودجه‌ای برای تأمین اجتماعی باشد. از جمله ابزارها و سیاست‌های تأمین اجتماعی کمک‌های مستقیم به طبقه ضعیف و مستمند جامعه همچون بی‌بضاعت‌ها، ناتوانان، بی‌سرپرست‌ها، گرفتاران و درماندگان است که همواره مورد توجه اسلام بوده و در این آیه به صراحت در منابع مالی حکومت اسلامی سهمی برای آنها قرار داده شده است (کرمی و پورمند، ۱۳۸۵، ص ۱۹۷).

۱. همانا صدقات (زکات)، برای نیازمندان و درماندگان و کارگزاران زکات و جلب دل‌ها و آزادی بردگان و ادای بدهی بدهکاران و (هزینه جهاد) در راه خدا و تأمین در راه مانده است، فرمانی است از جانب خدا و خداوند، دانا و حکیم است (۶۰) برخی از منافقان، پیامبر را آزار می‌دهند و می‌گویند: او سراپا گوش است (و به سخن هر کس گوش می‌دهد). بگو: گوش دادن او به نفع شماست، او به خداوند ایمان دارد و مؤمنان را تصدیق می‌کند و برای هر کس از شما که ایمان آورد، مایه رحمت است و آنان که رسول خدا را اذیت و آزار می‌دهند، غذایی دردناک دارند (۶۱).

طبق آیه ۶۰، هشت مورد مصرف برای زکات ذکر شده است (همانا صدقات (زکات)، برای نیازمندان و درماندگان و کارگزاران زکات و جلب دل‌ها و آزادی بردگان و ادای بدهی بدهکاران و (هزینه جهاد) در راه خدا و تأمین در راه مانده است). همان‌طور که ملاحظه می‌شود، فقرا و مساکین اولین و دومین گروهی هستند که خداوند متعال برای آنها از زکات سهمی قرار داده است. از آنجا که اسلام به صورت یک مکتب صرفاً اخلاقی و یا فلسفی و اعتقادی ظهور نکرده بلکه به عنوان یک آیین جامع که تمام نیازمندی‌های مادی و معنوی در آن پیش‌بینی شده، پا به عرصه ظهور گذاشته و از همان عصر پیامبر(ص) با تأسیس حکومت همراه بوده و توجه خاصی به حمایت از محرومان و مبارزه با فاصله طبقاتی داشته، روشن می‌شود که نقش بیت‌المال و زکات که یکی از منابع درآمد بیت‌المال است از مهم‌ترین نقش‌هاست. به همین دلیل در اسلام، مسئله زکات که در حقیقت یک نوع مالیات بر درآمد و تولید و مالیات بر ثروت را کد محسوب می‌شود، اهمیت خاصی دارد تا آنجا که در ردیف مهم‌ترین عبادات قرار گرفته و در بسیاری از موارد با نماز همراه ذکر شده و حتی شرط قبولی نماز شمرده شده است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۷، ج ۸، ص ۱۴-۲۱). با مدیریت مصرف و پرداخت زکات، فاصله طبقاتی کم و ثروت عادلانه توزیع می‌شود. همچنین کالاهای مورد نیاز فقرا نیز تولید می‌گردد.

در اقتصاد اسلامی مسئولیت تقسیم و توزیع مالیات‌های اسلامی بر عهده ولی امر مسلمین است. با توجه به آیه ۶۱، جدایی و فاصله میان مردم و مسئولان، یکی از آسیب‌هایی است که مدیران و مسئولان را از مسیر اصلی مدیریت منحرف می‌کند (برخی از منافقان، پیامبر را آزار می‌دهند و می‌گویند: او سراپا گوش است (و به سخن هر کس گوش می‌دهد). بگو: گوش دادن او به نفع شماست). مدیران و کارگزاران در نظام اسلامی موظف به ایجاد ارتباط با مردم هستند تا هم به طور مستقیم مشکلات آنها را بررسی کنند و هم مردم با دیدن

مدیران با آنان، احساس همدلی کنند. از این رو جلب همدلی عموم مردم با مسئولان، موجب افزایش اعتماد میان آنها می‌شود.

ز. مشارکت عموم مردم برای اداره جامعه و تأمین بستر پیشرفت اقتصادی: الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۷۹) خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۱۰۳)^۱

منافقان با تبلیغات سعی می‌کنند مردم را نسبت به جهاد و تحمل سختی‌ها، دلسرد و بی‌انگیزه کنند؛ زیرا طبق آیه ۷۹ در دید آنان مقدار مال مهم است نه انگیزه‌ها و خصلت‌ها. لذا انفاق اندک را بر فقیران مؤمن خرده می‌گیرند. این در حالی است که تضعیف روحیه مردم در شرایط بحران، کاری منافقانه است و برای برطرف کردن نیاز جامعه، باید از تمام امکانات استفاده کرد. لذا اسلام در هیچ موردی روی کثرت مقدار عمل تکیه نکرده بلکه همه جا اهمیت به کیفیت عمل داده و برای اخلاص و نیت پاک، ارزش فوق‌العاده‌ای قائل شده است. از این موضوع، این حقیقت نیز روشن می‌شود که در یک جامعه اسلامی به هنگام بروز مشکلات، همه باید احساس مسئولیت کنند و نباید چشم‌ها تنها به متمکنان دوخته شود؛ چرا که اسلام متعلق به همه است و همه باید در حفظ آن به نسبت امکانات خویش از جان و دل بکوشند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۷۶). وقتی همه احساس وظیفه کنند، مشارکت و حضور مردم در فعالیت‌های اقتصادی زیاد می‌شود و لذا تولید افزایش می‌یابد.

۱. منافقان بر مؤمنانی که (افزون بر صدقات واجب) داوطلبانه صدقات مستحب نیز می‌دهند و همچنین بر مؤمنان (تهی‌دستی) که جز به اندازه توان‌شان چیزی (برای انفاق و پشتیبانی از جبهه) نمی‌یابند، عیب می‌گیرند و آنان را مسخره می‌کنند. (بدانند که) خداوند آنان را به ریشخند می‌گیرد (و کیفر تمسخرشان را خواهد داد) و برای آنان عذابی دردناک است (۷۹) از اموالشان صدقه (زکات) بگیر تا بدین وسیله آنان را (از بخل و دنیاپرستی) پاک سازی و رشدشان دهی و بر آنان درود فرست (و دعا کن). زیرا دعای تو، مایه آرامش آنان است و خداوند شنوا و داناست (۱۰۳).

به‌طورکلی احکام حقوقی و اخلاقی لازم برای تنظیم روابط اقتصادی و الگوهای رفتاری مناسب که نظام هماهنگ و منسجمی را برای رسیدن به وضعیت اقتصادی مطلوب، به دست می‌دهد، از آموزه‌های اقتصادی اسلام می‌باشد. این آموزه‌ها جایگاه بسیار مهمی در ابعاد اقتصادی و تربیتی دارد و اسلام برای تأمین سعادت مادی و معنوی انسان، بهترین شیوه‌ها و راهکارها را در قالب این آموزه‌ها ارائه کرده است. بنابراین، تأثیر دین و اقتصاد بر یکدیگر، دوسویه است؛ همان‌گونه که دین و اخلاق دینی بر سالم‌سازی اقتصاد تأثیر دارد، رفتارهای اقتصادی مطلوب اسلام نیز در تقویت باورهای دینی و پاکسازی روحی و اخلاقی، نقش به‌سزایی عهده‌دار است (عنان‌پور خیرآبادی، ۱۳۹۳، ص ۲۱۴).

بر پایه آیه ۱۰۳، زکات واجب مالی است که به منظور پاکی و وارستگی انسان‌ها در جامعه است و گرفتن زکات وسیله‌ای برای پاک شدن و تزکیه پرداخت کننده به شمار می‌رود (از اموالشان صدقه (زکات) بگیر تا بدین وسیله آنان را (از بخل و دنیاپرستی) پاک سازی و رشدشان دهی).

اینکه فرمود: (خذ من اموالهم صدقه) رسول خدا (ص) را امر می‌کند به اینکه صدقه را از اموال مردم بگیرد و اگر نفرمود: (من مالهم) بلکه فرمود: (من اموالهم) برای این است که اشاره کند به اینکه صدقه از انواع و اصنافی از مال‌ها گرفته می‌شود؛ یک صنف نقدینه، یعنی طلا و نقره؛ صنف دیگر اغنام ثلاثه، یعنی شتر، گاو و گوسفند؛ نوع سوم غلات چهارگانه، یعنی گندم، جو، خرما و کشمش (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹).

از این‌رو، انسان ضمن مصرف اموال خود در راه رفع نیازهای فردی و خانوادگی با رویکرد اعتدال و میانه‌روی، واجب است که حقوق واجب مالی و سهم خدا و جامعه را نیز با رغبت و نیت پاک و به قصد قربت به خدا ادا کند تا از این طریق رزق و روزی خود را طیب و پاکیزه کرده باشد (تاج‌بخش، ۱۳۹۳، ص ۵۱۲). از طرفی، مفاسد و آلودگی‌هایی که در جامعه به خاطر فقر و

فاصله طبقاتی و محرومیت گروهی از جامعه به وجود می‌آید با پرداخت زکات از بین می‌رود. پرداخت زکات، نظام عادلانه ثروت و زمینه‌سازی برای پیشرفت اقتصادی را نیز به دنبال خواهد داشت. در جدول زیر، اصول اقتصاد مقاومتی برگرفته از سوره مبارکه توبه در سه عرصه تولید، توزیع و مصرف دسته‌بندی شده است:

جدول ۳: اصول اقتصاد مقاومتی برگرفته از سوره مبارکه توبه در سه عرصه

تولید، توزیع و مصرف

شماره آیه	اصول	تولید	توزیع	مصرف
۹۷، ۶ و ۱۲۲	اصل ۱. دانش‌بنیانی عنصر اصلی توانایی	*	*	*
۱۷، ۱۸ و ۳۴	اصل ۲. توجه به اصل شایسته‌سالاری و جلوگیری از سوءاستفاده از موقعیت‌ها	*	*	-
	اصل ۵. گردش آزاد ثروت و ممنوعیت راکدگذاری سرمایه	*	*	*
۲۸	اصل ۳. تحمل سختی در برابر تنگناها و فشارهای اقتصادی و تقویت روحیه امید	*	*	*
۲۸	اصل ۴. کار اقتصادی و مصرف بهینه امکانات در جهت ایجاد ارزش افزوده	*	*	*
۶۰ و ۶۱	اصل ۶. نقش دولت در تأمین رفاه عمومی و مبارزه با فقر از طریق زکات	*	*	*
۷۹ و ۱۰۳	اصل ۷. مشارکت عموم مردم برای اداره جامعه و تأمین بستر پیشرفت اقتصادی	*	*	-

منبع: نتایج تحقیق

۶. مقایسه و تطبیق اصول اقتصاد مقاومتی در عرصه تولید، توزیع و مصرف با اصول به‌دست آمده از آموزه‌های قرآنی

در جدول زیر، اصول اقتصاد مقاومتی با اصول اقتصادی برگرفته از سوره مبارکه توبه در سه عرصه تولید، توزیع و مصرف مطابقت داده می‌شوند:

جدول ۴: تطبیق اصول اقتصاد مقاومتی با اصول قرآنی برگرفته از سوره

مبارکه توبه

اصول اقتصاد مقاومتی	تولید	توزیع	مصرف	اصول اقتصادی قرآن	تولید	توزیع	مصرف
(۱) اصلاح بستر فعالیت فعالان اقتصادی	*	*	-	(۷) مشارکت عموم مردم برای اداره جامعه و تأمین بستر پیشرفت اقتصادی (توبه: ۷۹ و ۱۰۳)	*	*	-
(۲) حمایت از تولید و محصولات ساخت داخل	*	-	*	(۱) دانش‌بنیانی عنصر اصلی توانایی (توبه: ۶ و ۹۷ و ۱۲۲)	*	-	*
(۳) پیدایش اقتصاد دانش‌بنیان	*	*	*	(۱) دانش‌بنیانی عنصر اصلی توانایی (توبه: ۶ و ۹۷ و ۱۲۲)	*	*	*
(۴) سلامت اقتصادی و مدیریت بهینه مصرف	*	-	*	(۵) گردش آزاد ثروت و ممنوعیت راکدگذاری سرمایه (توبه: ۳۴)	*	-	*

اصول اقتصاد مقاومتی	تولید	توزیع	مصرف	اصول اقتصادی قرآن	تولید	توزیع	مصرف
				(۴) کار اقتصادی و مصرف بهینه امکانات در جهت ایجاد ارزش افزوده (توبه: ۲۸)	*	-	*
(۵) جلب مشارکت عموم مردم در اقتصاد و تقویت روحیه خودباوری و خوداتکایی	*	-	-	(۳) تحمل سختی در برابر تنگناها و فشارهای اقتصادی (توبه: ۲۸)	*	-	-
				(۷) مشارکت عموم مردم برای اداره جامعه و تأمین بستر پیشرفت اقتصادی (توبه: ۷۹ و ۱۰۳)	*	-	-
(۶) تقویت توانمندی و بازدهی نیروی کار	*	-	-	(۴) کار اقتصادی و مصرف بهینه امکانات در جهت ایجاد ارزش افزوده (توبه: ۲۸)	*	-	-
(۷) استفاده حداکثری از تمام ظرفیتها و امکانات تولیدی	*	*	-	(۵) گردش آزاد ثروت و ممنوعیت راکدگذاری سرمایه (توبه: ۳۴)	*	*	-
				(۳) تحمل سختی در برابر تنگناها و	*	*	-

اصول اقتصاد مقاومتی	تولید	توزیع	مصرف	اصول اقتصادی قرآن	تولید	توزیع	مصرف
				فشارهای اقتصادی (توبه: ۲۸)			
(۸) توجه به زندگی مردم جامعه	-	*	*	(۶) نقش دولت در تأمین رفاه عمومی و مبارزه با فقر از طریق زکات (توبه: ۶۰ و ۶۱)	-	*	*
(۹) مبارزه با فساد اقتصادی و گسترش عدالت	*	*	-	(۲) توجه به اصل شایسته‌سالاری و جلوگیری از سوءاستفاده از موقعیت‌ها (توبه: ۱۷ و ۱۸ و ۳۴)	*	*	-

منبع: نتایج تحقیق

نتایج حاکی از این است که عمده اصول اقتصادی استخراجی از آیات قرآن نیز به اهمیت عرصه تولید در اقتصاد اشاره دارد. همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌شود، در راستای اصلاح زمینه فعالیت فعالان اقتصادی، مشارکت عموم مردم برای اداره جامعه و تأمین بستر پیشرفت اقتصادی می‌تواند سبب افزایش فعالیت فعالان اقتصادی و افزایش تولید شود. همچنین با ایجاد فضای کسب و کار مناسب، شرایط رقابتی سالم برای فعالان اقتصادی فراهم می‌شود. از این رو آزادسازی و اصلاح زمینه انجام فعالیت‌های اقتصادی، خود مقدمه‌ای برای اصلاح امور اقتصادی شده و این حالت، انگیزه‌های بالایی را به فعالان اقتصادی می‌دهد تا با نشاط و امید به عرصه فعالیت‌های اقتصادی قدم گذارند.

اصل حمایت از تولید و محصولات ساخت داخل با اصل دانش‌بنیانی عنصر اصلی توانایی منطبق است. بنابراین از آنجا که علم و دانش، زمینه اندیشه و تفکر و پیشرفت است، لذا برای تقویت تولید ملی باید هر گونه دانشی که مورد نیاز جامعه است، مورد توجه قرار گیرد تا با استفاده از دانش بومی، بتوان از تولیدات و محصولات ساخت داخل حمایت و نیازمندی‌ها را رفع کرد.

در راستای اصل ایجاد اقتصاد دانش‌بنیان، اصل دانش‌بنیانی عنصر اصلی توانایی از آموزه‌های قرآنی منطبق می‌باشد. اقتصاد دانش‌بنیان تنها به تعداد محدودی صنایع مبتنی بر فناوری بسیار پیشرفته وابسته نیست؛ بلکه در این نوع اقتصاد تمامی فعالیت‌های اقتصادی به شکلی بر دانش متکی است. لذا باید با اتکا به ظرفیت‌ها و منابع موجود، کمال بهره‌برداری از سرمایه‌ها به عمل آید و از قابلیت‌های داخلی بهره بیشتری گرفته شود.

اصل سلامت اقتصادی و مدیریت بهینه مصرف با اصول گردش آزاد ثروت و ممنوعیت راکدگذاری سرمایه و کار اقتصادی منطبق است. با توجه به اینکه دولت از دیرباز با تأمین و توزیع اقلام کالاهای مصرفی جامعه سروکار داشته، یکی از نهادهایی است که می‌تواند نقش اساسی را در سرمایه‌گذاری‌ها و اصلاح الگوی مصرف داشته باشد. اگر دولت بخواهد در ایفای مسئولیت خویش در زمینه اصلاح الگوی مصرف در اموال خصوصی و رفتار مردم موفق شود، پیش از آن باید رفتار خود را در استفاده از اموال عمومی اصلاح کند و بر استفاده دیگران از آن نیز نهایت نظارت را در دستور کار خویش قرار دهد.

اصل جلب مشارکت عموم مردم در اقتصاد و تقویت روحیه خودباوری و خوداتکایی، با اصول ۳ و ۷ آموزه‌های قرآنی منطبق است. مشارکت به عنوان رهیافتی کارآمد، نقش مهمی در دستیابی به معیشت پایدار و برقراری نظام پایدار اقتصادی در کشورها ایفا می‌کند. از این‌رو، در جهت ترغیب مردم در راستای حفظ روحیه خودباوری و مشارکت عمومی در اقتصاد، آگاهی دادن به آنها

می‌تواند تضمین‌کننده باشد. همچنین نیروی اقتصادی برای رویارویی با دشمن می‌تواند در تقویت روحیه مشارکت و حفظ استقلال بسیار مؤثر باشد؛ به خصوص در جنگ‌های امروز که قدرت اقتصادی یکی از دو طرف جنگ در سرنوشت آن نقش به‌سزایی دارد.

اصل تقویت توانمندی و بازدهی نیروی کار می‌تواند با اصل کار اقتصادی در جهت ایجاد ارزش افزوده منطبق باشد. سرمایه انسانی یک عامل مهم و ضروری است که کشور را در جهت ایجاد ارزش افزوده و رشد اقتصادی کمک می‌کند. از آنجا که توانایی و مهارت نیروی کار به عملکرد بهتر و بهره‌وری سازمان کمک می‌کند و در محیط متغیر و به شدت رقابتی امروز، تنها با کمک نیروی انسانی خلاق و نوآور است که می‌توان به مزیت رقابتی دست یافت، در نتیجه کشور باید در فضای اقتصاد مقاومتی، شرایطی را فراهم آورد تا نیروی کار کشور، به نیروی کار مقاوم، یادگیرنده و خلاق تبدیل شود تا توانایی‌هایی از خود بروز دهد که قابلیت انطباق با تغییرات در عرصه رقابت را داشته باشد.

اصل استفاده حداکثری از تمام ظرفیت‌ها و امکانات تولیدی با اصول گردش آزاد ثروت و ممنوعیت راکدگذاری سرمایه و تحمل سختی در تنگناها و فشارهای اقتصادی و تقویت روحیه امید مرتبط است. از آنجا که شناخت سرمایه‌ها و استفاده صحیح از آنها و همچنین افزایش توان اقتصادی و در جریان بودن منابع و ثروت‌ها در راستای تولید، کمک به تحقق اصول اقتصاد مقاومتی می‌کند، لذا استفاده حداکثری از تمامی سرمایه‌های در دسترس می‌تواند به رشد و توسعه اقتصادی جامعه کمک شایانی کند.

اصل توجه به زندگی مردم، با اصل نقش دولت در تأمین رفاه عمومی و مبارزه با فقر هم‌راستا می‌باشد. مدیریت صحیح در بهره‌برداری از اموال عمومی و استفاده کارآمد از آنها لازمه دستیابی به سطوح عالی پیشرفت و توسعه اقتصادی است. انسان‌ها از آن جهت که در یک اجتماع زندگی می‌کنند، نسبت

به یکدیگر مسئول هستند. از این رو، مدیریت صحیح اموال عمومی توسط دولت و ترویج و نهادینه کردن فرهنگ انفاق، شکاف‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه را ترمیم خواهد کرد.

اصل مبارزه با فساد اقتصادی و گسترش عدالت نیز با اصل توجه به اصل شایسته سالاری و جلوگیری از سوءاستفاده از موقعیت‌ها در ارتباط است. از آنجا که یکی از مهم‌ترین اصول اقتصاد مقاومتی، توزیع عادلانه ثروت جامعه در راستای دستیابی به عدالت در حوزه اقتصادی است، لازم است بر این اصل در همه مراحل، مدیریت و نظارت دقیق صورت گیرد. همچنین یکی دیگر از برنامه‌ها برای جلوگیری از گسترش فساد و اجرای عدالت، به‌کارگیری نیروهای شایسته، کارآمد و صالح در مصادر امور حکومت است و انتخاب مسئولان و کارگزاران باید با توجه به شایستگی و تخصص آنان در زمینه مربوطه صورت گیرد.

۷. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

الف. محورهای حاکم بر اقتصاد مقاومتی که ضوابط و اصول حاکم بر این اقتصاد را نشان می‌دهد در سه عرصه تولید، توزیع و مصرف عبارتند از: اصلاح زمینه فعالیت عوامل اقتصادی، مصرف محصولات داخلی، ایجاد اقتصاد دانش‌بنیان، توجه به سلامت اقتصادی، جلب مشارکت عموم مردم در فعالیت‌های اقتصادی و تقویت روحیه خودباوری و خوداتکایی، تقویت توانمندی و بازدهی نیروی کار، استفاده حداکثری از ظرفیت‌های تولید و حداکثر کردن استفاده از امکانات موجود در کشور، توجه ویژه به زندگی اقتصادی مردم جامعه و مبارزه با فساد اقتصادی و گسترش عدالت.

ب. اصول اقتصاد مقاومتی برگرفته از سوره مبارکه توبه در سه عرصه تولید، توزیع و مصرف عبارتند از: دانش‌بنیانی عنصر اصلی توانایی، توجه به اصل شایسته سالاری و جلوگیری از سوءاستفاده از موقعیت‌ها، تحمل سختی در برابر

تنگناها و فشارهای اقتصادی و تقویت روحیه امید، کار اقتصادی و مصرف بهینه امکانات در جهت ایجاد ارزش افزوده، گردش آزاد ثروت و ممنوعیت راکدگذاری سرمایه، نقش دولت در تأمین رفاه عمومی و مبارزه با فقر از طریق زکات و مشارکت عموم مردم برای اداره جامعه و تأمین بستر پیشرفت اقتصادی. ج. با مقایسه و تطبیق اصول اقتصاد مقاومتی با اصول مستخرج از آموزه‌های قرآنی در سه عرصه تولید، توزیع و مصرف، به این نتیجه رسیدیم که برای دستیابی سریع‌تر به اقتصادی مقاومتی، باید در عرصه تولید، سرمایه‌گذاری بیشتری کرد.

د. استفاده حداکثری از تمام ظرفیت‌ها و امکانات تولیدی، رونق تولید داخلی، کاستن از واردات، ایجاد فضای کسب و کار مناسب جهت رقابتی کردن فعالیت فعالان اقتصادی و تولید محصولات داخلی، تلاش برای تقویت تولید ملی از طریق افزایش دانش بومی، مشارکت عمومی در اقتصاد و تقویت روحیه خودباوری و خوداتکایی، ایجاد شرایط مناسب برای به وجود آوردن نیروی کار مقاوم، یادگیرنده و خلاق جهت انطباق با تغییرات در عرصه رقابت، مدیریت صحیح اموال عمومی توسط دولت و ترویج و نهادینه کردن فرهنگ انفاق، اصل شایسته‌سالاری و جلوگیری از سوءاستفاده از موقعیت‌ها و ... باید مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گیرد.

منابع

۱. اختری، عباسعلی (۱۳۹۲)، اقتصاد مقاومتی زمینه‌ها - راهکارها، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲. تاج‌بخش، غلامرضا و سامان یوسفوند (۱۳۹۳)، «تحلیل جامعه‌شناختی علل و پیامدهای مصرف‌گرایی و راهکارهای اسلامی مصرف»، پنجمین کنگره پیشگامان پیشرفت.
۳. تاری، فتح‌اله و زهرا کاویانی (۱۳۹۲)، «اقتصاد مقاومتی و مؤلفه‌های آن»، فصلنامه سیاست کلان، س ۲، ش ۲.
۴. دری نوگورانی، حسین و اصغر صالح‌اصفهانی (۱۳۹۲)، اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران: تحلیل مبنایی و برخی اصول راهنمای کاربردی، تهران: انتشارات راه فردا و انتشارات ناجی نشر.
۵. سیف، اله‌مراد (۱۳۹۱)، «الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران (مبنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری)»، آفاق/امنیت، س ۵، ش ۱۶.
۶. سیفلو، سجاد (۱۳۹۳)، «مفهوم‌شناسی اقتصاد مقاومتی»، معرفت اقتصادی، س ۵، ش ۱۰.
۷. صدر، سیدکاظم (۱۳۷۴)، اقتصاد صدر اسلام، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۸. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، ج ۹، چ ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۹. عطافر، علی و کریم آذربایجانی (۱۳۸۰)، «بررسی میزان شایسته‌سالاری در انتخاب مدیران بخش دولتی و خصوصی»، دانش مدیریت، س ۱۴، ش ۵۴.
۱۰. عنان‌پور خیرآبادی، مجید و مهدی عنان‌پور خیرآبادی (۱۳۹۳)، «بازنگری

فرهنگ دینی در رفتارهای اقتصادی در حوزه کار و تولید»، پنجمین گنگره پیشگامان پیشرفت.

۱۱. فشاری، مجید و جواد پورغفار (۱۳۹۳)، «بررسی و تبیین اقتصاد مقاومتی در اقتصاد ایران»، مجله اقتصادی، س ۱۴، ش ۵ و ۶.

۱۲. قرائتی، محسن (۱۳۹۰)، تفسیر نور، ج ۳، چ ۶، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

۱۳. قلیچ، وهاب و رسول خوانساری (۱۳۹۴)، عوامل مؤثر بر تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در نظام بانکی، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

۱۴. کرمی، محمدمهدی و محمد پورمند (۱۳۸۵)، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، چ ۷، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه؛ تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

۱۵. کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و نظام اداری (۱۳۹۲)، «اصول کلی حاکم بر اقتصاد مقاومتی در سیاست‌های کلی»، فصلنامه سیاست کلان، س ۲، ش ۲.

۱۶. محمودی، وحید (۱۳۷۹)، «فساد اقتصادی و توسعه»، مجموعه مقالات دومین همایش دوسالانه اقتصاد ایران.

۱۷. معمارنژاد، عباس (۱۳۸۴)، «اقتصاد دانش بنیان: الزامات، نماگرها، موقعیت ایران، چالش‌ها و راه‌کارها»، فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین، ش ۱.

۱۸. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۸۷)، تفسیر نمونه، ج ۷ و ۸، چ ۳۶، قم: دارالکتب الاسلامیه.

۱۹. میرمعزی، سیدحسین (۱۳۹۱)، «اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن (با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری)»، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی،

س ۱۲، ش ۴۷.

21. Chen. Derek. H. C.& Dahlman, Carl J(2004), “**Knowledge and Development: a cross- section approach**”, World Bank Policy Research, Working Paper, No 3366.

22. Harbison. H. F(1978), **Human Resources as the Wealth of Nations**, New York: Oxford University.

23. OECD(2001), **The New Economy: Beyond the Hype**, Paris: OECD.

24. Tanzi, Vito and Hamid Davoodi(1998), **Roads to Nowhere: How Corruption in Public Investment Hurts Growth**, IMF, Washington: International Monetary Fund.

الگوی رفتار تولیدکننده در اقتصاد مقاومتی

تاریخ دریافت: ۹۴/۷/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۵/۲/۵

سید حسین میرمعزی*

چکیده

اقتصاد مقاومتی، اقتصادی مردم‌بنیاد است. یکی از عرصه‌های اقتصادی که مردم باید در آن نقش اصلی را بازی کنند، عرصه تولید است. این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش است که در اقتصاد مقاومتی نقش مردم در عرصه تولید چگونه است؟ و تولیدکننده در این اقتصاد چه چیزی را و چگونه تولید می‌کند؟ این تحقیق در صدد اثبات آن است که تولیدکننده در اقتصاد مقاومتی تولیدکننده جهادگر است. تولیدکننده جهادگر برای خدا و در راه او تمام توان فکری، بدنی و مالی خود را برای پیشینه کردن تولید مورد نیاز جامعه به کار می‌برد. در این پژوهش در چارچوب نظام علت و معلول مادی و در مدلی ساده با فرض سرمایه ثابت نشان داده می‌شود که چنین تولیدکننده‌ای بهتر است برای استخدام عوامل تولید از روش مشارکت در سود استفاده کند تا حداکثر تولید را با بیشترین سود به دست آورد. در این صورت او سود مازاد بر حداقل میزان مورد نیاز خود را برای افزایش سرمایه‌گذاری و تولید بیشتر به کار می‌برد. در صورتی که استفاده از روش مشارکت در سود به هر دلیلی ممکن نباشد، تولیدکننده جهادگر تولید خود را با قید دستیابی به حداقل سود مورد نیاز به حداکثر می‌رساند.

* دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی؛ (h.mirmoezi@gmail.com).

در پایان نیز متذکر شدیم که اگر تولید کننده در عرصه تولید جهاد نماید هدایت و نصرت الهی را به همراه خواهد داشت و نتایجی که به آن دست می‌یابد مضاعف خواهد شد. واژگان کلیدی: اقتصاد اسلامی، اقتصاد مقاومتی، الگوی رفتار تولید کننده، جهاد اقتصادی، تولید کننده جهادگر.

طبقه‌بندی JEL: E23, Z12, D21

۱. مقدمه

مقام معظم رهبری در بیانات خود در دیدار با جمعی از کارآفرینان کشور در تاریخ ۱۳۸۹/۶/۱۶ برای اولین بار اقتصاد مقاومتی را مطرح و فرمودند: «ما باید یک اقتصاد مقاومتی واقعی در کشور به وجود بیاوریم». ایشان در بیانات متعددی در طول چند سال برخی زوایای پنهان اقتصاد مقاومتی را نیز تبیین کردند و آن را مرتبط با شعارهای سال دانستند و همه اینها را حلقه‌های به هم پیوسته یک زنجیر توصیف کردند. تا اینکه در تاریخ ۹۲/۱۱/۳۰ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی توسط ایشان به صورت رسمی ابلاغ شد و ایشان در اولین سخنرانی خود پس از این ابلاغ و سخنرانی‌های متعدد دیگر به تفصیل به تبیین ضرورت‌ها و توجیه ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی پرداختند. در یک جمع‌بندی از بیانات ایشان می‌توان گفت از دیدگاه ایشان:

«اقتصاد مقاومتی، اقتصادی علمی و بومی، برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی و الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام است که ضمن مقاوم‌سازی اقتصاد در برابر تهدیدهای نظام سلطه از توان تقویت اقتصاد و تحقق پیشرفت جهشی اقتصادی نیز برخوردار است. این نوع اقتصاد، پیشرو، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، برون‌گرا، انعطاف‌پذیر، عدالت‌بنیان، مردم‌بنیاد، با رویکرد جهادی است». مردم‌بنیاد بودن بدین معناست که مردم در این اقتصاد نقش اصلی را در عرصه‌های اقتصادی بازی می‌کنند و دولت نقش نگهبان، ناظر و مکمل مردم را به عهده دارد و به دنبال پر کردن خلأهاست.

یکی از عرصه‌های اقتصادی که مردم باید در آن نقش اصلی را بازی کنند، عرصه تولید است. این تحقیق به دنبال پاسخ به این پرسش است که در یک اقتصاد مقاومتی نقش مردم در عرصه تولید چگونه است و تولیدکننده در این اقتصاد چه چیزی را و چگونه تولید می‌کند؟

برای پاسخ به این پرسش ابتدا پیشینه موضوع بررسی می‌شود. سپس روش الگوسازی در اقتصاد متعارف بیان و نقد می‌گردد و بر اساس مبانی معرفت‌شناسانه اسلامی روش مورد نظر ارائه می‌شود. برای تبیین الگوی رفتار تولیدکننده در اقتصاد مقاومتی، ابتدا اقتصاد مقاومتی تعریف و نسبت آن با اقتصاد اسلامی توضیح داده می‌شود و این نتیجه حاصل می‌گردد که اقتصاد مقاومتی الگویی از نظام اقتصادی اسلام است که در آن به دلیل شرایط ویژه، استقلال اقتصادی در میان اهداف این نظام اولویت نخست دارد و جهاد اقتصادی بر دولت و مردم واجب شده است.

سپس رفتار جهادی و جهاد اقتصادی و وجوب آن توضیح داده می‌شود و این نتیجه حاصل می‌شود که رفتار تولیدکننده در اقتصاد مقاومتی، جهادی است. در ادامه با این تلقی از اقتصاد مقاومتی با استفاده از ابزارهای ریاضی و هندسی رفتار تولیدکننده جهادگر در چارچوب نظام علت و معلول مادی و در مدلی ساده با دو فرض استخدام عوامل تولید به روش مشارکت و استخدام این عوامل به روش اجاره توضیح داده می‌شود. در پایان نیز یادآوری می‌شود که جهاد در عرصه تولید موجب هدایت و نصرت الهی است و نتایج پیش‌گفته را دوچندان می‌کند.

۲. پیشینه اقتصاد مقاومتی

مقام معظم رهبری در پیام‌های نوروزی خود سال ۱۳۸۸ را سال «اصلاح الگوی مصرف» و سال ۱۳۸۹ را سال «همت مضاعف و کار مضاعف» نامیدند. سپس در بیانات خود در دیدار با جمعی از کارآفرینان کشور در تاریخ ۱۳۸۹/۶/۱۶

برای اولین بار اقتصاد مقاومتی را مطرح کردند و فرمودند: «ما باید یک اقتصاد مقاومتی واقعی در کشور به وجود بیاوریم».

پس از آن سال ۱۳۹۰ را به سال «جهاد اقتصادی» و سال ۱۳۹۱ را به سال «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی» و سال ۹۲ را سال «حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی» و سال ۹۳ را سال «اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی» نام‌گذاری کردند و در بیانات خود به مناسبت‌های مختلف شعار آن سال و زوایای پنهان آن و راهبردها و سیاست‌های متناسب با آن را تبیین فرمودند.

در تاریخ ۹۲/۱۱/۳۰ نیز سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را ابلاغ و در چند سخنرانی پس از آن ضرورت‌ها، ویژگی‌ها و الزامات اقتصاد مقاومتی را تبیین کردند. از سال ۱۳۸۹ که اقتصاد مقاومتی مطرح شده است تاکنون در شرح و تفسیر آن مقاله‌ها و کتاب‌های متعددی نوشته شده که مهم‌ترین آنها در جدول زیر درج شده است:

جدول ۱: مهم‌ترین آثار در خصوص اقتصاد مقاومتی

ردیف	عنوان اثر	عنوان مؤلف	نام ناشر / تاریخ نشر
۱	اقتصاد مقاومتی؛ زمینه‌ها و راهکارها	عباسعلی اختری	امیرکبیر / ۱۳۹۲
۲	اقتصاد مقاومتی، سکوی پیشرفت و عدالت؛ تبیین اقتصاد مقاومتی در بیان مقام معظم رهبری	مهدی صیادی، وحید عزیزی، محمدا میر هاشم‌پور	موسسه فرهنگی خاکریز ایمان و اندیشه نشر خیزش نو / ۹۳/۱۲/۲۵
۳	جهاد اقتصادی با رویکردی بر اقتصاد مقاومتی	مجموعه‌ای از بیانات مقام معظم رهبری در تبیین جهاد اقتصادی، اهداف و الزامات و نتایج آن	انتشارات انقلاب اسلامی / ۱۳۹۴

ردیف	عنوان اثر	عنوان مؤلف	نام ناشر / تاریخ نشر
۴	اقتصاد مقاومتی	حسین دری نوگورانی، اصغر صالح اصفهانی	اداره اقتصادی معاونت طرح و برنامه و بودجه ستاد کل نیروهای مسلح / ۱۳۹۲/۱۲
۵	مقاومت اقتصادی در پرتو اقتصاد مقاومتی	حسام‌الدین خلیلی	عماد فردا/۱۳۹۳
۶	اقتصاد مقاومتی	معاونت فرهنگی اجتماعی سازمان بسیج کارمندان کشور	اوقاف/۱۳۹۲
۷	اقتصاد مقاومتی	محمدحسین روشنگر	امید مهر / ۱۳۹۲
۸	«اقتصاد مقاومتی: درآمدی بر مبانی، سیاست‌ها و برنامه عمل»	حجت‌الله عبدالملکی	انتشارات بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع) و به اهتمام مؤسسه علمی - فرهنگی سدید
۹	مقاوم‌سازی اقتصادی در ادبیات متعارف «مبادی علمی و نظری» ^۱	عادل پیغامی، مصطفی سمیعی‌نسب و یاسر سلیمانی	مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع) / ۱۳۹۴
۱۰	مجموعه اهداف، سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصاد مقاومتی	مجموعه مصوبات شورای اقتصاد	معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، امور کمیسیون‌ها، دبیرخانه‌ها و شوراهای اقتصادی (شورای اقتصاد)

۱. در این جلد، مفاهیم دارای قرابت با اقتصاد مقاومتی در ادبیات متعارف احصاء شده است که هر کدام از آنها دارای تاریخچه، تعریف و مدل‌های مشخصی در ادبیات متعارف اقتصادی است. این مجلد شامل تالیف، ترجمه، تحشیه و تلخیص^۱ نه گزارش، مقاله و بخش‌هایی منتخب از برخی کتب با موضوع تاب‌آوری و آسیب‌پذیری است.

ردیف	عنوان اثر	عنوان مؤلف	نام ناشر / تاریخ نشر
۱۱	«درس گفتارهای اقتصاد مقاومتی»؛ تبیین نظریه اقتصاد مقاومتی مبتنی بر اندیشه اقتصادی رهبر معظم انقلاب	عادل پیغامی	انتشارات بسیج دانشگاه امام صادق(ع) / ۱۳۹۳
۱۲	«مبانی دینی اقتصاد مقاومتی»	غلامعلی نعیم‌آبادی	۱۳۹۳
۱۳	اقتصاد مقاومتی	سیده فاطمه مقیمی	نشر ورجاوند ۱۳۹۴
۱۴	اقتصاد مقاومتی از منظر دینی (مجموعه مقالات)	حجت‌الله نیکی ملکی و علی حاجی‌خانی	انتشارات کتابدار / ۱۳۹۴

همچنین در این موضوع همایش‌های علمی متعددی برگزار شده است که عبارتند از:

۱. همایش ملی اقتصاد مقاومتی، دانشگاه علم و صنعت، اردیبهشت ۱۳۹۱؛
۲. همایش ملی بررسی و تبیین اقتصاد مقاومتی، رشت، دانشگاه گیلان، ۱۳۹۱؛
۳. اقتصاد مقاومتی، ابعاد و راهکارها، قزوین، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، ۱۳۹۱؛
۴. اقتصاد مقاومتی، مازندران، ساری، دانشگاه پیام نور، ۱۳۹۱؛
۵. مروری بر تاریخ اقتصاد مقاومتی در ایران، محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۹۲؛
۶. اقتصاد مقاومتی؛ راهکارها و چالش‌های پیش رو، اردیبهشت ۱۳۹۲؛
۷. اقتصاد دانش‌بنیان معبر اقتصاد مقاومتی، تهران، مؤسسه سفیران فرهنگی مبین، اسفندماه ۱۳۹۳؛
۸. اقتصاد مقاومتی از منظر دین، قم، کمیسیون مطالعات اسلامی مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۹۳؛
۹. کنگره ملی اقتصاد مقاومتی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، بهمن ۱۳۹۳؛
۱۰. همایش تخصصی اقتصاد مقاومتی، اردبیل، بسیج اساتید، ۱۳۹۴؛

۱۱. اقتصاد مقاومتی، چالش‌ها، واقعیت‌ها، راهکارها، دانشگاه رازی کرمانشاه، اردیبهشت ۱۳۹۴.

همچنین در این باره «شرکت پژوهشی طرود شمال» که ارائه دهنده خدمات علمی است، مجله‌ای با عنوان *International Journal of Resistive Economics* چاپ می‌کند و تاکنون هفت شماره از این مجله به چاپ رسیده است. مقالات این مجله به‌طور عمده با تأکید بر اتکاء بر درون یا درون‌گرایی در پنج محور اقتصاد و مدیریت جنگ، اقتصاد تحت تحریم، اقتصاد و مدیریت نفت و گاز، اقتصاد سبز، کارآفرینی به بررسی اقتصاد ایران با ادبیات اقتصاد متعارف می‌پردازد. افزون بر این مقاله‌های علمی پژوهشی و علمی ترویجی متعددی نوشته شده که برخی از آنها عبارتند از:

۱. بررسی ابعاد و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای؛ (جهرمی و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۳۱ - ۴۶)؛
۲. اقتصاد مقاومتی؛ نماد مدیریت جهادی در اقتصاد سیاسی ایران (هزاویی، ۱۳۹۳، ص ۹ - ۲۶)؛
۳. الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران (سیف، ۱۳۹۱، ص ۵ - ۲۲)؛
۴. اقتصاد مقاومتی؛ راهکاری برای توسعه (حسین‌زاده بحرینی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۸ - ۱۵۹)؛
۵. مقاومت اقتصادی در پرتو اقتصاد مقاومتی (خلیلی، ۱۳۹۱، ص ۲۴ - ۴۳)؛
۶. از جهاد اقتصادی تا اقتصاد مقاومتی (عرب‌نژاد، ۱۳۹۱، ص ۹۶ - ۱۰۲)؛
۷. اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری (میرمعزی، ۱۳۹۱، ص ۴۹ - ۷۶)؛
۸. بررسی رابطه اقتصاد مقاومتی، گرایش کارآفرینانه و مدیریت دانش (مقدم و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۱۰۷ - ۱۲۰)؛

۹. تربیت دینی و تأثیر آن بر اقتصاد مقاومتی (اصغری، ۱۳۹۲، ص ۱۳۷ - ۱۶۰)؛
۱۰. جهاد اقتصادی و اقتصاد مقاومتی از منظر قرآن و اهل بیت (طهماسبی بلداجی، ۱۳۹۲، ص ۱۴۱ - ۱۵۸)؛
۱۱. مقدمه‌ای بر نقشه راه پیاده‌سازی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ج.ا.ا. (سیف، ۱۳۹۲، ص ۸۹)؛
۱۲. نظام اقتصاد اسلامی الگویی کامل برای اقتصاد مقاومتی (اسدی، ۱۳۹۳، ص ۳۹ - ۲۵).
- در برخی از این مقاله‌ها، اقتصاد مقاومتی در چارچوب مفاهیم و نظریات اقتصاد متعارف تعریف و سعی شده است تا اقتصاد مقاومتی به یکی از مفاهیم نظیر در ادبیات اقتصادی متعارف تفسیر شود و اشاره‌ای به نسبت اقتصاد مقاومتی با اقتصاد اسلامی نشده است. در تعداد اندکی از مقاله‌ها و کتاب‌ها تصریح شده که اقتصاد مقاومتی باید مبتنی بر مبانی و آموزه‌های اسلامی باشد؛ ولی چگونگی این ارتباط به صورت منطقی و علمی توضیح داده نشده که این مقاله درصدد رفع این کمبود است.
- در ادبیات اقتصاد متعارف مباحثی همچون اقتصاد حمایتی، اقتصاد جنگ، اقتصاد ریاضتی، اقتصاد تحریم و تاب‌آوری اقتصادی بحث شده است. تنها مقوله اخیر یعنی تاب‌آوری اقتصادی است که با بحث اقتصاد مقاومتی نزدیکی دارد. مقوله تاب‌آوری طی چهار دهه گذشته در حوزه‌هایی چون انواع رشته‌های فنی مهندسی، اقتصاد، روانشناسی و ... به قدری مورد استفاده دانشگاہیان و سیاستگذاران و مدیران اجرایی دنیا- از سطح ملی گرفته تا سطوح عملیاتی و شرکت‌ها و بنگاه‌های تولیدی و تجاری و حتی خانوارها و افراد - قرار گرفته که امروزه به گفتمانی رایج و همگانی تبدیل شده است و ادبیات بسیار مفصلی در باب تعیین و سنجش وضعیت موجود هر سیستم به لحاظ تاب‌آوری، استقرار سیستم‌های تاب‌آور و ... تولید شده است.

ادبیات علمی این بحث توسط پیغامی و همکاران (۱۳۹۴) به صورت مفصل بحث شده است و مجال تفصیل این بحث در این مقاله نیست.

۳. پیشینه رفتار تولیدکننده جهادگر

در ادبیات علمی موضوعی در این خصوص یافت نشد. البته این امری طبیعی است؛ زیرا اقتصاد مقاومتی چند سالی است که مطرح شده و هنوز بحث در کلیات آن است و مباحث علمی به تبیین الگوهای رفتاری در این اقتصاد نرسیده است. با این وجود، از آنجا که اقتصاد مقاومتی برآمده از آموزه‌های اسلامی و انقلابی و الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام است، می‌توان مطالعاتی که در ادبیات علمی اقتصاد اسلامی در این باره وجود دارد را به عنوان پیشینه مرتبط با این بحث ذکر کرد؛ زیرا الگوی مورد نظر این مقاله نیز تا حدودی برآمده از این مطالعات است.

درباره الگوی رفتار تولیدکننده مسلمان مطالعات خوبی انجام شده است که به مهم‌ترین آنها به صورت خلاصه اشاره می‌شود. پژوهشگران اقتصاد اسلامی معتقدند که رفتار تولیدکننده مسلمان در اقتصاد اسلامی با رفتار تولیدکننده در اقتصاد سرمایه‌داری متفاوت است و این تفاوت ناشی از آن است که برای تولیدکننده مسلمان غیر از سود مادی، مصالح اجتماعی و ثواب آخرتی نیز مطرح می‌شود. اختلاف در چگونگی وارد کردن ملاحظات اجتماعی و آخرتی در نظریه رفتار تولیدکننده است. در این باره اندیشمندان یادشده به چند گروه تقسیم می‌شوند:

برخی چون عبدالمنان تحلیل درآمد و هزینه نهایی را برای بررسی رفتار تولیدکننده مسلمان کارآندانسته، قیمت‌گذاری براساس هزینه کامل را برای تحلیل رفتار وی ترجیح می‌دهند؛ با این حال، وی توضیح نمی‌دهد که چگونه قیمت‌گذاری هزینه کامل، ملاحظات بشردوستانه را منعکس می‌کند (به نقل از صادقی، ۱۳۷۸، ص ۲۳۰-۲۴۶).

برخی همچون متوالی (به نقل از صادقی، ۱۳۷۸، ص ۲۵۱-۲۶۱) و مرطان (۱۹۹۲) و بن‌جیلالی و طاهر^۱ (۱۹۹۰) و صفر^۲ (۱۹۹۸) و حلاق^۳ (۱۹۹۵) در تابع هدف، در کنار سود، اهداف دیگری همچون کارهای خیر یا مصالح اجتماعی را نیز وارد کردند. آنها پیشنهاد کردند تا چندهدفی را انگیزه رفتار تولیدکننده مسلمان فرض می‌کنند. عزتی (۱۳۸۹) نیز در این گروه قرار می‌گیرد؛ زیرا معتقد است هدف انسان از همه کردارهای خود مانند مصرف و تولید، پیشنهاد کردن رضایت خاطر زندگی این جهان و زندگی پس از مرگ است. ایشان بر این اساس الگوی رفتار تولیدکننده مسلمان را پیشنهاد می‌کند.

قحف (۱۳۷۶، ص ۲۶-۳۴)، البعلی (۱۴۲۱، ص ۱۰۱) و یونس المصری (۱۴۲۱، ص ۱۲۵-۱۲۹)، ملاحظات اجتماعی و آخرتی را به شکل قیود وارد می‌کنند. تابع سود کرده‌اند و انگیزه تولیدکننده مسلمان را پیشنهاد کردن سود در چارچوب قیود یاد شده دانسته‌اند. محمد امین و عبدالله یوسف (۲۰۰۳) سود با قید مصلحت را به عنوان مبانی پیشنهادسازی می‌پذیرند.

همچنین زنگی‌نژاد (۱۳۹۲) می‌گوید: تابع تولید اسلامی، همواره یک تابع مقید می‌باشد و این ویژگی موجب کارایی آن می‌شود. هدف بنگاه در فرایند تولید با توجه به نوع مالکیت بنگاه تعیین می‌شود. مهم‌ترین قید دخیل در نظریه تولید اسلامی در بعد کلان، خودکفایی و استقلال اقتصادی و سیاسی می‌باشد و در بعد خرد قیود ناشی از مبانی و اهداف اقتصاد اسلامی در کنار قیود ناشی از محدودیت منابع و محدودیت تکنولوژی بر تولید اثر می‌گذارند.

صدیقی بین دو فرض تفصیل می‌دهد. در فرض نخست به عقیده کارفرما

-
1. Bendjilali and Taher.
 2. al-Safar.
 3. Hallaq.

تقاضای بازار بیانگر عدالت و نیازمندی‌های واقعی جامعه است. در این فرض که فرضی غیرواقعی شمرده می‌شود، انگیزه تولیدکننده مسلمان همچون تولیدکننده غیرمسلمان بیشینه‌سازی سود است. در فرض دوم که فرضی واقعی شمرده می‌شود، احساس کارفرمای مسلمان از عدالت و نوع‌دوستی با آنچه تقاضای بازار دیکته می‌کند، متفاوت است. در این صورت، هدف او حرکت در جهت مصالح اجتماعی با حفظ حداقل سود است (به نقل از صادقی، ۱۳۷۸، ص ۲۶۴ - ۲۷۵).

عسکری و عنان‌پور (۱۳۹۲، ص ۱۰۳) هدف اقتصادی تولیدکننده مسلمان را تولید کالا برای رفع نیاز جامعه اسلامی و خانواده خویش در راستای هدفی والاتر یعنی هدف از خلقت او که همان عبادت است معرفی می‌کنند.

نگارنده (۱۳۸۳) به این نتیجه رسیده است که در اقتصاد اسلامی از جهت انگیزه دو نوع بنگاه وجود دارد: نخست، بنگاهی که سود خود را در چارچوب قوانین اسلامی حداکثر می‌کند. این نوع بنگاه در بخش خصوصی نظام اقتصادی فعالیت می‌کند؛ دوم، بنگاهی که انگیزه‌اش افزایش تولید کالاهای مورد نیاز جامعه در چارچوب قوانین اسلامی است. این نوع بنگاه در بخش سوم یا بخش اجتماعی نظام اقتصادی فعالیت می‌کند. هر یک از این دو نوع بنگاه نیز یا در بازار اجاره فعالیت می‌کنند و یا در بازار مشارکت. بدین ترتیب نگارنده الگوی رفتار تولیدکننده را در چهار فرض استخراج کرده است.

چنانکه در ابتدای این بحث گذشت درباره الگوی رفتار تولیدکننده در یک اقتصاد مقاومتی پیشینه‌ای وجود ندارد و سابقه‌ای که ذکر شد در ارتباط با رفتار تولیدکننده مسلمان است. بر اساس تعریفی که از اقتصاد مقاومتی ارائه شد، اقتصاد مقاومتی، اقتصادی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و انقلابی و الگویی از نظام اقتصادی اسلام است؛ لذا از این پیشینه در ارتباط با رفتار تولیدکننده مسلمان در یک اقتصاد مقاومتی الهام گرفته خواهد شد. چنانکه اثبات خواهد شد تولیدکننده

در اقتصاد مقاومتی تولیدکننده جهادگر است که تمام تلاش فکری، بدنی و مالی خود را برای تولید در راه خدا و برای خدا به کار می‌برد. در حقیقت در تابع هدف چنین تولیدکننده‌ای مصالح اجتماعی و آخرتی در قالب تولید برای کمک به تأمین نیازهای جامعه و حفظ استقلال کشور و دفع تهاجم اقتصادی دشمن اصالت می‌یابد و هدف سود شخصی از تابع هدف حذف می‌شود و یا به عنوان قید چنین تابعی ظاهر می‌شود.

از این‌رو، لازم است با الهام از مدل‌های ارائه شده در ادبیات رفتار تولیدکننده مسلمان مدل رفتار تولیدکننده جهادگر تبیین شود. به نظر نویسنده این سطور مدل رفتار تولیدکننده جهادگر باید به دو پرسش اساسی پاسخ دهد: نخست، تولیدکننده جهادگر چه چیزی را تولید می‌کند؟ دوم، هدف اقتصادی این تولیدکننده از تولید چیست؟ و چه چیزی را بیشینه می‌کند؟

نگارنده در این مقاله برای پاسخ به پرسش دوم از مدلی که در مقاله سال ۸۳ خود درباره الگوی رفتار تولیدکننده مسلمان تدوین کرده الهام گرفته است. دلیل آن نیز نقدی است که نگارنده نسبت به مدل‌های دیگر دارد. وارد کردن انگیزه‌هایی همچون ثواب اخروی و مصالح اجتماعی و مانند آن در تابع تولید در حقیقت وارد نمودن انگیزه‌های دور و غیر اقتصادی در یک تابع اقتصادی است. نظریه پرداز در این زمینه باید نشان دهد که این انگیزه‌ها مستلزم چه انگیزه اقتصادی برای تولیدکننده در عرصه تولید است و آن انگیزه را وارد تابع تولید کند.

۴. روش علم اقتصاد در الگوسازی

شکلی از ابطال‌گرایی که اقتصاددانان به‌ویژه از زمان استوارت میل آن را دنبال می‌کنند، روش فرضیه‌ای-استنتاجی است. مارک بلاگ در این‌باره می‌گوید: در اواسط قرن نوزدهم، دیدگاه متعارف در مورد علم آن بود که بررسی‌ها و تحقیقات علمی با مشاهده آزاد و بی‌طرفانه حقایق آغاز می‌شود، سپس با

استنتاج استقرایی و تنظیم قوانین کلی درباره این وقایع ادامه می‌یابد و در نهایت از طریق استقرا به گزاره‌هایی دست می‌یابد که کلیت بیشتری دارند و نظریه خوانده می‌شوند.

بررسی صحت نظریه‌ها و قوانین از طریق مقایسه پیامدهای تجربی آنها با واقعیات مشاهده شده صورت می‌گیرد، یعنی همان واقعیاتی که نقطه آغاز پژوهش‌ها بوده‌اند. این دیدگاه استقرایی نسبت به علم که در کتاب جان استوارت میل، نظام منطقی، عقلی و استقرایی که به‌طور کامل در ۱۸۴۳ انتشار یافت و تا امروز هم بیانگر دیدگاه عوام در مورد علم است، به تدریج در نیمه دوم قرن نوزدهم، تحت تأثیر نوشته‌های ارنست ماخ، هانری پوانکاره و پی‌یر دوئم فرو ریخت. در نتیجه، مدل فرضیه - قیاسی تبیین علمی تقریباً در بست جایگزین آن شد و در آغاز قرن بیستم در آثار متفکران حلقه وین و پراگماتیست‌های امریکایی نمایان شد.

با این وصف، تنها در ۱۹۴۸ بود که مدل فرضیه‌ای - قیاسی به شکل صوری آن و به مثابه تنها شکل معتبر تبیین در علم تدوین شد. این شکل معتبر از تبیین علمی نخستین بار در مقاله‌ای از کارل همپر و پیتر اپنهایم (۱۹۶۵) که اکنون شهرت زیادی دارند، منتشر شد. آنان در این مقاله استدلال کردند که تمام تبیین‌های واقعاً علمی دارای ساختار مشترک منطقی هستند. این تبیین‌ها مستلزم حداقل یک قانون کلی به اضافه گزاره‌ای درباره شرایط مرزی یا اولیه مربوطه‌اند که در مجموع تشکیل دهنده مفسر یا مقدماتی هستند که از آنها متبیین (یعنی گزاره‌ای درباره واقعه‌ای که در پی تبیین آن هستیم) به کمک قواعد منطقی قیاسی استنتاج می‌شود.

منظور از یک قانون فراگیر قضیه‌ای از این قبیل است که «در تمام مواردی که رویدادهای A وقوع یابند، رویدادهای B نیز حادث می‌شوند»، چنین قوانین عام و فراگیری ممکن است از نظر ارجاع به رویدادهای منفرد B شکلی محتوم یا از

نظر ارجاع به دسته‌ای از رویدادهای B شکلی آماری داشته باشند (بنابراین قوانین آماری به این شکل بیان می‌شوند: «در تمامی مواردی که رویدادهای A وقوع می‌یابند، رویدادهای B نیز به احتمال P، که در آن $0 < P < 1$ حادث می‌شوند»). منظور ما از قوانین منطق قیاسی، نوعی استنتاج قیاسی خطاناپذیر از این گونه است: «اگر A صادق باشد، آنگاه B به شرط صدق A درست باشد، بنابراین B نیز صادق خواهد بود» (این نمونه‌ای است از آن چیزی که منطق‌دانان آن را قیاس شرطی (استثنایی) متصل می‌خوانند).

ضرورتی بر تأکید به این نکته نیست که منطق قیاسی یک دستگاه محاسبه تجریدی است و اعتبار منطق استدلال استنتاجی به هیچ‌وجه بستگی به صدق مادی هیچ‌یک از دو مقدمه کبری یعنی «اگر A صادق باشد، آنگاه B نیز صادق است» و یا مقدمه صغرای استنتاج یعنی «A صادق است» ندارد. (بلاگ، ۱۳۸۰، ص ۴۲). غنی‌نژاد نیز در این باره می‌گوید:

«این نظریه که امروز بیشترین مقبولیت را بین دانشمندان و فلاسفه دارد، تبیین علمی را عبارت می‌داند از استنتاج یک قضیه در مورد یک واقعه بر مبنای دست‌کم یک قانون کلی که در ارتباط با مجموعه شرایط اولیه یا محدود قرار دارد. برای تبیین علمی باید قوانین کلی را - که همان فرضیه‌های تجربی ناظر به نظم در امور طبیعی یا اجتماعی است - با عباراتی که حاکی از شرایط خاص وقوع حادثه است همراه کنیم تا از آن دو بتوانیم عباراتی را که حاکی از پیامدهای تجربی حادثه است، به نحو منطقی استنتاج کنیم. به طور خلاصه روش مورد توافق اکثریت اقتصاددانان این است که ابتدا با استفاده از فرضیه‌های معتبری، تصویر ساده شده‌ای از واقعیات منظم ارائه می‌شود که آن را تئوری، الگو یا مدل می‌نامند، سپس شرایط خاص یک واقعه معین در چارچوب این تصویر عام توضیح داده می‌شود و پیامدهای منطقی آن استنتاج می‌گردد» (غنی‌نژاد، ۱۳۷۶، ص ۲۵).

به صورت خلاصه این روش مشتمل بر چهار مرحله است: اول، انتخاب

فروضی که به منزله شرایط اولیه و مقدمات قیاس هستند؛ دوم، استنتاج یک قاعده کلی مربوط به پدیده مورد مطالعه از فروض منتخب از طریق قیاس و برهان؛ سوم، تبیین پدیده مورد مطالعه و پیش‌بینی درباره آن به‌وسیله آن قاعده کلی و چهارم، آزمون نتایج از طریق داده‌های قابل مشاهده؛ همان‌گونه که بلاگ تصریح کرده است که اعتبار استنتاج قاعده کلی از مقدمات مفروض مبتنی بر رعایت قواعد منطقی در قیاس است و هیچ‌گاه صحت قاعده کلی به‌وسیله آزمون ابطال نمی‌شود. آنچه به‌وسیله آزمون ابطال می‌گردد در حقیقت صدق این قاعده بر خارج است.

از آنجا که این مقاله به دنبال تبیین یک پدیده خارجی نیست؛ بلکه هدف توضیح رفتار تولیدکننده مسلمان در یک اقتصاد مقاومتی است، در حقیقت در مقام توضیح الگوی مطلوب رفتار تولیدکننده در چنین اقتصادی است، لذا از این روش تا مرحله سوم استفاده می‌شود. با وجود این، بر اساس مبانی معرفت‌شناسانه اسلامی استفاده از این روش منوط به شرط‌های زیر است:

اول، فرض‌ها باید از آموزه‌های اسلامی گرفته شود و مطابق با مبانی هستی‌شناسانه و انسان‌شناسانه و ارزش‌شناسانه اسلامی باشد؛ دوم، استدلال به فروض باید از نظر قواعد علم منطقی صحیح باشد؛ سوم، نتیجه باید با آموزه‌های اسلامی سازگار باشد.

گفتنی است تمامی اندیشمندان اسلامی که درباره رفتار تولیدکننده نظریه‌پردازی کرده‌اند، در استفاده از این روش سعی بر رعایت این شروط داشته‌اند و بهره‌برداری از ریاضیات و نمودارهای هندسی، استفاده ابزاری برای توضیح آموزه‌های اسلامی در این‌باره بوده است. اختلاف نظریه‌پردازان در این‌باره ناشی از اختلاف در برداشت آنها از آموزه‌های اسلامی است. بر این اساس این توهم که این‌گونه نظریه‌پردازی نوعی اسلامی‌سازی الگوهای غربی و بازی کردن در زمین غرب و حاشیه زدن بر متن آنهاست، توهمی سطحی و ناشی از عدم اطلاع از مبانی معرفت‌شناسانه و روش‌شناسانه اسلامی است.

۵. اقتصاد مقاومتی و اقتصاد اسلامی

مقام معظم رهبری در مقدمه سیاست‌های کلی ابلاغی تصریح کرده‌اند که اقتصاد مقاومتی الگویی از نظام اقتصادی اسلام است. بر اساس یک تعریف «نظام اقتصادی اسلام، مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری و روابط اقتصادی در سه حوزه تولید و توزیع و مصرف است که از کتاب و سنت پیامبر(ص) و ائمه معصومین(ع) و عقل استنباط می‌شود. الگوهای مزبور چگونگی پیوند شرکت‌کنندگان در نظام اقتصادی (مردم و دولت) به یکدیگر و به منابع اقتصادی در جهت اهداف اقتصادی اسلام را تبیین می‌کنند» (ر.ک به: میرمعزی، ۱۳۹۰، ص ۴۷).

نظام اقتصادی اسلام مبتنی بر مبانی هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه ویژه‌ای است. این مبانی ثابت و غیر قابل تغییر در شرایط و وضعیت‌های گوناگون هستند (ر.ک به: همان، ص ۵۷-۱۴۹). همچنین هدف غایی این نظام فراهم آوردن زمینه‌های اقتصادی سعادت فرد و جامعه انسانی و اهداف میانی آن عدالت اقتصادی، امنیت اقتصادی و بارور ساختن استعدادهای طبیعی است (ر.ک به: همان، ص ۱۴۹-۲۰۹).

این نظام دارای اصول مذهبی یا راهبردی ویژه همچون حاکمیت مصالح فرد و جامعه، دولت مصالح، آزادی همراه با مسئولیت مردم در برابر اهداف نظام و مصالح جامعه، حاکمیت اصل رقابت سالم و تعاون بر رفتارهای اقتصادی مردم، تحریم ربا و اصول توزیع درآمد و ثروت است که چارچوب حرکت سمت اهداف نظام اقتصادی اسلام را تعیین می‌کنند (ر.ک به: همان، ص ۲۰۹-۴۴۹).

نظام اقتصادی اسلام نظامی جهان‌شمول و زمان‌شمول است. این نظام می‌تواند به تناسب تفاوت شرایط زمان‌ها و مکان‌ها الگوهای متفاوتی داشته باشد. اقتصاد مقاومتی الگویی از نظام اقتصادی اسلام است که متناسب با شرایطی می‌باشد که کشور اسلامی با دشمنانی با قدرت اقتصادی قوی‌تر مواجه

است. در این شرایط دو تغییر اساسی رخ می‌دهد: یکی آنکه در منظومه اهداف، استقلال اقتصادی اولویت می‌یابد و به تناسب آن راهبردها، سیاست‌ها و برنامه‌ها تغییر می‌کند؛ دوم اینکه جهاد اقتصادی به عنوان یک واجب شرعی بر رفتارها و روابط دولت و مردم حاکم می‌شود.

بر این اساس با ورود عنصر جهاد اقتصادی در الگوهای رفتاری و روابط نظام اقتصادی اسلام، این الگوها تبدیل به الگوهای اقتصاد مقاومتی می‌شوند.

۶. جهاد اقتصادی

در لغت آمده است: الجِهَادُ و المِجَاهِدَةُ: استفراغ الوسع فی مدافعة العدو (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۰۸)؛ یعنی آنکه انسان تمام توانایی خود را در دفاع در مقابل دشمن صرف کند. در قرآن کریم به جهاد در راه خدا و برای او امر شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا و ... وَ جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ (حج: ۷۷ - ۷۸)؛ یعنی ای کسانی که ایمان آورده‌اید رکوع کنید و ... در راه خدا چنانکه باید جهاد کنید».

علامه طباطبایی (ره) در ذیل این آیه می‌فرماید: «معنای اینکه فرمود جهاد کنید حق جهاد این می‌شود که جهاد شما در معنای جهاد خالص باشد؛ یعنی فقط جهاد باشد (نه هم جهاد و هم تجارت یا سیاحت یا غیر آن) و نیز خالص برای خدا باشد و غیر خدا در آن شرکت نداشته باشد» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۵۸۲). در ادبیات قرآنی و روایی کلمه جهاد همواره با این دو ویژگی (برای خدا و در راه او) همراه است. بر این اساس می‌توان گفت جهاد در این ادبیات تلاشی همراه با ویژگی‌های زیر است:

اول، در برابر دشمن است؛ دوم، انگیزه آن الهی و برای خداست؛ سوم، تلاش در راه خدا و برای اعتلای اسلام و مسلمانان است؛ چهارم، با صرف همه توان فکری، بدنی و مالی است.

جهاد اقتصادی تلاشی با ویژگی‌های یاد شده در عرصه‌های مختلف رفتارهای اقتصادی (مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید، کار، ...) در بخش‌های اقتصادی (صنعت، کشاورزی، خدمات و...) است. جهاد اقتصادی وقتی مطرح می‌شود که دشمن تهاجم اقتصادی کرده یا درصدد تهاجم اقتصادی است.

وجوب جهاد اقتصادی

جهاد بر اساس حدیث معتبر نبوی^۱ به جهاد با نفس و دشمن تقسیم شده است و شیخ حر عاملی در کتاب وسایل الشیعه ابوابی را با عنوان ابواب جهاد با دشمن^۲ و در کتب و رساله‌های فقهی شرایط وجوب و احکام جهاد با دشمن بیان شده است. در کتاب‌های روایی و فقهی، مقصود از جهاد با دشمن، جهاد نظامی است. جهاد نظامی با دشمن به دو قسم ابتدایی و دفاعی تقسیم می‌شود. جهاد ابتدایی برای دعوت کفار به اسلام است و جهاد دفاعی برای دفاع از اسلام و مسلمانان و سرزمین آنها از تسلط کافران است.

فقیهان وجوب جهاد دفاعی را یک ضرورت عقلی و شرعی دانسته‌اند و برای اثبات وجوب کفایی جهاد دفاعی به ادله عقلی و آیات و روایات تمسک کرده‌اند که در این مقاله مجال ذکر آنها نیست. (ر.ک به: منتظری، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۳۱، الورعی، ۱۴۲۴، ج ۳۲، ص ۱۲۵).

ادله وجوب جهاد دفاعی، وجوب کفایی این نوع جهاد را اثبات می‌کند. وجوب کفایی به این معناست که نخست، جهاد بر همه واجب می‌شود و اگر تعدادی به قدر کفایت به آن پرداختند از دیگران ساقط می‌شود. مقتضای وجوب

۱. کلینی، ۱۴۱۴، ج ۵، باب ۱۲ (باب وجوه الجهاد...)، ص ۹؛ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَرَّ حَبَابٌ بِقَوْمٍ قَضَوْا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَبَقِيَ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ص وَمَا الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ قَالَ جِهَادُ النَّفْسِ.

۲. حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۵، ص ۹.

کفایی آن است که گستره و جوب جهاد به اندازه گستره تهاجم دشمن باشد. اگر گستره تهاجم دشمن محدود باشد به گونه‌ای که اگر تعداد محدودی به جهاد قیام کنند تهاجم دشمن دفع می‌شود، در این صورت گستره جهاد محدود است و اگر گستره تهاجم دشمن وسیع باشد باید تعداد بیشتری جهاد کنند تا تهاجم دفع شود. گرچه محور بحث فقیهان در جهاد دفاعی، نظامی است؛ ولی بسیاری از ادله‌ای که به آن استناد شده به‌ویژه ادله عقلی شامل جهاد دفاعی در عرصه‌های دیگر فرهنگی، سیاسی و اقتصادی نیز می‌شود. افزون بر این از طریق تنقیح مناط می‌توان حکم به وجوب جهاد دفاعی با دشمن در عرصه‌های دیگر همچون فرهنگی، سیاسی و اقتصادی کرد. جهاد دفاعی نظامی برای حفظ اساس اسلام و شعائر آن و حفظ جان‌ها و اموال و سرزمین مسلمانان از تسلط کفار است.

برخی فقیهان به علت وجوب جهاد دفاعی تصریح کرده‌اند. برای نمونه ابوالصلاح حلبی می‌گوید: «علت وجوب جهاد دفاعی جلوگیری از مضمحل شدن حق و خراب شدن دارالایمان و یاری شرک و کفر است» (مروارید، ۱۴۱۰، ج ۹، ص ۳۲). صاحب جواهر نیز در این باره می‌گوید: «اگر کفار اراده محو کردن اسلام و مندرس نمودن شعائر آن و عدم ذکر محمد (ص) و شریعت او را نمودند، در این صورت هیچ اشکالی در وجوب جهاد نیست» (نجفی، ۱۴۱۳، ج ۲۱ ص ۴۷). و عبدالحسین لاری در این باره می‌گوید: «عزت و عظمت دین و هلاک و افتضاح کافرین، حفظ اساس اسلام و شکستن اصنام و اوثان، حفظ احکام حلال و حرام الهی و ظهور حق و عدل و استقامت و ابطال کفر و ظلم و فسق همگی از آثار و برکات جهاد در راه خدا است» (لاری، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۴۹). همچنین کاشف‌الغطاء می‌گوید: «جهاد دفاعی برای دفع کفار از شهرها و روستاها و زمین‌های مسلمانان و اخراج کفار بعد از تسلط آنها بر این امور و برای حفظ اساس اسلام بعد از شکستن آن و اصلاح آن بعد از لطمه دیدن آن و سعی در نجات مسلمین از دست کافرین است» (کاشف‌الغطاء، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۲۸۷).

همچنین تقریباً همه آیات امر به جهاد با مال و جان در راه خدا مطلق هستند و شامل جهاد در عرصه‌های غیر نظامی نیز می‌شوند. برخی از این آیات عبارتند از: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (مائده: ۳۵)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا بترسید و به او تقرب جوید و در راهش جهاد کنید. باشد که رستگار گردید؛ «انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (توبه: ۴۱)؛ (همگی به سوی میدان جهاد) حرکت کنید سبک‌بار باشید یا سنگین‌بار! و با اموال و جان‌های خود، در راه خدا جهاد نمایید این برای شما بهتر است اگر بدانید؛ «لَكِنَّ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأَوْلِيكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (توبه: ۸۸)؛ ولی پیامبر و کسانی که با او ایمان آوردند، با اموال و جان‌هایشان جهاد کردند و همه نیکی‌ها برای آنهاست و آنها همان رستگاراند؛ «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ» (حج: ۷۸)؛ و در راه خدا جهاد کنید و حق جهادش را ادا نمایید».

بر این اساس جهاد دفاعی در هنگامی که دشمن حمله کند واجب کفایی است و در هر عرصه‌ای که دشمن حمله نماید جهاد نیز در همان عرصه واجب است. اگر تهاجم نظامی باشد جهاد نظامی واجب است و اگر تهاجم فرهنگی، سیاسی یا اقتصادی باشد، جهاد فرهنگی، سیاسی یا اقتصادی واجب می‌شود.

همچنین گستردگی تعداد افرادی که باید جهاد کنند، متناسب با گستردگی میزان تهاجم است. اگر تهاجم فراگیر و گسترده باشد به‌گونه‌ای که لازم باشد برای دفع آن زن‌ها و بچه‌ها قیام به جهاد کنند لازم است که چنین شود.

در زمان ما کفار قصد محو اسلام و تسلط بر سرزمین‌های اسلامی را دارند. دشمنان امروز برای دستیابی به مقصود خود غیر از هجوم نظامی از تهاجم فرهنگی، سیاسی و اقتصادی استفاده می‌کنند. بحث این مقاله درباره تهاجم اقتصادی کفار است. تحریم اقتصادی به عنوان یکی از ابزارهای تهاجم کفار

است. گرچه این تحریم از ابتدای انقلاب شکوهمند اسلامی و در سال‌های جنگ تحمیلی و پس از آن در دوران بازسازی همواره وجود داشته است؛ ولی در سال‌های اخیر ابعاد وسیعی به خود گرفته است.

به موجب تحریم‌های وضع شده از مردادماه سال ۹۲ هرگونه همکاری شرکت‌ها و شخصیت‌های حقوقی با صنایع نفت و گاز و پتروشیمی ایران یا بانک مرکزی ممنوع شده است. همچنین مجازات‌هایی برای کسانی که به صادرات نفت خام ایران کمک می‌کنند در نظر گرفته شده است. کسانی که به تغییر پرچم نفتکش‌های ایران کمک یا راه‌های دیگر فرار از تحریم‌ها را تأمین کنند نیز مجازات خواهند شد. به علاوه، تحریم‌های جدید، مبادلات نفت خام ایران با دیگر کالاها مانند غلات را نیز ممنوع می‌کنند. این در حالی است که تحریم‌های پیشین تنها مبادلات مربوط به فروش نفت خام ایران را هدف قرار داده بود. از سوی دیگر خرید و فروش اوراق قرضه دولت ایران نیز شامل تحریم شده است.

نکته قابل توجه آن است که در این تحریم‌ها کشورهای اروپایی و برخی کشورهای آسیایی و عربی و حتی برخی کشورهای اسلامی وابسته همچون عربستان سعودی نیز مشارکت دارند؛ تقریباً اجماعی علیه ایران اسلامی به وجود آمده، پدیده‌ای که تاکنون سابقه نداشته است. هدف این تحریم‌ها در ظاهر توقف فعالیت‌های هسته‌ای ایران بیان می‌شود؛ ولی در واقع هدف محو نظام اسلامی است. رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرماید:

«یک مسئله این است که ما امسال را «سال جهاد اقتصادی» اعلام کردیم. سیاست استکباری، زمین زدن ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی از راه اقتصاد است. تحریم‌ها گرچه بهانه‌اش مسئله انرژی هسته‌ای است؛ اما دروغ می‌گویند، عامل طرح مسئله تحریم‌ها، انرژی هسته‌ای نیست ... هدف دشمن، زمین زدن جمهوری اسلامی است، یعنی زمین زدن ایران اسلامی، یعنی زمین زدن ملتی که با حضور خود، با پشتیبانی خود، با حمایت خود، این نظام را تا

امروز پیش برده و رشد داده و رونق داده؛ بنابراین بایستی در مقابلش مجهز بود. جبهه مقابل را باید شناخت، ابزار و سلاح او را باید شناخت و ضد آن سلاح را باید آماده کرد، این جهاد اقتصادی می‌خواهد» (بیانات در دیدار فعالان و برگزیدگان بخش‌های اقتصادی، ۹۰/۵/۲۶).

همان دلیلی که جهاد نظامی در برابر تهاجم نظامی دشمن برای براندازی نظام اسلامی را واجب می‌کند، اقتضا می‌کند که جهاد اقتصادی در برابر تهاجم اقتصادی دشمن برای براندازی نظام اسلامی واجب باشد. از این رو مقام معظم رهبری در بیانات خود در سالی که به عنوان سال جهاد اقتصادی اعلام فرمودند، جهاد اقتصادی را امری ضروری برای مردم و دولت دانستند. برخی از تصریحات ایشان در این باره چنین است:

«من امسال را سال جهاد اقتصادی اعلام کرده‌ام. این معنایش این است که ملت ایران در این برهه از زمان، جهادش به طور عمده در عرصه اقتصاد است» (بیانات در جمع مهندسان و کارگران صنعت نفت، ۹۰/۱/۸)؛ «ما جهاد اقتصادی را یک ضرورت برای کشور می‌دانیم، نه صرفاً یک اولویت؛ یک نیاز قطعی است» (بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۹۰/۶/۶)؛ «جهاد اقتصادی متوجه یک نکته اساسی است در مسئله اداره کشور و مدیریت کشور و آن این است که امروز دشمن برای مبارزه با اسلام و جمهوری اسلامی، بر روی مسئله اقتصاد متمرکز شده است ... برای اینکه مردم را از دولت جدا کنند، از نظام جدا کنند، فاصله و شکاف ایجاد کنند، دنبال این هستند که در مسئله اقتصادی کشور مشکل ایجاد کنند. پس جهاد اقتصادی لازم است» (بیانات در دیدار هزاران نفر از کارگران سراسر کشور ۹۰/۲/۷).

ایشان معتقدند که جهاد اقتصادی تکلیف مسئولان کشور و کارگزاران دولت و مردم است؛ لذا می‌فرمایند:

«امسال همه اجزای گوناگون ملت ما، مسئولین کشوری، مسئولین بخش‌های گوناگون استانی در گوشه و کنار کشور و آحاد مردم، همه باید این تلاش

را برای خدا در پیش بگیرند» (بیانات در جمع مهندسان و کارگران صنعت نفت، ۹۰/۱/۸).

ایشان جهاد اقتصادی را تکلیفی می‌دانند که تا زمانی که دشمن ما را تهدید می‌کند استمرار دارد و اختصاص به سال ۹۰ که به نام جهاد اقتصادی نام‌گذاری شده ندارد؛ از این‌رو در ابتدای سال ۹۱ فرمودند:

«به تشخیص من بر طبق گزارش‌ها و مشاوره با افراد مطلع و آگاه به این نتیجه می‌رسیم که عرصه چالش مهم در همین سال جاری که این سال امروز و از این ساعت شروع می‌شود عرصه اقتصادی است. جهاد اقتصادی چیزی نیست که تمام شدنی باشد. مجاهدت اقتصادی حضور جهادگونه در عرصه‌های اقتصادی برای ملت ایران یک ضرورت است» (پیام نوروزی ۹۱/۱/۱). و در پیام نوروزی سال ۹۲ نیز تأکید می‌فرمایند که «لازم است هم در زمینه اقتصاد و هم در زمینه سیاست حضور مردم حضور جهادی باشد».

۷. الگوی رفتار تولیدکننده جهادگر

نتیجه منطقی مطالبی که گذشت آن است که الگوی رفتار تولیدکننده در اقتصاد مقاومتی الگوی رفتار تولیدکننده جهادگر است؛ یعنی الگوی رفتار تولیدکننده‌ای است که در عرصه تولید جهاد می‌کند. چنانکه پیشتر بیان شد جهاد در برابر دشمنی است که تهاجم کرده و رفتاری برای خدا و در راه خدا با صرف تمام توان فکری و بدنی و جانی برای دفع دشمن است. جهاد اقتصادی در عرصه تولید نیز باید دارای همین ویژگی‌ها باشد؛ یعنی تولید باید برای خدا و در راه او با صرف بیشترین توان باشد؛ اما این بیانی کلی و اجمالی از الگوی رفتار تولیدکننده جهادگر است. برای توضیح تفصیلی این الگو لازم است به دو پرسش پاسخ دهیم:

۱. تولیدکننده جهادگر با اوصافی که بیان شد، چه کالایی را تولید خواهد کرد؟

۲. تولیدکننده جهادگر با این اوصاف، چگونه تولید می‌کند؟

بی‌تردید او کالایی را تولید خواهد کرد که در تحقق استقلال اقتصادی و دفع

تهاجم دشمن بیشترین نقش را داشته باشد. تولیدکننده جهادگر در بخش‌های مختلف کشاورزی، صنعتی و خدماتی از میان کالاهایی که چنین ویژگی‌هایی دارند، کالایی را که متناسب با توانایی‌های فکری و بدنی و مالی اوست باید انتخاب کند. در این رابطه دولت به دلیل اطلاعات وسیعی که درباره تهاجم دشمن و وضعیت اقتصادی کشور در این بخش‌ها دارد می‌تواند با اولویت‌بندی تولید کالاها تولیدکنندگان جهادگر را راهنمایی کند.

همچنین او با صرف تمام توانایی‌های خود به گونه‌ای تولید خواهد کرد که بیشترین نتیجه یعنی مقدار تولید به دست آید تا بتواند به استقلال اقتصادی کشور و دفع تهاجم دشمن بیشتر کمک کند. بر این اساس هدف تولیدکننده جهادگر آن است که با صرف بیشترین توان فکری خود (انتخاب بهترین تکنولوژی) و بیشترین توان بدنی خود (تلاش در حد توان) و بیشترین توان مالی خود بیشترین مقدار تولید را محقق کند.

ممکن است که این پرسش به ذهن خطور کند که آیا تولیدکننده جهادگر به سود خود از فعالیت تولیدی فکر نخواهد کرد؟ پاسخ آن است که ویژگی رفتار جهادی آن است که برای خدا باشد و این ویژگی اقتضا می‌کند که در ابتدا سود در تابع هدف او وارد نشود؛ ولی از آنجا که استمرار تولید برای خدا مستلزم حداقلی از سود است؛ لذا او تابع هدف خود را باید مشروط به تحقق این مقدار از سود کند.

با وجود این با توجه به اینکه تولیدکننده برای استخدام نیروی کار و عوامل دیگر تولید از دو روش مشارکت در سود و اجاره می‌تواند استفاده کند و چنانکه در بحث بعدی اثبات خواهد شد، اگر از روش مشارکت در سود استفاده کند حداکثر تولید همراه با حداکثر سود قابل تحصیل است؛ لذا حداکثر تولید منافاتی با حداکثر سود ندارد. از این رو پیشنهاد می‌شود در صورت امکان تولیدکننده جهادگر از روش مشارکت در سود در استخدام نیروی کار و سایر عوامل تولید استفاده کند.

البته حتی در این صورت نیز تولیدکننده جهادگر سود مازاد بر حداقل سود

مورد نیازش را برای توسعه فعالیت خود سرمایه‌گذاری خواهد کرد تا بتواند بیشتر تولید کند.

۸. تبیین الگوی رفتار تولیدکننده در اقتصاد مقاومتی به روش فرضیه‌ای - استنتاجی

چنانکه گذشت روش فرضیه‌ای - استنتاجی با شروط سه گانه پیش‌گفته قابل استفاده در الگوسازی بر اساس مبانی اسلامی است. این روش با توجه به شروط پیشین مشتمل بر سه مرحله انتخاب فروض بر اساس آموزه‌های اسلامی و برهان منطقی به فروض و استنتاج نتایج است. فروض الگوی رفتار تولیدکننده در اقتصاد مقاومتی بر اساس آنچه بیان شد، عبارت است از:

۱. اقتصاد مقاومتی الگویی از نظام اقتصادی اسلام است و تولیدکننده در اقتصاد مقاومتی (تولیدکننده جهادگر) در حقیقت در نظام اقتصاد اسلامی رفتار می‌کند؛
۲. در این ظرف دو نوع بازار عوامل وجود دارد: یکی بازار اجاره عوامل و دیگری بازار مشارکت عوامل؛ از این‌رو، او می‌تواند نیروی کار و سایر عوامل تولید را به دو روش استخدام کند: یکی به روش مشارکت در سود و دیگری به روش اجاره عوامل؛
۳. تولیدکننده جهادگر تولیدکننده‌ای است که تولید را برای خدا و در راه او و با صرف تمام توان فکری، بدنی و مالی خود انجام می‌دهد؛
۴. تولیدکننده جهادگر کالایی را تولید می‌کند که مورد نیاز جامعه است و در راستای تحقق استقلال اقتصادی و دفع تهاجم اقتصادی دشمن لازم است؛
۵. به صورت منطقی چنین تولیدکننده‌ای به فکر بیشینه‌سازی مقدار تولید خواهد بود؛
۶. تولیدکننده می‌تواند به دو روش مشارکت در سود و اجرت ثابت، عوامل تولید را استخدام کند؛
۷. برای سادگی مدل فرض می‌شود که سرمایه تولید ثابت است و هیچ هزینه

متغیر دیگری جز هزینه نیروی کار وجود ندارد؛
با این فروض در ادامه با برهان منطقی در قالب استفاده از ابزارهای ریاضی
و هندسی به تبیین الگوی رفتار تولیدکننده جهادگر در دو فرض مشارکت
نیروی کار و دستمزد ثابت پرداخته می‌شود.

۸-۱- الگوی رفتار تولیدکننده جهادگر در فرض مشارکت نیروی کار

در این فرض تولیدکننده جهادگر با قصد قربت به خداوند تمام توان فکری،
بدنی و مالی خود را به کار می‌برد تا تولید بیشینه شود. با وجود این، هزینه
تولید او را محدود می‌کند؛ زیرا فرض بر این است که سرمایه او به میزان \bar{K}
ثابت است. بر این اساس تابع هدف او به صورت زیر بیان می‌شود:

$$(1) \quad \max Y(N, \bar{K})$$

$$st: TC = P_K \bar{K}$$

چون سرمایه ثابت است و قیمت سرمایه نیز به وسیله بازار تعیین می‌شود و
در کوتاه‌مدت ثابت فرض می‌شود، لذا هزینه تولید ثابت است. شرط حداکثر
تولید به صورت زیر بیان می‌شود:

$$(2) \quad \frac{\partial Y}{\partial N} = 0$$

یعنی تولیدکننده جهادگر در فرض مشارکت نیروی کار تا جایی نیروی کار
را استخدام می‌کند که تولید نهایی نیروی کار برابر صفر شود. ممکن است توهم
شود که هزینه نیروی کار باید به صورت قید در تابع هدف او ظاهر شود؛ زیرا
تولیدکننده بودجه محدودی برای استخدام نیروی کار دارد. ولی این توهم
درست نیست زیرا هزینه نیروی کار به صورت سهمی از سود فعالیت و پس از
تحقق سود تعیین و پرداخت می‌شود.

می‌توان اثبات کرد که در این فرض، حداکثر تولید همراه با حداکثر سود
است. برای اثبات این مطلب فرض می‌کنیم که انگیزه تولیدکننده بیشینه کردن
سود است. تابع سود تولیدکننده جهادی به صورت زیر نوشته می‌شود:

$$(3) \pi = TR - TC = P.Y(N, \bar{K}) - P_k \cdot \bar{K}$$

سود کل بین نیروی کار و تولیدکننده جهادی به نسبتی که در قرارداد مشارکت تعیین می‌شود، تقسیم می‌گردد. اگر سود یک واحد نیروی کار به صورت $\pi = \frac{\pi}{N}$ نشان داده شود و نسبت سهم نیروی کار از سود u نامیده شود، در این صورت، سهم سود یک واحد نیروی کار $u \cdot \pi$ و کل سود متعلق به نیروی کار شاغل در بنگاه چنین محاسبه می‌شود:

$$(4) \pi_N = u \cdot \pi \cdot N = u \cdot \frac{\pi}{N} \cdot N = u \cdot \pi$$

بنابراین، سهم سود تولیدکننده π_i به صورت ذیل محاسبه می‌شود:

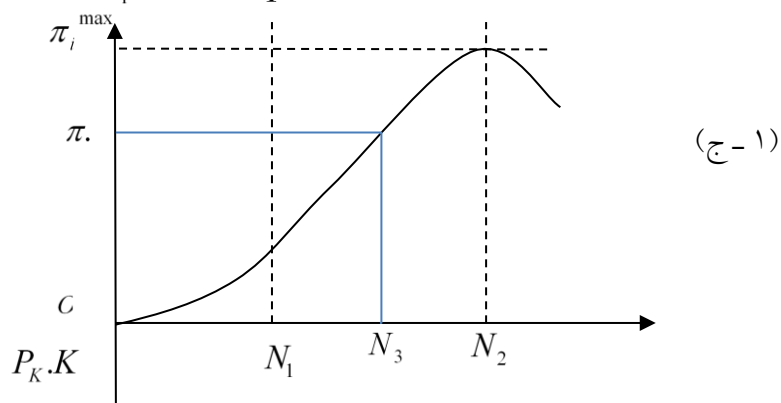
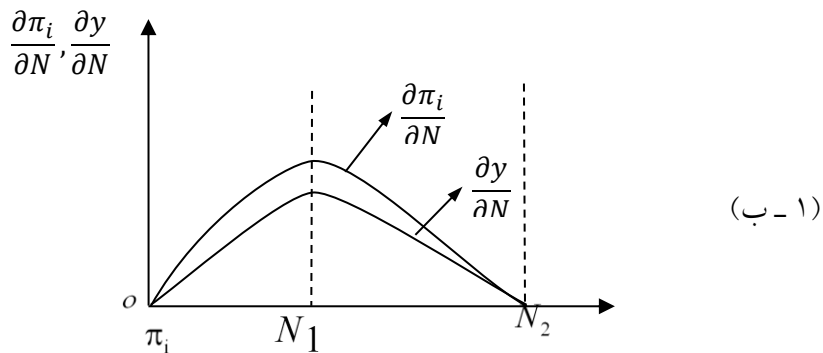
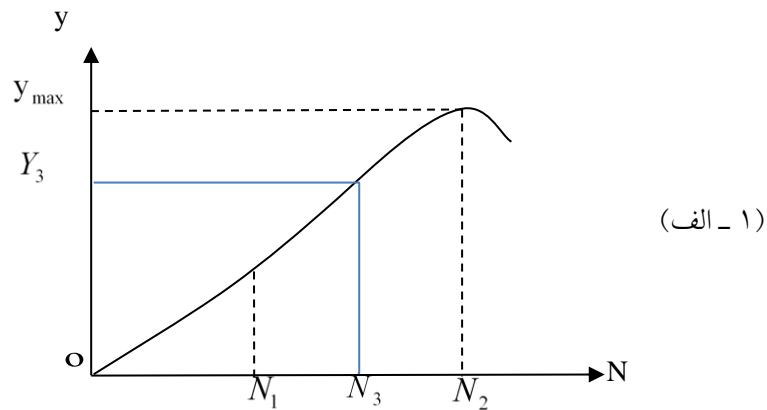
$$(5) \pi_i = \pi - \pi_N = \pi - u\pi = (1-u)\pi$$

فرض بر این است که تولیدکننده به دنبال بیشینه کردن سود خود در چارچوب بازار مشارکت نیروی کار است. پرسش این است که چنین تولیدکننده‌ای چه مقدار نیروی کار تقاضا می‌کند. بی‌تردید تولیدکننده تا جایی نیروی کار را تقاضا می‌کند که سودش حداکثر شود؛ بنابراین، باید از قاعده حداکثرسازی سود استفاده شود. شرط اول حداکثرسازی سود چنین است:

$$(6) \frac{\partial \pi_i}{\partial N} = (1-v) \left(\frac{\partial \pi}{\partial N} \right) = (1-v) \cdot P \cdot y'_N = 0$$

چون $(1-v)$ و P بزرگتر از صفر هستند، نقطه حداکثر سود در این صورت در جایی که $y'_N = 0$ باشد اتفاق می‌افتد که همان نقطه حداکثر تولید است. این مطلب در نمودار (۱) نشان داده شده است. در نمودار (۱ - الف) منحنی تولید کل با نقطه عطف A و نقطه ماکزیمم B نشان داده شده است. در نمودار (۱ - ب) منحنی تولید نهایی دیده می‌شود که در نقطه عطف تولید کل در سطح N_1 به حداکثر می‌رسد و در نقطه ماکزیمم تولید کل در سطح اشتغال N_2 صفر می‌شود. در این نمودار، منحنی سود نهایی نیز نشان داده شده است. با توجه به فرمول (۶) چون $(1-v)P$ به منزله ضریبی مستقل از N و بنابراین ضریبی ثابت برای y'_N است، منحنی سود نهایی نیز در سطح N_1 حداکثر شده، در سطح N_2

به صفر می‌رسد. در نمودار (۱-ج) سود کل کارفرما با توجه به رابطه (۵) و منحنی سود نهایی در نمودار (۱-ب) رسم شده است.
(نمودار ۱-)



چنانکه مشاهده می‌شود، سود کل همچون تولید کل در سطح اشتغال N_p به حداکثر می‌رسد؛ بنابراین، چنین بنگاهی به اندازه N_p نیروی کار را تقاضا خواهد کرد و تقاضای او مستقل از تغییرات سطح سود، نسبت سهم سود نیروی کار (v) و تغییرات سطح قیمت (P) است. اگر v کاهش یا P افزایش یابد، با توجه به فرمول (۶) منحنی سود نهایی در نمودار (۱-ب) به سمت بالا منتقل می‌شود؛ ولی به دلیل آنکه منحنی تولید نهایی تغییری نکرده، نقطه حداکثر سود باز هم در سطح اشتغال N_p یعنی جایی که $y'_N = \pi'_N = 0$ اتفاق می‌افتد.

در خاتمه این بحث دوباره یادآوری می‌شود که هدف تولیدکننده جهادگر در این فرض حداکثر کردن تولید است نه سود. با وجود این، ساختار بازار مشارکت اقتضا دارد که حداکثر تولید با حداکثر سود همراه باشد. تولیدکننده جهادگر که تمام تلاش خود را برای تولید در راه خدا و برای او به کار می‌برد به صورت منطقی سود مازاد بر حداقل سود مورد نیازش را برای توسعه فعالیت خود سرمایه‌گذاری می‌کند تا بتواند بیشتر تولید کند.

۸-۲- الگوی رفتار تولیدکننده جهادگر در فرض پرداخت دستمزد

در این فرض تولیدکننده جهادگر به دنبال حداکثر کردن تولید (Y) با حداقلی از سود (π) است. تابع هدف تولیدکننده به صورت زیر نوشته می‌شود:

$$(7) \quad \max Y(N, \bar{K})$$

$$st: \pi = \pi_3 = P \cdot Y(N, \bar{K}) - W \cdot N - P_K \cdot \bar{K}$$

π حداقل سود مورد نیاز تولیدکننده است. با توجه به اینکه قیمت کالای تولیدی و قیمت عوامل تولید در بازار تعیین می‌شود و میزان سرمایه نیز ثابت است، این متغیرها به صورت پارامتر در تابع هدف و قید ظاهر می‌شوند. از این رو با به دست آوردن متغیر N از تابع قید و جایگذاری آن در تابع هدف به میزان تولید حداکثر خواهیم رسید.

این مطلب در شکل (۱-الف) و (۱-ج) نشان داده شده است. تولیدکننده با توجه به تابع سود خود برای تحقق سود به مقدار π ناچار است مقدار N_3 از

نیروی کار را تقاضا کند و با این مقدار از نیروی کار با فرض میزان سرمایه ثابت حداکثر میزان تولید او به مقدار Y_3 خواهد بود.

نکته پایانی

آنچه تاکنون بیان شد بر اساس محاسبات در نظام علت و معلول مادی و بدون در نظر گرفتن امدادهای غیبی خداوند نسبت به تولیدکننده جهادگر است. از آیات و روایات استفاده می‌شود که خداوند کسی را که در راه او جهاد می‌کند نصرت می‌نماید. برای نمونه برخی از آیات ذکر می‌شود: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت: ۹۶)؛ و کسانی که در اقامه دین ما مجاهده می‌کنند ما به سوی راه‌های خود هدایتشان می‌کنیم و خدا همواره با نیکوکاران است».

بر اساس این آیه جهاد در راه اقامه دین خدا موجب هدایت و نصرت الهی^۱ می‌شود. بی تردید جهاد در عرصه تولید برای استقلال کشور اسلامی و دفع تهاجم اقتصادی دشمنان، مجاهده در راه اقامه دین است که هدایت و نصرت الهی را در پی دارد.

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَنْبِتْ أَقْدَامَكُمْ (محمد: ۷)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر دین خدا را یاری کنید خداوند شما را یاری کرده، قدم‌هایتان را ثابت می‌کند». علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌فرماید: این آیه مؤمنان را تحریک می‌کند به جهاد و وعده نصرتشان می‌دهد، در صورتی که خدا را نصرت دهند. و منظور از «نصرت دادن به خدا» جهاد در راه او و تنها به منظور تأیید دین او و اعلاای کلمه حق است، نه اینکه جهاد کنند تا در زمین سروری نمایند یا غنیمت به چنگ آورند یا

۱. نصرت الهی از عبارت «ان الله مع المحسنين» استفاده می‌شود (ر.ک به: طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۲۲۸).

شجاعت و هنر خود را نشان دهند و مراد از اینکه فرمود: «خدا هم شما را یاری می‌کند» این است که اسباب غلبه بر دشمن را برایتان فراهم می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۳۴۷).

خداوند متعال در آیه دیگر می‌فرماید: «إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ» (آل عمران: ۱۶۰)؛ اگر خدا شما را یاری کند، محال است کسی بر شما غالب آید. بدیهی است که جهاد اقتصادی در عرصه تولید به هدف تأمین نیازهای جامعه و عدم نیاز به دشمن و دفع تهاجم اقتصادی دشمن از مصادیق بارز نصرت دین خداست و بر اساس این آیات نصرت الهی را در بر دارد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این مقاله توضیح داده شد که تولیدکننده در اقتصاد مقاومتی تولیدکننده جهادگر است. تولیدکننده جهادگر برای خدا و در راه او تمام توان فکری، بدنی و مالی خود را برای حداکثر کردن تولید مورد نیاز جامعه به کار می‌برد. همچنین در چارچوب نظام علت و معلول مادی و در مدلی ساده با فرض سرمایه ثابت نشان داده شد که چنین تولیدکننده‌ای بهتر است برای استخدام عوامل تولید از روش مشارکت در سود استفاده کند تا حداکثر تولید را با حداکثر سود به دست آورد. در این صورت او سود مازاد بر حداقل میزان مورد نیاز خود را برای افزایش سرمایه‌گذاری و تولید بیشتر به کار خواهد برد.

در صورتی که استفاده از روش مشارکت در سود به هر دلیلی ممکن نباشد، تولیدکننده جهادگر تولید خود را با قید دستیابی به حداقل سود مورد نیاز به حداکثر می‌رساند.

در پایان نیز یادآوری شد که اگر تولیدکننده در عرصه تولید جهاد کند،

هدایت و نصرت الهی را به همراه خواهد داشت و نتایجی که به آن دست می‌یابد مضاعف خواهد شد.

منابع

۱. اسدی، علی (۱۳۹۳)، «نظام اقتصاد اسلامی الگویی کامل برای اقتصاد مقاومتی»، فصلنامه سیاست‌های راهبردی کلان، س ۲، ش ۵، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام - کمیسیون نظارت.
۲. البعلی، عبدالحمید محمود (۲۰۰۱/م ۴۲۱/ق)، *أصول الاقتصاد الاسلامی*، بیروت: دارالداوی.
۳. بلاگ، مارک (۱۳۸۰)، *روش‌شناسی علم اقتصاد*، ترجمه غلامرضا آزاد (ارمکی)، چ ۱، تهران: نشر نی.
۴. حرعاملی، محمدبن حسن (۱۴۱۴ق)، *وسائل الشیعه*، چ ۲، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۷)، *المفردات فی غریب القرآن*، تهران: آرایه.
۶. زنگی‌نژاد، آیت‌الله (۱۳۹۲)، *نگاهی نوین به نظریه تولید در چارچوب اقتصاد اسلامی*، مطالعه کاربردی: مدلسازی تابع تولید بومی صنایع هوایی در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده علوم اقتصادی.
۷. سیزده اندیشمند و اقتصاددان مسلمان (۱۳۷۵)، *مباحثی در اقتصاد خرد، نگرش اسلامی*، ترجمه حسین صادقی، چ ۱، تهران: مؤسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس.
۸. صدیقی، محمد نجات‌الله (۱۳۷۸)، «رفتار تولیدکننده اسلامی»، کتاب *مباحثی در اقتصاد خرد، نگرش اسلامی*، ترجمه حسین صادقی، تهران: مؤسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس.

۹. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)، *تفسیر المیزان*، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دفتر انتشارات اسلامی.
۱۰. عبدالمنان، محمد (۱۳۷۸)، «اهداف و رفتار بنگاه در ساختار اسلامی»، کتاب مباحثی در اقتصاد خرد، نگرش اسلامی، ترجمه حسین صادقی، تهران: مؤسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس.
۱۱. عزتی، مرتضی (۱۳۸۹)، «تبیین نظریه رفتار تولیدکننده مسلمان»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، س ۱۰، ش ۳۹.
۱۲. عسکری، محمدمهدی و مجید عنان‌پور (۱۳۹۲)، «مطلوبیت‌گرایی در رفتار تولیدکننده مسلمان بر اساس نظریه اقتصاد اسلامی»، فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی، ش ۲.
۱۳. غنی‌نژاد، موسی (۱۳۷۶)، مقدمه ای بر معرفت‌شناسی علم اقتصاد، تهران: مؤسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی و توسعه.
۱۴. قحف، منذر (۱۳۷۶)، مقدمه‌ای بر اقتصاد اسلامی، ترجمه عباس عرب‌مازار، چ ۱، تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات.
۱۵. کاشف‌الغطاء (۱۳۸۰)، *کشف الغطاء عن مبهمات شریعة الغراء*، قم: بوستان کتاب.
۱۶. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۱۱ق)، *اصول الکافی*، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۱۷. اللاری، سیدعبدالحسین (بی‌تا)، *رسائل*، اعداد السید علی میر شریفی، ج ۱.
۱۸. متوالی، م.م (۱۳۷۸)، «مدل رفتاری بنگاه اسلامی»، کتاب مباحثی در اقتصاد خرد، نگرش اسلامی، ترجمه حسین صادقی، تهران: مؤسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس.

۱۹. مرطان، سعید سعد (۱۴۲۰ق / ۱۹۹۹م)، مدخلٌ للفكر الاقتصادي في الاسلام، طبعة الثالثة، بيروت: مؤسسه الرساله.
۲۰. مرواريد، على اصغر (۱۴۱۰ق)، الينايع الفقيهه، بيروت: مؤسسة فقه الشيعة.
۲۱. منتظري، حسين علي (۱۳۶۷)، مباني فقهی حکومت اسلامی، ترجمه و تقرير محمود صلواتي، تهران: كيهان.
۲۲. مير معزی، سيد حسين (۱۳۹۰)، نظام اقتصادي اسلام: مباني، اهداف، اصول راهبردي و اخلاق، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و انديشه اسلامي.
۲۳. _____ (۱۳۸۳)، «نظريه رفتار توليدکننده و تقاضای کار در اقتصاد اسلامی»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، س ۴، ش ۱۳.
۲۳. نجفی، محمد حسن (۱۴۱۳ق)، جواهر الکلام في شرح شرائع الإسلام، بيروت: دارالاحياء التراث العربي.
۲۴. الورعي، السيد جواد (۱۴۲۴ق)، المبادئ التشريعية لنظرية الدفاع في الفقه الإسلامي، ترجمه حيدر حب الله، مجله فقه أهل البيت (عربی)، السنة الثامنة، العدد ۳۲.
۲۵. يونس المصري، رفيق (۱۴۲۱ق / ۲۰۰۱م)، بحوث في الاقتصاد الإسلامي، طبعة الاولى، سورية: دارالمكتبي.
26. al-Safar, Abdul Kareem (1998), "Use of Non-linear Programming in Achieving Equilibrium of an Islamic Firm", *Humanomics*, 14(2), PP: 74-89.
27. Bendjilali, Boualem, and Farid B. Taher (1990), "A Zero Efficiency Loss Monopolist: An Islamic Perspective", *The American Journal of Islamic Social Sciences*, 7(1): PP. 219-32.
28. Hallaq, Said (1995), "Rationality in Production: The Case of the Muslim Firm", *Humanomics*, 11 (4), PP. 29-38.
29. Mohamad. Amin, Ruzita, and Selamah Abdullah Yusof (2003), "Allocative Efficiency of Profit Maximization: An Islamic Perspective", *Review of Islamic Economics*, 13, PP. 5-22.

نقش مردم در اقتصاد مقاومتی (با تأکید بر بیانات رهبر معظم انقلاب)

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۰/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۵/۳/۲۳

احمدعلی یوسفی* / مجتبی غفاری*

چکیده

مشارکت مردم در همه عرصه‌ها به ویژه اقتصاد، یکی از اصول انقلاب اسلامی ایران است. بنابراین یکی از مسائل اقتصادی جمهوری اسلامی، مشارکت مردم در اقتصاد و یا به تعبیری مردمی کردن اقتصاد است. تاکنون سیاست‌های ویژه‌ای نیز برای این منظور ابلاغ شده است؛ ولی نتایج و بیانات رهبری نشان از عدم تحقق اقتصاد مردمی دارد. این مقاله درصدد است تا این موضوع را از ابعاد و زوایای مختلف از جمله ضرورت‌ها، آسیب‌ها، سیاست‌ها تبیین کند و همچنین وظایف مردم و مسئولان در قبال این موضوع را در بیانات رهبر معظم انقلاب بررسی و از این رهگذر نظر ایشان را استخراج و راهکاری ارائه کند.

نتایج نشان می‌دهد نه تنها رهبری معتقد به مشارکت واقعی مردم در اقتصاد است؛ بلکه ایشان در بیانات خود زوایای مختلفی از این موضوع را نیز تبیین کرده‌اند. از نظر ایشان نظام جمهوری اسلامی دارای یک ساخت حقوقی و یک ساخت حقیقی

* دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی؛ (economy.islamic@gmail.com).

* دانشجوی دکتری اقتصاد اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی؛

(Ghafari.Mojtaba@chmail.ir).

است. برای نظام اقتصادی هم که در واقع یکی از زیرنظام‌های نظام جمهوری اسلامی است، می‌توان یک ساخت حقوقی و یک ساخت حقیقی در نظر گرفت. در این مقاله نقش این دو ساخت در مشارکت مردم در اقتصاد تبیین شده است.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، مشارکت مردمی، وظایف مردم، ساخت حقوقی و حقیقی.

طبقه‌بندی JEL: E20 L33.

۱. مقدمه

مشارکت مردم در نظام جمهوری اسلامی ایران، از جمله اصول مورد تأکید از همان ابتدای انقلاب بوده است:

ما به صورت یک اصل، از اوایل انقلاب، روی مشارکت مردم تکیه کردیم. امام رضوان الله تعالی علیه، مکرر در مکرر، درباره مشارکت دادن مردم، توصیه می‌کردند و حرف می‌زدند ... این، یک اصل هم هست که مردم بایستی در کارهای دولت، سهم، شریک، همکار و مباشر کار باشند (بیانات در دیدار رئیس جمهور و هیات وزیران، ۷۵/۶/۸).

این تأکید بر اساس مبانی نظام جمهوری اسلام ایران است. طبق نظر رهبر معظم انقلاب، حکومت اسلامی سه عنصر حاکم، قانون و مردم دارد. حاکم عبارت است از آن انسان برگزیده بر طبق معیارهایی که در قرآن هست و قانون عبارت است از آن چیزی که در قرآن تصریح به آن شده است (به نقل از کتاب ولایت و حکومت، بیانات ۶۴/۱۱/۱۰)؛ اما در مورد چرایی عنصر سوم که موضوع این مقاله است، از نظر رهبر معظم انقلاب، یک حکومت در هیچ جهتی بریده از مردم نمی‌تواند کار کند. رهبری با تمسک به آیه ۶۴ سوره انفال «یا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»، مؤمنان را از جهت کمک‌کاری پیغمبر و از لحاظ احتیاجی که پیغمبر به کمک مردم دارد، در ردیف خدا قرار می‌دهد. بنابراین حتی پیغمبر هم که حاکم اسلامی است، به مشارکت مردم نیازمند است (همان، بیانات ۶۳/۱۰/۷).

بنابراین لازم است نقش و جایگاه مردم در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مشخص شود. نظام جمهوری اسلامی ایران در عرصه سیاسی با الگوی مردم‌سالاری دینی، پاسخ این مسئله را داده اما هنوز در اقتصاد و فرهنگ الگویی ارائه نکرده است.

در حال حاضر عرصه اقتصاد، یکی از اولویت‌دارترین عرصه‌هاست. یکی از مهم‌ترین مسائل جمهوری اسلامی در عرصه اقتصاد نیز همین مسئله، یعنی مشارکت مردم در اقتصاد و یا به تعبیری مردمی کردن اقتصاد بوده است. به تعبیر دیگر یکی از مهم‌ترین مشکلات اقتصاد ایران، دولتی بودن آن است. رهبر معظم انقلاب بارها، هم قبل از مطرح شدن اقتصاد مقاومتی و هم بعد از آن بر این امر تأکید کرده‌اند.

در واقع از بنیان‌های اقتصاد مقاومتی^۱ و یکی از الزامات آن^۲، مردم‌محوری است؛ ولی این مسئله مطابق فرمایش ایشان^۳، آن‌چنان که باید مورد توجه مسئولان و نظریه‌پردازان قرار نگرفته است. شاهد آن نیز انتقادهای رهبری به اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی^۴ و تذکر مکرر این موضوع به مسئولان است. رهبری در آخرین توصیه‌های خود در مورد اجرای اقتصاد مقاومتی نیز، در نامه‌ای که توسط رئیس دفتر ایشان به معاون اول رئیس جمهور ارسال شده، این نکته را متذکر شده‌اند:

به حرکت درآوردن و تعیین نقش آحاد جامعه جهت مشارکت در فعالیت‌های

۱. عدالت بنیان، مردم بنیان، دانش‌بنیان، سه بنیان اقتصاد مقاومتی هستند.

۲. مسئله اقتصاد مهم است، اقتصاد مقاومتی مهم است. البته اقتصاد مقاومتی الزاماتی دارد. مردمی کردن اقتصاد، جزء الزامات اقتصاد مقاومتی است (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۹۱/۵/۳).

۳. ما در زمینه اقتصادی به این [مشارکت مردم] کمتر بها دادیم (بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ۹۲/۱۲/۲۰).

۴. در ادامه به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

اقتصادی و توانمندسازی آنها و به‌کارگیری کلیه ظرفیت‌های کشور به‌ویژه جوانان مورد توجه قرار گرفته و برنامه‌ها تنها ناظر بر بخش‌های دولتی نباشد (نامه رئیس دفتر رهبری به معاون اول رئیس جمهور، ۹۴/۸/۱۷).

بنابراین لازم است این موضوع از ابعاد مختلف در بیانات رهبری بررسی شود تا شاید روزنه‌ای در جهت تحقق این امر باشد. در این مقاله، با استفاده از روش تحلیل متن، ابعاد مختلف مشارکت مردم در اقتصاد از منظر رهبر معظم انقلاب بررسی می‌شود. اقتصاد مردمی را در بیانات رهبری معظم^۱ از جنبه‌های گوناگون از جمله ضرورت، آسیب‌ها، سیاست‌ها و راهکارهای مردمی کردن اقتصاد و وظایف مسئولان و مردم در قبال آن، می‌توان بررسی کرد.

اقتصاد مقاومتی، اقتصاد مردمی

نقش مردم در اقتصاد مقاومتی را از دو جهت می‌توان بررسی کرد: نخست آنکه بدون شک یکی از اهداف دشمن از جنگ تمام‌عیار اقتصادی^۲ علیه جمهوری اسلامی ایران، فشار بر مردم و بنابراین جدا کردن مردم از نظام است: هدف دشمن این بود که بر روی اقتصاد متمرکز شود، به رشد ملی لطمه بزند، به اشتغال لطمه بزند، طبعاً رفاه ملی دچار اختلال و خطر شود، مردم دچار مشکل شوند، دل‌زده بشوند، از نظام اسلامی جدا شوند، هدف فشار اقتصادی دشمن این است (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۹۱/۵/۳).

۱. در این باره ذکر چند نکته لازم است: منبع بیانات سایت www.Khamenei.ir است. به منظور اختصار، در بین بیانات ارائه شده، کلمات و یا جملاتی، بدون تغییر در معنا حذف و به جای آن سه نقطه گذاشته شده است. همچنین برخی از بیاناتی که ارتباط مستقیم با موضوع نداشته و یا به دلیل اختصار، در پاورقی آورده شده است.

۲. تحریم‌ها از حدود زمستان سال ۹۰ تا امروز، تبدیل شده به جنگ اقتصادی، دیگر اسم آن تحریم هدفمند نیست، یک جنگ تمام‌عیار اقتصادی است (بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ۹۲/۱۲/۲۰).

رهبری در موارد متعددی به این نکته و توجه دشمن به مردم اشاره کرده‌اند و مهم‌ترین خطری که انقلاب را تهدید می‌کند، ناامیدی مردم می‌دانند.^۱ یکی از اثرگذارترین عوامل ایجاد ناامیدی از آینده در مردم، مباحث اقتصادی است. در واقع چون دشمن از تهاجم نظامی مایوس است، طریق اقتصاد، فرهنگ و تعامل را جهت تضعیف و نفوذ در ایران انتخاب کرده است. بنابراین با توجه به نقش و وظایف مردم در جامعه، این موضوع اهمیت خاصی دارد.

این مردمی که در هر شهری هستند، اجزای اصلی نظام و تعیین‌کننده می‌باشند. اگر خدای نکرده جنگی بشود، اینها هستند که باید بیایند دفاع کنند. اگر سازندگی باشد، اینها هستند که در سازندگی باید شرکت کنند. اگر حمایت از حرکتی باشد، به وسیله اینها باید انجام بگیرد. اگر خنثی کردن توطئه دشمن باشد، به وسیله اینها باید انجام بگیرد (بیانات در دیدار با ائمه جمعه سراسر کشور، ۶۹/۳/۷).

از این جهت، رهبری، اقتصاد مقاومتی را متکی به مقاومت مردم می‌دانند.^۲ البته در بعد اقتصادی، در صورت پیگیری اقتصاد مقاومتی، امید زیادی به رونق اقتصادی و حل بخشی از مشکلات اقتصادی مردم وجود دارد و به این ترتیب، این هدف دشمن محقق نخواهد شد.^۳ از جهت دوم نیز، می‌توان به این نکته

۱. خطری که در مردم تداوم این حرکت سرافرازانه را تهدید می‌کند، در درجه اول عبارت از ناامیدی است. اگر دشمن بتواند مردم ما را، جوانان ما را، قشرهای ما را، نسبت به آینده این حرکتشان ناامید کند، ضربه خود را زده است ... این مهم‌ترین خطر است (بیانات در اجتماع بزرگ عزاداران در صحن مطهر امام خمینی(ره)، ۷۹/۳/۱۴).

۲. انشاءالله ساخت‌های لازم، کارهای لازم، تلاش‌های لازم برای ایجاد اقتصاد مقاومتی که متکی به مقاومت مردم است به وجود خواهد آمد (بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش، ۹۲/۱۱/۱۹).

۳. اگر سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، به طور جدی پیگیری و اجرا شوند، امید زیادی وجود دارد که رونق اقتصادی و اصلاح پایه‌های اقتصادی کشور در میانمدت محقق و بخشی از مشکلات مردم حل شود (تشکیل جلسه سران قوا در حضور رهبر انقلاب، ۹۲/۱۲/۶).

اشاره کرد که یکی از مشکلات مهم و ساختاری اقتصاد ایران، همان‌طور که در مقدمه هم ذکر شد، دولتی بودن آن است:

دو اشکال بزرگ در اقتصاد ما وجود داشته است: یکی اینکه اقتصاد ما نفتی بود؛ یکی اینکه اقتصاد ما دولتی بود. ... خود ما بر اثر نگاه‌هایی که آن روز وجود داشت، اقتصاد را سپردیم دست دولت؛ حالا هر چه تلاش می‌شود که اقتصاد منتقل بشود به مردم و داده بشود دست مردم، با برنامه‌ریزی درست که خلاف عدالت هم کاری انجام نگیرد، کار درست پیش نمی‌رود؛ سخت است (بیانات در دیدار مردم آذربایجان، ۹۳/۱۱/۲۹).

دولتی بودن اقتصاد، مشکلات فراوانی را در پی داشته است. از نتایج مستقیم این امر می‌توان به پایین بودن میزان رشد اقتصادی، کاهش بهره‌وری عوامل تولید، طولانی شدن زمان سرمایه‌گذاری‌ها، افزایش فساد اداری، ناعادلانه شدن توزیع درآمد، ایجاد رانت‌های اقتصادی و ... اشاره کرد (میرمحمدی و عباسی، ۱۳۸۸، ص ۱۷). اما مطابق فرمایش رهبری، مردمی کردن اقتصاد کار سختی است. البته راه‌حل مشکل دولتی بودن اقتصاد، تنها سپردن آن به بخش‌های عمومی غیردولتی و یا سرمایه‌داران (کارهایی که تاکنون انجام گرفته) نیست. رفع این مشکل، هم در تبیین اقتصاد مقاومتی و هم در ابلاغ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی مورد توجه رهبری بوده است. در متن ابلاغ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی آمده است:

لازم است قوای کشور بی‌درنگ... با تهیه قوانین و مقررات لازم... زمینه و فرصت مناسب برای نقش‌آفرینی مردم و همه فعالان اقتصادی را در این جهاد مقدس فراهم آورند تا به فضل الهی حماسه اقتصادی ملت بزرگ ایران ... در برابر چشم جهانیان رخ نماید (ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، ۹۲/۱۱/۳۰).

در این بیان، رهبری مقدمه تحقق حماسه اقتصادی را ایجاد زمینه و فرصت مناسب برای نقش‌آفرینی مردم و همه فعالان اقتصادی می‌داند. اما اقتصاد مردمی به چه معناست؟ ایشان در تبیین مردم‌بنیاد بودن اقتصاد مقاومتی می‌فرمایند:

اقتصادی که به عنوان اقتصاد مقاومتی مطرح می‌شود، مردم‌بنیاد است؛ یعنی بر محور دولت نیست و اقتصاد دولتی نیست، اقتصاد مردمی است؛ با اراده مردم، سرمایه مردم، حضور مردم تحقق پیدا می‌کند. اما «دولتی نیست» ... کار اقتصادی و فعالیت اقتصادی دست مردم است، مال مردم است (بیانات در حرم رضوی، ۹۳/۱/۱).

لازم به ذکر است مردمی بودن اقتصاد مقاومتی به معنای بی‌مسئولیتی دولت در قبال آن نیست؛ بلکه دولت هم مسئولیت برنامه‌ریزی، زمینه‌سازی، ظرفیت‌سازی، هدایت، کمک و نظارت را دارد:

«دولتی نیست» به این معنا نیست که دولت در قبال آن مسئولیتی ندارد؛ چرا، دولت مسئولیت برنامه‌ریزی، زمینه‌سازی، ظرفیت‌سازی، هدایت و کمک دارد. اما دولت - به عنوان یک مسئول عمومی - نظارت می‌کند، هدایت می‌کند، کمک می‌کند (بیانات در حرم رضوی، ۹۳/۱/۱).

اما منظور از مردم چه کسانی هستند؟ رهبری در بیانات خود منظور از مردم را نیز بیان کرده‌اند:

ما بایست به مردم تکیه کنیم، بها بدهیم، مردم با امکاناتشان باید بیایند در وسط میدان اقتصادی، فعالان، کارآفرینان، مبتکران، صاحبان مهارت، صاحبان سرمایه، نیروهای متراکم و بی‌پایانی که در این کشور وجود دارد که واقعاً این نیروها هم بی‌شمارند (بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ۹۲/۱۲/۲۰).

لازم به ذکر است حتی برخی دیگر از مؤلفه‌ها و رویکردهای اقتصاد مقاومتی نظیر درون‌زا بودن نیز وابسته به نقش مردم است.^۱ همان‌طور که بیان شد، پیش از مطرح شدن اقتصاد مقاومتی نیز، نقش مردم در اقتصاد مورد تأکید رهبر معظم

۱. ... گفتیم این اقتصاد [اقتصاد مقاومتی] درون‌زا است. درون‌زا است یعنی چه؟ یعنی از دل ظرفیت‌های خود کشور ما و خود مردم ما می‌جوشد (بیانات در حرم رضوی، ۹۳/۱/۱).

انقلاب بوده است. برای نمونه، ایشان راه رسیدن به استغنا و بی‌نیازی در ثروت ملی را، مشارکت مردم در اقتصاد می‌دانند:

برای اینکه بتوانیم کشور را از لحاظ ثروت ملی به حد استغنا و بی‌نیازی برسانیم، باید سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی و تولید ثروت در معرض انتخاب همه آحاد فعال کشور قرار بگیرد؛ یعنی همه باید بتوانند در این زمینه فعالیت کنند. دولت باید از آن حمایت کند، قانون باید از آن حمایت کند (بیانات در دیدار مسئولان اقتصادی و دست‌اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، ۸۵/۱۱/۳۰).

ضرورت نقش‌آفرینی مردم

با توجه به بیانات رهبری، چهار مورد را می‌توان به عنوان ضرورت برای نقش‌آفرینی مردم در زمینه اقتصاد بر شمرد:

۱. تأکید معارف اسلامی

بیانات و معارف اسلامی هم تأکید می‌کند که هر جا مردم می‌آیند دست خدا هم هست. *يَدُ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ* (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۲۷)؛ هر جا مردم هستند، عنایت الهی و کمک الهی و پشتیبانی الهی هم هست (بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ۹۲/۱۲/۲۰).

۲. تجربه موفق تاریخی

تجربه هم به ما نشان می‌دهد ... هر جا مردم هستند، عنایت الهی و کمک الهی و پشتیبانی الهی هم هست، نشانه و نمونه آن، دفاع هشت‌ساله، نمونه آن خود انقلاب و نمونه آن گذر از گردنه‌های دشوار این ۳۵ سال [است] چون مردم در میدان بودند، کارها پیش رفته، ما در زمینه اقتصادی به این، کمتر بها دادیم (بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ۹۲/۱۲/۲۰).

از اول انقلاب تا امروز هر وقتی هر کاری را محول به مردم کردیم، آن کار

پیش رفته است، هر کاری را انحصاری در اختیار مسئولان و رؤسا و مانند اینها قرار دادیم، کار متوقف مانده است ... اما کار دست مردم که افتاد، مردم کار را خوب پیش می‌برند ... هر جور کاری، سخت‌ترین کارها، کارهای نظامی، کارهای امنیتی، دست مردم وقتی افتاد، صحنه وقتی در اختیار مردم قرار گرفت، پیش خواهد رفت (بیانات در دیدار مردم تبریز، ۹۳/۱۱/۲۹).

هر جایی که مسئولان کشور توانایی‌های مردم را شناختند و به کار گرفتند، ما موفق شدیم. هر جایی که ناکامی هست، به خاطر این است که ما نتوانستیم حضور مردم را در آن عرصه تأمین کنیم. ما مسائل حل نشده کم نداریم. در همه مسائل گوناگون کشور، مسئولان باید بتوانند با مهارت، با دقت، با ابتکار، راه‌هایی را برای حضور مردم پیدا کنند ... همچنان که در عرصه بسیار دشوار جنگ این اتفاق افتاد، راه باز شد، کسانی توانستند راه را باز کنند ... تا هر جوانی، هر پیری، هر مردی، هر زنی که بخواهد در این کار بزرگ شرکت کند، راه برایش باز باشد. در زمینه‌های گوناگون هم می‌شود، در اقتصاد هم می‌شود. اقتصاد کشور، تولید کشور می‌تواند به وسیله همت مردم، با پول مردم، با ابتکارهای مردم، با انگیزه‌های مردم، چندین برابر شکوفایی پیدا کند (بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه، ۹۰/۷/۲۰).

۳. آنچه مورد انتظار است بدون مشارکت مردم تحقق‌پذیر نیست

آنچه برای بنای زندگی و سازندگی آینده مورد انتظار است، بدون مشارکت مردم تحقق‌پذیر نیست. بنابراین علاوه بر مدیریتی که مسئولین باید انجام بدهند، حضور مردم در هر دو عرصه لازم و ضروری است؛ هم عرصه اقتصاد، هم عرصه فرهنگ (پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۳).

۴. لزوم استفاده از همه ظرفیت‌های داخلی

یکی از شرایطش [اقتصاد مقاومتی]، استفاده از همه ظرفیت‌های دولتی و مردمی است، هم از فکرها و اندیشه‌ها و راهکارهایی که صاحب‌نظران می‌دهند، استفاده کنید، هم از سرمایه‌ها استفاده شود (بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیأت دولت، ۹۱/۶/۲).

... تکیه بر ظرفیت‌های داخلی است ... چه ظرفیت‌های علمی، چه انسانی، چه طبیعی، چه مالی، چه جغرافیایی و اقلیمی (بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ۹۲/۱۲/۲۰).

آسیب‌ها

باید توجه کرد ورود مردم به صحنه اقتصاد و مردمی شدن اقتصاد هم ممکن است آسیب‌هایی را به همراه داشته باشد. رهبر معظم انقلاب در بیانات خود به این نکته نیز اشاره داشته‌اند.

۱. نادیده گرفتن عدالت اجتماعی

نوع دخالت مردم، نباید منجر به این شود که بعضی از قشرهای مردم یا بعضی از افراد زرنگ در میان مردم، سودهای کلان و بادآورده ببرند؛ در حالی که عده دیگری از مردم، در اولیات زندگی بمانند. یعنی همان مسئله اساسی عدالت اجتماعی و رسیدگی به همه قشرها در بخش‌های مختلف، باید مورد توجه قرار گیرد. ... حتماً باید توجه کنید که از قِبَل امکانات و موجودی دولت - که متعلق به همه مردم است - این طور نشود که ثروت‌های بادآورده‌ای به وجود آید و در مقابل، همچنان که لازمه وجود ثروت بادآورده در کشور است، عده‌ای محروم بمانند (بیانات در دیدار رئیس جمهور و هیأت وزیران، ۱۳۷۵/۶/۸).

۲. عدم اعتقاد حقیقی به مردم

اعتماد به مردم، عقیده واقعی به مشارکت مردم. بعضی‌ها اسم مردم را می‌آورند؛ اما حقیقتاً اعتقادی به مشارکت مردم ندارند. بعضی اسم مردم را می‌آورند؛ اما به مردم اعتماد ندارند. بنای جمهوری اسلامی بر اعتماد به مردم و اعتقاد به مشارکت مردم است (بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت، ۸۷/۹/۲۴).

۳. برداشت‌های غلط از اقتصاد مقاومتی

بعد از آنکه سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ابلاغ شد، هنوز مرکب آن خشک نشده، یک عده‌ای شروع کردند که «اینها دارند مردم را به ریاضت دعوت می‌کنند»؛ نه، به هیچ وجه این جور نیست، بلکه به عکس است (بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ۹۲/۱۲/۲۰).

لازم به ذکر است رهبری این عامل را در عدم تحقق اهداف سیاست‌های اصل ۴۴ نیز متذکر می‌شوند. ایشان در دیدار دست‌اندرکاران اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ ضمن ابراز عدم رضایت از پیشرفت این کار می‌فرمایند:

پیشرفت‌ها در این باب [اجرای سیاست‌های اصل ۴۴] رضایت‌بخش نیست ... حالا چرا این پیشرفت‌ها خوب نیست؟ ... یا به خاطر اینکه از مسئله، برداشت‌های مختلفی هست. افراد هر کدامی در دستگاه‌های مختلف یا حتی در یک دستگاه، از بندهای مختلف این سیاست‌ها و از مقاصد آنها و از نتیجه‌ای که باید بر اجرای آن سیاست‌ها عاید بشود، متفق‌القول نیستند؛ درک واحدی و برداشت واحدی ندارند (بیانات در دیدار دست‌اندرکاران اجرای سیاست‌های اصل ۴۴، ۸۵/۱۱/۳۰).

۴. ترجیح منافع خواص به منافع عامه مردم

در زمینه کارها باید اساس را مردم قرار داد ... گاهی اوقات منافع و خواست عامه مردم، با منافع گروه‌های خاص تعارض پیدا می‌کند ... جاهایی است که اگر اقدامی را در زمینه صنعت، در زمینه مسائل اقتصادی، در زمینه مسائل پولی، در زمینه مسائل فرهنگی و در زمینه مسائل گوناگون انجام دهیم، به نفع مردم است؛ اما گروه‌های خاصی در جامعه هستند - گروه‌های پولی، مالی، اقتصادی، ثروتمندان، گروه‌های فرهنگی و گروه‌های سیاسی - که اینها متضرر خواهند شد. این، آن نقطه حساس است (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۷۶/۶/۲).

سیاست‌ها

بیشترین سیاست‌هایی که در مورد مشارکت مردم در اقتصاد می‌باشند را می‌توان در سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مشاهده کرد. در ادامه این سیاست‌ها بررسی می‌شوند:

الف - سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی

این سیاست‌ها در تاریخ ۹۲/۱۱/۲۹ توسط رهبر معظم انقلاب ابلاغ شدند. سیاست‌ها شامل ۲۴ بند می‌باشد و در بندهای ۱، ۳، ۵، ۸، ۱۹ و ۲۱ این سیاست‌ها اشاره‌هایی به مشارکت مردم در اقتصاد و مسائل مربوط به آن شده است.

بند ۱-^۱ تأمین شرایط و فعال‌سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیتهای اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری‌های جمعی و تأکید بر ارتقای درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط.

در اولین بند از سیاست‌های ابلاغی، استفاده از تمامی امکانات و منابع مالی در جهت به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیتهای اقتصادی مورد تأکید قرار گرفته است.

بند ۳- محور قرار دادن رشد بهره‌وری در اقتصاد با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار و...

در بند سوم هم تقویت عوامل تولید و توانمندسازی نیروی کار که از جمله وظایف دولت نسبت به اقتصاد مقاومتی است، ذکر شده است.

بند ۵- سهم‌بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف متناسب با نقش آنها در ایجاد ارزش، به‌ویژه با افزایش سهم سرمایه انسانی از طریق ارتقای آموزش، مهارت، خلاقیت، کارآفرینی و تجربه.

۱. شماره مربوط به شماره بند سیاست در سیاست‌های ابلاغ‌شده می‌باشد.

یکی از دقیق‌ترین امور اقتصادی، سهم‌بری عوامل تولید است. در نظام سرمایه‌داری و یا به تعبیر درست‌تر، سرمایه‌سالاری^۱، مالکیت منابع، ابزار تولید، محصول تولیدی و مدیریت فرآیند اقتصادی به سرمایه و صاحب آن اختصاص یافته است. در این میان سهم نیروی کار فقط دستمزد حداقلی است. بنابراین جایگاه نیروی کار در مقابل سرمایه که هر دو از عوامل تولید هستند تنزل یافته است (یوسفی، ۱۳۹۴، ص ۸۴).

بند ۸- مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی ...

مدیریت مصرف نیز یکی از وظایف مشترک دولت و مردم است. در مورد اسراف مردم، لازم است توضیح داده شود که تا حدی، اسراف یک فرد یک گناه شخصی است. ولی اگر به حدی برسد که نظام اقتصادی را تهدید کند، دیگر فقط یک گناه شخصی نیست و لازم است از طریق قانونی با آن برخورد شود:

اسراف در یک حدی فقط یک گناه شخصی است. شما اگر در داخل منزلتان یک چیزی را به صورت مسرفانه مصرف کردید، این یک فعل حرام است ... اما اگر همین کار حرام به حدی رسید و به کیفیتی درآمد که نظام اقتصادی جامعه را تهدید می‌کند، در جامعه فقر را گسترش می‌دهد، مایه محرومیت قشرهای عظیمی از مردم می‌شود، اشیا و اجناسی را که با زحمت زیاد و با شرکت عمومی تولید می‌شود، اینها را به فنا و نابودی تهدید می‌کند، آن وقت دولت اسلامی وظیفه دارد، تکلیف دارد که بیاورد در

۱. این چیزی که امروز در دنیای غرب وجود دارد که به اعتقاد بنده دنیای غرب را باید دنیای سرمایه‌سالاری گفت. کاپیتالیسم به معنای سرمایه‌داری شاید خیلی دقیق نباشد؛ سرمایه‌گرایی، سرمایه‌سالاری، آقایی سرمایه و سرمایه‌دار، آقایی کمپانی‌ها و ثروتمندها و پولدارها بر امور جامعه، این است که شاخصه بزرگ دنیا سرمایه‌داری غرب را امروز به وجود آورده و این هم از نظر اسلام مردود است و هر چیزی که به این منتهی بشود، باید جلوش گرفته بشود (بیانات در خطبه نماز جمعه، ۶۶/۷/۲۴).

مقابل این اسراف و در مقابل این زیاده‌روی و تضييع اموال بایستد (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۶۶/۷/۲۴).

بند ۱۹- شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری، ارزی و ... همان‌طور که در بخش وظایف دولت خواهد آمد، یکی از الزامات مشارکت مردم در اقتصاد، مبارزه با مفاسد اقتصادی است.

بند ۲۱- تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان‌سازی آن به‌ویژه در محیط‌های علمی، آموزشی و رسانه‌ای و تبدیل آن به گفتمان فراگیر و رایج ملی.

گفتمان‌سازی یکی از مهم‌ترین مطالبات رهبری در مورد اقتصاد مقاومتی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت^۱ است. رهبری معظم معتقد هستند که با گفتمان‌سازی، بسیاری از مشکلات برطرف می‌شود:

گفتمان‌سازی در خصوص اقتصاد مقاومتی و تبدیل آن به یک گفتمان عمومی، بسیاری از مشکلات را برطرف و کارها را تسهیل خواهد کرد (تشکیل جلسه سران قوا در حضور رهبر انقلاب، ۹۲/۱۲/۶).

ب - سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی

سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی در تاریخ ۸۴/۳/۱ توسط رهبر معظم انقلاب ابلاغ شد. این سیاست‌ها در ابلاغ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی هم مورد تأکید قرار گرفته است. سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در ادامه و تکمیل این سیاست‌ها و با نگاه مشترکی تدوین شده‌اند.

سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی که در ادامه و تکمیل سیاست‌های گذشته، خصوصاً سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و با چنین نگاهی تدوین

۱. گفتمان‌سازی شرط اصلی تحقق الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت است (دیدار اعضای شورای عالی مرکز طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با رهبر انقلاب، ۹۱/۱۲/۱۴)

شده و راهبرد حرکت صحیح اقتصاد کشور به سوی این اهداف عالی است، ابلاغ می‌گردد (ابلاغ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ۹۲/۱۱/۲۹).

هدف از ابلاغ این سیاست‌ها عبارت بود از:

شتاب بخشیدن به رشد اقتصاد ملی، گسترش مالکیت در سطح عموم مردم به منظور تأمین عدالت اجتماعی، ارتقای کارایی بنگاه‌های اقتصادی و بهره‌وری منابع مادی و انسانی و فناوری، افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد ملی، افزایش سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی، کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی، افزایش سطح عمومی اشتغال، تشویق اقشار مردم به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و بهبود درآمد خانوارها (متن ابلاغی سیاست‌های اصل ۴۴).

البته بررسی تحقق هر یک از این اهداف، نیاز به مطالعه جداگانه‌ای دارد. به عنوان مثال، نتایج یک مطالعه که به بررسی سهم بخش‌های مختلف در جریان خصوصی‌سازی بین سال‌های ۸۲ تا ۸۶ می‌پردازد، نشان می‌دهد سهم دولت از مالکیت شرکت‌های دولتی طی این سال‌ها تنها ۴,۱۷ درصد کاهش یافته که از این میزان نیز فقط ۰,۳۲ درصد به سهم بخش خصوصی اضافه شده و بقیه نصیب بخش عمومی غیر دولتی شده است (نصیری و فاتحی‌زاده، ۱۳۹۰). البته همین مقدار اندک نیز به صاحبان سرمایه تعلق گرفته است. رهبر معظم انقلاب هم از نحوه اجرای این سیاست‌ها راضی نبوده‌اند:

ما در زمینه اقتصادی به این [مشارکت مردم در اقتصاد] کمتر بها دادیم. سیاست‌های اصل ۴۴ را که ما تصویب کردیم و ابلاغ کردیم، برای همین بود. البته حق آن چنان‌که باید و شاید ادا نشد. ... کارهایی انجام گرفت که بایستی شکرگزار بود، لکن آن‌چنان که حق آن سیاست‌ها بود عمل نشد (بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ۹۲/۱۲/۲۰).

در واقع مشکل اصلی عدم تحقق اهداف سیاست‌های اصل ۴۴، همان‌طور که رهبری هم به آن اشاره کرده‌اند و ذکر شد، عدم فهم و درک درست این

سیاست هاست. روح و اصل این سیاست‌ها مشارکت هر چه بیشتر مردم در اقتصاد بوده است:

روح اصل ۴۴ هم این بود که ما بتوانیم اولاً سرمایه‌های مردم و بعد مدیریت مردم را وارد عرصه اقتصاد کنیم (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۸/۶/۸۹).

بنابراین مطابق فرمایش رهبری، روح اصل ۴۴، ورود سرمایه‌ها و مدیریت مردم در میدان اقتصادی بوده است. ولی مطابق بیان رهبری حق این سیاست‌ها ادا نشده است. اگر آنگونه که شایسته بود به این سیاست‌ها عمل می‌شد:

اقتصاد کشور، تولید کشور می‌تواند به وسیله همت مردم، با پول مردم، با ابتکارهای مردم، با انگیزه‌های مردم، چندین برابر شکوفایی پیدا کند. سیاست‌های اصل ۴۴ را که ما تدوین کردیم، بر اساس همین نکته بود. برای آینده کشور، هدفهایی مشخص شده است. ... اگر حضور مردم در این راه‌ها و برای این هدف‌ها تأمین شود، این هدف‌ها حتی زودتر از دورانی که در نظر گرفته شده است، حاصل خواهد شد (بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه، ۲۰/۷/۹۰).

وظایف مردم و مسئولان

در قبال اهمیت مشارکت مردم در اقتصاد، مردم و مسئولان در ارتباط با این موضوع، مسئولیت‌هایی بر عهده دارند. برخی از این وظایف مشترک و برخی مختص هر کدام است.

الف - وظایف مشترک

۱. عزم جدی مسئولان و مردم

کارهایی باید انجام بگیرد: در درجه اول، عزم جدی مسئولان و مدیران اصلی و فعالان مردمی است، باید تصمیم بگیرند مسئولین کشور - در درجه اول، قوه

مجریه، مسئولان دولت و نیز قوه مقننه و قوه قضائیه و بخش‌های گوناگونی که ارتباطی با مسائل اقتصادی دارند - و حتماً بایستی در این مسئله، عزم جدی و راسخ داشته باشد. بدون تصمیم جدی و راسخ، کار پیش نخواهد رفت (بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ۹۲/۱۲/۲۰).

۲. مسئولیت‌شناسی و عمل به آن

هم دانشگاه‌ها، هم دستگاه‌های دولتی، هم آحاد مردمی که خوشبختانه توانایی و استعداد این کار را دارند، چه از لحاظ علمی، چه از لحاظ توانایی‌های مالی، باید تلاش کنند مسئولیت زمان خود و مقطع تاریخی حساس خود را بشناسند و به آن عمل کنند (بیانات در دیدار جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکت‌های دانش‌بنیان، ۹۱/۵/۸).

۳. مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر

مسئله مدیریت مصرف، یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر. هم دستگاه‌های دولتی، هم دستگاه‌های غیر دولتی، هم آحاد مردم و خانواده‌ها باید به این مسئله توجه کنند که این واقعاً جهاد است. امروز پرهیز از اسراف و ملاحظه تعادل در مصرف، بلاشک در مقابل دشمن یک حرکت جهادی است. انسان می‌تواند ادعا کند که این اجر جهاد فی سبیل‌الله را دارد (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۹۱/۵/۳).

۴. استفاده از کالای تولید داخل

این را همه دستگاه‌های دولتی توجه داشته باشند - دستگاه‌های حاکمیتی، مربوط به قوای سه‌گانه - سعی کنند هیچ تولید غیر ایرانی را مصرف نکنند. همت را بر این بگمارند. آحاد مردم هم مصرف تولید داخلی را بر مصرف کالاهایی با مارک‌های معروف خارجی - که بعضی فقط برای نام و نشان، برای پز دادن، برای خودنمایی کردن، در زمینه‌های مختلف دنبال مارک‌های خارجی می‌روند - ترجیح بدهند. خود مردم راه مصرف کالاهای خارجی را ببندند (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۹۱/۵/۳).

ب - وظایف مردم

۱. هدف‌داری مردم در زندگی

در هر نقطه‌ای اگر کار دست مردم قرار گرفت و مردم دارای هدف بودند [نه] آدم‌های بی‌هدف، آدم‌های سرگردان در امور زندگی، گرفتار امور روزمره شخصی، آنها نه - هر جور کاری، سخت‌ترین کارها، کارهای نظامی، کارهای امنیتی، دست مردم وقتی افتاد، صحنه وقتی در اختیار مردم قرار گرفت، پیش خواهد رفت (بیانات در دیدار مردم تبریز، ۹۳/۱۱/۲۹).

۲. تقویت ایمان

نظامی مثل نظام جمهوری اسلامی، با این آرمان‌ها، با این هدف‌ها، با این داعیه بزرگی که دارد - دشمن ظلم است، دشمن استکبار است، دشمن زیاده‌خواهی متکبرانه قدرت‌های بین‌المللی است - با چالش‌هایی مواجه می‌شود، به رنگ‌های مختلف، به شکل‌های گوناگون؛ لذا باید آماده باشد. این آمادگی، بیش از همه چیز متکی به ایمان‌های مردم است. آن حصار پشتیبان، آن پاسدار اعظم در دفاع از هویت یک ملت و عزت یک ملت و نجات یک ملت از کید دشمنان، آگاهی مردم است؛ این را ما در جنگ تجربه کردیم. امروز هم در هر بخشی، در هر مجموعه‌ای از کار که مسئولان آگاهانه متوجه باشند و به مردم نقش بدهند، همین اتفاق خواهد افتاد (بیانات در جمع خانواده‌های شهدا و ایثارگران کرمانشاه، ۹۰/۷/۲۱).

ج - وظایف مسئولان

۱. تکیه و اعتماد به مردم

البته اصرار هم می‌کنیم که مسئولین هم به نیروی داخلی تکیه کنند؛ از مسئولین هم می‌خواهیم به مردم اعتماد کنند، به نیروی داخلی اعتماد کنند، سعی کنند این سرچشمه فیاض تمام‌نشده را در داخل، خروشان، فروزان

و جوشان کنند. این اگر شد، همه درهای بسته باز خواهد شد. باید این جوری حرکت کنند، این جوری عمل کنند (بیانات در دیدار مردم آذربایجان، ۹۲/۱۱/۲۸).

ما بایست به مردم تکیه کنیم، بها بدهیم؛ مردم با امکاناتشان باید بیایند در وسط میدان اقتصادی؛ فعالان، کارآفرینان، مبتکران، صاحبان مهارت، صاحبان سرمایه، نیروهای متراکم و بی‌پایانی که در این کشور وجود دارد، که واقعاً این نیروها هم بی‌شمارند (بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ۹۲/۱۲/۲۰).

۲. پیگیری سیاست‌های اصل ۴۴

بخش خصوصی را باید کمک کرد. اینکه ما «اقتصاد مقاومتی» را مطرح کردیم، خوب، خود اقتصاد مقاومتی شرایطی دارد، ارکانی دارد، یکی از بخش‌هایش همین تکیه به مردم است؛ همین سیاست‌های اصل ۴۴ با تأکید و اهتمام و دقت و وسواس هرچه بیشتر باید دنبال شود (بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیأت دولت، ۹۱/۶/۲).

این سیاست‌های اصل ۴۴ که اعلام شد، می‌تواند یک تحول به وجود بیاورد و این کار باید انجام بگیرد. البته کارهایی انجام گرفته و تلاش‌های بیشتری باید بشود. بخش خصوصی را باید توانمند کرد، هم به فعالیت اقتصادی تشویق بشوند، هم سیستم بانکی کشور، دستگاه‌های دولتی کشور و دستگاه‌هایی که می‌توانند کمک کنند - مثل قوه مقننه و قوه قضاییه - کمک کنند که مردم وارد میدان اقتصاد شوند (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۹۱/۵/۳).

۳. مبارزه با مفاسد اقتصادی

تصور نشود ما می‌توانیم سرمایه‌گذاری مردمی و کار سالم مردمی داشته باشیم، بدون مبارزه با مفاسد اقتصادی و تصور نشود که مبارزه با مفاسد اقتصادی موجب می‌شود که ما مشارکت مردم و سرمایه‌گذاری مردم را کم داشته باشیم؛ نه، چون اکثر کسانی که می‌خواهند وارد میدان اقتصادی بشوند، اهل کار سالمند، مردمان سالمی هستند؛ حالا یکی دو نفر هم آدم‌های ناسالم پیدا

می‌شوند. باید با چشم‌های تیزبین، ریزبین و دوربین مراقبت کنید که کسانی نیایند به عنوان ایجاد اشتغال و ایجاد کار و کارآفرینی تسهیلات بانکی بگیرند، اما کارآفرینی واقعی انجام نگیرد (بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیأت دولت، ۹۱/۶/۲).

ما اگر می‌خواهیم مردم در صحنه اقتصاد باشند، باید صحنه اقتصادی امنیت داشته باشد؛ اگر امنیت را می‌خواهیم، بایستی دست مفسد و سوء استفاده‌چی و دور زننده قانون و شکننده قانون بسته بشود؛ مبارزه با فساد این است؛ این باید جدی گرفته بشود (بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ۹۲/۱۲/۲۰).

۴. توانمند شدن مردم و بخش خصوصی

مشارکت مستقیم مردم در امر اقتصاد، لازم است. این نیازمند توانمند شدن است (بیانات در حرم مطهر رضوی در آغاز سال، ۹۰/۱/۱). البته در برخی از سرمایه‌گذاری‌ها بخش خصوصی ناتوان است؛ یعنی واقعاً توانایی سرمایه‌گذاری ندارد. خوب، علاجش چیست؟ اگر بخش خصوصی همین‌طور ناتوان بماند، هیچ‌گره‌ی باز نخواهد شد. باید سیاست‌ها برود به این سمت که شما بخش خصوصی را قادر کنید بر اینکه بتواند زیر بار برخی از سرمایه‌گذاری‌های بزرگ برود (بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیأت دولت، ۸۹/۶/۸).

در بعضی از موارد، من از خود مسئولین کشور می‌شنوم که بخش خصوصی به خاطر کم‌توانی‌اش جلو نمی‌آید. خوب، باید فکری بکنید برای اینکه به بخش خصوصی توانبخشی بشود؛ حالا از طریق بانک‌هاست، از طریق قوانین لازم و مقررات لازم است؛ از هر طریقی که لازم است، کاری کنید که بخش خصوصی، بخش مردمی، فعال شود (بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیأت دولت، ۹۱/۶/۲).

۵. اطلاع‌رسانی به مردم

مشارکت مستقیم مردم در امر اقتصاد، لازم است. این ... نیازمند اطلاعات لازم

است که اینها را باید مسئولان در اختیار مردم بگذارند و امیدواریم انشاءالله این روند روزبه‌روز توسعه پیدا کند. البته رسانه‌ها نقش دارند، رادیو و تلویزیون نقش دارند، می‌توانند مردم را آگاه کنند؛ دولت هم باید فعال برخورد کند و بتوانند انشاءالله مسئله اقتصاد را پیش ببرند (بیانات در حرم مطهر رضوی در آغاز سال، ۹۰/۱/۱).

بایستی مرکز رصد قوی و بینایی وجود داشته باشد که به‌طور دقیق پیشرفت این کار را پایش کند؛ اطلاعات را گردآوری کنند، پردازش کنند، استخراج کنند ... و در نهایت اطلاع‌رسانی به مردم انجام بگیرد؛ یعنی مردم دوست دارند بدانند (بیانات در حرم مطهر رضوی در آغاز سال، ۹۰/۱/۱).

مردم باید در جریان جزئیات کار قرار بگیرند و بدانند که در کجا می‌توانند فعالیت اقتصادی کنند، کجا می‌توانند سرمایه‌گذاری کنند، چطور می‌توانند در یک تعاونی وارد شوند. غالب مردم بی‌اطلاعند. ... باید برای مردم تشریح بشود، تبیین بشود، بدانند چگونه می‌توانند از کمک دولت استفاده کنند، بخش خصوصی از چه امتیازاتی می‌تواند استفاده کند، دولت چه کمک‌هایی می‌تواند به او کند، چه حمایت‌هایی می‌کند، در کجاها می‌توانند وارد بشوند و سرمایه‌گذاری کنند (بیانات در دیدار دست‌اندرکاران اجرای سیاست‌های اصل ۴۴، ۸۵/۱۱/۳۰).

۶. گفتمان‌سازی

باید تصویر درستی از اقتصاد مقاومتی ارائه بشود. البته صدا و سیما و رسانه‌های کشور موظفند اما مخصوص آنها نیست. دستگاه‌های تبلیغاتی مخالف با کشور، مخالف با انقلاب، مخالف با پیشرفت ملی ما، خیلی چیزها در چنته دارند و شروع هم کرده‌اند - ما دیدیم - بعد از این هم بیشتر [خواهند کرد] درباره اقتصاد مقاومتی، اشکال‌تراشی، مانع‌تراشی، گاهی هو کردن، بی‌اهمیت جلوه دادن آنچه که در کمال اهمیت و نهایت اهمیت است؛ از این کارها می‌کنند. نقطه مقابل آنها بایستی کار بشود، مسئولین، صاحبان فکر و دلسوزان، بایستی تصویر درستی را از این حرکت بزرگ و عمومی ارائه بدهند

و گفتمان‌سازی بشود تا مردم بدانند و معتقد باشند و بخواهند؛ در این صورت، کار عملی خواهد شد (بیانات در حرم مطهر رضوی در آغاز سال، ۹۰/۱/۱).

۷. زمینه‌سازی برای حضور مردم

هم قوه مجریه، هم قوه قضاییه، هم قوه مقننه به شیوه خاص خود می‌توانند این [مشارکت مردم] را تأمین کنند، از ابتکار مردم، از فکر مردم، از نیرو و انگیزه مردم، از نشاط جوانی جوانان ما - که قشر عظیم و وسیعی هستند - می‌توانند استفاده کنند؛ این جزء کارهایی است که باید انشاءالله با سازوکار شفاف از سوی مسئولین انجام بگیرد ... بیش از این می‌شود کار کرد و حضور همه مردم را تأمین کرد، تا یک جوان، یک پیر، یک صنعتگر، یک مبتکر بدانند که در این حرکت عمومی در کجا قرار می‌گیرد. همه چیز با یک چنین سازوکاری به سامان می‌رسد؛ مثل گذشته (بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه، ۹۰/۷/۲۰).

این قدر عناصر آماده به کار، یا دارای مهارت، یا دارای ابتکار، یا دارای دانش، یا دارای سرمایه در کشور هستند که اینها تشنه کارند. دولت بایستی برای حضور اینها زمینه‌سازی کند، اینها را راهنمایی کند که کجاها می‌تواند توان خودشان را به کار ببندند، از آنها حمایت بکند، مسئولیت عمده دولت این است (بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ۹۲/۱۲/۲۰).

راهکارهای تحقق مشارکت مردم در اقتصاد

جهت ارائه راهکار مطابق فرمایشات رهبر معظم انقلاب، باید به چهار نکته اساسی توجه داشت:

۱. مشارکت مردم در اقتصاد نیازمند الگویی است که عملی، قابل فهم و اعتمادبخش باشد؛

حضور مردم چه جوری است؟ این، همان نکته اصلی است. اینجاست که مسئولان باید زمینه‌ها را، مدل‌ها را، فرمول‌های عملی و قابل فهم عموم را،

فرمول‌های اعتمادبخش را برای مشارکت مردم فراهم کنند. در هر بخشی می‌شود این کارها را کرد (بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه، ۹۰/۷/۲۰)؛

۲. ارائه هر راهکاری باید در چارچوب آموزه‌های اسلامی باشد؛

سعادت و رفاه و آزادی و عزت یک ملت و نیز عدالت و تکیه به مردم - به معنای واقعی کلمه - در سایه احکام اسلام تأمین می‌شود... امروز اسلام می‌تواند ملت‌ها را نجات دهد (بیانات در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، ۸۰/۳/۱۴)؛

۳. هر الگوی ارائه شده باید دو ویژگی را دارا باشد؛ افزایش ثروت ملی و توزیع عادلانه و رفع محرومیت در درون جامعه اسلامی؛

هر روش اقتصادی، هر توصیه و نسخه اقتصادی که این دو پایه را بتواند تأمین کند، معتبر است. هر نسخه‌ای هر چه هم مستند به منابع علی‌الظاهر دینی باشد و نتواند این دو را تأمین کند، اسلامی نیست. یکی از آن دو پایه عبارت است از «افزایش ثروت ملی». کشور اسلامی باید کشور ثروتمندی باشد؛ کشور فقیری نباید باشد؛ باید بتواند با ثروت خود، با قدرت اقتصادی خود، اهداف والای خودش را در سطح بین‌المللی پیش ببرد. پایه دوم، «توزیع عادلانه و رفع محرومیت در درون جامعه اسلامی» است. این دو تا باید تأمین بشود (بیانات در دیدار دست‌اندرکاران اجرای سیاست‌های اصل ۴۴، ۸۵/۱۱/۳۰).

۴. باید ساخت اقتصادی و بنای اقتصادی طوری باشد که بتوان از نیروهای مردم استفاده کرد؛

اقتصاد مقاومتی یعنی این؛ یعنی در داخل کشور، ساخت اقتصادی و بنای اقتصادی جوری باشد که از نیروهای مردم استفاده بشود، کمک واقعی گرفته بشود، برنامه‌ریزی بشود (بیانات در دیدار مردم آذربایجان، ۹۳/۱۱/۲۹). انشاءالله ساخت‌های لازم، کارهای لازم، تلاش‌های لازم برای ایجاد اقتصاد مقاومتی که متکی به مقاومت مردم است به وجود خواهد آمد (بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش، ۹۲/۱۱/۱۹).

بنابراین مطابق فرمایشات رهبری، جهت مشارکت مردم در اقتصاد، نیازمند الگویی هستیم که عملی، قابل فهم و اعتمادبخش باشد، برآمده از آموزه‌های اسلامی باشد، باعث افزایش ثروت و توزیع عادلانه و رفع محرومیت بشود و ناظر به ساخت اقتصادی باشد. اما منظور از ساخت اقتصادی، در اندیشه رهبری چیست؟ رهبری یک بار عبارت ساخت درونی اقتصاد را به کار برده‌اند.^۱ در مواردی هم ذیل موضوع مهم و محوری استحکام ساخت درونی، بحث ساخت اقتصاد را مطرح کرده‌اند.

با تطبیق مطالبی که ایشان برای استحکام ساخت درونی بیان فرموده‌اند، می‌توان ساخت اقتصادی را از منظر ایشان بررسی کرد. مطابق بیانات رهبری، نظام جمهوری اسلامی، یک ساخت حقوقی و یک ساخت حقیقی دارد. ساخت حقوقی شامل قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی، دولت اسلامی و ... است و ساخت حقیقی هم شامل مواردی مثل حفظ ارزش‌ها، سعی برای ایجاد برادری و برابری، اخلاق، ایستادگی در مقابل نفوذ دشمن و ... است. (بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه علم و صنعت، ۸۷/۹/۲۴)

برای نظام اقتصادی هم که در واقع یکی از زیرنظام‌های نظام جمهوری اسلامی است، می‌توان یک ساخت حقوقی و یک ساخت حقیقی در نظر گرفت. در ادامه، این مطلب با عنایت به نقش مردم در اقتصاد بیشتر بررسی می‌شود. ساخت حقوقی شامل ساختار نظام اقتصادی است. مطابق اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ساختار نظام اقتصادی ایران متشکل از سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی است. کدام‌یک از این سه بخش متضمن استفاده از

۱. راه برطرف کردن مشکلات اقتصادی کشور - حالا این بخش از مشکلات - نگاه به بیرون نیست، نگاه به برداشتن تحریم دشمن و مانند اینها نیست. خوشبختانه مسئولین اقتصادی کشور به این معنا توجه کرده‌اند. راه آن این است که به درون نگاه کنند. ساخت درونی اقتصاد را تقویت کنند (بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش، ۹۲/۱۱/۱۹).

نیروهای مردمی است؟ در پاسخ به این سؤال، باید متذکر شد که هر کدام از این بخش‌ها برای پاسخ به یکی از اهداف فعالان اقتصادی تشکیل شده است. همچنین هر بخش در بردارنده اصل رفتاری خاص و نوع مالکیت خاصی است (یوسفی، ۱۳۹۴).

بخش دولتی با هدف پیگیری منافع عمومی، بخش خصوصی با هدف پیگیری منافع مادی شخصی و بخش تعاونی با هدف پیگیری منافع مادی خود و دیگران تشکیل شده است. در بخش خصوصی، مطابق با هدف تشکیل آن، منابع، ابزار، مدیریت فرآیند و محصول تولید از آن سرمایه و صاحبان آن است. بنابراین به معنای واقعی کلمه نمی‌تواند تجلی بخش مشارکت مردم در اقتصاد باشد. رهبری در مورد ورود مدیریت و سرمایه مردم به بخش صنعت می‌فرمایند:

بخش صنعت را باید با تدبیر، مدیریت و امکان دادن و میدان دادن به سرمایه‌های مردم که بتوانند در بخش صنعت سرمایه‌گذاری کنند پیش برد (بیانات در دیدار مسئولان وزارتخانه‌های صنایع و بازرگانی، ۸۰/۴/۱۰).

ولی در بخش تعاون که اصول خاصی دارد، این سرمایه نیست که تعیین‌کننده میزان اثر در مدیریت فرآیند و محصول است، بلکه در واقع هر نفر یک رأی دارد. البته لازم به ذکر است هر سه بخش مورد تأیید آموزه‌های اسلامی است و با توجه به عملکردشان، نقش و جایگاه خاصی در نظام اقتصادی اسلام دارند. با این توضیح، دلیل اهمیت سیاست‌های اصل ۴۴ در اقتصاد مقاومتی مشخص می‌شود. همان‌طور که بیان شد، روح و اصل سیاست‌های کلی اصل ۴۴ نیز مشارکت مردم در اقتصاد بود. در این سیاست‌ها نیز توجه ویژه‌ای به تعاونی‌ها شده است و یک بخش از سه بخش این سیاست‌ها به تعاونی‌ها اختصاص یافته است. در بند اول سیاست‌های مربوط به تعاونی‌ها آمده است که باید سهم تعاونی‌ها در اقتصاد کشور تا پایان برنامه پنجم توسعه به ۲۵ درصد برسد.

اما ساخت حقیقی اقتصاد، تقریباً مشابه ساخت حقیقی نظام ولی در جهت

اقتصادی است. رهبری در یک مورد از ساخت حقیقی اقتصاد صحبت به میان آورده‌اند:

از لحاظ ساخت و ارتباطات اجتماعی مردم در زمینه اقتصاد ... ارتباط مردم با یکدیگر، باید ارتباطات سالم، قوی و نشان‌دهنده پیشرفت و شکوفایی باشد. باید استعدادها در آن جامعه بشکفتد. همه انسان‌ها بتوانند در آن با توان خدادادی خود در پیشبرد اهداف زندگی، به یکدیگر کمک و با هم همکاری کنند. در آن جامعه باید عدالت اجتماعی باشد. عدالت به معنای یکسان بودن همه برخوردارها نیست؛ به معنای یکسان بودن فرصت‌هاست؛ یکسان بودن حقوق است. همه باید بتوانند از فرصت‌های حرکت و پیشرفت بهره‌مند شوند (بیانات در دیدار مردم شاهرود، ۲۰/۰۸/۱۳۸۵).

بنابراین مواردی مثل ارتباطات مردم با یکدیگر، اخلاق اقتصادی، روح تعاون و همکاری، عدالت اجتماعی و ... جزء ساخت حقیقی نظام اقتصادی هستند. مطابق فرمایش رهبری، ساخت حقوقی، در حکم جسم و قالب و ساخت حقیقی در حکم روح نظام اسلامی است (بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه علم و صنعت، ۸۷/۹/۲۴). همین امر در ساخت نظام اقتصادی هم درست است. بدون ساخت حقیقی مناسب، ساخت حقوقی نظام اقتصادی، چندان کارآمد نخواهد بود. به عنوان نمونه، اگر به لحاظ ساختاری، بخش تعاون به طور مناسب سامان یافته باشد ولی روح تعاون و همکاری در آن بخش نهاده نشده باشد، نتایجی که از این بخش اقتصاد انتظار می‌رود محقق نخواهد شد. نکته‌ای که وجود دارد این است که ساخت حقوقی نظام اقتصادی باید طوری سامان یابد که عوامل ایجاد و استمرار امور سازنده ساخت حقیقی نظام اقتصادی را در خود نهاده کند. به عبارت دیگر باید ساخت حقوقی، بستر مناسبی را جهت ایجاد و استمرار ساخت حقیقی به وجود آورد.

همان‌طور که ذکر شد، با توجه به ساخت حقوقی نظام اقتصادی، بخش تعاون بیشترین سهم را در مشارکت مردم در اقتصاد دارد. بنابراین جهت تحقق حقیقی

مشارکت مردم در اقتصاد، باید با استفاده از ظرفیت این بخش، الگوهایی طراحی شود که نه تنها ویژگی‌های یاد شده را دارا باشند، بلکه بستر ایجاد و استمرار ساخت حقیقی را نیز فراهم آوردند. در واقع در درون این الگوها مواردی مثل ارتباطات مردم با یکدیگر، اخلاق اقتصادی، روح تعاون و همکاری، عدالت اجتماعی و ... که جزء ساخت حقیقی نظام اقتصادی هستند، شکل گیرد و نهادینه شود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مردمی کردن اقتصاد یکی از اولویت‌های اقتصادی ایران است. در این پژوهش ضرورت‌ها و آسیب‌های این امر از دیدگاه رهبری بررسی شد. مواردی مثل تأکید معارف اسلامی، تجربه موفق تاریخی، عدم تحقق آنچه مورد انتظار است بدون مشارکت مردم و لزوم استفاده از همه ظرفیت‌ها را می‌توان به عنوان ضرورت‌هایی برای مشارکت مردم در اقتصاد در اندیشه رهبری در نظر گرفت. البته این امر آسیب‌هایی مثل نادیده گرفتن عدالت اجتماعی، عدم اعتقاد حقیقی به مردم و ترجیح منافع خواص به منافع عامه مردم را هم در بر دارد.

سیاست‌هایی نیز برای تحقق مشارکت مردم در اقتصاد وجود دارد؛ به عنوان نمونه سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و همچنین بخشی از سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به این امر پرداخته‌اند. اما روح سیاست‌های اصل ۴۴ که مشارکت سرمایه و مدیریت مردم در اقتصاد بود محقق نشده است. جهت تحقق این امر از دیدگاه رهبری، باید چهار نکته را مدنظر قرار داد: مشارکت مردم در اقتصاد نیازمند الگویی است که عملی، قابل فهم و اعتمادبخش باشد، ارائه هر راهکاری باید در چارچوب آموزه‌های اسلامی باشد، هر الگوی ارائه‌شده باید دو ویژگی را داشته باشد: افزایش ثروت ملی و توزیع عادلانه و رفع محرومیت در درون جامعه اسلامی.

کرد. نظام اقتصادی دارای یک ساخت حقوقی و یک ساخت حقیقی است. در مورد ساخت حقوقی، بیشترین بخشی که موجب تحقق مشارکت مردم در اقتصاد می‌شود، بخش تعاون است؛ اما ساخت حقوقی بدون ساخت حقیقی مناسب، کارآمد نیست. بنابراین ساخت حقوقی نظام اقتصادی باید طوری سامان یابد که عوامل ایجاد و استمرار امور سازنده ساخت حقیقی نظام اقتصادی را در خود نهادینه کند. به عبارت دیگر باید ساخت حقوقی، بستر مناسبی را جهت ایجاد و استمرار ساخت حقیقی به وجود آورد.

همان‌طور که ذکر شد، با توجه به ساخت حقوقی نظام اقتصادی، بخش تعاون بیشترین سهم را در مشارکت مردم در اقتصاد دارد. بنابراین جهت تحقق حقیقی مشارکت مردم در اقتصاد، باید با استفاده از ظرفیت این بخش، الگوهای طراحی شود که نه تنها ویژگی‌های یاد شده را داشته باشند، بلکه بستر ایجاد و استمرار ساخت حقیقی را نیز فراهم آورند.

منابع

۱. بیانات در تاریخ ۶۳/۱۰/۷، به نقل از کتاب ولایت و حکومت، مرکز صها، تهران: موسسه ایمان جهادی.
۲. بیانات در تاریخ ۶۴/۱۱/۱۰، به نقل از کتاب ولایت و حکومت، مرکز صها، تهران: موسسه ایمان جهادی.
۳. بیانات در دیدار با ائمه جمعه سراسر کشور، ۶۹/۳/۷.
۴. بیانات در دیدار رئیس جمهور و هیأت وزیران، ۷۵/۶/۸.
۵. بیانات در اجتماع بزرگ عزاداران در صحن مطهر امام خمینی(ره)، ۷۹/۳/۱۴.
۶. بیانات در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی(ره)، ۸۰/۳/۱۴.
۷. بیانات در دیدار مسئولان وزارتخانه‌های صنایع و بازرگانی، ۸۰/۴/۱۰.
۸. بیانات در دیدار مردم شاهرود، ۲۰/۰۸/۱۳۸۵.
۹. بیانات در دیدار مسئولان اقتصادی و دست‌اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، ۸۵/۱۱/۳۰.
۱۰. بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه علم و صنعت، ۸۷/۹/۲۴.
۱۱. بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت، ۸۹/۶/۸.
۱۲. بیانات در حرم مطهر رضوی در آغاز سال، ۹۰/۱/۱.
۱۳. بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه، ۹۰/۷/۲۰.
۱۴. بیانات در جمع خانواده‌های شهدا و ایثارگران کرمانشاه، ۹۰/۷/۲۱.
۱۵. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۹۱/۵/۳.
۱۶. بیانات در دیدار جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکت‌های دانش‌بنیان، ۹۱/۵/۸.
۱۷. بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیأت دولت، ۹۱/۶/۲.
۱۸. بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش، ۹۲/۱۱/۱۹.

۱۹. بیانات در جلسه سران قوا در حضور رهبر انقلاب، ۹۲/۱۲/۶.
۲۰. بیانات در حرم مطهر رضوی، ۹۳/۱/۱.
۲۱. بیانات در دیدار مردم آذربایجان، ۹۳/۱۱/۲۹.
۲۲. بیانات در دیدار مردم تبریز، ۹۳/۱۱/۲۹.
۲۳. سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی، ۹۲/۱۱/۳۰.
۲۴. میرمحمدی، محمد و منصوره عباسی (۱۳۸۸)، *چالش‌ها و الزامات خصوصی سازی و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی*، تهران: موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.
۲۵. نصیری اقدام، علی و محسن فاتحی‌زاده (۱۳۹۰)، «سهم بخش خصوصی و بخش عمومی از واگذاری شرکت‌های دولتی»، *جستارهای اقتصادی ایران*، س ۸، ش ۱۶.
۲۶. یوسفی، احمدعلی (۱۳۹۴)، *اقتصاد تعاونی از منظر اسلام*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

اقتصاد مقاومتی؛ تضمین کننده امنیت اقتصادی کشور

تاریخ دریافت: ۹۴/۹/۲۶

تاریخ پذیرش: ۹۵/۳/۲۸

محمدجمال خلیلیان اشکذری*

چکیده

امنیت اقتصادی یکی از شرایط اساسی رشد و توسعه هر کشور است؛ به طوری که بدون آن سرمایه گذاری و فعالیت اقتصادی شکل نمی گیرد. برای یک فرد نیز امنیت اقتصادی به معنای اطمینان از وجود شرایط مناسبی است که او بتواند نیازهای حیاتی و ضروری خود را به راحتی تهیه کند و نسبت به تأمین آنها نگرانی نداشته باشد. بدیهی است تنها در چنین وضعیتی یک فرد می تواند رفاه نسبی همراه با آرامش داشته باشد.

پرسش اصلی مقاله این است که در شرایط کنونی کشور ایران چگونه می توان به هدف امنیت اقتصادی دست یافت؟ پاسخ آن است که تنها اقتصاد مقاومتی می تواند تأمین کننده امنیت اقتصادی کشور باشد؛ زیرا اقتصاد مقاومتی، درونزا و بروننگر است و با بها دادن و استفاده از نیروها، منابع و استعدادهای داخلی مسیر رشد اقتصادی و پیشرفت جامعه را طی می کند؛ از این رو می تواند امنیت اقتصادی جامعه را در بالاترین سطح تأمین کند.

* دانشیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)؛ (m_khalil411@yahoo.com)

در این مقاله رابطه دو مؤلفه یاد شده با توجه به الزامات اقتصاد مقاومتی در بخش‌های دولتی و مردمی تبیین می‌شود. البته تبیین همه الزامات امکان‌پذیر نیست؛ بلکه در مورد آن دسته از الزامات مؤثر بر امنیت اقتصادی، بحث خواهد شد.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، امنیت اقتصادی، تحریم، سرمایه‌گذاری و تضمین.

طبقه بندی JEL: H56, F50, Z12.

۱. مقدمه

پس از انقلاب اسلامی، کشور ایران با تحریم‌های گوناگون و متعددی مواجه بوده که در عرصه نظر و عمل، نظیر نداشته است. از این‌رو اندیشمندان و مسئولان نظام اسلامی، باید با نوآوری و نظریه‌پردازی، آثار زیان‌بار تحریم‌ها را به حداقل برسانند. یکی از راهکارهای این موضوع، نظریه اقتصاد مقاومتی ارائه شده از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی است. در صحنه تجربه و عمل، برای تحقق اقتصاد مقاومتی نیاز به ترویج فرهنگ مقاومت به ویژه فرهنگ اقتصاد مقاومتی در سطح جامعه از سوی نخبگان علمی و دینی است. تحقق این امر نیز مستلزم تدارک زمینه‌های فرهنگی مرتبط و هماهنگ با اقتصاد مقاومتی می‌باشد. از طرف دیگر، ریسک یا خطر احتمالی عاملی مؤثر بر میزان سرمایه‌گذاری و تولید یک کشور می‌باشد و بدیهی است که دولت باید شرایطی فراهم کند که در مسیر رشد و توسعه کشور، ریسک فعالیت‌های اقتصادی به حداقل برسد؛ زیرا سرمایه‌گذار باید از آینده سرمایه‌گذاری مطمئن باشد و احساس کند قوانین روشن، محکم و پایدار برای پاسداری از سرمایه‌اش وجود دارد.

در این راستا دستیابی به یک نظام قانونی و ارزشی برای برقراری امنیت اقتصادی، لازم و ضروری است؛ یعنی همان‌طور که یک کارگر مبتکر و خلاق موقعیت و منزلت اجتماعی دارد، یک سرمایه‌گذار هم باید از حمایت قانونی و موقعیت مناسب اجتماعی برخوردار باشد، در غیر این صورت سرمایه‌گذاری به جهتی سوق داده می‌شود که با فعالیت‌های سالم اقتصادی مغایرت و با مسیر و

مجرای مورد نیاز توسعه تضاد پیدا می‌کند. برای پیش‌بینی رفتارهای اقتصادی و در نتیجه کاهش هزینه‌های دستیابی به عوامل تولید، حرکت‌های اقتصادی باید نظام‌یافته و قانونمند باشند؛ به طوری که درک و پیش‌بینی آنچه اتفاق خواهد افتاد، تا حد زیادی امکان‌پذیر شود.

بنابراین در کنار تدارک سود مادی، باید شرایطی فراهم شود که سرمایه‌گذار از وجهه معنوی هم برخوردار شود؛ در چنین شرایطی است که انسان‌های خلاق، سازنده و متعهد پرورش می‌یابند و فعالیتها در مسیر توسعه و حمایت از تولید ملی متمرکز می‌شود. بنابراین سؤال اصلی مقاله این است که در شرایط کنونی کشور ایران چگونه می‌توان به هدف امنیت اقتصادی رسید؟ پاسخ آن است که تنها اقتصاد مقاومتی می‌تواند امنیت اقتصادی کشور را تأمین کند؛ زیرا درون‌زا بودن یک اقتصاد که از ویژگی‌های بارز اقتصاد مقاومتی است، موجب اتکای بر منابع و نیروهای داخلی کشور می‌شود و این امر اقتصاد جامعه را از نوسانات خارجی و تکانه‌های بیرونی مصون می‌دارد و به آن ثبات و امنیت می‌بخشد.

۲. پیشینه موضوع

اقتصاد مقاومتی را برای نخستین بار رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مطرح و پس از آن نیز در سخنرانی‌های متعدد بعدی، ضرورت‌ها، اهداف و مؤلفه‌های آن را تبیین کردند (بیانات در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور، ۱۳۸۹/۶/۱۶). از این‌رو موضوع، جدید است هر چند در سال‌های اخیر کتاب‌ها و مقاله‌هایی در خصوص آن نوشته شده است. ولی موضوع امنیت اقتصادی در کنار امنیت سیاسی، در مباحث اقتصاد متعارف فراوان بررسی شده است. برای نمونه دهقان و عزتی (۱۳۸۷) عوامل و متغیرهای امنیت اقتصادی در

ایران و راه‌های اندازه‌گیری آن را بحث کرده‌اند و جهانیان (۱۳۸۷) نیز این موضوع را از دیدگاه امام علی (ع) بررسی کرده است؛ اما رابطه این دو موضوع و اینکه چگونه اقتصاد مقاومتی امنیت اقتصادی جامعه را تضمین می‌کند، موضوع جدیدی است که در این مقاله بررسی و تبیین می‌شود.

۳. مفاهیم و تعاریف

الف - اقتصاد مقاومتی: آموزه‌های اسلامی بر عزت و استقلال جامعه اسلامی تأکید خاصی دارند و با هرگونه سلطه بیگانگان بر مسلمانان، مخالف هستند.^۱ اسلام، مسلمانان را به کسب اقتدار سیاسی، فرهنگی و اقتصادی فرمان می‌دهد و استفاده از ابزار لازم را برای برتری بر دشمنان، وظیفه مسلمانان می‌داند.^۲ مشخص است که کسب اقتدار، بدون اتخاذ راهبرد مقاومت امکان‌پذیر نمی‌باشد.

مقاومت از ریشه «قوم» و از باب مفاعله است و مفاهیمی مانند قوام، قیام، استقامت، مستقیم و قیمت، هم از این ماده اشتقاق یافته‌اند.^۳ استعمال صفت مقاومتی برای اقتصاد، دلالت بر حالتی از اقتصاد می‌کند که از درون دارای قوام و استحکام باشد و در مواجهه با عوامل تهدیدزای خارجی نیز بتواند قوام و پایداری خود را حفظ کند.

گفتنی است که واژه اقتصاد مقاومتی در ادبیات اقتصادی جهان به کار نرفته است و مباحثی مانند انعطاف‌پذیری^۴، شکنندگی^۵، تاب‌آوری^۶، ریاضت و

۱. وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا (نساء: ۱۴۱).

۲. وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ ... (انفال: ۶۰).

۳. والقوام، بالكسر: نظام الأمر وعماده وملاكه الذي يقوم به. (الزبيدي، ۲۰۰۸، ص ۵۹۴).

4. resilience Economic.

5. fragility.

6. Resilience.

بازدارندگی اقتصادی^۱ هر چند از جهاتی به اقتصاد مقاومتی نزدیک هستند، اما از جهات متعددی نیز متمایز از آن می‌باشند. برخی اقتصاد مقاومتی و ریاضت اقتصادی را یکی می‌دانند و یا تصور می‌کنند اقتصاد ریاضتی یکی از شاخه‌های اقتصاد مقاومتی است؛ در حالی که این دو اصطلاح کاملاً متفاوت هستند و هیچ ارتباطی با یکدیگر ندارند. در واقع ریاضت اقتصادی به طرحی گفته می‌شود که دولت‌ها برای کاهش هزینه‌ها و رفع کسری بودجه، برخی خدمات و مزایای عمومی را کاهش یا حذف می‌کنند یا میزان مالیات، وام و کمک‌های خارجی را افزایش می‌دهند.

اما اقتصاد مقاومتی به دنبال آن الگوی اقتصادی است که هم اسلامی باشد و هم بتواند کشور را به جایگاه اقتصادی اول منطقه برساند؛ اقتصادی که برای کشورهای اسلامی الگویی برتر ارائه دهد و چنان کارآمدی داشته باشد که «تمدن بزرگ اسلامی» را احیا کند.

گفتنی است گرچه اقتصاد مقاومتی در حال حاضر راهی اساسی برای مقابله با توطئه و نقشه دشمن در شرایط تحریم و فشارهای اقتصادی است؛ اما در واقع استراتژی بلندمدت نظام جمهوری اسلامی جهت تحقق اقتصاد اسلامی نیز می‌باشد؛ زیرا درون‌زا بودن و اتکای بر منابع و نیروهای داخلی کشور از ویژگی‌های بارز آن است که الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت نیز بدون آن قابل تدوین نیست.

در تعریف اقتصاد مقاومتی می‌توان گفت: «اقتصاد مقاومتی نوعی راهبرد بلندمدت اقتصادی است که درون‌زا و برون‌نگر بوده و در برابر آسیب‌های درونی و بیرونی به اقتصاد، پایداری می‌بخشد و موجب رشد و شکوفایی اقتصادی کشور شده و جامعه اسلامی را به عزت، اقتدار و استقلال کامل می‌رساند.»

از این‌رو جامعه اسلامی در صورتی دارای اقتصاد مقاومتی است که نخست، در ساخت درونی خودش برخوردار از قوام باشد و دوم، در مقابل تهدیدهای بیرونی نیز قدرت ایستادگی و پایداری داشته باشد. بر این اساس بهترین تعریف را خود مقام معظم رهبری به این صورت بیان فرموده‌اند:

«اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که به یک ملت امکان می‌دهد و اجازه می‌دهد که حتی در شرایط فشار هم رشد و شکوفایی خودشان را داشته باشند؛ یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید می‌تواند تضمین‌کننده رشد و شکوفایی یک کشور باشد...» (بیانات در دیدار دانشجویان، ۱۳۹۱/۵/۱۶).

اقتصاد مقاومتی با اتکای به منابع و نیروهای داخلی، رشد پایدار کشور را تضمین می‌کند و با پیگیری الزامات تحقق آن چون مبارزه با مفاسد اقتصادی، برقراری عدالت در جامعه تسهیل می‌شود و در چنین شرایطی امنیت اقتصادی جامعه ارتقا می‌یابد.

ب- امنیت اقتصادی: امنیت اقتصادی وجود یک وضعیت مطلوب اقتصادی است که در آن با برقراری نظم بین عوامل اساسی، تهیه نیازمندی‌های معیشتی انسان یعنی منابع اولیه تولید، توزیع کار و درآمد اعضای جامعه، به طوری که نیازهای ضروری آنها تأمین شود و آنها از فقدان و یا حتی از احتمال فقدان آنها احساس خطر نکنند و آرامش و آسایش آنها سلب نشود (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵، ص ۳۷).

از این‌رو اصل ۳ و ۴۳ قانون اساسی، دولت را موظف به پی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه، رفع فقر و زدودن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت، تعمیم بیمه، تأمین خودکفایی در علوم و فنون و صنعت و کشاورزی کرده است.

در نگرش اسلامی، افزون بر تعاریف مطرح از امنیت اقتصادی، امنیت مزبور به این معنا نیز است که مردم در اموال و بازارشان امنیت داشته باشند؛ این معنا به خوبی از کلام امام علی (ع) در نامه ۵۳ نهج البلاغه استفاده می‌شود، آنجا که در عهدنامه خود به مالک اشتر می‌فرماید (حر عاملی، ۱۴۰۱، ج ۱۷، ص ۴۲۸):

«...وَلْيَكُنَّ الْبَيْعُ بَيْعًا سَمَحًا بِمَوَازِينِ عَدْلٍ وَاسْعَارٍ لَا يُجْحَفُ بِالْفَرِيقَيْنِ مِنَ الْبَائِعِ وَالْمُبْتَاعِ؛ وضعیت بازار اسلامی باید به گونه‌ای باشد که معاملات به آسانی، همراه با موازین عادلانه با نرخ‌هایی که در حق هیچ‌یک از فروشندگان و خریداران اجحاف نشود، انجام گیرد.»

آری با تحقق چنین شرایطی در بازار اسلامی، هم مبادله‌کنندگان در امنیت هستند و هم برای اموال و سرمایه‌های آنها امنیت وجود دارد. گفتنی است امنیت اقتصادی فقط مخصوص سرمایه‌گذار و تولیدکننده نیست؛ بلکه مردم به عنوان مصرف‌کننده نیز باید امنیت اقتصادی داشته باشند. مشخص است که با وجود احتکار و نوسان قیمت‌ها مردم نسبت به آینده اقتصادی خود نگرانی خواهند داشت. این مطلب نیز در مقاله تبیین خواهد شد که ارتقای امنیت اقتصادی جامعه از نتایج تحقق اقتصاد مقاومتی است.

امنیت اقتصادی در دو سطح فرد و جامعه قابل طرح است: برای تحقق امنیت اقتصادی در سطح اول باید وضع معیشتی هر فرد به گونه‌ای باشد که نیازمندی‌های زندگی را به آسانی تهیه کند و نگران تأمین آنها در آینده نیز نباشد و اما در سطح جامعه امنیت اقتصادی به وضعیتی گفته می‌شود که در آن، واحدهای تولیدی بتوانند بدون نگرانی از خطرهای محیطی، برنامه‌ریزی بلندمدت کنند و از سرمایه‌گذاری با اهداف بلندنگر ترس و واهمه‌ای نداشته باشند (شاهین، ۱۳۷۸، ص ۸-۱۱)؛ به عبارت جامع‌تر امنیت اقتصادی عبارت است از «چارچوبی متشکل از نهادهای کارآمد (مالی، قضایی، اداری و

اجتماعی)، قوانین و مقررات شفاف و باثبات و سیاست‌گذاری مناسب دولت که بستر لازم را برای رشد پایدار اقتصادی، توسعه سرمایه‌گذاری و کاهش نگرانی و عدم اطمینان نسبت به آینده تا سطح قابل تحمل برای فعالان اقتصادی فراهم می‌کند (دهقان و عزتی، ۱۳۸۷، ص ۲۵).

با توجه به مباحث پیشین ریسک یا خطر احتمالی بر میزان سرمایه‌گذاری و تولید یک کشور مؤثر می‌باشد و بدیهی است که شرایط باید به گونه‌ای باشد که در مسیر رشد و توسعه، ریسک فعالیت‌های اقتصادی به حداقل برسد. در ادامه این مطلب دنبال می‌شود که با تبیین الزامات اقتصاد مقاومتی اثبات شود که در شرایط کنونی، تحقق اقتصاد مقاومتی می‌تواند امنیت اقتصادی کشور را تأمین کند.

۴. الزامات تحقق اقتصاد مقاومتی

یکی از راه‌های بررسی رابطه بین اقتصاد مقاومتی و امنیت اقتصادی و اثبات این مطلب که راه رسیدن به امنیت اقتصادی در شرایط فعلی کشور تحقق اقتصاد مقاومتی است، توجه به الزامات این اقتصاد می‌باشد. الزامات یادشده را می‌توان در دو بخش دولتی و مردمی طبقه‌بندی کرد:

۴-۱- الزامات بخش دولتی

خلاصه مهم‌ترین این الزامات که هر یک به نوعی تأمین‌کننده امنیت اقتصادی جامعه نیز می‌باشد، عبارت است از:

الف. اتکای بر تولید داخلی و استفاده از تمامی ظرفیت کشور؛ ب. مردم‌محوری (با سیاست‌گذاری، نظارت و هدایت دولت)؛ ج. ثبات قوانین، مقررات و تصمیم‌گیری‌ها؛ د. مبارزه با مفاسد اقتصادی (ر.ک به: بیانات مقام

معظم رهبری در حرم مطهر رضوی، تاریخ ۱۳۹۳/۱/۱؛ هر پشتیبانی دولت از تولید صنعتی و کشاورزی داخلی؛ و. ثبات در تأمین ارز واحدهای تولیدی؛ ز. توجه و کنترل میزان نقدینگی در اقتصاد (تناسب رشد نقدینگی با تولید داخلی)؛ ح. اجرای برنامه‌های بلندمدت برای کاهش وابستگی به نفت؛ ط. استفاده صحیح و بهینه از وجوه صندوق توسعه ملی؛ ی. به‌روز کردن آمار و اطلاعات اقتصادی کشور.

در ادامه با توجه به موضوع مقاله، موارد اول تا چهارم که در شرایط فعلی کشور اهمیت بیشتری دارند و نقش بیشتری در تأمین امنیت اقتصادی جامعه دارند، تبیین می‌شوند.

الف. اتکای بر تولید داخلی و استفاده از تمامی ظرفیت کشور

رونق تولید داخلی و کاستن از وارداتی که می‌تواند به افول، کاهش رونق و توقف تولید واحدهای داخلی منجر شود، استقلال اقتصادی، قطع وابستگی به خارج و ارتقای تکنولوژی را به دنبال دارد. برای شکوفایی اقتصاد داخلی و رفع نیازهای مردم، به‌طوری‌که وابستگی را به دنبال نداشته باشد، ناچار باید از محصولات داخلی استفاده کرد. اکنون که هدف مقاومت در برابر فشارهای تحمیلی کشورهای سلطه‌گر است، باید با اتکای به خودباوری و ظرفیت موجود، تولید فرآورده‌های کشاورزی و صنعتی را افزایش داد و از ورود کالاهای مشابه جلوگیری کرد تا سطح اشتغال در کشور ارتقا یابد و ارز از کشور خارج نشود.

بنابراین مهم‌ترین و اساسی‌ترین رکن تحقق اقتصاد مقاومتی اتکای بر تولید داخلی و تقویت آن است؛ زیرا رسیدن به رشد و رونق اقتصادی و مقابله با دو مشکل اساسی در اقتصاد ایران و بسیاری از کشورها یعنی بیکاری و تورم تنها در سایه اهتمام به کمیت و کیفیت تولید داخلی امکان‌پذیر است. بدیهی است

رفع این دو مشکل نقش زیادی در تأمین امنیت اقتصادی در هر دو سطح فردی و جمعی دارد.

افزایش کیفیت محصولات داخلی اولین گام برای ایجاد و گسترش بازار برای تولیدکنندگان است و راه رونق کسب‌وکار و تولید، داشتن بازارهای باثبات است نه فقط تزریق نقدینگی در قالب تسهیلات و یا کمک‌های نقدی؛ زیرا این کمک‌ها مانند مُسکن هستند و مشکل را درمان نمی‌کنند. (ایروانی، مصاحبه در سایت khamenei.ir) به هر حال، دولت به عنوان نهاد برنامه‌ریز و ناظر می‌تواند برای تقویت تولید داخلی، به عنوان ستون فقرات اقتصاد مقاومتی و داشتن اقتصادی درون‌زا و برون‌گرا، نقش مهمی داشته باشد. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند:

«تولید داخلی اگر بخواهد رونق پیدا بکند، یقیناً باید، هم به آن کمک تزریق بشود، هم از چیزهایی که مانع رشد آن است جلوگیری بشود، هم برای محصولات، بازار به وجود بیاید، هم واردات محصولات مشابه به یک نحوی کنترل بشود ... گفتیم اقتصاد ما درون‌زا و برون‌گراست؛ ما از درون باید رشد کنیم و بجوشیم و افزایش پیدا کنیم، اما بایستی نگاه به بیرون داشته باشیم؛ بازارهای جهانی متعلق به ماست، باید بتوانیم با همّت خود و با ابتکار خود، در این بازارها حضور پیدا کنیم و این حضور بدون حمایت دولت امکان‌پذیر نیست؛ که البته بخش‌های مختلف دولتی در این زمینه می‌توانند سهم داشته باشند» (بیانات در جمع گروه صنعتی مپنا، ۹۳/۲/۱۰).

ب. مردمی کردن اقتصاد

مردم اصلی‌ترین سرمایه نظام اسلامی هستند. نظام در طول سال‌های گذشته در عرصه‌های سیاسی توانسته است با استفاده از این ظرفیت، بسیاری از مسائل و مشکلات را حل کند؛ اما در عرصه اقتصاد آن‌گونه که باید، از ظرفیت مردم برای

تولید و رشد کشور استفاده نشده است. اکنون دولت در ایران بزرگ‌ترین مالک و سرمایه‌دار ریالی و ارزی است. دولت، میلیون‌ها هکتار زمین، باغ، ملک، مستغلات، مرتع و جنگل در تملک خود دارد و تمامی منابع زیر زمینی مانند نفت، گاز، سنگ آهن، مس و طلا متعلق به آن است. دولت درآمدهای نفتی میلیاردی را دریافت می‌کند و هواپیماها، کشتی‌های باری، نفتکش‌ها، قطار و هزاران کارخانه، سازمان، بنیاد، بنگاه، شرکت و مؤسسه را در مالکیت و تصدی خود دارد. مهم‌تر از همه، دولت دستگاه چاپ اسکناس و یک شبکه بانکی که پس‌اندازهای مردم را جمع می‌کند، در اختیار و کنترل خود دارد.

بنابراین دولت در ایران تنها منبع اصلی هرگونه سرمایه‌گذاری است. از طرف دیگر، بزرگ‌ترین متصدی و کارفرما نیز هست و هر ماه به کارکنان خود حقوق می‌دهد. نان، آب، برق، مدرسه و بهداشت مردم را تأمین می‌کند و تقریباً فعالیتی وجود ندارد که زیر نظر و کنترل دولت نباشد. همه اینها بر دولتی بودن شدید و گسترده اقتصاد ایران با تمامی عیوب و نقص‌هایی که بر مدیریت دولتی وارد است دلالت دارد.

در چنین شرایطی اگر بتوان اقتصاد کشور را بر پایه مشارکت حداکثری مردم شکل داد، از حیث مقابله با تهدیدها و اثرپذیری از آنها مقاوم خواهد شد؛ زیرا تمامی مکاتب اقتصادی بر این باورند که رفتار انسان عقلایی است و اغلب اقدامات خود را بر اساس بیشینه کردن سود و مطلوبیت خویش تنظیم می‌کند. در نتیجه تحقق موفق هر برنامه اقتصادی تنها با همراهی مردم امکان‌پذیر است؛ زیرا با هماهنگی و همکاری آنها کارها سریع‌تر، آسان‌تر و با هزینه کمتری انجام می‌شود. مقام معظم رهبری در دیدار با هیأت دولت در این باره می‌فرمایند:

«اقتصاد مقاومتی شرایطی دارد، ارکانی دارد، یکی از بخشهایش همین تکیه به مردم است؛ همین سیاست‌های اصل ۴۴ با تأکید و اهتمام و دقت و

و سواسِ هرچه بیشتر باید دنبال شود؛ این جزء کارهای اساسی شماست. در بعضی از موارد، من از خود مسئولین کشور می‌شنوم که بخش خصوصی به خاطر کم‌توانی‌اش جلو نمی‌آید. خوب، باید فکری بکنید برای اینکه به بخش خصوصی توانبخشی بشود؛ حالا از طریق بانک‌هاست، از طریق قوانین لازم و مقررات لازم است؛ از هر طریقی که لازم است، کاری کنید که بخش خصوصی، بخش مردمی، فعال شود» (بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیأت دولت، ۹۱/۶/۲).

یکی از عوامل اختلال در امنیت اقتصادی، بزرگ شدن بی‌رویه دولت است. دولت وقتی متورم و بزرگ می‌شود، از جایگاه اصلی‌اش که حفظ امنیت اقتصادی است بیرون می‌رود و به یک تاجر و کارگزار اقتصادی تبدیل می‌شود و همه فعالیت‌های اقتصادی را بر عهده می‌گیرد. این وضع، سبب تداخل دولت با کارگزاری اقتصادی که وظیفه‌اش نیست می‌شود. شرایط ذکر شده با فشارهای اقتصادی داخلی و خارجی و محدودیت منابع شدت می‌گیرد و به دلیل افزایش نامعقول بخش کارگزاری دولت، در امنیت اقتصادی اختلال به وجود می‌آید و این امر به تشدید رکود اقتصادی می‌انجامد.

گفتنی است که در اینجا کارگزاری دولت به معنای عامل اقتصادی بودن آن است و نه واسطه بودن دولت. کمال مطلوب آن است که دولت بر جایگاه واقعی خود بنشیند، برقراری و حفظ امنیت اقتصادی را بر عهده گیرد و کارگزاری اقتصادی را به ملت واگذار کند. به جرأت می‌توان گفت که کوچک کردن دولت بدون کسر ابعاد نظارتی آن، اصلی‌ترین راه دستیابی به امنیت اقتصادی است؛ زیرا در چنین شرایطی دولت به وظایف اساسی و مهم خود که یکی از آنها مبارزه با مفاسد اقتصادی است بهتر رسیدگی می‌کند و بر اجرای برابر قانون نسبت به همه افراد جامعه مراقبت می‌نماید.

ج - ثبات قوانین و مقررات

سرمایه‌گذار باید اطمینان حاصل کند که قوانین و قواعدی برای حراست از سرمایه‌های او وجود دارد و مسئولان اقتصادی کشور نیز با تمام امکانات، سعی در اجرای آنها دارند. با این نگرش، وجود قانون یکی از ضرورت‌های برقراری امنیت اقتصادی و یکی از پایه‌ها و ستون‌های اصلی آن است؛ زیرا در روابط اقتصادی تا قانون مشخص و روشنی وجود نداشته باشد، امنیت اقتصادی وجود خارجی نخواهد داشت. قانون باید ویژگی‌هایی داشته باشد تا بتواند استمرار امنیت اقتصادی را تضمین کند.

از جمله ویژگی‌های یاد شده، هویت پایدار قانون است؛ یعنی اینکه مفاد قانون مرتبط با امنیت اقتصادی، هر لحظه و هر روز عوض نشود و حالت پایدار داشته باشد. دیگر اینکه اصول روابط اقتصادی در قوانین مصوب باید روشن و مشخص باشد و بخشنامه‌هایی که درباره آن صادر می‌شود، تکلیف همه مرتبطان با آن را به طور قطعی روشن کند و در عین حال، جای تخلف از مفاد آن را برای فرد باقی نگذارد. تجدید نظرهای مقطعی در قوانین، مقررات و بخشنامه‌های دولتی گویای تهیه و تدوین عجولانه آنهاست.

روشن بودن چشم‌انداز اقتصادی کشور برای فعالان این عرصه یک نقطه کلیدی در ایجاد آرامش، ثبات و امنیت اقتصادی است. اینکه فعالان اطمینان پیدا کنند که در یک دوره بلندمدت، به عنوان مثال سیاست‌های ارزی، نرخ سود و دسترسی به تسهیلات دچار تغییر شدید نخواهد شد، باعث می‌شود که اقتصاد کشور به آرامش و ثبات برسد و امنیت اقتصادی برای سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان افزایش یابد.

د- مبارزه با مفاسد اقتصادی

مبارزه با مفاسد اقتصادی موجب دلگرمی مردم، افزایش سرمایه‌گذاری، تشویق

سرمایه‌داران سالم و رونق بیشتر اقتصاد می‌شود. برخی ممکن است چنین تصور کنند که مبارزه با مفاسد اقتصادی زمینه سرمایه‌گذاری را از بین می‌برد؛ زیرا ممکن است سرمایه‌گذار احساس ناامنی کند و سرمایه‌گذاری نکند. مقام معظم رهبری در جواب این شبهه می‌فرماید:

«چند سال قبل از اینکه من راجع به فساد اقتصادی به سران سه قوه نامه نوشتم و تأکید کردم، بعضی‌ها ترسیدند، گفتند ممکن است سرمایه‌گذار از این هشدارها پا عقب بکشد. من گفتم قضیه بعکس است؛ سرمایه‌گذار - آن کسی که می‌خواهد از طریق سالمی در کشور فعالیت اقتصادی کند - از اینکه ببیند ما با فساد اقتصادی و با مفسد اقتصادی مبارزه می‌کنیم، خوشحال می‌شود. ما باید بتوانیم این مبارزه درست را در سطح قانونی انجام بدهیم. برنامه‌ها، قوانین و مقررات باید جوری باشد که هم کارگر احساس امنیت کند و خاطر جمع باشد، هم سرمایه‌گذار احساس امنیت کند. (مسئله مواجهه درست با اخلال اقتصادی) یکی از اخلال‌های اقتصادی، مسئله قاچاق است. یکی از اخلال‌های اقتصادی، سوءاستفاده‌های گوناگون از سرمایه‌های ملی است؛ از ذخایر متعلق به مردم در بانک‌های کشور است. کسانی با یک نامی از تسهیلات استفاده می‌کنند، اما در جای دیگری مصرف می‌کنند؛ این خیانت است، این دزدی است. گاهی دزدی از کیسه یک نفر است، گاهی دزدی از کیسه یک ملت است؛ این سنگین تر است. با این اخلال‌ها باید مواجهه بشود» (بیانات در اجتماع کارگران کارخانجات تولیدی داروپخش، ۱۳۹۱/۲/۱۴).

در جای دیگر درباره مبارزه با مفاسد اقتصادی و رابطه آن با امنیت اقتصادی چنین می‌فرماید:

«امروز کشور ما تشنه فعالیت اقتصادی سالم و ایجاد اشتغال برای جوانان و سرمایه‌گذاری مطمئن است و این همه، به فضایی نیازمند است که در آن، سرمایه‌گذار و صنعتگر و عنصر فعال در کشاورزی و مبتکر علمی و

جوینده کار و همه قشرها، از صحت و سلامت ارتباطات حکومتی و امانت و صداقت متصدیان امور مالی و اقتصادی مطمئن بوده و احساس امنیت و آرامش کنند؛ اگر دست مفسدان و سوءاستفاده‌کنندگان از امکانات حکومتی قطع نشود و اگر امتیازطلبان و زیاده‌خواهان پرمدعا و انحصارجو، طرد نشوند، سرمایه‌گذار و تولیدکننده و اشتغال‌طلب، همه احساس ناامنی و نومییدی خواهند کرد و کسانی از آنان به استفاده از راه‌های نامشروع و غیرقانونی تشویق خواهند شد» (فرمان ۸ ماده‌ای مبارزه با مفساد اقتصادی ۸۰/۲/۱۰).

۴-۲- الزامات اقتصاد مقاومتی (بخش مردمی)

الزامات مربوط به این بخش که تضمین‌کننده امنیت اقتصادی جامعه می‌باشد به طور خلاصه عبارت است از:

الف. کار، تولید و تلاش جهادی (حضور جهادگونه در عرصه‌های اقتصادی)؛ ب. اهمیت دادن به تولید داخلی و مصرف آن؛ ج. اتقان در تولید از طریق ارتقای کیفیت؛ د. توجه به تولید کالاهای استراتژیک و اساسی؛ ه. قطع واسطه‌های زائد از اقتصاد؛ و. تحکیم پایه‌های ایمانی و فرهنگی؛ ز. نهادینه‌سازی اخلاق تجارت اسلامی؛ ح. دانش‌محوری (بیانات در حرم مطهر رضوی، ۹۳/۱/۱)؛ ط. اصلاح الگوی مصرف.

در ادامه با توجه به موضوع مقاله، موارد اول، ششم و مورد آخر که در شرایط فعلی کشور اهمیت بیشتری دارند و نقش بیشتری در تأمین امنیت اقتصادی جامعه دارند، تبیین می‌شوند.

الف. کار، تولید و تلاش جهادی

مقام معظم رهبری در سال‌های اخیر با عناوین مختلف از جمله نام‌گذاری سال‌ها مانند «همت مضاعف، کار مضاعف»؛ «جهاد اقتصادی»؛ «تولید ملی،

حمایت از کار و سرمایه ایرانی» بر نقش اساسی کار، تولید و اشتغال در حل مشکلات و خنثی کردن نقشه‌های دشمنان تأکید کرده‌اند. از دیدگاه قرآن هرگونه دستاورد بشری در گرو کار و تلاش انسان (اعم از کار فیزیکی و فکری) است «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم: ۳۹).

سیره و سنت پیامبر اکرم (ص) نیز بر این بود که اگر جامعه‌ای بخواهد مستقل و قدرتمند به حیات اجتماعی و سیاسی خود ادامه بدهد، ناچار به اشتغال‌زایی و مبارزه با بیکاری و تن‌پروری است و به همین جهت برای رسیدن به این هدف مهم بر اشتغال‌زایی و فعالیت افراد در جامعه تأکید می‌کردند و خود نیز برای ایجاد کار برای جوانان تلاش می‌فرمودند.

پیامبر اکرم (ص) همیشه به پیروان خود توصیه می‌کردند که «كلوا من كَدَّ أَيْدِيكُمْ، مَنْ أَكَلَ مِنْ كَدِّ يَدِهِ، نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ بِالرَّحْمَةِ، ثُمَّ لَا يُعَذِّبُهُ أَبَدًا؛ از دسترنج خود بخورید و فواید زیادی را برای این کار بیان می‌کردند. از جمله اینکه اگر هر فردی از دسترنج خودش بخورد خداوند متعال با نظر رحمت به او نگاه می‌کند و او را عذاب نمی‌کند» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۱۰۳، باب ۱).

همچنین پیامبر (ص) تأکید فراوان داشتند که «لَا يَسْتَعْنَأُ أَحَدُكُمْ بِالنَّاسِ وَكَلَوْ فِي قَضْمَةٍ مِنْ سِوَاكِ؛ کارهای خود را خود انجام دهید و هرگز از دیگران، به اندازه یک چوب مسواک، کمک نخواهید» (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۲، ص ۳۴۳).

البته می‌توان توصیه‌ها و دستورهای رسول خدا (ص) را که در حوزه فردی بیان کرده‌اند، به حوزه اجتماع و همچنین جامعه اسلامی نیز تعمیم داد و رمز موفقیت جامعه را در این نکته دانست که جامعه‌ای می‌تواند به موفقیت دست پیدا کند و با ابر قدرت‌های دنیا مبارزه کند که تمامی نیازمندی‌های خود را خودش تهیه کند و حتی به اندازه یک چوب مسواک محتاج دیگران نباشد.

در سیره پیامبر(ص) بسیار دیده شده که افرادی فقیر به خدمت پیامبر می‌رسیدند اما حضرت به جای اینکه به آنها کمکی کند، آنها را به کار و تلاش تشویق می‌کرد. رسول خدا بیکاری و تکدی‌گری را ننگی می‌دانست که در قیامت افراد به آن دچار می‌شوند و به همین جهت برای ایجاد کار و تولید ملی در جامعه دو اقدام مهم انجام دادند: اول اینکه سرمایه اولیه‌ای را تهیه و در اختیار افراد جویای کار قرار دادند تا اینکه صاحب کسب و کار شوند؛ دوم اینکه با افراد جویای کار صحبت و سپس آنها را راهنمایی می‌کردند تا بتوانند شغل مناسب و مورد علاقه خود را پیدا کنند.

نقل است یکی از یاران رسول خدا(ص) دچار فقر و محرومیت شده بود. روزی به پیشنهاد همسرش تصمیم گرفت به خدمت آن حضرت برود و با بیان مشکلی که برایش پیش آمده، از رسول خدا(ص) کمک بخواهد. وی با همین نیت به حضور رسول خدا آمد، اما قبل از اینکه سخنی بگوید، حضرت به او فرمود: «هر کس از ما کمکی بخواهد، ما به او کمک می‌کنیم، ولی اگر خود را بی‌نیاز بداند و دست حاجت پیش مخلوقی دراز نکند، خداوند او را بی‌نیاز می‌کند. او با شنیدن این سخن به خانه برگشت. روز دوم و سوم نیز هنگامی که برای گرفتن کمک از رسول خدا(ص) نزد آن حضرت رفت، همین سخنان را از ایشان شنید. این بار احساس کرد به خودش اعتماد و اطمینان بیشتری دارد.

از این‌رو، به سراغ یکی از دوستانش رفت و تیشه‌ای از او به امانت گرفت. سپس به صحرا رفت و مقداری هیزم جمع کرد و فروخت و شب از دسترنج خود مقداری آذوقه تهیه کرد. روز بعد، دوباره کار خود را از سر گرفت و مدتی نگذشت که از همین راه، صاحب سرمایه و ثروت شد. روزی رسول خدا(ص) او را دید و لبخندی زد و فرمود: «نگفتم هر کس از ما کمکی بخواهد، ما به او کمک می‌کنیم، ولی اگر خود را بی‌نیاز بداند و دست

حاجت پیش مخلوقی دراز نکند، خداوند او را بی نیاز خواهد کرد (مطهری، ۱۳۸۸، ص ۶).

بر اساس سیره پیامبر اعظم (ص)، اولین وظیفه مسئولان در جامعه اسلامی برای مقابله با تحریم‌ها، اهمیت دادن به اشتغال و تولید است. سیره عملی پیامبر (ص) بر این بود که از تمام ظرفیت جامعه به خوبی بهره می‌برد تا یک کار به سرانجام برسد و به همین جهت از افراد مختلف برای نهایی شدن کارها استفاده می‌کرد؛ از ثروت حضرت خدیجه (س) گرفته تا درایت امیرالمؤمنین (ع) و همچنین مشورت با افراد متعهد و متخصص از جمله اقدامات پیامبر در این راستا بوده است.

خلاصه آنکه جامعه‌ای می‌تواند به عزت و سربلندی برسد که نخست، استعدادهای درونی خود را کاملاً بشناسد و دوم، با اعتماد به نفس و توکل به خدای متعال از تمام ظرفیت‌های خود در راستای عملی شدن اقتصاد مقاومتی بهره‌برد و با انجام این امور است که طبق وعده خداوند آثار و برکات تلاش و مقاومت ظاهر خواهد شد. بدیهی است در چنین شرایطی امنیت اقتصادی در سطح فردی و جمعی ارتقاء خواهد یافت؛ زیرا افراد، بی نیاز از دیگران و جامعه اسلامی نیز بی‌نیاز از بیگانگان خواهد بود؛ در این صورت جامعه به هنگام تحریم و فشار اقتصادی مجبور به سازش و زیر پا گذاشتن عزت و استقلال نخواهد بود.

ب - تحکیم پایه‌های ایمانی و فرهنگی^۱

در نظریه‌های نوین رشد و توسعه اقتصادی، نقش اساسی عوامل فرهنگی با عناوینی مانند سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی مورد تأکید قرار گرفته است. مقوله فرهنگ

۱. امام خمینی می‌فرماید: راه اصلاح یک مملکت، فرهنگ آن مملکت است. اصلاح باید از فرهنگ شروع شود. دست استعمار توی فرهنگ ما کارهای بزرگ می‌کند، نمی‌گذارد جوان‌های ما مستقل بار بیایند، نمی‌گذارد در دانشگاه جوان‌های ما درست رشد بکنند...، اگر فرهنگ درست بشود یک مملکت اصلاح می‌شود... شما یک فرهنگ مستقل درست کنید (امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۳۹۰).

گستره وسیعی دارد که همه باورها، ارزش‌ها، هنجارها، عادت‌ها، سنت‌ها، آیین‌ها، الگوها، زبان، ادبیات و هنر یک ملت را شامل می‌شود. اما بدون تردید اساسی‌ترین آنها عنصر باورها است. از این رو باور به خدای متعال و ایمان به تحقق وعده‌های الهی و اطاعت از فرمان‌های او مهم‌ترین رکن اقتصاد مقاومتی در یک جامعه اسلامی است. ایمان و انگیزه الهی از طرفی هدف و جهت‌گیری مقاومت را نشان می‌دهد و از طرفی خطوط اصلی نقشه راه را روشن می‌کند و از طرف دیگر نیروی محرک و مقاومت آفرین جامعه برای حرکت به سمت قله‌های پیشرفت است. رسول گرامی اسلام (ص) دعوت خود برای نجات مردم از گرفتاری‌ها و تأمین خوشبختی آنها را فقط با یک جمله آغاز کرد که عبارت بود از «قولوا لا اله الا الله تفلحوا» و قرآن کریم فرمود: «قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَشْئِي وَفُرَادَى (سبا: ۴۶)؛ بگو من فقط به شما یک اندرز می‌دهم که دوتا دوتا و به تنهایی برای خدا به پا خیزید».

قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَفْتَمُوا» (احقاف: ۱۳ و فصلت: ۳۰) این بیان نشان می‌دهد که ایمان به خدای متعال و تحقق وعده‌های او، اولین سنگ زیربنای هر نوع مقاومتی است و تا زمانی که ملت تحقق آرمان‌های خود را در گرو ایجاد رابطه گرم با قدرت‌های غیر الهی ببیند هیچ مقاومتی شکل نخواهد گرفت.

قرآن تأکید می‌کند که هرگاه ایمان در جامعه استقرار یابد و ارکانش استوار شود، برکت‌ها بر انسان فرو می‌بارد و زمین سرچشمه نعمت می‌شود تا آنگاه که وجود انسان از خیر سرشار می‌گردد و جامعه در رفاه و آسایش اقتصادی افزون بر تصور، به سر می‌برد.^۱

۱. «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ» اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم (اعراف: ۹۶).

با افزایش سطح ایمان و تقوا، در جامعه هم انگیزه فعالیت در زمینه‌های مختلف افزایش و از طرف دیگر سطح تخلفات و ناهنجاری‌های اقتصادی و اجتماعی کاهش می‌یابد و با پدید آمدن وضعیت مناسب، امنیت اقتصادی جامعه نیز ارتقاء می‌یابد.

ج - اصلاح الگوی مصرف

مصرف به تولید جهت می‌دهد و این‌دو در کنار هم، جهت سرمایه‌گذاری را مشخص می‌کنند. یکی از مسائل مهم در اقتصاد مقاومتی، مدیریت مصرف است. اسراف و تضييع منابع، یکی از مشکلات مهم و از موانع اساسی رشد و شکوفایی اقتصاد است. در این راستا، نام‌گذاری سالی به نام اصلاح الگوی مصرف و تأکید مداوم رهبری معظم انقلاب بر آن در مناسبت‌های مختلف، از جمله سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، نشان از نقش اساسی اصلاح الگوی مصرف کنونی در مقاوم‌سازی اقتصاد کشور در مقابل مخاطرات داخلی و خارجی است.

بدیهی است با هدر رفت منابع در تولید کالاها و خدمات و یا ریخت و پاش و عدم استفاده بهینه در مصرف آنها انتظار فائق آمدن بر مشکلات حاضر بیهوده خواهد بود. مقام معظم رهبری در زمینه ضرورت اصلاح الگوی مصرف می‌فرماید: «مصرف‌گرایی، جامعه را از پای درمی‌آورد. جامعه‌ای که مصرف آن از تولیدش بیشتر باشد در میدان‌های مختلف شکست خواهد خورد» (بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر، ۱۳۸۱/۹/۱۵).

قرآن کریم یکی از ویژگی‌های امت اسلامی و قوام و پایداری اقتصاد آن را دوری از اسراف و تبذیر در هزینه‌ها می‌داند و می‌فرماید: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (فرقان: ۶۷). از این‌رو اصلاح الگوی مصرف در آیات و روایات با عناوین متعددی از جمله «انفاق، نفقه، مؤونه، قصد، اعتدال، کفاف، اکل، شرب، اسراف، تبذیر، اتراف، اقتار، قناعت و ... مورد توجه قرار گرفته است» (ر. ک به: سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۸۸).

یکی از جلوه‌های مهم اصلاح مصرف کنونی کشور ترجیح مصرف کالاهای داخلی بر کالاهای مشابه خارجی است. مقام معظم رهبری در سال ۹۱ به هنگام دیدار با اعضای هیأت دولت فرمودند: «به مصرف تولیدات داخلی هم اهمیت بدهید. در دستگاه شما، در وزارتخانه شما، اگر کار جدیدی انجام می‌گیرد، اگر چیز جدیدی خریده می‌شود، اگر همین اقلام روزمره‌ای که مورد نیاز وزارتخانه است، تهیه می‌شود، سعی کنید همه‌اش از داخل باشد، اصرار بر این داشته باشید، خود این، یک قلم خیلی بزرگی می‌شود. اصلاً ممنوع کنید و بگویید هیچ کس حق ندارد در این وزارتخانه جنس خارجی مصرف کند» (بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیأت دولت، ۱۳۹۱/۶/۲).

یکی از سندهای تاریخی بسیار الهام‌بخش، برای وضعیت امروز ما بیانیه‌ای است که جمعی از علمای طراز اول اصفهان در یک قرن پیش در زمینه اهتمام به مصرف کالاهای داخلی و خودداری از مصرف مشابه خارجی آن امضا نموده‌اند (ر. ک به: نجفی، ۱۳۷۱، ص ۸۴-۸۵). پر واضح است که وقتی علمای اصفهان در حدود یک قرن پیش اینگونه موضع گرفته‌اند، امروز و در دوران طلایی حکومت اسلامی و در شرایطی که استقلال و عظمت مسلمانان بیش از پیش مورد توجه و اهمیت است، جامه عمل پوشاندن به فرمایش رهبر معظم انقلاب در راستای اقتصاد مقاومتی، آبادانی کشور، عزت اسلامی و ادای وظیفه دینی خواهد بود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با نبودن امنیت و آرامش خاطر، هیچ فعالیتی به شکل دلخواه به ثمر نمی‌نشیند و آثار و نتایج مثبت به بار نمی‌آورد. برقراری و حفظ امنیت اقتصادی نیز بی‌شک به زمینه‌ها و ابزارهایی نیاز دارد که فراهم آوردن آنها جزء اولویت‌های مجموعه

نظام، از دولت گرفته تا قوه مقننه و قضائیه است. واقعیت آن است که بی‌توجهی به مسائل محوری توسعه مثل امنیت اقتصادی، موانع زیادی در مسیر پیشرفت اقتصادی کشور ایجاد خواهد کرد.

مسئله ریسک‌پذیری، موضوعی روشن و ملموس است و همان‌طور که اشاره شد با تحقق الزامات اقتصاد مقاومتی که هشت مورد از آنها در این مقاله تبیین شد، می‌تواند به حداقل برسد؛ زیرا سرمایه‌گذار باید از عاقبت کار و فعالیتش مطمئن باشد و احساس کند قوانین روشن، محکم و پایدار و همین‌طور شرایط مناسب دیگر برای حراست از سرمایه‌اش وجود دارد؛ در غیر این صورت سرمایه‌گذاری به جیتی سوق داده می‌شود که با فعالیت‌های سالم اقتصادی مغایرت خواهد داشت و با مسیر و مجرای مورد نیاز توسعه و پیشرفت کشور در تضاد قرار خواهد گرفت.

در بخش مربوط به الزامات اقتصاد مقاومتی که بر عهده دولت است، اتکای بر تولید داخلی و استفاده از همه ظرفیت‌های کشور، مردمی کردن اقتصاد، برقراری عدالت در توزیع امکانات و مواهب، ثبات قوانین و مقررات مطرح شده و چگونگی ارتقای امنیت اقتصادی کشور با این عوامل تبیین شده است و در بخش مربوط به الزامات اقتصاد مقاومتی که بر عهده مردم است، کار، تولید و تلاش جهادی، تحکیم پایه‌های ایمانی و فرهنگی، مبارزه با مفاسد اقتصادی و اصلاح الگوی مصرف مطرح شده و چگونگی ارتقای امنیت اقتصادی کشور با انجام این فعالیت‌ها توضیح داده شده است.

نتیجه آنکه برای قابل پیش‌بینی کردن رفتارهای اقتصادی و در نتیجه کاهش هزینه‌های دستیابی به عوامل تولید، حرکت‌های اقتصادی باید نظام‌یافته و قانونمند باشند تا جایی که درک و پیش‌بینی آنچه اتفاق خواهد افتاد، امکان‌پذیر شود. در چنین شرایطی انسان‌های خلاق، سازنده و صاحب

شأن و منزلت اجتماعی پرورش می‌یابند و با وجود امنیت اقتصادی همه جانبه، فعالیتهای افراد جامعه بر پیمودن مسیر توسعه و حمایت از تولید ملی کشور متمرکز می‌شود.

منابع

* قرآن کریم

۱. الزبیدی، محمد بن محمد بن عبدالرزاق المرتضی (۲۰۰۸م)، **تاج العروس من جواهر القاموس**، ج ۱۷، کویت: طبعه الکویت.
۲. آمدی التمیمی، عبدالواحد (۱۴۰۷ق)، **غرد الحکم ودرر الکلم**، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، حکمت ۸۶۳ و ۱۴۷۸۹.
۳. اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۵)، **امنیت در نظام سیاسی اسلام**، تهران: کانون اندیشه جوان.
۴. الهندی، حسام‌الدین (۱۴۰۹ق)، **کنز العمال**، ج ۶، بیروت: مؤسسه الرساله.
۵. ایروانی، محمدجواد (بی تا)، **مصاحبه وزیر اقتصاد دوران دفاع مقدس و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام**، سایت khamenei.ir.
۶. حرّ عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۰۱ق)، **وسائل الشیعه**، چ ۸، ج ۱۷، تهران: مکتبه الاسلامیه.
۷. خامنه‌ای، سیدعلی، **بیانات ایشان در دیدار با: جمعی از کارآفرینان سراسر کشور**، ۱۳۸۹/۶/۱۶؛ دانشجویان، ۱۳۹۱/۵/۱۶؛ گروه صنعتی مینا، ۱۳۹۳/۲/۱۰؛ رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۱/۶/۲؛ زائران حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۳/۱/۱؛ کارگران کارخانجات تولیدی داروپخش، ۱۳۹۱/۲/۱۴؛ در خطبه‌های نماز عید فطر، ۱۳۸۱/۹/۱۵.
۸. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۲)، **سیره نبوی**، ج ۱، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
۹. دهقان، محمدعلی و مرتضی عزتی (۱۳۸۷)، **امنیت اقتصادی در ایران**، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

۱۰. سازمان اوقاف و امور خیریه (۱۳۸۸)، حرکت به سوی اصلاح الگوی مصرف در آیات و روایات، تهران: انتشارات سازمان اوقاف و امور خیریه.
۱۱. شاهین، آرش (۱۳۷۸)، «امنیت اقتصادی: زمینه‌ای برای حمایت از تولید ملی»، مجله فرهنگ و تعاون، ش ۱۴.
۱۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۱۳. مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۲)، بحارالانوار، ج ۱۰۳، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۴. مطهری، مرتضی (۱۳۸۸)، داستان راستان، ج ۱، تهران: انتشارات صدرا.
۱۵. خمینی، روح‌الله (۱۳۶۹)، ج ۱، صحیفه نور، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۱۶. نجفی، موسی (۱۳۷۱)، حکم نافذ آقا نجفی: عرفان، مرجعیت و سیاست و فتاوائی از تحریم سیاست غرب در ایران، [بی‌نا].

شاخص عدالت در سهم‌بری عوامل تولید با نگرش اسلامی^۱

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۰۲

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۵/۱۸

سید محمد کاظم رجایی* / سعید مهدوی وفا**

چکیده

بررسی سهم عادلانه عوامل تولید از درآمد حاصل از تولید و تدوین شاخص‌هایی جهت سنجش آن، یکی از مهم‌ترین بحث‌های علم اقتصاد و مورد تأکید سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی است. این امر مستلزم پیمودن مراحل چهارگانه تبیین مفهومی عدالت، شناخت استحقاق عوامل تولید، استخراج معیارهای عدالت و در نهایت طراحی شاخص‌ها می‌باشد. غالب مطالعات صورت گرفته با نگاه اسلامی، فاقد جامعیت و نظام‌مندی بوده و هیچ‌کدام شاخصی را در این زمینه ارائه نمی‌کنند. نوشتار حاضر با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی، این فرضیه را مطرح می‌کند که از دیدگاه اسلام، عدالت در سهم‌بری عوامل تولید، مستلزم تفکیک میان عوامل تولیدی است که حق آنها به عین محصول تولیدی تعلق می‌گیرد؛ در حالی که معیار عدالت در سهم‌بری عوامل تولید در این دسته از عوامل، اعطای عین محصول

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد سعید مهدوی وفا از دانشگاه علوم اقتصادی است.

* عضو هیئت علمی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

** طلبه حوزه علمیه و دانشجوی مقطع دکتری رشته علوم اقتصادی دانشگاه شهید بهشتی (ره).

تولیدی به آنها می‌باشد، سهم سایر عوامل (که حقی در عین محصول تولید شده ندارند)، در قالب اجرت و سهم بازاری می‌باشد.
در ادامه عنوان شده که اجرت و سهم بازاری، زمانی عادلانه است که معیارهای عدالت در دو سطح بازار و اقتصاد وجود داشته باشند. در طراحی شاخص عدالت در سهم‌بری عوامل تولید، با رعایت همین تقسیم‌بندی به ارائه سنجه‌هایی در هر بخش پرداخته شده و در نهایت با تجمیع سنجه‌ها، شاخص عدالت در سهم‌بری عوامل تولید ارائه شده است.

واژگان کلیدی: عدالت، سهم‌بری، عوامل تولید، شاخص عدالت.

طبقه‌بندی JEL: D63 Z12, C43

مقدمه

منظور از سهم‌بری عوامل تولید، توزیع درآمد مبتنی بر عوامل تولید و یا توزیع تابعی درآمد^۱ است که در آن سعی می‌شود سهم عوامل تولید از درآمد ملی، توضیح داده شود (بختیاری، ۱۳۸۸، ص ۲۹). در اصطلاح علمی این توزیع، توزیع مبتنی بر عوامل تولید و در مقابل توزیع شخصی^۲ است. در بررسی سهم عوامل تولید، سهم هر یک فارغ از ملکیت آنها بررسی می‌شود. ممکن است چندین عامل تولید در ملکیت فرد واحدی باشد؛ ولی در بررسی، سهم آنها به صورت مجزا و بر حسب هر عامل تولید محاسبه می‌شود.

بدون شک، عدالت، یکی از مهم‌ترین ارکان اقتصاد اسلامی است که در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی هم تأکید ویژه‌ای بر آن شده است. بدون

1. Functional Distribution of Income.

۲. در توزیع شخصی یا مقداری درآمد (Personal or Size Distribution of Income)، تنها با اشخاص و یا خانوارها و کل درآمدی که آنها دریافت می‌کنند سر و کار داریم و طریقه کسب درآمد اهمیتی ندارد. آنچه اهمیت دارد آن است که هر واحد چه مقدار درآمد کسب نموده، بدون توجه به آنکه این درآمد از اشتغال، بهره، سود، اجاره، هدیه، ارث و یا هر طریق دیگری کسب شده باشد. مباحث فقر، نابرابری‌های درآمد ملی و توزیع درآمد، که در اقتصاد توسعه مطرح می‌شود عموماً از این مقوله است.

تحقق عدالت اقتصادی نمی‌توان از تحقق اقتصاد اسلامی یا اقتصاد مقاومتی سخن به میان آورد. هدف این مقاله، طراحی شاخص عدالت در سهم‌بری عوامل تولید با نگرش اسلامی است که در چهار گام پیگیری می‌شود.

گام اول مطابق معمول به موضوعاتی همچون بیان مسئله، پیشینه موضوع، اهمیت و ضرورت موضوع و تعاریف می‌پردازد. عدالت در مقاله حاضر، به اعطای حق هر صاحب حقی تعریف شده است. عدالت در سهم‌بری عوامل تولید از دیدگاه اسلام، گام بعدی است. در این گام سهم عادلانه هر یک از عوامل تولید از نگاه اسلام مورد بحث و بررسی واقع شده که برخاسته از نگاه جانشینی انسان بر زمین است. گام سوم حلقه واسطه تبدیل دیدگاه اسلام پیرامون عدالت در سهم‌بری عوامل تولید به شاخص است. این گام، با تکیه بر گام دوم به استخراج معیارهای عدالت در سهم‌بری عوامل تولید می‌پردازد. گام نهایی، تبدیل معیارهای استخراج شده به سنجه‌ها و ارائه شاخص عدالت با استفاده از تجمیع سنجه‌های طراحی شده می‌باشد.

بیان مسئله

توزیع درآمد را می‌توان یکی از مهم‌ترین مباحث میان مکاتب اقتصادی به‌شمار آورد؛ به‌گونه‌ای که نوع نگرش نسبت به این بحث، به وجه تمایز میان آنها تبدیل شده است. در میان مباحث توزیع درآمد، توزیع درآمد میان عوامل تولید (توزیع کارکردی) بیشترین اهمیت و چالش را دارد. اسلام با رویکردی نظام‌مند و عدالت‌محور و برخاسته از حقوقی که بر پایه بیئش و جهان‌بینی الهی استوار است، دیدگاهی کاملاً مستقل و متمایز از سایر مکاتب ارائه می‌دهد. احکام اسلام با تبیین حقوق هر یک از عوامل تولید، در مراحل مختلف تولید، با تکیه به معیارهای عدالت، یک نظام حقوقی عدالت‌محور را در زمینه سهم‌بری عوامل

تولید ترسیم می‌کند. در این تحقیق سعی بر آن است که ثابت شود اسلام دارای یک نظام حقوقی عدالت‌محور در موضوع سهم‌بری عوامل تولید است.

پیشینه موضوع

موضوع سهم عوامل تولید از درآمد، با عناوین دیگری همچون «نظریه توزیع»، «نظریه توزیع کارکردی»، «توزیع عواید ناشی از تولید بین عوامل تولید» و «نظریه قیمت‌گذاری عوامل تولید» مطرح شده است که منظور از تمامی آنها چگونگی توزیع درآمد میان عوامل سهم در تولید است.

فیزیوکرات‌ها اولین اقتصاددانانی بودند که توزیع درآمد ملی را بین گروه‌های اجتماعی بررسی کردند. آنها تولید ملی حقیقی را با تولید کشاورزی یکی دانسته و عقیده داشتند که این تولید ملی بین طبقات مختلف جامعه تقسیم می‌گردد (معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، ص ۳۰). جدول اقتصادی فرانسوا/کنه نمونه‌ای از یک الگوی توزیع درآمد بین عوامل شرکت‌کننده در تولید است.

آدام/اسمیت در بخش اول کتاب خود به نظم و ترتیبی اشاره می‌کند که طبق آن تولید به‌طور طبیعی بین گروه‌های مختلف توزیع می‌شود (همان، ص ۳۳). نظریه توزیع کلاسیک، بیشتر به ریکاردو منسوب است. در این نظریه، به تحلیل توزیع درآمد حاصل از تولید ملی بین طبقات سه‌گانه رانت‌خواران، مزدبگیران و سودبران پرداخته می‌شود (همان، ص ۳۴). وی معتقد است کشف قوانینی که توزیع سهم عوامل تولید از درآمد ملی یا از ارزش محصول را قانونمند و تنظیم می‌کند، مهم‌ترین مسئله در اقتصاد سیاسی است و مزد واقعی کارگران همواره در سطحی برقرار می‌شود که صرفاً برابر حداقل لازم برای تأمین معاش آنها باشد (ریکاردو، ۱۳۷۴، ص ۱۲۶).

نئوکلاسیک‌ها برای بررسی توزیع درآمد بین عوامل تولید، تئوری بهره‌وری

نهایی را ارائه کردند که *مارشال* و *هیکس* را می‌توان بنیان‌گذاران آن به حساب آورد. مطابق تئوری یادشده، در تعادل بلندمدت و در شرایط رقابت کامل، سهم هر عامل تولیدی، برابر با ارزش تولید نهایی آن عامل تولیدی خواهد بود (معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، ص ۳۸).

در زمینه عدالت در سهم‌بری عوامل تولید و طراحی شاخص‌های آن، تحقیق مستقلی یافت نشد. رجایی و معلمی (۱۳۹۰) در ضمن بررسی تطبیقی مفهوم عدالت، معیار عدالت در سهم‌بری عوامل تولید را قیمت شکل گرفته در شرایط رقابتی در بازار اسلامی دانسته‌اند و در این زمینه مجموع میزان انحراف (فاصله) سهم هر یک از عوامل را از قیمت آنها در بازار اسلامی، به عنوان شاخص عدالت معرفی کرده است. سایر تحقیق‌های مرتبط، هر کدام ناظر به بخشی از موضوع بوده و یا با نگرشی غیراسلامی به مسئله پرداخته‌اند. به‌صورت کلی می‌توان این تحقیق‌ها را به سه دسته تقسیم کرد:

دسته اول مباحثی است که فقها در ابواب گوناگون فقه همچون اجاره، مضاربه، مساقات، خمس (بحث معادن) و... مطرح کرده‌اند. در این مباحث قالب‌های حقوقی به‌کارگیری عوامل تولید و حقوق بهره‌برداری از منابع طبیعی بررسی شده که در ضمن آن اشاره‌ای نیز به اجرت و سهم عوامل تولید و ارائه معیار جهت رفع نزاع در آن شده است؛ بنابراین، مباحث یادشده فاقد نظام‌مندی و انسجام لازم برای یک نظریه در مورد سهم عوامل تولید می‌باشد.

دسته دوم، تحقیق‌هایی را شامل می‌شود که صرفاً بحث مفهومی عدالت و یا عدالت در سهم‌بری عوامل تولید را مطرح می‌کنند؛ بدون اینکه ورودی به بحث شاخص‌سازی داشته باشند. کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقاله‌های متعدد حوزوی و دانشگاهی پیرامون بحث عدالت و عدالت در سهم‌بری عوامل تولید و مباحث مطرح شده در مورد عدالت از سوی اندیشمندانی همچون شهید صدر، شهید مطهری و سید قطب در این دسته جای می‌گیرند.

دسته سوم، تحقیقاتی هستند که بدون ورود به بحث مفهومی عدالت، به ارائه شاخص‌های عدالت اقتصادی و یا شاخص‌های نابرابری پرداخته‌اند. تحقیقات صورت گرفته در اقتصاد غرب بیشتر ناظر به این دسته است. به نظر می‌رسد مهم‌ترین تحقیق صورت گرفته در این زمینه، کتاب اندازه‌گیری نابرابری^۱ است که توسط فیلیپ کالچر^۲ نگاشته شده است. کتاب مذکور به جمع‌آوری و دسته‌بندی شاخص‌های عدالت و نابرابری در زمینه توزیع درآمد پرداخته است.

اهمیت و ضرورت موضوع تحقیق

تحقق عدالت اقتصادی به عنوان یکی از اهداف نظام اقتصادی اسلام و بررسی همخوانی سیاست‌های اقتصادی با این هدف، نیازمند تبیین مفهوم عدالت در مرحله نخست و طراحی شاخص‌های متناسب جهت سنجش سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های انجام شده در مرحله دوم است.

مقام معظم رهبری در دومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع عدالت، ضمن تأکید بر لزوم انجام پژوهش‌های جدید به ویژه در مباحث کاربردی و روش‌های اجرای نظریه عدالت، می‌فرمایند:

یکی دیگر از کارهای مهم نظری، یافتن شاخص برای اندازه‌گیری میزان تحقق عدالت اجتماعی است؛ اگرچه برخی شاخص‌های مطرح در نظریه‌های غربی در شرایط خاص قابل استفاده است؛ اما بسیاری از آنها ناقص و یا کلاً غلط است؛ بنابراین باید شاخص‌هایی مستقل برای تحقق عدالت از دیدگاه اسلام تعریف شود (بیانات در دومین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۹۰/۲/۲۷).

1. Measuring Inequality.

2. Philip B Coulter.

تعریف اصطلاحات

۱- عدالت

عدالت اقتصادی بر حسب کاربرد آن در متون اسلامی دارای چهار معنای تساوی، دادن حق هر صاحب حق به آن، عدم تفاوت فاحش درآمدی و اعتدال است. البته با توجه به تداخل مفهومی معانی یادشده، این امکان وجود دارد که با اندکی تصرف، به یک معنای مشترک ارجاع داده شوند. این معنای مشترک می‌تواند اعطای حق هر صاحب حق به آن، اعتدال، توازن یا تساوی باشد. در تحقیق حاضر، عدالت در سهم‌بری عوامل تولید به معنای اعطای حق هر یک از عوامل تولید به آن است (رجایی و معلمی، ۱۳۹۰).

از میان معانی یادشده، تحقیق حاضر، تنها به عدالت به معنای استحقاق سهمی می‌پردازد که مطابق آن، عدالت در سهم‌بری عوامل تولید به معنای اعطای حق هر یک از عوامل تولید به آنهاست.

۲- عوامل تولید

عوامل تولید عبارتند از مجموعه عناصری که باعث ایجاد کالاها و خدمات می‌شوند که شامل کار، زمین و سرمایه و مدیریت است (رجایی، ۱۳۹۱، ص ۱۷۰-۱۷۱).

۳- سهم‌بری

منظور از سهم‌بری آن است که درآمد حاصل از تولید چگونه به عوامل تولید تعلق می‌گیرد. در اصطلاح علمی این توزیع، توزیع مبتنی بر عوامل تولید و در مقابل توزیع شخصی می‌باشد.

عدالت در سهم‌بری عوامل تولید

در بررسی عدالت در سهم‌بری عوامل تولید از نگاه اسلام، عوامل تولید به نیروی کار،

مواد اولیه و دارایی‌های فیزیکی تقسیم می‌شود. در ضمن سهم دارایی‌های مالی به عنوان عامل بالقوه تولید، در پایان به صورت جداگانه بررسی می‌شود.

۱- سهم نیروی کار

سهم نیروی کار در دو قالب تولید کالا و خدمت پیگیری می‌شود. منظور از تولید کالا، فعالیتی است که در جهت تغییر ماده طبیعی به شکلی بهتر و متناسب با نیازهای انسان انجام می‌گیرد. اگر فعالیت تولیدی، مجرد از ماده طبیعی صورت پذیرد، تولید خدمت نامیده می‌شود. کشاورزی، کار در خط تولید تولیدات صنعتی، استخراج مواد معدنی، شیلات و صیادی، خیاطی و حمل و نقل کالا از جمله نمونه‌های تولید کالا می‌باشد.^۱ در مقابل کاری که معلمان، پزشکان، آرایشگران و یا رانندگان تاکسی انجام می‌دهند، ارائه خدمت به حساب می‌آید.

۱-۱- سهم نیروی کار در تولید کالا

نیروی کار در تولید کالا، یا کالایی را تولید می‌کند که اثری از فعالیت تولیدی سابق در آن یافت نمی‌شود؛ مانند کار بر روی مواد خام طبیعی، استخراج معادن، صید ماهی از آب‌های آزاد و ...، یا اینکه کالایی را تولید می‌کند که سابق بر آن، فعالیت تولیدی صورت گرفته و به ملکیت بخش خصوصی درآمده است؛ مانند خیاطی کردن و تولید نخ از پنبه. تولید در دو حالت فوق، به ترتیب تولید اولیه و تولید ثانویه نامیده می‌شود (ر.ک به: شهید صدر، ۱۴۲۹ق). بنابراین، سهم نیروی کار در تولید کالا در دو بخش تولید اولیه و تولید ثانویه پیگیری می‌شود.

۱. در علم اقتصاد متعارف، خیاطت و حمل و نقل کالا، تولید خدمت به حساب می‌آیند؛ اما معیار تقسیم تولید در تحقیق حاضر، نقش «ماده» در فرایند تولید است. اگر تولید در جهت تغییر شکل ماده باشد، تولید کالا و در غیر این صورت تولید خدمت محسوب می‌شود. تغییر شکل می‌تواند به صورت تغییر مکانی ماده باشد؛ بنابراین، حمل و نقل کالاها، تولید کالا می‌باشد.

الف) سهم نیروی کار در تولید اولیه

تولید اولیه، مرحله‌ای است که در آن تولید بر روی ماده‌ای طبیعی صورت می‌گیرد که فاقد هرگونه آثار مربوط به کار سابق انسان دیگری می‌باشد. مانند صنایع استخراجی و تولید کشاورزی، البته در صورتی که بذریه استفاده، ملک تولیدکننده قبلی نباشد. در واقع، در تولید اولیه آن دسته از مواد طبیعی مورد استفاده و تولید قرار می‌گیرند که انسانی دیگر، حق خاص در آنها نداشته باشد و به بیان واضح‌تر، آن منبع طبیعی تحت ملکیت خصوصی نبوده باشد. استخراج نفت، معادن، صیادی از آب‌های آزاد، استفاده از انرژی باد، آب و خورشید از جمله مصادیق تولید اولیه هستند (ر.ک به: شهید صدر، ۱۴۲۹ق).

با دقت در احکام اسلام که در ابواب مختلف فقهی بدان اشاره شده، می‌توان دریافت که از نگاه اسلام، در تولید اولیه، نیروی کار مالک محصول است. در واقع سهم نیروی کار در تولید اولیه، تعلق محصول به وی می‌باشد (ر.ک: شهید صدر، ۱۳۸۷، ص ۳۳۶، ۵۰۲، ۵۳۳، ۵۵۵-۵۵۶، ۵۵۹، ۵۸۴ و ۵۹۸؛ همان، ۱۴۲۹ق، ص ۵۴، ۸۲ و ۸۸).^۱

همچنین از نگاه احکام اسلام، استفاده نیروی کار از ابزار در تولید اولیه، حقی

۱. البته با توجه به تقسیم منابع و ثروت‌های طبیعی به منابع منقول و غیرمنقول، در حالی که ملکیت نیروی کار در منابع غیرمنقول محدود به نتیجه کار و فرصتی که ایجاد کرده می‌باشد، در منابع منقول، اصل منبع (مال طبیعی منقول) نیز به واسطه کار و حیازت به ملکیت وی داخل می‌شود. اصل منابع غیرمنقول به ملکیت خصوصی منتقل نمی‌شوند و نیروی کار صرفاً به سبب کار، حق اختصاص در آنها کسب می‌کند؛ زیرا از آنجا که منبع طبیعی به‌طور عادی، از فرصت ایجادشده بزرگ‌تر است، ایجاد فرصت به معنی تملک اصل منبع نیست؛ بلکه منبع طبیعی تحت ملکیت عمومی باقی می‌ماند و دیگران نیز اجازه استفاده و خلق فرصت انتفاع را دارند. اما در اموال منقول، فرصت انتفاع با مال منقول برابر است؛ بنابراین، حیازت سبب ملکیت نیروی کار نسبت به مال منقول حیازت‌شده می‌باشد (ر.ک: شهید صدر، ۱۳۸۷، ص ۵۵۷-۵۵۸؛ همان، ۱۴۲۹، ص ۷۹، ۸۰-۸۲).

برای صاحب ابزار نسبت به محصول تولیدشده ایجاد نمی‌کند. محصول تولیدشده از آن نیروی کار بوده و صاحب ابزار مستحق دریافت اجرت می‌باشد (ر.ک به: شهید صدر، ۱۳۸۷، ص ۵۵۰-۵۵۳).

با انضمام این احکام می‌توان نتیجه گرفت که از نگاه اسلام، محصول تولیدی در تولید اولیه از آن نیروی کار است. البته باید توجه داشت که ملکیت نیروی کار در ثروت‌های تولید شده در تولید اولیه به جهت سهم‌بری و مشارکت وی در کنار سایر عوامل در فرایند تولید نیست؛ بلکه به جهت محور و هدف بودن انسان و نیروی کار در تولید است. نیروی کار مالک محصول در تولید اولیه است؛ چراکه وی محور تولید و هدف اصلی از تولید بوده و تولید به خاطر وی و در خدمت وی می‌باشد. بنابراین سایر ابزار و وسایل دخیل و سهم در تولید، حق و سهمی از محصول تولیدی ندارند (شهید صدر، ۱۳۸۷، ص ۵۵۹).

با این حال به نظر می‌رسد دیدگاه یادشده با گذشت زمان و پیشرفت شیوه‌های تولید با چالش‌هایی روبرو شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱- همان‌گونه که در بخش مبانی سهم‌بری اشاره شد، از نگاه اسلام قواعد توزیع، ثابت می‌باشد و همان قواعد توزیعی که در عصر تولید به شیوه ابتدایی حاکم بود، عیناً در عصر تکنولوژی نیز حاکم می‌باشد؛ چراکه این قواعد بر مبنای منطق جانمایی و یکسری ارزش‌های ثابت انسانی و الهی همچون حق، عدالت، مساوات و کرامت انسانی بنا شده و در واقع راه‌حلی برای مشکلات ثابتی است که امکان تطبیق آنها در هر جامعه‌ای با هر شیوه‌ای از تولید وجود دارد (ر.ک به: شهید صدر، ۱۳۸۷، ص ۳۲۱-۳۲۲، ۶۰۶، ۶۴۲-۶۴۳ و ۶۸۷؛ همان، ص ۱۴۲۹ق، ص ۴۲-۶۹). با این حال امروزه با پیشرفت دانش فنی و شیوه تولید، به نظر می‌رسد اختصاص تمامی محصول به نیروی کار و در نظر گرفتن اجرت ثابت برای ابزار تولید، با عدالت سازگاری نداشته باشد. فرض کنید برای استخراج معدن، ماشینی به کار گرفته شده که خود تمامی مراحل استخراج، پالایش و

انتقال را انجام می‌دهد و نقش نیروی کار در این فرایند فقط در حد فشردن یک دکمه برای راه‌اندازی این ماشین است. در این مورد توجیه عادلانه بودن اختصاص محصول به نیروی کار (که وی نیز باید اجرت ابزار را پرداخت کند) بسیار مشکل است و ممکن است کارایی نظام را نیز مختل کند.

۲- امروزه تأمین ابزار تولید، نیازمند توان مالی بسیاری است که خارج از توان عموم نیروی کار می‌باشد. بدون منابع مالی، امکان تأمین ابزار تولید و در نتیجه تولید اولیه وجود ندارد. همین امر منجر به تسلط و برتری عامل دارایی‌های مالی بر سایر عوامل شده است به گونه‌ای که نظام توزیعی را نیز متأثر کرده و سبب شده است که امروزه تمامی محصول یا بخش عمده آن به عامل دارایی مالی تعلق بگیرد و سایر عوامل از جمله نیروی کار مستحق دریافت اجرت ثابت باشند. این در حالی است که از نگاه اسلام، چنین توزیعی مردود است. به عبارت دیگر، اسلام در تولید از طبیعت، فرآیند تولیدی که در آن فرد با تکیه بر قدرت مالی و منابع در اختیار، کارگران و ابزار تولید را استخدام و در مقابل اعطای اجرت به آنها، مالک تمام محصول می‌شود، مردود می‌شمرد.^۱

بررسی چالش‌های فوق نیازمند مطالعات گسترده‌ای است که خارج از توان تحقیق حاضر است؛ در نتیجه بر مبنای دیدگاه اولیه‌ای که از اسلام یاد شد (تعلق محصول به نیروی کار)، عدالت در سهم‌بری عوامل تولید بررسی می‌شود.

ب) سهم نیروی کار در تولید ثانویه

منظور از کار در تولید ثانویه، کار بر روی ماده‌ای است که پیش‌تر تحت تملک فرد دیگری قرار گرفته است. در این مرحله از تولید، ملکیت فرد اول نسبت به

۱. شهید صدر این بحث را با عنوان «ممنوعیت تولید به شیوه سرمایه‌داری» مطرح می‌کند (ر.ک. به: ۱۴۲۹ق، ص ۴۶-۴۷ و ۷۱).

ماده‌ای که تولید بر روی آن صورت می‌گیرد به رسمیت شناخته شده و تمامی منافع و ارزش افزوده‌ای که بر روی آن ماده در اثر فعالیت تولیدی حاصل می‌شود، مربوط به مالک است؛ چراکه حق وی، بر نیروی کار تقدم زمانی دارد؛ بنابراین، شخص دیگر (نیروی کار) به سبب انجام کار، نمی‌تواند حقی در محصول تولیدی کسب کند.

مطالب یادشده با عنوان اصل ثبات ملکیت مطرح می‌شود که مطابق آن، ملکیت افراد نسبت به اموال محترم شمرده شده و بدون اجازه ایشان، دیگران حق تصرف در اموال را ندارند؛ بنابراین، کسی که ماده‌ای را مالک است، مادامی که ماده باقی است ملکیت وی نیز نسبت بدان محفوظ می‌باشد^۱ و تمامی محصول تولیدشده از این اموال، به وی تعلق خواهد داشت و سایر عوامل تولید حقی در آن نخواهند داشت و صرفاً مستحق دریافت اجرت ثابت می‌باشند (ر.ک به: شهید صدر، ۱۳۸۷، ص ۳۴۵-۳۴۶، ۵۶۴-۵۶۷، ۵۹۸ و ۶۰۲؛ همان، ۱۴۲۹ق، ص ۹۳-۹۴). اما باید توجه داشت که مالک ماده اولیه، مختار است که یا خودش روی ماده اولیه کار کند یا این که تولید را به عامل دیگری واگذار کند.

واگذاری نیز می‌تواند به صورت اجرت ثابت و یا به صورت مشارکت در محصول تولیدی باشد. در شیوه اول نیروی کار با اجرت ثابت وارد فرایند تولید می‌شود و فارغ از نتیجه فعالیت تولیدی، اجرت مشخص شده را مطالبه می‌کند. در شیوه دوم، نیروی کار با عایدی متغیر وارد فرایند تولید می‌شود (ر.ک به: شهید صدر، ۱۳۸۷، ص ۵۶۰-۵۶۴، ۵۸۵ و ۵۹۹؛ همان، ۱۴۲۹ق، ص ۹۳-۹۶).

۱. منظور از باقی بودن ماده، معنای عرفی آن است. به این معنا که چنانچه وحدت میان محصول و ماده اولیه عرفاً احراز شود، محصول از آن مالک ماده اولیه خواهد بود. مانند مالکیت صاحب چوب نسبت به میزی که با آن ساخته می‌شود. اما در صورتی که ماده اولیه در فرایند تولید متلاشی شود، به گونه‌ای که از لحاظ عرفی اتحاد میان محصول و ماده اولیه وجود نداشته باشد، قاعده فوق جاری نمی‌شود.

قرارداد اجاره برای عایدی ثابت و قراردادهای مضاربه، مساقات و مزارعه برای عایدی متغیر می‌توانند مورد استفاده قرار بگیرند. جعاله نیز عقدی است که می‌تواند به هر دو وجه منعقد شود.^۱

۱-۲- سهم نیروی کار در تولید خدمت

همان‌گونه که عنوان شد، منظور از تولید خدمت، تولیدی است که در جهت تغییر شکل ماده طبیعی نیست. در این قسمت، نیروی کار مالک نتیجه کار خویش (خدمات و منافع ارائه شده) بوده و می‌تواند آنرا در قالب‌های مختلف حقوقی عرضه کند. در مجموع دو قالب حقوقی را می‌توان برای ارائه خدمات نیروی کار در نظر گرفت. قالب حقوقی با بازدهی ثابت و قالب حقوقی با بازدهی متغیر. به عنوان مثال یک مهندس نرم‌افزار، می‌تواند نرم‌افزار تولیدی خویش را در قالب عقد بیع به فروش برساند^۲ و یا اینکه در قالب عقد اجاره آنرا عرضه کند. همچنین می‌تواند خدمت خود را در قالب عقد جعاله ارائه نماید. سهم و عوض نیز در جعاله می‌تواند ثابت و یا متغیر باشد.

مهم‌ترین چالشی که در زمینه سهم‌بری نیروی کار در تولید خدمت مطرح است،

۱. جعاله عبارت است از ملتزم شدن به عوض معلومی بر کاری که حلال و مورد قصد و توجه باشد. یا جعاله، انشاء نمودن ملتزم شدن به آن است، یا قرار دادن عوض معلومی بر کار مذکور. جعاله هم می‌تواند با بازدهی ثابت باشد و هم بازدهی متغیر: و لا یجب أن یکون العوض محددًا کدرهم و دینار، بل یجوز للإنسان أن یجعل عوضاً غیر محدد بطبیعتہ فیقول: من زرع أرضی هذه، فله نصف التاج و من رد علیّ قلمی الضائع فهو شریکی فی نصفه (امام خمینی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۵۶۸).

۲. با توجه به این که ملاک کالا یا خدمت بودن، کار بر روی ماده طبیعی در جهت تغییر شکل آن عنوان شد، تولید نرم‌افزارهای رایانه‌ای، تولید خدمت به حساب می‌آیند. ارائه چنین نرم‌افزاری در قالب لوح فشرده سبب خروج آن‌ها از تولید خدمت نمی‌شود؛ چراکه تولید نرم‌افزار در جهت تغییر شکل لوح فشرده نیست بلکه ارائه آن با استفاده از لوح فشرده صورت می‌گیرد؛ مانند مقاله علمی که بر روی کاغذ، چاپ و منتشر می‌شود.

موضوع حقوق و مالکیت معنوی می‌باشد که به فتوای برخی از فقها چنین حقی به صورت ابتدایی رسمیت و مشروعیت ندارد.^۱ مگر آنکه حکومت اسلامی بنا به مصالحی آن را اعتبار کند.^۲ در صورتی که حکومت اسلامی و قانون چنین حقی را برای بخش خدمات، اعتبار کند، در بررسی سهم نیروی کار لحاظ خواهد شد.

۲- سهم مواد اولیه

منظور از مواد اولیه تولید، موادی است که در جریان تولید قرار گرفته و با استفاده از آنها تولید صورت می‌گیرد. سهم مواد اولیه در خلال بحث سهم نیروی کار بیان شد؛ بدین گونه که اگر مواد اولیه فاقد مالکیت خصوصی باشد (مواد خام طبیعی)، تمامی محصول تولید شده از آن نیروی کار خواهد بود. اگر مواد اولیه به ملکیت خصوصی درآمده باشد، مطابق اصل ثبات ملکیت، تمامی محصول تولیدشده از آن مالک مواد اولیه خواهد بود. البته همان گونه که در بخش سهم نیروی کار گفته شد، با گذشت مالک مواد اولیه، نیروی کار می‌تواند در محصول تولیدی سهیم باشد.

نکته مهم آنکه، مبنای تحلیلی و نظری این حکم، امتیاز دادن و یا اصالت بخشیدن به عامل ماده خام و اولیه نیست، بلکه اصالت دادن به عامل کار نخست و احترام به ملکیت فرد اول است (ر.ک به: شهید صدر، ۱۳۸۷، ص ۵۶۴-۵۶۷).

۱. امام خمینی در این زمینه می‌نویسد: ما یسمى عند بعض بحق الطبع لیس حقا شرعیا، فلا یجوز سلب تسلط الناس علی أموالهم بلا تعاقد و تشارط، فمجرد طبع کتاب و التسجيل فیہ بأن حق الطبع و التقليد محفوظ لصاحبه لا یوجب شیئا، و لا یعد قرارا مع غیره، فجاز لغيره الطبع و التقليد، و لا یجوز لأحد منعه عن ذلك. ما تعارف من ثبت صنعة لمخترعها و منع غیره عن التقليد و التکثیر لا أثر له شرعا، و لا یجوز منع الغير عن تقلیدها و التجارة بها و لیس لأحد سلب سلطنة غیره عن أمواله و نفسه. ما تعارف من حصر التجارة فی شیء أو أشياء بمؤسسة أو تجار و نحوهما لا أثر له شرعا، و لا یجوز منع الغير عن التجارة و الصنعة المحللتین و حصرهما فی أشخاص. (امام خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۶۲۵-۶۲۶).

۲. للإمام علیه السلام و والی المسلمین أن یعمل ما هو صلاح للمسلمین من تثبیت سعر أو صنعة أو حصر تجارة أو غیرها مما هو دخیل فی النظام و صلاح للجامعة. (امام خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۶۲۶).

۳- سهم دارایی‌های فیزیکی

منظور از دارایی‌های فیزیکی، سرمایه، زمین، مستغلات و به‌طور کلی تمامی عوامل تولید به غیر از نیروی کار، مواد اولیه و دارایی‌های مالی است. در اقتصاد متعارف، سرمایه عامل تولیدی است که در فرایند تولید استفاده نشده و از بین نمی‌رود؛ بلکه به عنوان عامل مستقلی برای تولید سایر کالاها و خدمات به کار می‌رود و به‌صورت ابزار تولیدشده از قبیل ماشین‌آلات، ساختمان و غیره تعریف می‌شود. البته به نظر می‌رسد این تعریف تنها یک تعریف نظری از سرمایه باشد. به دلایل عملی، منابع مالی و نه مواد فیزیکی، به عنوان سرمایه در نظر گرفته شده‌اند. در کاربردهای عملی، پول و منابع مالی سرمایه تلقی می‌شوند. پول به دلیل تسلطش بر روی دارایی‌های واقعی و توانایی بالقوه‌اش در فرایند تولید، از طریق تبدیل خود به دارایی فیزیکی، کالاها و خدمات از نیروی تولیدکنندگی بالقوه‌ای برخوردار است (عیوضلو، ۱۳۷۵، ص ۱۵۹-۱۶۰). بر این اساس، پول را به عنوان یکی از عوامل تولید و با عنوان سرمایه پولی معرفی می‌کنند که جای تأمل دارد و بحث از آن در این مجال نمی‌گنجد. در تحقیق حاضر سهم پول و منابع مالی با عنوان سهم دارایی‌های مالی به‌صورت مستقل بررسی می‌شود و منظور از سرمایه، همان معنای متعارف اقتصادی یعنی ابزار تولید، ماشین‌آلات و ساختمان‌ها می‌باشد.

از نگاه اسلام دارایی‌های فیزیکی صرفاً مستحق دریافت اجرت ثابت بوده و مبنای نظری اجرت در آنها استهلاک کار متراکمی است که در روند تولید صورت می‌گیرد. به عنوان مثال سرمایه، حق مشارکت در محصولات تولیدی را ندارد و ملکیت آن، حقی برای صاحبان آن در تولیدات ایجاد نمی‌کند؛ زیرا نخست، طبق مبانی، انسان محور تولید بوده و ابزار در خدمت وی می‌باشند و نه انسان در خدمت آنها؛ دوم، زمانی فرد در تولیدات ذی‌حق است که مباشرت و ممارست در امر تولید داشته باشد؛ حال آنکه صاحبان سرمایه از این حیث، فاقد

چنین شرطی هستند (ر.ک به: شهید صدر، ۱۳۸۷، ص ۵۵۲-۵۵۳، ۵۵۵-۵۵۶، ۵۷۱، ۵۸۱ و ۵۹۰؛ همان، ۱۴۲۹ق، ص ۴۶، ۵۴، ۷۹، ۸۸ و ۹۳). همچنین عامل زمین نیز تنها مستحق دریافت اجرت می‌باشد و مشارکت زمین در محصول زراعی در مزارعه منوط به اعطای بذر از سوی صاحب زمین می‌باشد.

۴- سهم دارایی‌های مالی

منظور از دارایی‌های مالی، پول نقد، اعتبارات بانکی و ابزارهای مالی است که در فرایند تولید با تبدیل به دیگر منابع تولید مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ بنابراین، دارایی‌های مالی برخلاف سایر عوامل تولید، یک عامل تولیدی بالقوه بوده و زمانی به فعلیت می‌رسد که به واسطه آن سایر عوامل تولید به کار گرفته شوند. امروزه نقش دارایی‌های مالی به عنوان عاملی که سایر عوامل تولید را گرد یکدیگر جمع می‌کند، بسیار برجسته است؛ به گونه‌ای که تأمین مالی پروژه‌های تولیدی و شیوه آن، مهم‌ترین مسئله در انجام این گونه پروژه‌هاست.

از سوی دیگر از نگاه اقتصاد اسلامی، به کارگیری دارایی‌های مالی در قالب ربا، حرام است و با توجه به ظالمانه بودن آن، سهم‌بری دارایی‌های مالی در این قالب، مخالف عدالت بوده و در شاخص عدالت در سهم‌بری عوامل تولید می‌بایست به عنوان نکته منفی لحاظ شود.

با توجه به ممنوعیت ربا و حیل‌های آن در سهم‌بری دارایی‌های مالی، به نظر می‌رسد تنها شیوه صحیح برای سهم‌بری پول و منابع مالی، مشارکت در سود است؛^۱ البته به شرطی که صاحب یا صاحبان آن به تنهایی تمامی ریسک و

۱. آنچه به عنوان سهم دارایی‌های مالی در عقود مبادله‌ای مطرح می‌شود، حقیقتاً سهم پول نیست؛ بلکه به طور مثال در فروش اقساطی، پول تبدیل به کالا شده و سپس به قیمتی بیش از قیمت نقدی به فروش می‌رسد؛ بنابراین، سود مستند به خرید و فروش کالا و تفاوت قیمت نقد و نسبه است و اطلاق سهم پول به آن از دقت کافی برخوردار نمی‌باشد.

خسارت‌های احتمالی نسبت به اصل را بپذیرند (ر.ک به: شهید صدر، ۱۳۸۷، ۵۸۷-۵۸۸؛ همان، ۱۴۲۹ق، ص ۴۶).

معیارهای عدالت در سهم‌بری عوامل تولید

با توجه به مطالب ارائه‌شده، عوامل تولید را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. دسته اول عواملی هستند که محصول تولیدی اصالتاً به آنها تعلق دارد؛ مانند نیروی کار در تولید اولیه و مالک مواد اولیه در تولید ثانویه. دسته دوم عواملی هستند که اصالتاً در عین محصول تولیدی حقی ندارند؛ بلکه یا با گذشت مالک استحقاقی در آن پیدا کرده‌اند؛ مانند نیروی کار در تولید ثانویه که به‌صورت مشارکتی فعالیت می‌کند؛ یا اینکه سهم آنها در قالب سود می‌باشد؛ مانند سهم دارایی‌های مالی و یا اینکه سهم آنها در قالب اجرت ثابت می‌باشد؛ مانند ابزار تولید و نیروی کار در صورتی که غیرمشارکتی فعالیت می‌کنند. دسته‌بندی فوق مبنای بررسی عدالت در سهم‌بری عوامل تولید خواهد بود.

۱- اعطای محصول تولیدی به مالک آن

اولین گام در بررسی عدالت در سهم‌بری عوامل تولید، تعیین مالک محصولات تولیدی است. مالک محصول تولیدی در تولید اولیه، نیروی کار و در تولید ثانویه، مالک مواد اولیه می‌باشد. در تولید خدمت، نیروی کار مالک نتیجه کار خویش است که می‌تواند آن را در قالب عقود که ذکر شد، عرضه کند. عدالت در سهم‌بری عوامل تولید، اقتضا می‌کند که محصول و نتیجه کار به مالکین آنها پرداخت شود؛ بنابراین، اولین معیار عدالت در سهم‌بری عوامل تولید، اعطای محصول تولیدی به مالک آن می‌باشد.

۲- پرداخت اجرت و سهم بازاری به سایر عوامل

پس از مشخص شدن مالک محصول تولیدی، سهم سایر عوامل (به جز عامل یا

عواملی که مالک محصول بودند) باید در قالب اجرت یا سهم پرداخت شود. اما کدام قیمت و سهم معیار عدالت می‌باشد؟ در روایاتی که تعیین قیمت در آنها مطرح شده، قیمت‌گذاری به قیمت عدل، قیمت عادلانه و قیمت‌المثل تصریح شده است (ر.ک به: کلینی، ۱۳۶۵، ج ۳۱، ص ۶۵۴؛ ج ۴، ص ۸۵ و ۳۸۶؛ ج ۵، ص ۴۷۱؛ ج ۷، ص ۳۱، ۳۲، ۳۸، ۱۴۷ و ۳۱۲؛ ج ۱۱، ص ۷۱؛ ج ۱۳، ص ۴۲۱ و ۶۹۷؛ حمیری، ۱۴۱۳، ص ۲۸۸). از عبارات فقها استفاده می‌شود که قیمت عدل همان قیمت‌المثل است و قیمت‌المثل، قیمت سوقیه می‌باشد که با تراضی فروشندگان و خریداران تعیین می‌شود (رجایی، ۱۳۷۵، ص ۱۰۷-۱۱۹)؛ بنابراین، در این زمینه اجرت و سهم بازاری تعیین‌کننده سهم عادلانه این دسته از عوامل می‌باشد؛ البته به شرطی که معیارهای عدالت در سطح بازار و اقتصاد مراعات شود.

به عبارت دیگر، اعتماد و تکیه بر عادلانه بودن قیمت و سهم بازاری مشروط به مراعات معیارهای عدالت در دو سطح یادشده است. بدون تحقق معیارهای عدالت در سطح بازار و اقتصاد، نمی‌توان گفت قیمت و سهم بازاری عادلانه است. توجه شود که تحقق و عدم تحقق معیارها، اطمینان و نااطمینانی ما را نسبت به عادلانه بودن قیمت و سهم بازاری به دنبال دارد. بنابراین، اگر معیارهای عدالت در سطح بازار و اقتصاد محقق باشد، می‌توانیم بگوییم قیمت و سهم بازاری عادلانه است؛ در غیر این صورت اطمینانی به عادلانه بودن آن نیست. به‌طور خلاصه، معیارهای عدالت در سطح بازار و اقتصاد، درجه اعتماد به عادلانه بودن قیمت و سهم بازاری را تعیین می‌کنند. در ادامه به بررسی معیارهای عادلانه بودن قیمت و سهم بازاری در دو سطح بازار و اقتصاد می‌پردازیم.

معیارهای عادلانه بودن قیمت و سهم بازاری

۱- معیارهای عدالت در سطح بازار

همان‌گونه که عنوان شد، سهم عادلانه آن دسته از عوامل که با اجرت و سهم در

فرایند تولید به کار گرفته شده‌اند (به جز عواملی که عین محصول متعلق به آنهاست)، اجرت (قیمت) و سهم بازاری است. در این میان از مجموعه‌ای از ادله به دست می‌آید که تکیه بر قیمت بازاری به عنوان ملاک عدالت، مطلق نبوده و اسلام معیارهایی را در سطح بازار برای عادلانه بودن قیمت‌گذاری آن در نظر می‌گیرد. فقیهان در حکم به عدم جواز قیمت‌گذاری در شرایط طبیعی، اختلافی ندارند و مرحوم شیخ طوسی نیز از آن نفی خلاف کرده است (شیخ طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۱۹۵)؛ اما در شرایط خاص همچون احتکار، انحصار و تبانی که اجحاف در قیمت رخ می‌دهد (چه اجحاف در حق خریدار و چه در حق فروشنده)، اسلام سازوکاری را جهت از بین رفتن این شرایط و بازگشت قیمت به وضعیت طبیعی،^۱ همچون اجبار محتکر به عرضه کالای خود و حرمت تبانی، در نظر می‌گیرد و در این راستا برخی از فقیهان قائل به جواز قیمت‌گذاری از سوی حاکم شده‌اند (ر.ک به: شهید صدر، ۱۳۸۷، ص ۳۵۲؛ همان، ۱۴۲۹ق، ص ۹۴-۹۶؛ موسویان و بهاری قراملکی، ۱۳۸۹).^۲

منظور از معیارهای عدالت در سطح بازار، شرایطی است که به صورت مستقیم به عرضه و تقاضا و یا هر دو مرتبط می‌شود و آنها را از حالت طبیعی خود خارج می‌کند و از نگاه اسلام باید در بازار مراعات شوند تا عرضه و تقاضا و در مجموع بازار در شرایطی عادلانه شکل گیرد. معیارهای بسیاری را می‌توان

۱. منظور از وضعیت طبیعی بازاری است که نرخ کالاها و خدمات، معلول عرضه و تقاضا و شرایط زمانی، مکانی و اجتماعی است که همگی به نحوی مشیت خداوند و اراده او در نظام هستی است.
 ۲. یکی دیگر از دلایل لزوم در نظر گرفتن شرایطی برای عادلانه شدن بازار، این بخش از نامه حضرت علی علیه السلام به حاکم مصر است که پس از تمجید از بازرگانان می‌فرماید: واعلم مع ذلک ان فی کثیر منهم ضیقا فاحشا وشحا قبیحا واحتکارا للمنافع وتحکما فی البیاعات وذلک باب مضره للعامه وعیب علی الولاة فامنع من الاحتکار، فان رسول الله منع منه ولیکن البیع بیعا سمحا بموازين عدل واسعار لاتجحف بالفریقین من البائع والمبتاع.

برای عادلانه بودن بازار در نظر گرفت که در این میان به دو معیار مهم یعنی نبود احتکار و نبود انحصار غیرطبیعی می‌پردازیم.

۱-۱- نبود احتکار

احتکار هر نوع فعالیتی است که در جهت ایجاد کمیابی ساختگی در بازار کالا و با هدف افزایش قیمت، انجام می‌پذیرد (شهید صدر، ۱۴۲۹ق، ص ۵۵). بنابراین، نگهداری کالا و عدم عرضه آن به بازار با دو شرط احتکار به حساب می‌آید؛ اول آنکه این کار سبب ایجاد کمیابی در بازار شود؛ در نتیجه نگهداری مقدار کمی از کالا (مانند آن مقدار از کالاها که مردم برای امرار معاش خود نگهداری می‌کنند) که عرضه و عدم عرضه آن تأثیر چندانی بر بازار ندارد، احتکار به حساب نمی‌آید؛ دوم آنکه نگهداری باید با هدف افزایش قیمت صورت گیرد؛ بنابراین، اگر هدف دیگری در کار باشد مانند ذخیره‌سازی برای موارد ضروری؛ اگرچه سبب افزایش قیمت شود، احتکار نخواهد بود.

ممنوعیت احتکار از احکام بازار اسلامی است (امام خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۷۷) و در روایات متعددی مورد مذمت قرار گرفته است.^۱ اسلام مانع حاکمیت محتکر بر قیمت بازاری شده و با اجبار وی بر عرضه کالا در بازار، مانع خروج نظام بازار از

۱. پیامبر اسلام می‌فرماید: من دخل فی شی من أسعار المسلمین لیغلبه علیهم کان حقاً علی الله ان یقذفه فی معظم من النار و رأسه اسفله: کسی که در موردی از نرخ‌های مسلمانان دخالت کند تا قیمت آنها را بر ایشان گران کند، بر خداوند متعالی است که او را وارونه به سخت‌ترین جای جهنم پرتاب کند.

حضرت در حکمت‌هایی چنین می‌فرماید: الاحتکار شیمه الفجار: احتکار، صفت فاجران و بدکاران است. در جای دیگری حضرت خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: از احتکار جلوگیری کن؛ همان‌طور که پیامبر از احتکار جلوگیری کرد؛ زیرا احتکار باعث زیان رساندن به جامعه است.

حالت طبیعی می‌شود.^۱ حتی پیامبر اسلام(ص) نیز از تعیین قیمت خودداری فرمودند. وقتی اسلام به حاکم (جز موارد ضروری) اجازه قیمت‌گذاری نمی‌دهد و تعیین قیمت را به مجموعه عوامل بازار احاله می‌کند، چگونه ممکن است با جایز شمردن احتکار، سرنوشت قیمت‌گذاری را به دست محترکان بسپارد؟

شهید صدر(ره) در این زمینه میان قیمت مبادله‌ای و قیمت فعلی تفکیک قائل می‌شود. از نگاه ایشان در حالی که قیمت مبادله‌ای ناشی از دو عامل توانایی در برطرف کردن نیاز انسان و کمیابی است؛ قیمت فعلی از عوامل دیگری همچون احتکار و کمیابی ساختگی تأثیر می‌پذیرد و سبب انحراف در قیمت‌بازاری می‌شود؛ بنابراین، از مسئولیت‌های دولت اسلامی، جلوگیری از انحراف قیمت مبادله‌ای است. دیدگاه ایشان نشان می‌دهد قیمت‌بازاری زمانی عادلانه است که عامل احتکار و کمیابی ساختگی در آن وجود نداشته باشد.

در ادامه ایشان یکی از عوامل پایین بودن دستمزد نیروی کار را احتکار مواد اولیه عنوان می‌کنند؛ چراکه نیروی کار مجبور به عرضه کار خویش در پایین‌ترین نرخ تأمین‌کننده حداقل معاش می‌باشد. از دیدگاه ایشان با از بین رفتن احتکار ساختگی، کار ارزش حقیقی خود را خواهد یافت. در واقع احتکار مواد اولیه سبب افزایش قیمت و در نتیجه کاهش تقاضای آن شده و با توجه به اینکه مواد اولیه و نیروی کار دو عامل مکمل به حساب می‌آیند، این امر موجب کاهش تقاضا برای نیروی کار و در نتیجه کاهش دستمزد می‌شود (ر.ک به: شهید صدر، ۱۴۲۹ق، ص ۵۲، ۹۴ و ۱۱۵-۱۱۶). بنابراین، احتکار سبب می‌شود تا قیمت در بازار اجحافی باشد. اگر قرار باشد قیمت در حالت احتکار اجحافی نباشد، هیچ قیمتی، اجحافی نخواهد بود؛ زیرا در هر بازاری

۱. در شرایط احتکار، ابتدا محترک به عرضه کالا اجبار می‌شود و چنانچه کالا را به قیمت ظالمانه عرضه کند، حکومت برای رفع مشکل، کالا را به قیمت‌المثل عرضه می‌کند. (ر.ک به: منتظری، ۱۴۰۶ق)

محدوده قیمت، منحنی تقاضاست و هیچ فروشنده‌ای قیمت را در بالاتر از منحنی تقاضا تعیین نمی‌کند و گرنه به فروش نمی‌رسد (رضایی، ۱۳۸۶، ص ۷۸-۷۹).

در این زمینه اشکال می‌شود که اسلام همان‌جایی که احتکار را ممنوع دانسته و محتکر را مجبور به عرضه کالای خود در بازار می‌کند، قیمتی را برای وی تعیین نمی‌کند و وی را ملزم به فروش محصولات خود به قیمت بازاری می‌نماید و این نشان می‌دهد که قیمت بازاری حتی در شرایط احتکار عادلانه است؛ بنابراین، اسلام قیمت بازاری را مطلقاً عادلانه می‌داند و شرط و شروطی برای آن قائل نیست. در پاسخ باید گفت: الزام به فروش در واقع الزام به کاهش قیمت است و بدون الزام به کاهش قیمت، فروشی رخ نخواهد داد.^۱ به عنوان مثال فرض کنید قیمت کالایی به سبب احتکار از کیلویی ۵۰۰ تومان به ۲۰۰۰ تومان رسیده است. حاکم، محتکر را مجبور به عرضه کالای احتکارشده به قیمت بازاری (۲۰۰۰ تومان) می‌نماید. آیا این حکم تأثیری در بازار خواهد داشت؟^۲ بدون کاهش قیمت، تقاضای آن کالا افزایش نمی‌یابد؛ بنابراین، کالایی به فروش نخواهد رسید؛ پس می‌توان گفت: الزام به فروش، در واقع الزام به کاهش قیمت است.

به طور خلاصه، نخست، اجبار محتکر به عرضه کالا، نشان‌دهنده ظالمانه بودن قیمت در شرایط احتکار است؛ دوم، غالباً کالای محتکر جز با کاهش قیمت به فروش نخواهد رسید؛ پس محتکر در چنین شرایطی ملزم به کاهش

۱. امام خمینی معتقد است در صورت اجحاف، محتکر به کاهش قیمت امر می‌شود و چنانچه موثر نبود، حاکم حق دارد او را به عرضه کالا به قیمتی که خود حاکم تعیین کرده است، مجبور کند (ر.ک: امام خمینی، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۶۱۲).

۲. با توجه به اینکه بازار در قیمت ۲۰۰۰ تومان به تعادل رسیده و مازاد تقاضا و عرضه‌ای وجود ندارد (اصولاً تعادل در قیمتی شکل می‌گیرد که مازاد عرضه و تقاضا وجود نداشته باشد).

قیمت است؛ سوم، الزام به فروش (مثلاً روزی ۵ درصد موجودی انبار)، سبب به وجود آمدن انتظار کاهش قیمت از سوی بازار می‌شود که خود با کاهش تقاضا در زمان حال، به کاهش بیشتر قیمت کمک می‌کند؛ چهارم، با از بین رفتن احتکار، قیمت تعادلی جدید در چنین شرایطی حاصل می‌شود که از نگاه اسلام عادلانه است.

۱-۲- نبود انحصار غیرطبیعی

انحصار باعث می‌شود فقط بخشی از عوامل بازار قدرت اعمال نظر خود را بیابد و مقدار تولید و قیمت را مشخص کند؛ برخلاف بازار رقابت کامل که کسی قدرت اعمال نظر در تعیین قیمت را ندارد.

در واقع انحصارگر میزان تولید را مطابق شرط $MR=MC$ تعیین می‌کند که پایین‌تر از سطح تولید در شرایط رقابتی است. کاهش سطح تولید به معنای کاهش تقاضای عوامل تولید می‌باشد که به کاهش سهم آنها از تولید منجر می‌شود. به‌طور کلی با رقابتی شدن اقتصاد، تولید و درآمد ملی افزایش و سهم عوامل تولید از درآمد نیز افزایش می‌یابد. با توجه به مطالبی که یاد شد، انحصار سبب خروج بازار از حالت طبیعی می‌شود که در این صورت الزاماً قیمت‌گذاری بازار عادلانه نخواهد بود.

در پایان این بحث باید گفت حق مالکیت معنوی یکی از موارد انحصار غیرطبیعی و از چالش‌های مهم بحث سهم‌بری نیروی کار در قسمت تولید خدمت است. همان‌گونه که اشاره شد، حق مالکیت معنوی به نظر برخی از فقها معتبر نیست؛ ولی حاکم می‌تواند طبق برخی مصالح آن را اعتبار کند. در تحقیق حاضر آن دسته از انحصارات غیرطبیعی که به واسطه حقوق ارائه‌شده مطابق قانون شکل گرفته‌اند، جزء انحصارات غیرطبیعی لحاظ نمی‌شود.

۲- معیارهای عدالت در سطح اقتصاد

با نگاه به متون اسلامی، ملاحظه می‌گردد که افزون بر معیارهایی که در شکل‌گیری عرضه و تقاضا در شرایط عادلانه مطرح می‌شود؛ معیارهایی فراتر از آنها و به عنوان زمینه‌ساز شکل‌گیری بازار، از سوی اسلام معرفی می‌گردد که بدون تحقق آنها، اطمینانی به عادلانه بودن قیمت‌گذاری بازار حاصل نخواهد شد. این معیارها با عنوان معیارهای عدالت در سطح اقتصاد ذکر می‌شود که منظور از آنها، معیارهایی است که زمینه‌ساز شکل‌گیری عرضه، تقاضا و بازار می‌باشد. معیارهایی که ذکر می‌شود حاصل تتبع تحقیق حاضر بوده و دلالتی بر انحصار معیارهای عدالت در سطح اقتصاد در این موارد ندارد.

۲-۱- برقراری عدالت در توزیع تولید اولیه

چگونگی توزیع تولیدات اولیه، نقش مهمی در شکل‌گیری بازار ایفا می‌کند. بخش عظیمی از تولیدات با استفاده از مواد خام طبیعی صورت می‌گیرد؛ بنابراین، مالکیت و قیمت آن، نقش مهمی در میزان اشتغال سایر عوامل تولید و سهم‌بری آنها خواهد داشت. در حالت حدی، اگر ملکیت مواد خام طبیعی در دست یک نفر قرار داشته باشد، بی‌شک وی نقش عمده‌ای در تعیین سطح اشتغال و قیمت سایر عوامل از جمله نیروی‌کار خواهد داشت. بدون تحقق عدالت در توزیع اولیه منابع تولید، عادلانه بودن سهم عوامل تولید، زیر سؤال خواهد بود. در چنین فرضی، الزاماً دستمزد تعیین‌شده، عادلانه نخواهد بود.

شهید صدر(ره) بر همین مبنا، عدالت در سهم‌بری عوامل تولید در تولید ثانویه را منوط به جریان قواعد اقتصاد اسلامی در توزیع تولیدات اولیه می‌داند. نتیجه این دیدگاه آن است که زمانی قیمت و سهم بازاری را می‌توان متصف به عدالت کرد که توزیع تولید اولیه در آن مطابق با قواعد اقتصاد اسلامی شکل گرفته باشد.

از دیدگاه ایشان، در صورتی که توزیع تولیدات اولیه مطابق قواعد اقتصاد اسلامی صورت نگرفته باشد، امکان دستیابی برخی افراد به موقیعت مالی برجسته، به سبب ملکیت تولیدات اولیه و تسلط بر اقتصاد و احتکار وسیع مواد اولیه، وجود دارد که فرایند توزیع در تولید ثانویه را تحت تأثیر قرار داده و مختل می‌کند. جهت برون‌رفت از این شرایط، دولت اسلامی می‌بایست به مبارزه با احتکار برخاسته و با استفاده از ثروت‌های عمومی در اختیار وبا محدود کردن بنگاه‌ها در تولید ثانویه تا حد عدم امکان تسلط بر حیات اقتصادی و قیمت‌گذاری عوامل تولید مطابق با شرایط عدم احتکاری، توزان اجتماعی را بازگرداند (ر.ک. به: شهید صدر، ۱۴۲۹ق، ص ۹۲-۹۷). در مجموع، قیمت‌گذاری عوامل تولید در شرایط عدم جریان قواعد توزیع در تولید اولیه، عادلانه نبوده و برقراری عدالت در توزیع تولید اولیه یکی از معیارهای عادلانه بودن قیمت و سهم بازاری است.

۲-۲- عدم نوسان شدید در سطح عمومی قیمت‌ها

قیمت‌ها نقش مهمی در سهم‌بری عوامل تولید ایفا می‌کنند. پس از تعلق عین محصول تولیدی به مالک آن و پرداخت سهم سود عواملی که به صورت مشارکتی در فرایند تولید به کار گرفته شده‌اند، این قیمت‌ها هستند که سهم سایر عوامل تولید (که بخش عمده‌ای از توزیع درآمد به حساب می‌آید) را مشخص می‌کنند. در واقع نظام قیمت‌ها از طریق قیمت‌های نسبی، سهم عوامل تولیدی که با اجرت ثابت به کار گرفته شده‌اند را تعیین می‌کند. روشن است که هرگونه تحول گسترده در نسبت قیمت‌ها، سهم‌بری عوامل تولید را دستخوش تغییر قرار می‌دهد.

نوسان شدید در سطح عمومی قیمت‌ها که با تغییر در ارزش پول همراه است، آثار متعددی در بخش‌های گوناگون اقتصادی همچون دیون، روابط مالی

و قراردادهای در بخش توزیع درآمد، تولید، مصرف، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، تجارت خارجی و ... به دنبال دارد. به عنوان مثال در افزایش سطح عمومی قیمت‌ها (تورم)، ارزش واقعی دارایی‌هایی که برحسب ارزش اسمی ثابت هستند، کاهش می‌یابد و افراد دارای پول، حساب‌های پس‌انداز قرض‌الحسنه، قراردادهای بیمه و امثال اینها به میزان کاهش ارزش پول، متضرر می‌شوند، در مقابل طلبکاران سود خواهند برد. همچنین کارمندان، بازنشستگان و افراد دارای درآمد ثابت، در وضعیت تورمی قدرت خرید واقعی درآمد خود را از دست داده و صدمه خواهند دید. میزان واقعی بدهی و دیون شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی تقلیل یافته در حالی که قیمت تولیدات آنها افزایش یافته است (یوسفی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۴-۱۴۶).

نوسان شدید در سطح عمومی قیمت‌ها، سهم‌بری عوامل تولید را از دو مسیر تغییر می‌دهد: مسیر اول ثابت بودن قیمت مندرج در قراردادها برای یک دوره زمانی مشخص می‌باشد. توضیح آنکه با ثابت بودن قیمت مندرج در قراردادهای به‌کارگیری عوامل تولید برای یک دوره زمانی مشخص، نوسان شدید در سطح عمومی قیمت‌ها، درآمد، هزینه و سود بنگاه تولیدی را تغییر می‌دهد که این امر به تغییر در سهم‌بری عوامل تولید منجر می‌شود و سهم نسبی عواملی که با قیمت ثابت به کار گرفته شده‌اند کاهش می‌یابد.^۱

به عنوان مثال، در شرایط افزایش شدید سطح عمومی قیمت‌ها، با توجه به ثابت بودن قراردادها برای یک دوره زمانی و لحاظ نکردن تورم در قرارداد، سهم واقعی

۱. معیار عدم نوسان شدید در سطح عمومی قیمت‌ها در صورتی معتبر است که تغییر در سطح عمومی قیمت‌ها منجر به تغییر در قیمت‌های نسبی شود؛ بنابراین، اگر پول ختنی باشد، یا اینکه نیروی کار دچار توهم پولی نبوده و با پیش‌بینی دقیق تورم، آن را در قرارداد لحاظ کند و یا اتحادیه‌های کارگری توان این کار را داشته باشند، این معیار حذف خواهد شد.

عامل تولیدی در طول دوره زمانی کاهش شدیدی خواهد یافت که با عدالت سازگار نیست.^۱ استخراج منحنی عرضه کل غافل‌گیری لوکاس، بر همین پایه استوار است.^۲ به عبارت دیگر با افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و ثابت بودن هزینه‌های بنگاه، سود افزایش یافته و در نتیجه تولید نیز فزونی می‌گیرد که این امر به معنای مثبت بودن شیب منحنی عرضه کل در اقتصاد است. این سازوکار مورد توجه برخی از اقتصاددانان و سیاست‌گذاران بخش اقتصادی قرار گرفته به گونه‌ای که وجود مقداری تورم برای اقتصاد را عامل محرک و مثبت قلمداد می‌کنند.^۳

مسیر دوم توزیع مجدد ثروت در جامعه در پی بروز نوسان شدید در سطح عمومی قیمت‌ها می‌باشد. با توجه به تغییر در نسبت قیمت‌ها در پی نوسان شدید در سطح عمومی قیمت‌ها،^۴ توزیع ثروت نیز دچار تغییر می‌شود. روشن است که توزیع اولیه ثروت، تأثیر مهمی بر سهم‌بری عوامل تولید دارد.

۱. لحاظ نکردن تورم در تصمیم‌گیری می‌تواند به دلیل وجود توهم پولی در نیروی‌کار و یا شکل‌گیری انتظارات وی به صورت تطبیقی (تصمیم‌گیری براساس اطلاعات گذشته) و یا غافل‌گیری عوامل اقتصادی باشد. حتی در صورت پذیرش نظریه انتظارات عقلایی، موضع ضعف برخی از عوامل تولید همچون نیروی‌کار ساده و پایین بودن قدرت چانه‌زنی آنها، موجب کاهش سهم واقعی آنها در طول دوره زمانی قرارداد خواهد شد.

۲. البته باید توجه کرد، استخراج منحنی عرضه کل با شیب مثبت، بر پایه دیگر نظریات نیز صورت می‌گیرد و این مورد اختصاص به منحنی عرضه کل غافل‌گیری لوکاس ندارد.

۳. بحث تورم خوب در سال‌های ۲۰۰۳ و پس از آن در ژاپن و برخی از دیگر کشورهای پیشرفته مطرح بوده و مطالعات در این زمینه ادامه دارد. (گرچه تورم خوب از دیدگاه ایشان در حد چهار درصد ارزیابی می‌شود، اما مکانیزم تأثیرگذاری آن بر افزایش تولید، از طریق کاهش سهم واقعی عواملی با عایدی ثابت، در طول دوره زمانی قرارداد می‌باشد؛ بنابراین حتی در صورتی که ادعا شود، افزایش تولید جبران کاهش سهم آنها را می‌کند، ناعادلانه بودن سهم عوامل در طول دوره قرارداد، به قوت خود باقی است).

۴. تغییر در نسبت قیمت‌ها می‌تواند به دلیل تفاوت در واکنش کالاها و خدمات در برابر افزایش قیمت‌ها باشد. در حالی که برخی از کالاها به سرعت به تغییر قیمت‌ها واکنش نشان می‌دهند، برخی دیگر با کندی فرایند تطبیق با قیمت‌های جدید را طی می‌کنند. ثابت بودن قیمت‌ها در طول دوره زمانی قرارداد، یکی از عوامل کندی واکنش است.

به‌رغم اینکه هر نوع نوسان در سطح عمومی قیمت‌ها، آثار یادشده را با شدت و ضعف در پی دارد؛ اما تحقیق حاضر به بررسی نوسان شدید می‌پردازد؛ چراکه ممکن است نوسان خفیف قابل چشم‌پوشی باشد. در مجموع در صورت نوسان شدید در سطح عمومی قیمت‌ها و تفاوت شدید قیمت بازاری و قیمت مندرج در متن قرارداد، نمی‌توان سهم تعیین‌شده در قرارداد را عادلانه دانست مگر اینکه در زمان قرارداد، مطابق قیمت بازاری و با تراضی صورت گرفته باشد.

۲-۳- میزان مشارکت نیروی کار

بازار زمانی می‌تواند عدالت را برقرار کند که سازوکار مشارکت در سود، ایجاد و تقویت شود و سود حاصل از تولید بین نیروی‌کار و صاحبان سرمایه توزیع شود. در نتیجه منافع حاصل از رشد تولید نزد عده‌ای محدود متمرکز نخواهد شد و به‌صورت خودکار، همه عوامل تولید از این منافع بهره‌مند و تعارض رشد و عدالت تا حدودی حل می‌شود. هرچه سهم قراردادهایی که بر اساس مشارکت در سود منعقد می‌شود، در بازارها بیشتر و سهم اجاره کمتر شود، سازوکار خودکار توزیع سود در بازارها قوی‌تر عمل خواهد کرد (فراهانی، ۱۳۸۳، ص ۵-۸).

در واقع عدالت در سهم‌بری عوامل تولید را می‌توان در دو لایه بحث کرد: یکی قبل از شکل‌گیری قالب حقوقی و دیگری بعد از شکل‌گیری آن. به عنوان مثال قبل از دخالت نیروی‌کار در فرایند تولید و شکل‌گیری رابطه حقوقی، می‌توان بحث کرد که کدام قالب عادلانه و وضعیت مطلوب می‌باشد. آیا اسلام شکل‌گیری رابطه استخدام و اجیر شدن نیروی‌کار را به‌طور وسیع، عادلانه می‌داند؟ آیا ممکن است بی‌عدالتی در سهم نیروی‌کار ریشه در همین رابطه حقوقی داشته باشد؟ بعد از شکل‌گیری رابطه حقوقی نیز می‌توان به بحث در مورد عدالت در ضمن آن قالب حقوقی پرداخت.

با توجه به کراهت اجیر شدن در اسلام،^۱ به نظر می‌رسد در این زمینه دیدگاه عدالت‌محورانه حاکم بوده و نباید عمده روابط سهم‌بری در اقتصاد بر مبنای اجرت ثابت شکل گیرد. در چنین شرایطی، بازار در توزیع عادلانه سهم عوامل تولید از کارایی لازم برخوردار نیست.

شاخص عدالت در سهم‌بری عوامل تولید

۱- تعریف شاخص

شاخص به معنای نماینده بودن برای یک گروه خاص است (فرهنگ، ۱۳۸۴، ص ۳۸۸، ذیل واژه Indicator) و در اصطلاح وسیله اندازه‌گیری و سنجش یک متغیر در یک زمان یا مکان معین می‌باشد (فرهنگ، ۱۳۸۴، ص ۳۸۵، ذیل واژه Index). به عبارت دیگر، شاخص امری است که بتوان به واسطه آن تغییرات یا ثبوت کمی یا کیفی یک موضوع را تشخیص داده و اندازه‌گیری کرد (دفتر سنجش فرهنگی، ۱۳۸۶، ص ۴۱).

شاخص عدالت در سهم‌بری عوامل تولید، یک شاخص ترکیبی است. شاخص ترکیبی هنگامی ایجاد می‌شود که تعدادی از سنجش‌های منفرد در یک شاخص ترکیبی واحد و بر مبنای یک مدل زیربنایی گردآوری شوند. اصولاً یک

۱. روایات متعددی در این زمینه در کتاب‌های روایی وارد شده است. در کتاب وسائل الشیعه بابی با عنوان «باب کراهة اجارة الانسان نفسه و عدم تحریمها»، به جمع‌آوری این روایات پرداخته که به برخی از آنها اشاره می‌شود (ر.ک: حر عاملی، بی‌تا، ج ۱۷، ص ۲۳۸-۲۳۹): عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ آجَرَ نَفْسَهُ فَقَدْ حَظَرَ عَلَيْهَا الرِّزْقَ وَ كَيْفَ لَا يَحْظَرُ عَلَيْهَا الرِّزْقَ وَ مَا أَصَابَهُ فَهُوَ لِرَبِّ آجَرَهُ.

عَنْ عَمَّارِ السَّابِطِيِّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الرَّجُلُ يَتَّجِرُ فَإِنْ هُوَ آجَرَ نَفْسَهُ أُعْطِيَ مَا يُصِيبُ فِي تِجَارَتِهِ فَقَالَ لَا يُؤَاجِرُ نَفْسَهُ وَلَكِنْ يَسْتَرْزِقُ اللَّهُ جَلَّ وَعَزَّ وَ يَتَّجِرُ فَإِنَّهُ إِذَا آجَرَ نَفْسَهُ فَقَدْ حَظَرَ عَلَى نَفْسِهِ الرِّزْقَ.

شاخص ترکیبی برای ارزیابی و سنجش مفاهیم چندبعدی که توسط یک سنجه خاص و منفرد قابلیت اندازه‌گیری ندارند به کار گرفته می‌شود. برای نمونه مفاهیمی مانند رقابت‌پذیری، صنعتی شدن، پایداری، جامعه دانش‌بنیان و سایر موارد همگی مفاهیمی چندبعدی‌اند و توسط یک سنجه، قابل اندازه‌گیری نیستند (طباطبائیان و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۱۴).

غالب شاخص‌های موجود در زمینه توزیع درآمد، به دنبال محاسبه میزان نابرابری یا برابری بوده و با توجه به تعریفی که از عدالت در دیدگاه اسلام بیان شد، نمی‌توان از این شاخص‌ها در بحث عدالت در سهم‌بری عوامل تولید از نگاه اسلام بهره جست. به عبارت دیگر، به علت تفاوت مبانی نظری عدالت و مفهوم آن در اسلام با شاخص‌های یادشده، در تحقیق حاضر امکان استفاده از این شاخص‌ها فراهم نیست و باید شاخص‌هایی متناسب با مبانی، مفهوم و معیارهای عدالت در اسلام که اشاره شد، طراحی شود.

۲- سنجه‌های عدالت در سهم‌بری عوامل تولید از دیدگاه اسلام

همان‌گونه که عنوان شد، شاخص عدالت در سهم‌بری عوامل تولید، ترکیبی از سنجه‌های مختلف است. بنابراین، ابتدا باید براساس معیارهایی که از عدالت ارائه شد، سنجه‌های متناسب را طراحی کرد و در نهایت با ترکیب آنها به شاخص واحدی با عنوان شاخص عدالت در سهم‌بری عوامل تولید دست یافت.

۲-۱- اعطای محصول تولیدی به مالک آن

اشاره شد که اولین گام در توزیع عادلانه سهم عوامل تولید، اعطای محصول تولیدی به عوامل تولیدی است که ملکیت محصول به آنها تعلق دارد. در تولید اولیه محصول تولیدی از آن نیروی کار بود؛ بنابراین، عدالت به معنای اعطای محصول تولیدی در این مرحله به نیروی کار می‌باشد و انحراف از آن بی‌عدالتی

خواهد بود. برای محاسبه عدالت در اعطای محصول تولیدی به مالک آن در تولید اولیه، نسبت مجموع ارزش ریالی تولیداتی که به نیروی کار داده شده، به مجموع ارزش ریالی تولیدات که باید به نیروی کار داده شود محاسبه می‌شود. این نسبت بیان می‌کند که چه کسری از حقوق نیروی کار (عین محصول تولیدی) به آنها پرداخت شده است.

عدالت در اعطای محصول تولیدی به مالک در تولید اولیه

$$= \frac{\text{مجموع ارزش ریالی تولیداتی که به مالک مواد اولیه داده شده است}}{\text{مجموع ارزش ریالی تولیداتی که می‌بایست به مالک نیروی کار پرداخت گردد}}$$

در تولید ثانویه، محصول تولیدی از آن مالک مواد اولیه بود، در بررسی

عدالت در این بخش، نسبت زیر محاسبه می‌شود:

عدالت در اعطای محصول تولیدی به مالک در تولید اولیه

$$= \frac{\text{مجموع ارزش ریالی تولیداتی که به مالک مواد اولیه داده شده است}}{\text{مجموع ارزش ریالی تولیداتی که می‌بایست به مالک مواد اولیه پرداخت گردد}}$$

همچنین مالک محصول تولیدشده در تولید خدمت، نیروی کار است که می‌تواند آن را در قالب عقود با بازدهی ثابت و متغیر واگذار کند. در هر صورت واگذاری از طریق بازار و به قیمت و سهم بازاری صورت می‌گیرد که در بررسی عدالت در آن، شاخص رعایت قیمت و سهم بازاری که در بخش بعدی طراحی می‌شود، استفاده می‌شود.

۲-۲- رعایت قیمت و سهم بازاری

پس از آنکه اصل محصول به مالک آن تحویل شد، عدالت در سهم سایر عوامل که به صورت مشارکتی و یا اجرت ثابت به کار گرفته شده‌اند، پرداخت قیمت و سهم بازاری به آنها می‌باشد؛ البته در صورتی که معیارهای عدالت در سطح بازار و اقتصاد رعایت شده باشد.

میزان انحراف از قیمت و سهم بازاری، بی‌عدالتی در سهم‌بری این دسته از عوامل خواهد بود. برای محاسبه عدالت در رعایت قیمت و سهم بازاری، نسبت مجموع قدر مطلق ارزش ریالی انحراف اجرت و سهم پرداختی از اجرت و سهم بازاری به مجموع ارزش ریالی اجرت و سهم عوامل تولید، محاسبه شده و حاصل از یک کسر می‌شود. نتیجه میزان رعایت قیمت و سهم بازاری در سهم‌بری عوامل تولید خواهد بود. در محاسبه این سنجه دو نکته باید رعایت شود:

اول آنکه کلیه سهم‌ها به ارزش ریالی تبدیل شده و سپس میزان انحراف در آنها محاسبه می‌شود. به عنوان مثال اگر سهم دارایی‌های مالی از سود پروژه تولیدی ۲۰ درصد باشد و سود تحقق یافته ۱۵۰ میلیون تومان باشد، ۳۰ میلیون تومان باید به آن تعلق گیرد. حال اگر در مقام عمل غیر از این رخ داده باشد (مثلاً سود به درستی اعلام نشده باشد)، میزان انحراف به عنوان بی‌عدالتی محاسبه می‌شود.

دوم آنکه، اگر قالب به‌کارگیری دارایی‌های مالی در فرایند تولیدی، ربوی شناخته شود، تمام سهم پرداختی به صورت انحراف محاسبه می‌شود؛ چراکه سهم دارایی‌های مالی در قرارداد قرض، صفر می‌باشد و هرچه دریافت شود، انحراف از این سهم خواهد بود.

$$\text{مجموع قدر مطلق ارزش ریالی انحراف اجرت و سهم پرداختی از اجرت و سهم بازاری} \\ \text{مجموع ارزش ریالی اجرت و سهم عوامل تولید} = 1 - \text{رعایت قیمت و سهم بازاری}$$

۳- سنجه‌های عدالت در سطح بازار

۳-۱- عدم احتکار

از تقسیم مجموع ارزش ریالی عوامل تولید احتکارشده به مجموع ارزش ریالی تمامی عوامل تولید تحت بررسی، نسبت عوامل تولید احتکارشده به دست می‌آید که با کم کردن این نسبت از عدد یک، می‌توان میزان عدم احتکار در بازار عوامل تولید را محاسبه کرد.

$$\text{مجموع ارزش ریالی عوامل تولید احتکار شده} - 1 = \frac{\text{مجموع ارزش ریالی عوامل تولید تحت بررسی}}{\text{میزان عدم احتکار در بازار عوامل تولید}}$$

۳-۲- عدم انحصار غیرطبیعی

مجموع ارزش ریالی هر کدام از عوامل تولید که به صورت انحصار غیرطبیعی تولید یا عرضه می شود، تقسیم بر مجموع ارزش ریالی تمامی عوامل تولید، نسبت عوامل تولیدی که انحصاری هستند را مشخص می کند که تفاضل این نسبت از عدد یک، میزان عدم انحصار غیرطبیعی در بازار عوامل تولید را ارائه می دهد.

$$\text{مجموع ارزش ریالی عوامل تولید انحصاری} - 1 = \frac{\text{مجموع ارزش ریالی عوامل تولید تحت بررسی}}{\text{میزان عدم انحصار غیرطبیعی در بازار عوامل تولید}}$$

۴- سنجه های عدالت در سطح اقتصاد

۴-۱- برقراری عدالت در توزیع اولیه منابع تولید

همان گونه که عنوان شد، برقراری عدالت در توزیع در تولید ثانویه، منوط به برقراری قواعد عادلانه توزیع در تولید اولیه است. بدین منظور همان سنجه عدالت در اعطای محصول تولیدی به مالک در تولید اولیه، محاسبه می شود.

$$\text{مجموع ارزش ریالی تولیداتی که به نیروی کار داده شده است} = \frac{\text{مجموع ارزش ریالی تولیداتی که باید به نیروی کار داده شود}}{\text{عدالت در اعطای محصول تولیدی به مالک در تولید اولیه}}$$

۴-۲- عدم نوسان شدید در سطح عمومی قیمت ها

با توجه به اینکه نوسان شدید در سطح عمومی قیمت ها به طور معمول به صورت افزایش در سطح عمومی قیمت ها می باشد و کاهش آن به ندرت رخ می دهد، در مقام محاسبه عدم نوسان شدید در سطح عمومی قیمت ها از شاخص تورم استفاده می شود. منظور از شاخص تورم، شاخص تعدیل کننده

تولید ناخالص داخلی^۱ (نسبت تولید ناخالص داخلی اسمی به تولید ناخالص داخلی حقیقی) است. به عنوان مثال، چنانچه نرخ تورم بیش از ۲۰ درصد بود، این سنجه محاسبه می‌شود و در غیر این صورت برای این سنجه عدد یک در نظر گرفته می‌شود. به عبارت دیگر ملاک شدید بودن نوسان در سطح عمومی قیمت‌ها، تورم ۲۰ درصد و بیش از آن خواهد بود. حاصل اختلاف نرخ تورم از عدد یک، عدم نوسان شدید در سطح عمومی قیمت‌ها را ارائه می‌کند.

شاخص تورم = $1 - \text{عدم نوسان در سطح عمومی قیمت‌ها}$

۴-۳- میزان مشارکت نیروی کار

میزان مشارکت نیروی کار در فرایند تولید، از نسبت تعداد نیروی کار شاغل به صورت مشارکتی به جمعیت نیروی کار شاغل به دست می‌آید.

$$\text{میزان مشارکت نیروی کار در فرایند تولید} = \frac{\text{تعداد نیروی کار شاغل به صورت مشارکتی}}{\text{جمعیت نیروی کار شاغل}}$$

۵- شاخص کل

برای محاسبه شاخص کل، سه مرحله زیر طی می‌شود:

۱- میانگین وزنی سنجه‌های عدالت در اعطای محصول تولیدی به مالک محاسبه می‌شود. وزن هر یک از سنجه‌ها، سهم هر کدام از تولید ناخالص خواهد بود. به طور مثال اگر ۳۰ درصد تولیدات در مرحله تولید اولیه صورت می‌گیرد، وزن سنجه اعطای محصول تولیدی به مالک در تولیدات اولیه، ۳۰ درصد خواهد بود؛

۲- میانگین حسابی ساده از سنجه‌های عدالت در سطح بازار و اقتصاد، به

1. GDP Deflator.

عنوان ضریب اطمینان به عادلانه بودن قیمت و سهم بازار، محاسبه و در سنجه رعایت قیمت و سهم بازاری ضرب می‌شود؛

۳- در نهایت شاخص عدالت در سهم‌بری عوامل تولید از نگاه اسلام، میانگین اعداد محاسبه شده در دو مرحله بالا خواهد بود.

$$= \text{شاخص عدالت در سهم‌بری عوامل تولید از نگاه اسلام} \\ \frac{1}{2} \left[\text{میانگین وزنی سنجه‌های عدالت در اعطای محصول به مالک} \\ + \left(\text{ضریب اطمینان به عادلانه بودن قیمت و سهم بازار} \right) \right] \\ \times \left[\text{سنجه رعایت قیمت و سهم بازاری} \right]$$

به عنوان مثال اگر مطابق سنجه اول، ۷۰ درصد محصولات تولیدی به مالکین آنها پرداخت می‌شود و مطابق معیار دوم ۹۰ درصد عوامل، قیمت و سهم بازاری خود را دریافت می‌کنند؛ اما میزان ضریب اطمینان به عادلانه بودن بازار ۸۰ درصد می‌باشد، شاخص عدالت در سهم‌بری عوامل برابر با: $\frac{1}{2} [70 + 80 \times 90] = 71$ (۷۱ درصد) خواهد شد.

تفسیر نهایی شاخص آن است که عدالت در سهم‌بری عوامل تولید در اقتصاد مورد بررسی تنها به میزان ۷۱ درصد احراز شد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

اسلام به‌طور مطلق، مالک بنگاه تولیدی را مالک کالاهای تولیدشده نمی‌داند؛ بلکه با توجه به مبانی اشاره شده، در مسئله قائل به تفصیل است. از نگاه اسلام در تولیدات اولیه، نیروی کار مالک محصول می‌باشد و در تولید ثانویه نیز مطابق اصل ثبات ملکیت، محصولات تولیدی از آن مالک مواد اولیه است؛ البته مادامی که توافقی میان وی و نیروی کار در جهت مشارکت در محصول، صورت نگرفته باشد که در این صورت نیروی کار نیز مطابق قرارداد در محصول سهیم خواهد بود.

در تولید خدمت نیروی کار مالک نتیجه کار خویش است و می‌تواند آن را در قالب عقود با بازدهی ثابت و متغیر عرضه کند. در مواردی که سایر عوامل تولید اجرت، سود و یا سهمی از محصول دریافت می‌کنند، اجرت و سهم بازاری ملاک عدالت در سهم‌بری آنها خواهد بود؛ البته قیمت و سهم بازاری به صورت مطلق عادلانه نیست و اتصاف قیمت و سهم بازاری به عدالت نیازمند وجود شرایط و معیارهایی است که اسلام آنها را مدنظر قرار می‌دهد.

در این میان برخی از معیارها مستقیماً متوجه طرف عرضه و تقاضا می‌باشد که از آنها با عنوان معیارهای عدالت در سطح بازار یاد می‌شود؛ برخی دیگر ارتباط غیرمستقیم با عرضه و تقاضا داشته و به نوعی زمینه‌ساز شکل‌گیری آنهاست که با عنوان معیارهای عدالت در سطح اقتصاد از آنها یاد خواهد شد. توجه به این نکته لازم است که اتصاف قیمت و سهم بازاری به عدالت، نیازمند وجود شرایط یادشده است و عکس این قضیه صادق نیست. به عبارت دیگر، در حالت فقدان همه یا برخی از شرایط، نمی‌توان قیمت بازار را ناعادلانه خواند؛ بلکه در این حالت تنها اعتماد و اطمینان ما نسبت به کارایی بازار در تعیین قیمت و سهم عادلانه عوامل کاهش می‌یابد.

به طور خلاصه، پس از مشخص شدن مالک محصول و تعلق محصول به وی، سهم عادلانه سایر عوامل (که مالک محصول نیستند) توسط قیمت و سهم بازاری تعیین می‌شود. بازاری که توسط معیارهای عدالت در سطح بازار و اقتصاد، اعتبارسنجی شده و میزان اطمینان بدان مشخص شده است.

معیارهای بسیاری را می‌توان برای عادلانه بودن قیمت و سهم بازاری در نظر گرفت که در این میان به دو معیار مهم یعنی نبود احتکار و نبود انحصار غیرطبیعی پرداخته شده است. از میان معیارهای عدالت در سطح اقتصاد نیز تنها به برخی از آنها یعنی برقراری عدالت در توزیع اولیه منابع تولید، عدم

نوسان شدید در سطح عمومی قیمت‌ها و میزان مشارکت نیروی کار اشاره شده است.

منابع

۱. بختیاری، صادق (پاییز ۱۳۸۸ش)، *تحلیلی از توزیع درآمد با استفاده از روش پارامتریک*، چاپ اول، تهران: معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی.
۲. حر عاملی (بی تا)، *وسائل الشیعه*، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۳. خمینی، سید روح الله (۱۳۶۶)، *کتاب البیع*، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۴. خمینی، سید روح الله (بی تا)، *تحریر الوسیله*، موسسه مطبوعات دارالعلم.
۵. دفتر سنجش فرهنگی (۱۳۸۶)، *شاخص های فرهنگ عمومی (موضوع ماده ۱۰۵ قانون برنامه چهارم توسعه)*، چاپ اول، تهران: دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی.
۶. رجایی، سیدمحمدکاظم (۱۳۷۵)، *قیمت گذاری در اقتصاد اسلامی*، پایان نامه کاشناسی ارشد، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۷. رجایی، سیدمحمدکاظم (۱۳۹۱)، *اقتصاد خرد با نگاهی به مباحث اسلامی*، چاپ اول، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۸. رجایی، سیدمحمدکاظم و سید مهدی معلمی (۱۳۹۰)، «*درآمدی بر مفهوم عدالت اقتصادی و شاخص های آن*»، *معرفت اقتصادی*، س ۲، ش ۴.
۹. رزاقی، مصطفی (۱۳۸۱)، *تحلیل مبانی معیارهای توزیع درآمد در نظریه های اقتصادی با نگرش اسلامی*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق علیه السلام، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد.
۱۰. رضایی، مجید (۱۳۸۶)، «*آثار برخی قواعد فقهی بر بازار کار*»، *مجله اقتصاد اسلامی*، ۱۳۸۶، ش ۱۸.
۱۱. ریکاردو، دیوید (۱۳۷۴)، *اصول اقتصاد سیاسی و مالیات ستانی*، ترجمه حبیب الله تیموری، تهران: نشر نی.

۱۲. سایت اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری.
۱۳. صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۸۷)، *اقتصادنا*، چ ۳، قم: موسسه بوستان کتاب.
۱۴. صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۲۹ق)، *الاسلام يقود الحياة*، المدرسه الاسلاميه، رسالتنا، چ ۴، قم: مركز الابحاث و الدراسات التخصصيه للشهيد صدر (انتشارات دارالصدر).
۱۵. طباطبائيان، سيدحبيب‌الله و رضا نقی‌زاده و محمد نقی‌زاده (۱۳۹۰)، «روش شناسی ایجاد شاخص ترکیبی ارزیابی نوآوری در راستای الگوی اسلامی و ایرانی پیشرفت»، *معرفت اقتصادی*، ش ۴.
۱۶. عبدالله‌بن‌جعفر (۱۴۱۳ق)، *قرب الاسناد (ط - الحدیثه)*، قم: موسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
۱۷. عیوضلو، حسین (۱۳۷۵)، «توزیع کارکردی: نظریه‌ای در روش اسلامی توزیع درآمد بین عوامل تولید»، *مجله پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام*، ش ۳.
۱۸. فراهانی‌فرد، سعید (۱۳۸۳)، «راهبردهای عدالت اقتصادی»، *مجله اقتصاد اسلامی*، ش ۱۵.
۱۹. فرهنگ، منوچهر (۱۳۸۴)، *فرهنگ علوم اقتصادی: انگلیسی - فارسی*، چ ۹، تهران: نشر آسیم.
۲۰. منتظری، حسینعلی (۱۴۰۶ق)، *رساله فی الاحتکار و التسعیر*، تهران.
۲۱. موسویان، سیدعباس و حسن بهاری قراملکی (۱۳۸۹)، «ضوابط قیمت‌گذاری از منظر فقه امامیه»، *مجله معرفت اقتصادی*، ش ۲.
۲۲. یوسفی، احمدعلی (۱۳۸۴)، «عدالت اقتصادی»، *مجله اقتصاد اسلامی*، ش ۱۷، ص ۹۵-۱۱۲.

Justice Index for Share Imparting to Production Factors; an Islamic Viewpoint

Sayyed Mohammad Kazem Rajae¹

Saeid Mahdaviwafa²

Abstract

Analyzing the just share of production factors from production-driven income and developing some indices for its measurement is one of the most important topics in the economic science and is emphasized by the general policies of Eghtesad-e Moghavemati. This involves taking four steps of conceptually explicating justice, recognizing the entitlements of the production factors, inferring justice indices, and finally designing the measures. Most of the previous studies performed with an Islamic viewpoint are not comprehensive and systematic, and none of them provide any measures in this regard.

Adopting an analytical-descriptive method, the present article propounds the hypothesis that in the viewpoint of Islam, justice in share imparting to production factors requires segregation of these factors, whose claim regards the substance of the product, meanwhile in this group of the factors, the criterion for justice in share impartation to the production factors is granting them the substance of the product. The share of the other factors (which don't have any claim to the substance of the product) is in the form of fees and market share.

Then, it is propounded that the fees and the market share are just if there exist the justice criteria in the market and economy levels. In designing the justice index for share imparting to the production factors, some measures are presented in each sector, and finally, by aggregating these measures, the justice index for share imparting to the production factors is presented.

Keywords: *Justice, Share Impartation, Production Factors, Justice Index.*

1. Faculty Member in Imam Khomeini (r.a.) Institute.

2. PhD Student in Economic Sciences, Shahid Beheshti University.

Eghtesad-e Moghavemati; Guarantee of Iran's Economic Security

Mohammad Jamal Khalilian Ashkzari¹

Abstract

Economic security is a fundamental condition for each and every country's growth and development, such that in its absence no investment and economic activity will take place. Also, for the individuals, economic security means sureness of existence of a proper situation in order for them to be able to easily satisfy their vital and necessary demands and have no anxiety over their demands' being satisfied. It's obvious that only in such a situation can one enjoy relative welfare accompanied with calmness.

The main question here is that in Iran's present situation, how can one reach economic security. The answer is that only the Eghtesad-e Moghavemati can guarantee Iran's economic security, because it is endogenous and outward-looking, and by paying attention to and using the internal resources, forces and endowments, it leads to economic growth and the progress of society, and therefore, it can guarantee the economic security in the highest level.

In the present article, considering the requirements of Eghtesad-e Moghavemati in the state and public sectors, we explain the relation between the two above-mentioned elements. Of course, explaining all requirements is not possible, but we examine the requirements affecting economic security.

Keywords: *Eghtesad-e Moghavemati, Economic Security, Sanctions, Investment, Guarantee.*

1. Associate Professor in Imam Khomeini (r.a.) Institute, Email: m_khalil411@yahoo.com.

People's Role in Eghtesad-e Moghavemati (with an Emphasis on the Supreme Leader's Sayings)

Ahmad Ali Yousefi¹

Mojtaba Ghaffari²

Abstract

People's participation in all spheres, especially in that of economy, is one of the principles of Iran's Islamic revolution. Thus, one of the economic problems of the Islamic Republic regime is people's participation in the economy, or in other words, popularizing the economy. Some specific policies have been communicated regarding the issue. But the Supreme Leader's sayings suggest its not being materialized. The present article aims at explaining the issue regarding such diverse aspects as the necessities, vulnerabilities, and policies, and also assessing the duties of general people and the officials regarding the issue in the Supreme Leader's sayings, and thus, inferring his majesty's viewpoint and offering some solutions.

The results show that not only does the Supreme Leader believe in people's real participation in the economy, but also he has explicated its different aspects, as well. In his opinion, Islamic Republic of Iran consists of the legal and real structures. As to the economic system, which is a sub-system of the Islamic Republic of Iran, one can consider the legal and real structures. In the present article, the role of these two structures in people's participation in the economy has been illuminated.

Keywords: *Eghtesad-e Moghavemati, Public Participation, People's Duties, Legal Structure, Real Structure.*

1. Associate Professor in Islamic Research Institute for Culture and Thought, Email: economy.islamic@gmail.com.

2. PhD Student in Islamic Economics, Islamic Research Institute for Culture and Thought, Email: Ghafari.Mojtaba@chmail.ir.

Producer's Behavior Model in Eghtesad-e Moghavemati

Sayyad Hossein MirMoezzi¹

Abstract

Eghtesad-e Moghavemati is people-based. One of the economic spheres in which the general people must play the key role is production. The present article tries to answer these questions: What is people's role in Eghtesad-e Moghavemati, and what and how does the producer produce in the Eghtesad-e Moghavemati? This research tries to prove that the producer in Eghtesad-e Moghavemati is crusader. A crusader producer utilizes all his intellectual, physical and financial strength for the sake of God to maximize the product necessary for the society.

In this article, in the framework of material causation system, using a simple model, and with fixed capital assumption, it is proven that it would be better for such a producer to use production factors in profit participation method, in order to reach the most production with the most profit. If so, he will utilize the profit over the minimum required for increasing investment and production. If it is impossible to adopt the profit participation method, the crusader producer maximizes his production with the constraint of reaching minimum required profit.

In conclusion, it is noted that if the producer crusades in production, he will enjoy divine guidance and aid, and his results will increase significantly.

Keywords: *Islamic Economy, Eghtesad-e Moghavemati, Producer's Behavior Model, Economic Crusade, Crusader Producer.*

1. Associate Professor in Islamic Research Institute for Culture and Thought, Email: h.mirmoezi@gmail.com.

Eghtesad-e Moghavemati's Principles and Standards Regarding Production, Distribution, and Consumption on the basis of Quranic Teachings (with an Emphasis on Surah Tawbah)

Azadeh Manzouree¹

Mohammad Naqi Nazarpour²

Majid Rezaee³

Abstract

Regarding its strategic and political status in the region, Iran has always been subject to various types of sanctions and economic pressures on the part of other countries. Thus, reinforcing its economic foundations in encountering with the diverse fluctuations and challenges is considered as an inevitable necessity. Therefore, in 2010 (1389 in Iranian calendar) the Supreme Leader propounded the term "Eghtesad-e Moghavemati" as an Islamic model. Besides determining how to interact and have economic relations with the other countries, the model explicates the context of reacting to the economic pressures and sanctions on our nation. As the Islamic teachings explicate the divine ideals and encompass all economic spheres, it is necessary to consider Quran's verses.

Adopting an analytical-descriptive method, the present article tries to prove the hypothesis that one can infer Eghtesad-e Moghavemati's principles from Quran's verses. Thus, it derives and explains these principles from verses of Surah Tawbah, as it encompasses verses of Jihad in the spheres on production, distribution, and consumption. Besides that, it examines and groups the principles, and then, compares these inferred principles with those driven out of policies communicated in the three spheres.

Keywords: *Eghtesad-e Moghavemati , Production, Distribution, Consumption, Quran.*

1. Master of Arts in Islamic Economics, Mofid University, Email: manzoori_azadeh@yahoo.com.

2. Associate Professor in the Faculty of Economics and Political Sciences, Mofid University, Email: nazarpur@mofidu.ac.ir.

3. Faculty Member in the Faculty of Economics and Political Sciences, Mofid University, Email: rezai@mofidu.ac.ir.

Eghtesad-e Moghavemati as an Islamic Idea

Mohammad-Jawad Tawakkoli¹

Omid Izanlou²

Abstract

Some different interpretations of the nature of Eghtesad-e Moghavemati have been presented in its course of evolution. A weakness of these interpretations is their lack of concentration on the core concept of Eghtesad-e Moghavemati and their failure to explain its Islamic aspect, as well. In the present article, using analytical method, we examine the nature of Eghtesad-e Moghavemati in the Islamic approach. The hypothesis here is that in assessing how to create economic stability and security alongside justice and economic growth, the Eghtesad-e Moghavemati exploits the Islamic approaches in order to determine the economic vulnerabilities, their priority and to determine the security-making strategies.

The results show that the Eghtesad-e Moghavemati's analysis of the internal/external, behavioral/structural and macro/sectoral economic disadvantages is different from the analyses presented in the enduring economy. The strategies of Eghtesad-e Moghavemati to encounter with the sufferings are different from those of enduring economy, as well. Paying attention to the disadvantages of usury financial system, consumerism culture and centralized social security system is one of the attributes of the Eghtesad-e Moghavemati. Participatory financing, moderative consumption culture, and non-centralized social security system are some of the security-making strategies based on the Islamic ideas.

Keywords: *Eghtesad-e Moghavemati*, *Enduring Economy*, *Economic Vulnerability*, *Islamic Economy*, *Islamic Idea*.

1. Assistant Professor in Economics Department, Imam Khomeini (r.a.) Institute, Email: tavakoli@iki.ac.ir.

2. PhD Student of Economics, Imam Khomeini (r.a.) Institute.

Content

5 / EGHTEHAD-E MOGHAVEMATI as an Islamic Idea
Mohammad-Jawad Tawakkoli / Omid IZANLOU

6 / EGHTEHAD-E MOGHAVEMATI 's Principles and Standards Regarding Production, Distribution, and Consumption on the basis of Quranic Teachings (with an Emphasis on Surah Tawbah)
Azadeh Manzouree / Mohammad Naqi Nazarpour / Majid Rezaee

7 / Producer's Behavior Model in EGHTEHAD-E MOGHAVEMATI
Sayyad Hossein MirMoezzi

8 / People's Role in EGHTEHAD-E MOGHAVEMATI (with an Emphasis on the Supreme Leader's Sayings)
Ahmad Ali Yousefi / Mojtaba Ghaffari

9 / EGHTEHAD-E MOGHAVEMATI ; Guarantee of Iran's Economic Security
Mohammad Jamal Khalilian Ashkzari

10 / Justice Index for Share Imparting to Production Factors; an Islamic Viewpoint
Sayyed Mohammad Kazem Rajaei / Saeid Mahdaviwafa

Editorial Board:

Mohammad Jamal Khalilian Ashkzari

(Associate Professor in Imam Khomeini (r.a.) Institute)

Askar Dirbaz

(Associate Professor in Qom University)

Saeed Farahanifard

(Associate Professor in Qom University)

Sayyed Mohammad Kazem Rajaei

(Associate Professor in Imam Khomeini (r.a.) Institute)

Gholamali Masuminiya

(Assistant Professor in Kharazmi University)

Sayyad Hossein Mirmoezzi

(Associate Professor in Islamic Research Institute for Culture and Thought)

Mohammad Naqi Nazarpour

(Associate Professor Mofid University)

Hasan Agha Nazari

(Professor in Research Institute of Hawzah and University)

Ali-Asghar Hadaviniya

(Associate Professor in Islamic Research Institute for Culture and Thought)

Ahmad Ali Yousefi

(Associate Professor in Islamic Research Institute for Culture and Thought)

Journal of

**EGHTESAD-E
MOGHAVEMATI**
Research

Vol.1 / No.1 / Spring and Summer 2016

Proprietor: Association of Islamic Economics of seminary
Chief Director: Sayyad Hossein Mirmoezzi
Editor-in-Chief: Saeed Farahanifard

Address:

Postal Code: 3716685746

Tel: (025)32923288

Fax: (025)32916402

Web site: [www. Islamicec.ir](http://www.Islamicec.ir)
Email: m.e.moghavemati@chmail.ir